



فصلنامه علمی

سال دهم / شماره بیست و نهم / زمستان ۱۴۰۱

ISSN: ۲۵۳۸-۶۱۹۰

EISSN: ۲۷۱۷-۴۰۸۵

صاحب امتیاز: جامعه المصطفی ع العالمیه
محل انتشار: مجتمع آموزش عالی بنت الهدی

مدیر مسئول: سید محمود کاویانی

سر دبیر: علی نقی فقیه‌هی

اعضای هیئت تحریریه (به ترتیب حروف الفبا)

حمید پارسانیا/ دانشیار فلسفه، عضو هیئت علمی دانشگاه تهران
مسعود جان بزرگی/ استاد روان شناسی، عضو هیئت علمی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه
فرح رامین/ استاد فلسفه و کلام اسلامی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم
عادل ساریخانی/ استاد حقوق جزا و جرم شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم
محمد مهدی صفورایی پاریزی/ دانشیار روان شناسی تربیتی، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی ع العالمیه
جمیله علم الهدی/ دانشیار علوم تربیتی و روان شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی
محمد فاکر میبدی/ استاد تفسیر و علوم قرآن، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی ع العالمیه
علی نقی فقیه‌هی/ دانشیار روان شناسی تربیتی، عضو هیئت علمی دانشگاه قم
حسین قمری گیوی/ استاد مشاوره، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی
محمد مهدی گرجیان عربی/ استاد عرفان اسلامی و علوم قرآن، عضو هیئت علمی دانشگاه باقر العلوم
محسن ملک افضلی/ استاد فقه و مبانی حقوق، عضو هیئت علمی جامعه المصطفی ع العالمیه
محمد نریمانی/ استاد روان شناسی، عضو هیئت علمی دانشگاه محقق اردبیلی

مدیر داخلی: سارا شفیعی

کارشناس نشریه: هدی بنگدار آفرانی

ویراستار: زهرا شفیعی

مترجم چکیده: کمال برزگر بفروری

صفحه بندی: خانه چاپ و گرافیک سحر

فصلنامه علمی «پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده» در پایگاه‌های اطلاع‌رسانی ذیل به صورت تمام متن قابل دسترسی است.

۱. پایگاه استنادی علوم جهان اسلام (ISC) www.isc.gov.ir
۲. پایگاه مجلات تخصصی نور www.noormags.ir
۳. بانک اطلاعات نشریات کشور www.magiran.com
۴. پایگاه اطلاعات علمی جهاد دانشگاهی www.sid.ir

پایگاه نشریه <http://pzjournals.miu.ac.ir>
پست الکترونیکی pzjournals@miu.ac.ir
این نشریه حاصل فعالیت مشترک جامعه المصطفی ع العالمیه با انجمن علمی فقه و حقوق خانواده ایران است.

نشانی مجله: قم، پردیسان، ابتدای بلوار امامت، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی.

امور تحریریه: ۰۲۵-۳۷۱۸۳۳۰۰ کد پستی: ۶۴۴۶۲-۳۷۱۶۶

قیمت: ۶۰۰,۰۰۰ ریال

این نشریه، براساس نامه مورخ ۱۳۹۴/۰۹/۱۶ به شماره
۳/۱۸/۱۹۴۹۷۷/کمیسیون نشریات علمی کشور (وزارت علوم،
تحقیقات و فناوری)، از شماره ۲ حائز رتبه «علمی-پژوهشی» گردید.

رویکرد: موضوع «زن و خانواده» از دیرباز مورد بررسی، پرسش و ژرف نگری
اندیشمندان دینی و غیردینی بوده است و طرفداران هر اندیشه، با توجه
به شالوده معرفتی خود، نظام فکری مبتنی بر آن شالوده را ارائه می نمایند.
فصلنامه علمی «پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده» در پی آن است
که اندیشه های علمی دانش پژوهان و فرهیختگان را در حوزه زنان و
خانواده، مبتنی بر مبانی اسلامی و نقد شناسه های غیر دینی منتشر نماید
و به نشر مؤلفه های بنیان های فکری دین اسلام بپردازد.

داوران علمی این شماره (به ترتیب حروف الفبا)
رضا احمدی، خالد الغفوری، محمد جواد بحرینی
داود تقوایی، محمد ستایش پور، سید علی سید موسوی
حسن شکوری، داود صفا، محمد مهدی صفورایی پاریزی



راهنمای تدوین و نگارش مقالات فصلنامه علمی «پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده»

۱. مقاله دست‌آورد پژوهش علمی نگارنده بوده و مختصات روش شناختی و سامان یافته در ارائه موضوع مورد تحقیق بوده و برای چاپ در نشریات دیگر ارسال نشده باشد.
۲. پذیرش مقاله برای چاپ به عهده هیئت تحریریه فصلنامه است که بعد از داوری و تأیید همکاران علمی نشریه، صلاحیت چاپ آن، اعلام خواهد شد. بدیهی است که فصلنامه هیچ‌گونه تعهدی در قبال پذیرش و یا رد مقاله بر عهده نخواهد داشت و کلیه مسئولیت‌های ناشی از صحت علمی و یا دیدگاه‌های نظری و ارجاعات مندرج در مقاله بر عهده نویسنده و یا نویسندگان آن خواهد بود.
۳. مقالات ارسالی حداقل در ۱۵ صفحه و حداکثر ۲۰ صفحه (۳۰۰ کلمه‌ای) و با قلم لوتوس شماره ۱۲ در محیط word حروف چینی شده باشد و به پایگاه نشریه ارسال گردد.
۴. مقاله ارسالی باید دارای ساختار مقالات علمی و با رعایت شرایط ذیل باشد:
 - ۱-۴. دارای عنوان، چکیده، (حداکثر ده سطر یا ۱۵۰ کلمه)، کلید واژگان (حداکثر ۷ کلید واژه)، مقدمه، روش پژوهش، نتایج، بحث و نتیجه‌گیری و فهرست منابع باشد.
 - ۲-۴. عنوان مقاله دقیق، علمی، متناسب با متن مقاله و با محتوایی رسا و مختصر باشد.
 - ۳-۴. مقدمه مقاله محل طرح موضوع مقاله، اهمیت و ابعاد و پیشینه موضوع مورد پژوهش و بیان منظور نویسنده از طرح پژوهش باشد.
 - ۴-۴. روش پژوهش شامل روش تحقیق، طرح تحقیق، جامعه و نمونه آماری و ابزار جمع‌آوری اطلاعات است.
 - ۵-۴. در بخش نتایج، نتایج حاصل از تحقیق و آزمون فرضیه ارائه شود.
 - ۶-۴. در بخش بحث و نتیجه‌گیری، مقایسه دستاورد پژوهش با دیگر مطالعات ارائه شود و پیشنهادات کاربردی و محدودیت‌های مربوط به پژوهش نیز بیان گردد.
 - ۷-۴. استناد دهی و تنظیم فهرست منابع به شیوه APA باشد:

رفرنس دهی به شیوه APA

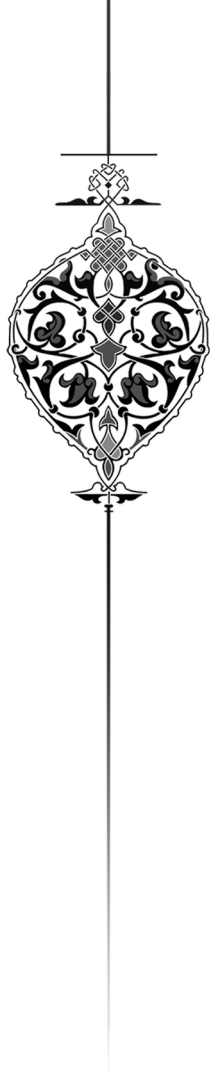
الف) ارجاع به متون در داخل متن با یک نویسنده و یک کتاب

۱. اگر نام نویسنده داخل متن ذکر شود: فقط (سال انتشار) کنار نام نویسنده داخل پرانتز بیان می‌شود؛
 ۲. اگر نام نویسنده و سال انتشار داخل متن ذکر شود در انتهای متن رفرنس آورده نمی‌شود.
 ۳. اگر نام نویسنده و سال انتشار در متن ذکر نشود، ارجاع داخل پرانتز و انتهای متن بیان می‌شود. (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار)
- اگر ذکر شماره صفحه ضروری باشد شماره صفحه بعد از سال انتشار بیان می‌شود: (نام خانوادگی نویسنده، سال انتشار، شماره صفحه). اگر کتاب داری چند جلد باشد: (نام نویسنده، سال انتشار، ج/ص)
- ب) ارجاع به متون با نویسنده نامشخص
۱. چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله داخل پرانتز همراه با سال انتشار نوشته می‌شود: (چند کلمه از عنوان کتاب یا مقاله، سال انتشار).
- ج) تنظیمات فهرست منابع

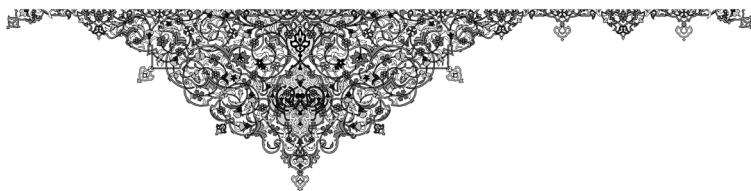
۱. مقاله
- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). عنوان مقاله. عنوان مجله، شماره نشریه (دوره انتشار)، شماره صفحه ابتدای مقاله - شماره صفحه انتهایی مقاله.
۲. کتاب
- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). نام کتاب. نام کامل مصحح یا مترجم. محل انتشار: انتشاراتی. اگر نویسنده شرکتی باشد نوبت چاپ بعد از عنوان کتاب در پرانتز ذکر می‌شود:
- نام خانوادگی، نام نویسنده (سال انتشار). نام کتاب (نوبت چاپ). محل انتشار: انتشاراتی.
۳. ارجاع به کتبی که نویسنده مشخص ندارد مثل فرهنگ لغت:
- عنوان کتاب (نوبت چاپ). (سال انتشار). محل انتشار: انتشاراتی.

در این شماره می خوانیم

- تحلیل هویت زن ایرانی بر مبنای ارزش های اساسی در کتاب های خاطرات دفاع مقدس / فرشته موحدیان عطار،
علی ربانی خوراسگانی، ثریا معمار ۹
- تحلیل کیفی مشکلات زنان دارای همسر جانباز: یک پژوهش پدیدارشناختی / محمد محمدی، علی رضایی شریف، علی
شیخ الاسلامی، حسین قمری گیوی ۳۱
- امکان سنجی بسته مداخله ای کاهش تعارض زناشویی براساس منابع اسلامی / علی محمد صالحی، محمد مهدی
صفورایی پاریزی ۵۳
- تأثیر تغییر جنسیت پیش از عقد نکاح در ایجاد خیار فسخ و نقش معالجه خنثی پس از عقد نکاح / پرویز باقری، عبدالجبار
زرگوش نسب ۷۵
- معیار تحقق کراهت زوجه از زوج در طلاق خلع / عبدالله فتوحی، محمدرضا کیخا، نادر مختاری افرانکی ۹۷
- تحلیل انتقادی راه های جواز مصافحه زن و مرد نامحرم / زهره حاجیان فروشانی، محمدرضا حمیدی، فاطمه سواعدی ۱۱۳
- بازنمایی تنوع گفتمانی الگوهای خانواده ایرانی با تأکید بر نگرش به کار خانگی در تجربه زیسته دختران مجرد/ داوود صفا ۱۳۵



مقالات



تحلیل هویت زن ایرانی بر مبنای ارزش‌های اساسی در کتاب‌های خاطرات دفاع مقدس

فرشته موحدیان عطار^۱، علی ربانی خوراسگانی^۲، ثریا معمار^۳

چکیده

ارزش‌ها از جمله عوامل مؤثر بر شکل‌دهی هویت در هر جامعه است. پژوهش حاضر باهدف بررسی و تحلیل هویت زن ایرانی بر مبنای ارزش‌های اساسی در کتاب‌های خاطرات دفاع مقدس به روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار انجام شد. بدین منظور آثار مکتوب در این موضوع که شامل خاطرات نوشته شده از سوی زنان شرکت‌کننده در دفاع مقدس بود، مورد بررسی قرار گرفت و پنج کتاب در این زمینه برای نمونه پژوهش انتخاب شد که عناوین این کتب عبارتند از: فرنگیس، من زنده‌ام، از چنده‌لا تا جنگ، یکشنبه آخر و پوتین‌های مریم. نتایج پژوهش نشان داد که ارزش‌های اخلاقی مانند تعهد، صبر، شکرگزاری، سخاوت، خیرخواهی و ارزش‌های فرهنگی مانند فروتنی، تواضع، قدرت، دانش، سلامت و در نهایت ارزش‌های مذهبی مانند خدامحوری، تقوی، اخلاص، نرم‌خویی و عفاف بر هویت زنان ایرانی در دوران دفاع مقدس مؤثر بوده است.

واژگان کلیدی: هویت زن ایرانی، ارزش‌های دفاع مقدس، هویت زنان، تحلیل

محتوای جهت‌دار، خاطرات دفاع مقدس.

نوع مقاله: پژوهش تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۷/۲۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴
۱. کارشناس ارشد مطالعات زن و خانواده، دانشکده ادبیات و علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: fe_mo_att@yahoo.com
۲. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
Email: a.rabbani@ltr.ui.ac.ir
۳. دانشیار گروه علوم اجتماعی، دانشکده ادبیات و علوم اجتماعی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران.
Email: soraya.memarV@gmail.com

A Study on Iranian Women's Identity Based on Basic Values in the Holy Defense Diaries

Fereshteh Movahedian Atar¹, Ali Rabani Khorasgani², Soraya Memar³

Values are among the effective factors in forming identity in every society. The present research aimed to analyze Iranian women's identity based on basic values in the holy defense diaries applying oriented qualitative content analysis; thus, the written works, including diaries by the women who were present in the holy defense, were reviewed, and five diaries, including "Anavin Farangis", "Man Zendeam", "Chandehla ta Jang", "Yekshanbeh Akhar", and "Poutinhayeh Maryam", were selected as the sample. The results demonstrated that moral values such as commitment, patience, gratitude, generosity, and benevolence; cultural values like humility, power, knowledge, and health; and religious values such as God-centeredness, piety, sincerity, gentleness, and chastity, influenced Iranian women's identity in the holy defense.

Keywords: Iranian women's identity, values of the holy defense, women's identity, oriented qualitative content analysis, holy defense diaries.

Paper Type: Research

Data Received: 2021 / 10 / 16 Data Revised: 2022 / 04 / 08 Data Accepted: 2022 / 04 / 24

1. M.A. in Women and Family's Studies, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran. (Corresponding Author)

Email: fe_mo_att@yahoo.com

2. Professor, Department of Social Sciences, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Email: a.rabbani@ltr.ui.ac.ir

4. Associate Professor, Faculty of Literature and Humanities, University of Isfahan, Isfahan, Iran.

Email: soraya.memar7@gmail.com

ارزش‌ها از مهمترین وجوه زندگی روزمره است و جنبه‌های اساسی تنوع در رفتارهای انسانی را نشان می‌دهند. ارزش‌ها در طول تاریخ دستخوش تغییراتی شده‌اند که این تغییرات ممکن است از بیرون جامعه و یا از درون آن باشد و این دگرگونی‌ها بر هویت و به‌ویژه هویت زنان، تغییراتی ایجاد کند. جامعه ایرانی و زن ایرانی از این نظر، مستثنی نیست و خواه‌وناخواه هویت ایشان نیز دستخوش دگرگونی می‌شود. (علیخانی، ۱۳۸۶) از نظر جامعه‌شناسی، ارزش‌ها الگوهای اجتماعی است که در حد پذیرش توسط گروهی از افراد، مبنایی برای ایجاد انتظارات مشترک و معیاری برای هدایت و تنظیم رفتار فراهم می‌کند (علمی، ۱۳۸۸). هویت با این مسئله که «من چطور خودم را می‌بینم و دیگران چگونه مرا می‌بینند» ارتباط دارد، با فرد و اجتماع مرتبط است، به واسطه شباهت و تفاوت مشخص می‌شود، می‌تواند چندگانه یا منفرد باشد و همچنین می‌تواند ثابت، سیال یا در حال تغییر دیده شود (مذهبی، ۱۳۹۰). هویت هر انسانی می‌تواند آگاهانه یا ناآگاهانه به واسطه تشویق‌ها و تنبیه‌ها در اجتماع شکل بگیرد یا می‌تواند از دوران کودکی باتوجه به تفاوت تربیت پسر و دختر ایجاد شود. هویت در طول زمان باتوجه به مبانی فرهنگی، سنتی، قومی، طبقاتی، اجتماعی و غیره ساخته می‌شود. در شکل‌دهی هویت زنان ایرانی، عوامل متفاوتی تأثیرگذار است از جمله عوامل طبیعی (محیط جغرافیایی) و عوامل فرهنگی و اجتماعی مثل عقاید، باورها، آموزه‌های دینی و آداب و رسوم قبیله‌ای (رمضان نرگسی، ۱۳۸۳). از آنجاکه زنان، تربیت نسل‌های آینده را برعهده دارند بررسی نظام ارزشی که بر هویت آنها مؤثر است اهمیت زیادی دارد.

جنگ ایران و عراق، حادثه تاریخی بزرگ و سرنوشت‌سازی بود که از تاریخ، ۳۱ شهریور سال ۱۳۵۹ با تجاوز عراق آغاز شد و در تاریخ ۲۶ تیرماه سال ۱۳۶۷ پس از پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ از سوی جمهوری اسلامی ایران به پایان رسید. زنان در دوره هشت‌ساله دفاع مقدس نقش‌های گوناگونی مانند رزمنده، امدادگر، آزاده، مادر شهید، همسر شهید، همسر جانباز و... برعهده داشتند. این دوران تاریخی شاهد تحولی عظیم در نگرش‌های زنان نسبت به خو و جهان پیرامونشان بوده است به طوری که زنان در این دوران از ارزش‌های مادی‌گرایانه روی برگردانده و ارزش‌های غایی و معنوی را سرلوحه زندگی فردی و اجتماعی خود قرار



دادند. زنان در این دوره تاریخی به یکی از عمده‌ترین گروه‌های اجتماعی و مروج ارزش‌های معنوی در جامعه بدل شدند.

یکی از دغدغه‌های اعضای هر جامعه انتقال تجربیات هر نسل به نسل دیگر است؛ نسلی که در طی هشت سال، جنگ را با تمام فراز و نشیب‌های آن تجربه کرد و تا پای جان از میهن خویش دفاع نمود تا فرزندانش با امنیت در سرزمین ایران زندگی کنند و حتی برای یک وجب از خاک خود از جان و مال خود فروگذاری نکرد. این نسل با روایت احوالات جنگ توانست ارزش‌هایی که برایشان جنگیده بود را برای نسل‌های بعد بازگو کند. برخی از نوشته‌های برجای مانده، متعلق به زنانی است که در دوران جنگ حضور فعالی داشته‌اند. خاطرات این گروه از زنان، مخزنی است تا محقق به کمک آن بتواند به شرایطی که زنان شرکت‌کننده در دفاع مقدس تجربه کردند، واقف شود و تأثیر جنگ را در نظام ارزشی و هویت‌یابی فردی و اجتماعی زنان در آن دوران حساس بررسی کند. هدف اصلی پژوهش حاضر، بررسی ارزش‌هایی است که بیشترین تأثیر را بر روی هویت زنان در دفاع مقدس داشته است که چگونگی تأثیرگذاری ارزش‌های اساسی بر هویت زنان ایرانی در دوران جنگ نیز مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌های خجسته (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که زنان در فرایند هویت‌یابی از سه عامل: جنسیت، خانواده، جامعه و ساختارهای آن تأثیر می‌گیرند. داریاپور (۱۳۸۶) بر این نکته تأکید دارد که ارزش‌ها از سویی راهنما و تعیین‌کننده‌گرایش‌های اجتماعی و ایدئولوژی‌ها و از سوی دیگر، تعیین‌کننده رفتار و کنش اجتماعی است. فاضلی دهکردی و فرمهینی‌فراهانی (۱۳۸۹) در مطالعه خود نشان دادند که پژوهشگران در برخورد با موضوع زن، با توجه به دیدگاه خود، یکی از چهار رویکرد را برگزیده‌اند که عبارت است از: زن به طور ذاتی شرور است، زن موجودی ناقص است، زن و مرد در همه عرصه‌ها با هم یکسان هستند (برخی از گروه‌های فمینیستی)، زن و مرد با وجود تفاوت در نقش‌ها و ویژگی‌هایشان در به‌کمال رسیدن و انسان بودن با هم یکسانند. حاتمی و مذهبی (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود نشان دادند که در سال‌های اخیر، هویت‌یابی جنسیتی زنان از عوامل متعددی تأثیر گرفته است. وضعیت و جایگاه زنان امروز در جامعه با وضعیت و جایگاه آنها در گذشته بسیار متفاوت است. یکی از

عوامل مؤثر آن، تأثیر رسانه‌های مدرن از جمله اینترنت است. همچنین رفعت جاه و روح افزا (۱۳۹۱) معتقدند که شناخت نگرش موجود به هویت زن مسلمان در شرایط کنونی جامعه ایران که از سویی با گرایش‌های سکولاریستی مواجه است و از سوی دیگر در معرض افکار رادیکال فمینیستی قرار دارد، گام اول برای بازشناسی و احیای هویت دینی زن مسلمان است. احمدی و قادرزاده (۱۳۹۳) ارزش‌ها را از مهمترین وجوه زندگی روزمره می‌دانند که جنبه‌های متنوع رفتارهای انسانی را شکل می‌بخشند. فیاض و خضری (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای با عنوان بررسی هویت زن ایرانی - مسلمان از خلال مفاهیم جنسیت معتقدند که جنسیت در شکل‌گیری هویت زن ایرانی اهمیت بسزایی دارد و هویت زنان، ارتباط تنگاتنگی با تجربه زیست شده آنها در جامعه دارد. سیاوشی و زیویار (۱۳۹۵) در پژوهش خود تأثیر سیاست‌های فرهنگی پهلوی بر بروز بحران هویت زن ایرانی با تأکید بر نظریه تکوین و تکون هویت ملی ایرانیان معتقدند به دلیل غلبه نسبی ساختارهای مبتنی بر الگوی توسعه غربی بر جامعه ایرانی عصر پهلوی اول در درازمدت، زن ایرانی با به هم ریختگی و بحران هویت روبه‌رو شده است. همچنین عطارزاده (۱۳۹۶) در مطالعه خود نشان داد که در طول تاریخ، زنان به دلیل نادیده انگاشته شدن موجودیت و هویت مستقل از سوی نظام‌های اجتماعی حاکم بر جوامع مختلف انسانی، همواره در معرض آسیب شخصیتی قرار داشته‌اند. در جریان حرکت‌های توحیدی تأمین احساس امنیت وجودی فارغ از ملاحظات جنسیتی در مرد و زن، یکسان دنبال می‌شود تا زمینه تجلی حضور با قاطعیت فراهم شود.

بایرن^۱ (۲۰۰۳) در پژوهشی با نام توسعه مدل جامعه‌شناختی برای تحقیق هویت اجتماعی و شخصی زنان می‌گوید: «هویت شخصی ما از احساسی برمی‌خیزد که ما خودمان را با آن می‌شناسیم درحالی‌که هویت اجتماعی ما طبقه‌بندی و دسته‌بندی ما از سوی دیگران است». سینگ^۲ (۲۰۰۷) ادعا دارد که پارادایم جنسیت و توسعه به واسطه اصول فمینیسم غربی و توسعه اقتصادی هدایت می‌شود. محدودیت‌های دیگر پارادایم شامل نگرانی از نابرابری‌های مرد و زن، تعمیم‌های کلان، نمایش نمادین زنان و گنجایش محدود شده زمینه‌های محلی را برجسته می‌کند. مکینزی^۳ (۲۰۱۳) معتقد است که هویت، دیدگاهی

1. Byrne, A.
2. Singh, S.
3. McKinzie, B. CH.



جمعی از خود در حوزه‌های مختلف است و از نظر الین^۱ (۲۰۱۷) هویت به حس شخص از خودش و چگونگی شکل‌گیری تعامل با دیگران در دنیای اجتماعی اشاره دارد.

اگرچه تاکنون بررسی‌هایی در مورد هویت و ارزش انجام شده است، تاکنون پژوهشگران در مورد جنگ، نظام ارزشی آن دوران و تأثیر آن نظام ارزشی در هویت‌یابی افراد جامعه، مطالعه مستقلی انجام نداده‌اند. با بررسی مسئله پژوهش حاضر، ضرورت تحقیق و مطالعات پیشینه، این نتیجه حاصل شد که موضوع پژوهش حاضر هم در مطالعات هویت و هم در مطالعات ارزش‌ها مسئله جدیدی است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

مطالعه نظریه‌های مختلف و گستردگی ابعاد موضوع مورد مطالعه باعث شد که دیدگاه ترکیبی برای انجام پژوهش حاضر انتخاب و رویکردی تلفیقی از نظریه‌های مرتبط با ارزش‌ها و هویت استفاده شود. آلپورت^۲ معتقد است که تمام انسان‌ها از شش نظام ارزشی پیروی می‌کنند که عبارتند از: علم و دانش، ارزش‌های سیاسی (قدرت و سلطه)، ارزش‌های زیباشناختی (هنر)، ارزش‌های اقتصادی (پول و ثروت)، ارزش‌های اجتماعی (شهرت و محبوبیت)، نظام ارزشی دینی (میردربکندی، ۱۳۸۹). صانعی ارزش‌ها را به هشت طبقه تقسیم می‌کند؛ این تقسیم‌بندی به ترتیب درجه و یا اهمیت نیست و سعی شده است تا ارزش‌هایی که مورد شناخت و توجه اکثریت جامعه است، برشمرده شود که عبارتند از: قدرت، روشنفکری یا دانش، ثروت و توانگری، احترام، سلامت، مهارت، محبت و تقوا (صانعی، ۱۳۷۲). روکیچ^۳ بر این باور است که هر فرد به‌طور نسبی، ارزش‌هایی دارد که برای او اهمیت خاصی دارند و نظام باورهای کلی هر فرد به‌صورت کارکردی و سلسله‌مراتبی ساختاربندی شده است. بنابراین، اگر بخشی از یک سیستم تغییر کند بخش‌های دیگر آن نیز تحت تأثیر قرار گرفته و تغییر می‌کند و به تبع آن بر رفتار فرد نیز اثر می‌گذارد (احمدی و قادرزاده، ۱۳۹۳). جوادی آملی هم معتقد است اگر انسان در مسائل علمی که ملاک ارزش است و همچنین در مسائل عملی که معیار ارزش است هیچ سخنی از مذکر و مونث نیابد به یقین، موصوف آنها مذکر و مؤنث نیست. ارزش‌ها و ضد ارزش‌ها نه مذکر هستند و نه مؤنث. این ارزش‌ها با

1. Elaine Lynn, Ho.

2. Allport, GW.

3. Rokeach, M.

روح انسان در ارتباط می‌باشند و در روح انسان هیچ نشانه‌ای از مذکر بودن و مؤنث بودن نیست (جوادی‌آملی، ۱۳۷۱).

به اعتقاد جنکینز^۱ هویت اجتماعی، امکان برقراری ارتباط پایدار و معنادار با دیگران را که محور و مبنای زندگی اجتماعی است، فراهم می‌کند. هویت فردی زنان از مجموع هویت‌های اجتماعی و شخصی آنها تشکیل می‌شود. از دیدگاه تاجفل^۲ هویت اجتماعی، آن بخش از برداشت فرد از خود است که از آگاهی او نسبت به عضویت در گروه (یا گروه‌های) اجتماعی سرچشمه می‌گیرد که با اهمیت ارزشی و احساسی که به آن عضویت اضافه شده، همراه است (گل‌محمدی، ۱۳۸۱). از نظر گیدنز، هویت شخصی همان خود است که شخص آن را به صورت بازتابی از زندگی نامه‌اش می‌پذیرد (گیدنز^۳، ۱۳۸۷).

در پژوهش حاضر در بخش ارزش‌ها، نظام ارزشی دینی آپورت و تقسیم‌بندی ارزش‌ها از نظر صناعی و همچنین نظریه رویچ مبنی بر ارتباط هویت و ارزش مورد نظر است. نظریه جوادی‌آملی از نظریه‌هایی است که از نظر پژوهشگر می‌توان به آن تکیه کرد؛ زیرا تمام ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و مذهبی که از کتاب‌های متعدد و نظریه‌ها و تعاریف اندیشمندان مختلف در پژوهش حاضر به کار رفته است با این دید انتخاب شده‌اند که به هیچ‌کدام از آنها نمی‌توان به طور جداگانه نام ارزش‌های زنان و یا ارزش‌های مردانه داد؛ زیرا تمام ارزش‌ها هم مربوط به زنان است و هم مربوط به مردان. در پژوهش حاضر از نظریه گیدنز در مورد هویت شخصی و از نظریه هویت اجتماعی جنکینز استفاده شده است.

۲-۱. الگوی تحلیلی ارزش‌های اساسی پژوهش

۲-۱-۱. ارزش‌های فرهنگی

آنچه جوامع و اقشار مختلف را در درون یک جامعه از هم متمایز می‌کند باورها، ارزش‌ها و نگرش یا فرهنگ آنهاست. (داریاپور، ۱۳۸۶) فرهنگ، ارزش‌هایی دارد که متعلق به یک جامعه خاص است. این ارزش‌ها را فرهنگ به هم می‌آمیزد و به صورت کمابیش منظم تعبیر و تفسیر می‌کند. به کمک فرهنگ، افراد معنی و مقصود حیات اجتماعی و فردی را درک می‌کنند (صناعی، ۱۳۷۲). اقسام ارزش‌های فرهنگی عبارتند از: قدرت (شامل شجاعت،

1. Jenkins, R.
2. Tajfel, H.
3. Giddens, A.

با قاطعیت سخن گفتن، اقتدار در عمل؛ دانش (شامل مهارت، تحصیل علم)؛ فروتنی و تواضع (شامل احترام به افراد) و سلامت (شامل اعتماد به نفس).

۲-۱-۲. ارزش‌های اخلاقی

ارزش‌های اخلاقی، مجموعه قواعدی است که رفتار انسان را در زندگی شخصی و اجتماعی هدایت می‌کند. وجود ارزش‌های اخلاقی به معنای وجود انسان و کمالاتی است که معیارهای تکامل انسان است. (کاردوست فینی، ۱۳۹۳) اقسام ارزش‌های اخلاقی عبارتند از: تعهد (شامل مسئولیت‌پذیری)؛ صبر (شامل شکیبایی در سختی‌ها و دشواری‌های زندگی، شکیبایی در بیماری‌ها)؛ شکرگزاری (شامل شکرگزار خدا بودن، تشکر از والدین و یادآوری مهر و محبت آنها، قدردان محبت دیگران بودن)؛ سخاوت (شامل کمک به مستمندان، گذشت، ایثار)؛ خیرخواهی (شامل محبت، تعاون و همیاری).

۲-۱-۳. ارزش‌های مذهبی

ارزش‌های مذهبی، اصول و فروعی دارد که در دین و مذهب، اموری مطلوب و مورد پسند است و از بیرون، انتظار عمل به آنها می‌رود. (علیزاده، ۱۳۷۷) ارزش‌ها از دیدگاه اسلامی عبارتند از: باورها، اعتقادات و ایمان اسلامی، خواه به شکل احکام اسلامی بیان شده باشند و خواه به صورت اصول اعتقادی و با قواعد فقهی. اقسام ارزش‌های مذهبی عبارتند از: خدامحوری (شامل توکل به خدا)؛ تقوی (شامل عبادت، یادگیری مسائل دین)؛ نرم‌خویی (شامل حسن خلق)؛ عفاف (شامل حیا، حجاب)؛ اخلاص (شامل خلوص نیت، انطباق گفتار و عمل).

۳. شیوه اجرای پژوهش

در پژوهش حاضر برای دست‌یابی به حقیقت علمی، ماهیت موضوع، حوزه مطالعاتی مورد نظر و هدف پژوهش به روش تحلیل محتوای کیفی جهت‌دار با استفاده از تکنیک مقوله‌ای انجام شد. تکنیک مقوله‌ای مبتنی بر مقوله‌های ساخته شده از محتوا انجام می‌شود و تحلیل انجام شده، پیام و شرحی از محتوا براساس مقوله‌هاست. در پژوهش حاضر مقوله‌ها براساس مطالعه منابع متعدد در زمینه ارزش‌ها از دیدگاه نظریه‌پردازان مختلف به دست آمده است و با نظر اساتید و خبرگان دانشگاهی برگزیده شده‌اند. هویت زنان براساس سه نوع ارزش عمده بررسی شده است که عبارتند از: ارزش‌های اخلاقی، مذهبی و فرهنگی و

مقوله‌ها به مقوله‌های عمده، اصلی و زیرمقوله‌ها تقسیم‌بندی شده‌اند. داده‌های پژوهش حاضر براساس یک مطالعه موردی و از نوع داده‌های متنی است؛ ابتدا کلیه متون مطالعه شده و سپس پاراگراف‌ها رمزگذاری شده‌اند. روش نمونه‌گیری در پژوهش حاضر، موردی و از انواع نمونه‌گیری هدفمند- معیار محور بود. راهبردی که برای این نمونه‌گیری انتخاب شده، نمونه‌گیری موارد خاص یا بی‌مانند بود. در پژوهش حاضر از روش غیر واکنشی (غیر مزاحم) برای رسیدن به نتایج مطلوب استفاده شد.

جدول ۱

تقسیم‌بندی ارزش‌ها

مقولات عمده	مقولات اصلی	زیر مقوله	
ارزش‌های فرهنگی	قدرت	شجاعت	
		با قاطعیت سخن گفتن	
		اقتدار در عمل	
	دانش	مهارت	
		تحصیلی در علم	
		احترام به افراد	
ارزش‌های مذهبی	فروتنی و تواضع	خود انکایی	
	سلامت	توکل به خدا	
	خداحوری	حسن خلق	
	نرم خویی	صمیمیت	
		عبادت	
	تقوی	یادگیری مسائل دینی	
		عفاف	حیا
	ارزش‌های اخلاقی	اخلاص	حجاب
			خلوص نیت
		تعهد	انطباق گفتار و عمل
			مسئولیت‌پذیری
		صبر	شکیبایی در سخت‌ها و دشواری‌های زندگی
شکیبایی در بیماری‌ها			
شکرگزاری		شکرگزار خدا بودن	
		تشکر از والدین و یادآوری مهر و محبت آنان	
		قدردان محبت دیگران	
سخاوت		کمک به مستمندان	
	گذشت		
	اینثار		
خیرخواهی	تعاون و همیاری	محبیت	

۴. یافته‌های پژوهش

برای تحلیل کتاب‌ها ابتدا برای هر کتاب، جدول جداگانه‌ای براساس ارزش‌های اساسی اخلاقی، فرهنگی و مذهبی ترسیم شد و در آن، مقوله‌های عمده، اصلی، زیرمقوله، واحد تحلیل و کدهای اصلی مشخص گردید. برای نمونه، قسمتی از جدول‌های یکی از کتاب‌ها در جداول ۱ تا ۳ بیان شده است.

۴-۱. ارزیابی ارزش‌های اساسی در کتاب پوتین‌های مریم

جدول ۲

مقوله اصلی تعهد از ارزش اخلاقی در کتاب پوتین‌های مریم

مقوله اصلی	زیرمقوله	کد اصلی	واحد تحلیل خط به خط	واحد تحلیل
تعهد	مسئولیت پذیری	انجام وظیفه	به ما گفتند آب این نه‌ر آلوده است و باید آن را ضد عفونی کرد.	دو خواهر و سه برادر با هم می‌رفتیم. یک‌بار کنار یک روستا رفتیم. به ما گفتند آب این نه‌ر آلوده است و باید آن را ضد عفونی کرد. ضد عفونی کردن نه‌ر را در عمل به ما نشان دادند و گفتند که باید این مقدار کلر را وارد این مقدار آب کنیم تا آب تصفیه شود. ص ۲۶

جدول ۳

مقوله اصلی دانش از ارزش‌های فرهنگی در کتاب پوتین‌های مریم

مقوله اصلی	زیرمقوله	کد اصلی	واحد تحلیل خط به خط	واحد تحلیل
دانش	مهارت	آموزش نظامی	- افشار، عملیات تخریب، کار با TNT، انفجار و چاشنی را به ما یاد داد و حیدری آموزش تیراندازی را یاد داد. - دوره‌های آموزش نظامی سینه‌خیز رفتن، خیز سه‌تاییه و پنج‌تاییه بازوبسته کردن اسلحه را یاد گرفتیم و به میدان تیر رفتیم. ص ۳۱	افشار، عملیات تخریب، کار با TNT، انفجار و چاشنی را به ما یاد داد و حیدری آموزش تیراندازی را یاد داد. دوره‌های آموزش نظامی سینه‌خیز رفتن، خیز سه‌تاییه و پنج‌تاییه و بازوبسته کردن اسلحه را یاد گرفتیم و به میدان تیر رفتیم. ص ۳۱

جدول ۴

مقوله اصلی تقوی از ارزش‌های مذهبی در کتاب پوتین‌های مریم

مقوله اصلی	زیرمقوله	کد اصلی	واحد تحلیل خط به خط	واحد تحلیل
تقوی	عبادت	- خواندن نماز - خواندن دعا	- خواندن نماز - خواندن دعای ندبه	آقا جان صبح زود بلندمان می‌کرد. بعد از خواندن نماز صبح به دعای ندبه می‌رفتیم. ص ۱۲

کتاب پوتین‌های مریم، روایت خاطرات مریم امجدی یکی از دختران شجاع خرمشهری درباره وقایع جنگ است. مریم از نظر تربیتی از همان کودکی ارزش‌های مذهبی، سرلوحه



زندگی‌اش بود. در نظام ارزش‌گذاری اسلام، ارزش افراد در جامعه و در جهان آخرت به معیارهای والای انسانی است (زیبایی‌نژاد و سبحانی، ۱۳۸۵). او در هنگام جنگ، اسلحه به دست گرفت و به مبارزه با دشمن برخاست. شب‌ها با هم‌زمانش به دعا و نیایش می‌پرداخت و نشان داد که زنان جنگ ابتدا به خود و سپس به دیگران ثابت کردند که زن مسلمان، توانایی زیادی دارد که در صورت تجلی، معرف پایگاه و جایگاه زن در اسلام است. عبادت و یادگیری مسائل دینی، بالاترین و مقدم‌ترین ارزش‌هاست. مذهب، بخش مهمی از هویت شخص است و با در اختیار قرار دادن چارچوب و مبانی ارزشی به فرد کمک می‌کند به زندگی خود معنا و مفهوم ببخشد. مریم به دلیل بعد مذهبی شخصیتش، قبل از انقلاب که بیشتر دخترها بدون حجاب به مدرسه می‌رفتند او با چادر می‌رفت. اصل و فلسفه حجاب برای زن، تکریم و گرامیداشت گوهر وجود اوست؛ زیرا هرگاه حقیقت والا و ارزشمندی مطرح باشد پرده و حریم و حجاب به میان می‌آید و مرز بین محرم و نامحرم معلوم می‌شود (اعظم‌رام‌پناهی، ۱۳۸۵).

مهارت و یادگیری فنون و دانش باعث ارتقای آگاهی می‌شود و در این مورد زنان مستثنی نیستند؛ زیرا زنان در تولید، توزیع، انتشار دانش و فناوری نقش بسزایی دارند. همچنین به دلیل نقش تربیتی آنها در پرورش افراد جامعه توجه به توانمندی آنها در عرصه‌های علم و فن‌آوری مهم است. زنان بدون دست‌یافتن به دانش و آگاهی متناسب با تغییرات جدید هرگز نمی‌توانند تعریفی متناسب با زمان را نسبت به کیستی و چیستی خود به دست آورند. (عزیززاده، ۱۳۸۷) مریم امجدی پس از انقلاب با تحصیل در دبیرستان به عضویت حزب جمهوری اسلامی، جهاد سازندگی و بسیج مستضعفین خرمشهر درآمد و دوره‌های امدادگری و فنون نظامی را آموزش دید و نشان داد که با کسب این آموزش‌ها می‌تواند بر توانایی و قدرت خود بیفزاید. شاید افراد به ندرت قدرت را یکی از خصوصیات زنانه تلقی کنند، اما حقیقت این است که اگر زمینه و شرایط در جامعه ایجاد شود، می‌توان دید که بسیاری از زنان، این ویژگی را دارند و به بهترین شیوه می‌توانند از آن استفاده کنند. مریم امجدی هنگام جنگ ایران و عراق با شجاعت و غیرتی که داشت در هر موقعیتی که حکم می‌شد، می‌ایستاد و چون سربازی دلاور بی‌چون و چرا خدمت می‌کرد. شخصیت مریم امجدی از کلیشه نقش‌های زنانه درآمده و سعی کرده است وظیفه انسانی خود را در مقابل جنگ به تصویر بکشد.

۴-۲. ارزیابی ارزش‌های اساسی در کتاب فرنگیس

کتاب فرنگیس، خاطرات یکی از زنان غیور گیلان غرب است. فرنگیس زنی است که با فرهنگ شهر و روستای خود رشد و نمو کرده و در طول زندگی او ارزش‌هایی که پرنگ‌تر جلوه کرده، بر شخصیت و هویتش تأثیر گذاشته است. بیشترین نکاتی که از زندگی فرنگیس نمود پیدا می‌کند، شجاعت اوست. از سخت‌ترین موقعیت‌های زندگی فرنگیس، هنگام مواجه شدن او با دو سرباز عراقی است که این مورد را می‌توان نقطه عطفی در زندگی و سرنوشت وی برشمرد. فرنگیس سعی کرد در این موقعیت خطرناک بدون آنکه تزلزلی در او به وجود آید با اقتدار تمام عمل کند و به جای عقب‌نشینی با تبر، یکی از سربازان عراقی را کشت و دیگری را به اسارت درآورد؛ زیرا اگر قاطعانه چنین تصمیمی نمی‌گرفت، ممکن بود که کشته یا اسیر شود. در تمام موقعیت‌های خطرناک با وجود احترامی که برای شوهر خود براساس اعتقادات مذهبی و یا سنن فرهنگی قائل بود، سعی می‌کرد کاری را انجام دهد که برای دفاع از خانواده و سرزمینش بهترین راه باشد و بر این باور بود که شجاع و نترس بودن، یک ارزش است و باید به آن پایبند بود.

فرنگیس، اعتماد به نفس بالایی داشت و سعی می‌کرد هر کاری را چه مردانه و یا زنانه، به خوبی انجام دهد و تا حد ممکن به خود متکی باشد. زن مسلمان، زن تکلیف‌گرا، وظیفه‌مدار و خدامحور است. اعتماد به نفس در زندگی هر زنی بسیار تأثیرگذار است؛ زیرا اجازه کارآمد بودن به او می‌دهد. این درحالی است که نگاهی واقع‌بینانه به خود و موقعیت خود داشته باشد. زنانی که اعتماد به نفس دارند به توانایی‌های خود ایمان داشته و به راحتی می‌توانند زندگی خود را کنترل کنند و بر این عقیده‌اند که با داشتن اعتماد به نفس به انجام همه کارها قادرند. با تحلیل خصوصیات فرنگیس مشخص می‌شود که می‌توان او را زنی مستقل دانست، اما استقلال و خوداتکایی او باعث نشد که از احساس وابستگی و نزدیکی به خانواده و اطرافیانش کاسته شود.

صبر در برابر سختی‌ها، مشکلات زندگی و بیماری‌ها پالایش‌دهنده روح و جسم افراد است و در نتیجه در هویت و شخصیت افراد تأثیر دارد چنانچه این موارد در زندگی فرنگیس به خوبی مشهود است. هنگام جنگ خانه او به ویرانه‌ای تبدیل می‌شود و در دل کوه با



دستان خود خانه‌ای می‌سازد و در آنجا به تنهایی باید بچه‌اش را به دنیا آورد. فرنگیس می‌بایست دردهای دیگری مانند درد دیدن شهید و مجروح شدن خواهرها، برادران و نزدیکانش را تحمل کند. محبت به دیگران و ایثار از خصوصیات بارز زنان ایرانی است که در زندگی فرنگیس در دوران دفاع مقدس مشهود است. ایثار در فرهنگ اسلامی این است که انسان چیزی را که به آن تعلق دارد در راستای تحقق بخشیدن به هدفی یا اجرای تکلیفی به دیگران ببخشد. مسئولیت‌پذیری فرنگیس از دغدغه‌های اصلی او بود. در هنگام جنگ، پذیرای بسیاری از مسئولیت‌های خطیر بود؛ زیرا با پشتکار و همتی که داشت، توانست به همگان بقبولاند که زن بودن او منافاتی با انجام تعهداتش در قبال خانه، شهر و حتی کشورش در زمان جنگ ندارد.

۴-۳. ارزیابی ارزش‌های اساسی در کتاب از چنده‌لا تا جنگ

کتاب *از چنده‌لا تا جنگ* روایت زنانه از دفاع مقدس است. شمسی سبحانی در زمان انقلاب و در هنگام جنگ، در بیمارستان‌ها امدادگر بود و سعی کرد به کارهای سخت و طاقت‌فرسا خود را عادت دهد تا مسئولیتش را در قبال مجروحان به بهترین شیوه انجام دهد. او نشان داد که یک زن اگر شرایط مساعدی برایش فراهم شود به بهترین شیوه می‌تواند به تمام تعهداتش عمل کند. صبر و شکیبایی، ارزشی است که در زندگی بسیاری به صورت آشکار و نهفته وجود دارد. سبحانی، زمانی که مادرش بیمار بود، درس و مدرسه را رها کرد و به نگهداری از مادر پرداخت و برای کسب درآمد نیز به کار خیاطی مشغول شد. در دفاع مقدس با وجود کم‌دردهای مضمّن به امدادگری مشغول بود. این امر نشان می‌دهد که اصل قرار دادن ارزش‌ها و آرمان‌ها برای یک زن چگونه می‌تواند تغییراتی در زندگی او ایجاد کند که حتی سلامت جسمی خود را نیز فراموش کند. برخی از زنان در پذیرش الگوها و ارزش‌هایی که به شدت مورد قبول آن‌هاست، انعطاف‌پذیری زیادی دارند و این امر در مورد زنانی که در جبهه‌های جنگ شرکت داشتند نیز به خوبی آشکار بود. از شاخه‌های ارزش‌های فرهنگی می‌توان به مقوله قدرت اشاره کرد. خانم سبحانی زمان انقلاب با حضور در تظاهرات و مبارزات و یا هنگامی که در کردستان پرستار بود و به دل دشمن می‌زد. وقتی با مسئولیت خودش به جاده‌های کردستان که بسیار خطرناک بود پامی گذاشت،



شجاعتش به خوبی نمودار می‌شد. او در قالب زنی که مذهب و اخلاق سرلوحه زندگی‌اش است، نخواست شجاعتش را در مواردی به‌کارگیرد که هویتش زیر سؤال برود. او تنها می‌خواست که با قدرتش انجام وظیفه کند و به اهداف خیرخواهانه‌اش برسد.

بخش عظیم سرمایه و ثروت انسان، دانش است. علم در ایجاد و ارتقای فرهنگ و تمدن نقش اساسی دارد. فراگیری علم و دانش برای پیشرفت کارهای انسان در زندگی نقش بسزایی دارد. مهارت، کمترین هماهنگی بین ذهن و جسم برای رسیدن به توانمندی و شایستگی است. شمسی سبحانی که مدتی ترک تحصیل کرده بود به دلیل ضرورت، برای علم‌آموزی در سن ۲۴ سالگی در کلاس‌های شبانه‌روزی ثبت‌نام کرد. کسب مهارت‌های امدادرسانی، کمک‌های اولیه و غیره نیز جزو برنامه‌های اصلی او بود.

هویت با نقشی که افراد از خود ایفا می‌کنند، شناخته می‌شود. (ربانی و کجاف، ۱۳۸۸)

شخصیت افراد، ارتباط تنگاتنگی با ارزش‌های مذهبی آنها دارد. شمسی سبحانی معتقد است که زندگی او به خواست خدا بستگی دارد و این نشان می‌دهد که خمیرمایه اصلی وجودی او با توکل بر خدا بنا نهاده شده است و او با اعتقادش تقوی و بندگی خود را نشان می‌دهد. حسن خلق و رفتار محبت‌آمیز شمسی سبحانی با مجروحان و همکاران، زبانزد همگان بود. او سعی می‌کرد حتی در سخت‌ترین شرایط جنگی نیز محیطی گرم و صمیمی ایجاد کند و به این ترتیب آرامش و دلگرمی را به دیگران هدیه دهد تا همگی بتوانند شرایط سخت جنگ را تحمل کنند.

۴-۴. ارزیابی ارزش‌های اساسی در کتاب من زنده‌ام

معصومه آباد، راوی کتاب من زنده‌ام یکی از زنان شجاع خطه آبادان است. معصومه، با محبت و مهر مادر و عشق بیکران پدرش بزرگ شد. این عشق و محبت چنان تأثیری در او داشت که در قسمت‌های مختلف خاطراتش با نیکی از والدین و خانواده‌اش یاد می‌کند. در خاطراتش به یادآوری مهر و محبت والدین و آشنایانش و تشکر از آنها می‌پردازد و داشتن این روحیه را از وجود آنها می‌داند. او اظهار می‌دارد که پشتیبانی پدرش، عصاره جرأت و شهامت در تمام دوران جنگ و اسارت برای او بود. در اسلام نیز دیده می‌شود که سپاس از کسی که واسطه نعمتی برای شخص بوده، بسیار مهم است و معیار شکر خدا، شکر مخلوق

اوست. صبر، یک ویژگی روانی و ثبات درونی است که نتیجه آن، مدیریت احساسات و هیجانات، توان تحمل سختی‌ها و سخت‌کوشی در کارهاست. معصومه در زمان جنگ بمباران شدن خانه‌ها و شهید و زخمی شدن مردم بسیاری را دید و این موارد موقعیت حزن‌انگیزی را برای او ایجاد کرده بود. در زمان اسارت، شاهد زخمی‌کردن، شکنجه‌دادن و شهید کردن بسیاری از اسرا بود. شکنجه، سرما و گرمای طاقت‌فرسا در زندان‌های مخوف و متعفن بعضی‌ها؛ بی‌خبر از همه‌جا و همه‌کس در زمان اسارت بسیار سخت بود. و رای تمام سختی‌ها آنچه سبب می‌شد دچار عذابی سخت شود هنگامی بود که او را تا حد مرگ تحقیر می‌کردند و او از خدا طلب صبر می‌کرد؛ صبری جمیل، صبری که فقط خریدارش خدا بود و این تنها نسخه آرام‌بخش برای او بود.

خیرخواهی معصومه آباد نیز از ارزش‌های اخلاقی انسانی است که چه در زمان انقلاب و چه در زمان جنگ و اسارت به خوبی مشهود است که نشان می‌دهد قدر و ارزش هر فرد به تحقق کمال مطلوب او در سایه ارزش‌های انسانی بستگی دارد. همیاری او با دوستان و آشنایان در مواقع مختلف نشان می‌دهد که حس همیاری یک زن می‌تواند راهگشای زندگی باشد. در دنیای سرد و بی‌روح امروز و در جامعه‌ای که حس وابستگی، تعاون و همکاری آرام‌آرام رنگ می‌بازد و جای خود را به جدایی‌ها و از هم دور شدن‌ها می‌دهد، زنان با همراهی خود چه در خانواده و چه در اجتماع می‌توانند خلأ از هم دور بودن را پر کنند و ارزش دوستی و همیاری را دوباره در جامعه شکوفا کنند. قدرت باعث می‌شود که انسان سرنوشت خودش را خود به دست بگیرد. قدرت معصومه آباد در دوران اسارت به حد کمال دیده می‌شود. او با قاطعیت تمام باور داشت و می‌گفت: «ما در عین اسارت، آزاده بودیم، ما فرزند باورهای بزرگ بودیم، به دنیا آمده بودیم تا انقلاب کنیم، بجنگیم و برای آزادی اسیر شویم. او به هر حال با این اجبار ناگوار در دوران اسارت زندگی می‌کرد و تجربه زیسته او گواه اتکالی به نفس، قدرت و شجاعت‌های فروانی است که برای بودن و نیز برای شروع دوباره زندگی روزمره به خرج داده بود». عبادت نقش عظیمی در زندگی معصومه آباد داشت. در هر زمان، حتی در شرایط سخت دوران اسارت سعی می‌کرد واجبات دینی را انجام دهد. خواندن نمازها و دعاهای یومیه و روزه گرفتن با وجود مشکلات فراوان در اولویت‌های برنامه او بود. وی به یادگیری

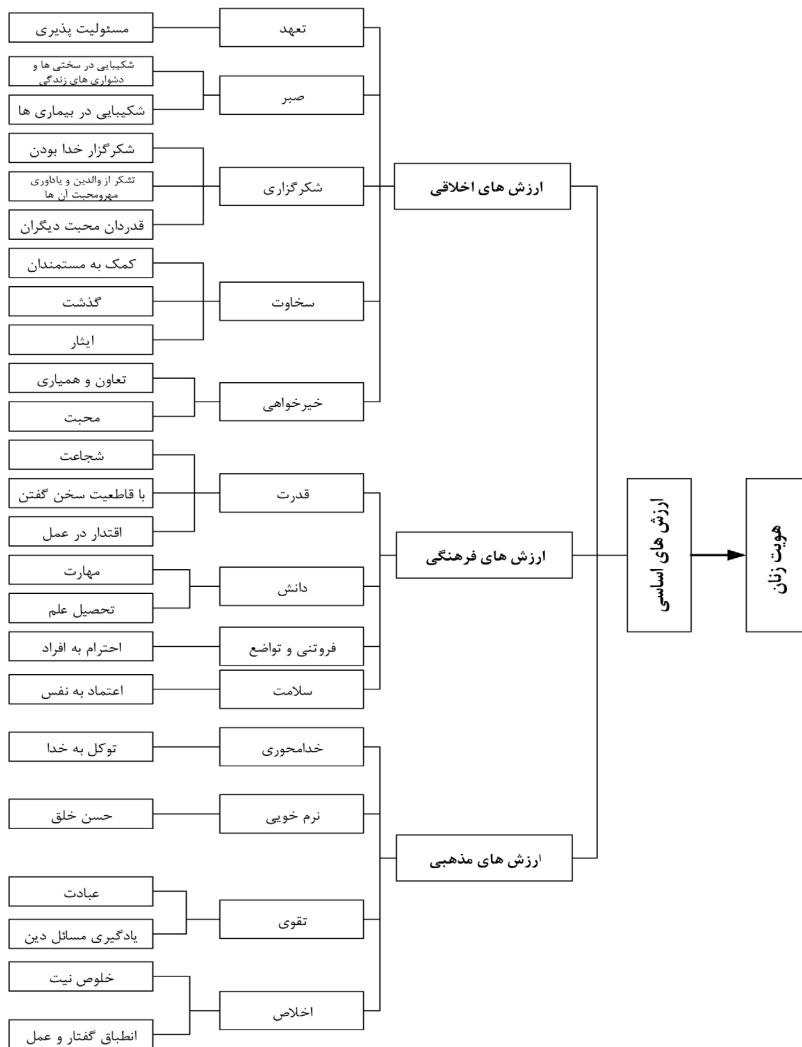


مسائل دینی اهتمام می‌ورزید و این نشان از آن دارد که اگر افراد ارزش‌ها را با تمام وجود بپذیرند آنچنان در شخصیت و ساختن هویت آنها تأثیر دارد که تغییر در هویت کاری غیرممکن می‌شود. از موارد عفت، حجاب زن است که حقی است الهی. زن در جامعه نقش انتقال‌دهنده فرهنگ را دارد و باید بر ارزش‌های دینی خود پافشاری کند. معصومه با همین دید در زمان اسارت نیز از حق خود یعنی، داشتن حجاب نگذشت و به هیچ وجه اجازه نداد حرمت او با بی‌حجابی شکسته شود. یکی از مهمترین راه‌های رسیدن به کرامت و عزت نفس، برخورداری از صفت حیاست؛ زیرا این صفت نشأت‌گرفته از کمال است. حفظ حیا برای معصومه آباد که اسیر بعثیان بود اهمیت زیادی داشت؛ زیرا می‌دانست حجب و حیا برای او مانند وسیله دفاعی است و باید تا حد مرگ این ارزش را در خود حفظ کند. از ارزش‌های بسیار مهم که هر فرد توحیدی به آن تمسک دارد، خدامحوری است. انسان خدامحور تمام اعمال فکری، عبادی و علمی‌اش کنترل شده و در مسیر حق است و در هیچ زمینه‌ای از مسیر حق بیرون نرفته و اعمال او در راه خدا کنترل و جهت‌دهی می‌شود. معصومه که در خانواده‌اش تربیت اسلامی داشت آموزه‌های خود را به خوبی در هنگام انقلاب، جنگ و به‌ویژه زمان اسارت به‌کار برد. معصومه با تمسک به ارزش‌های واقعی سعی داشت دچار بحران هویت نشود؛ زیرا فردی که قادر به یافتن ارزش‌های مثبت پایدار در فرهنگ، مذهب یا ایدئولوژی خود نیست، ایده‌آل‌هایش به هم می‌ریزد. چنین فردی که از درهم‌ریختگی هویت رنج می‌برد نه می‌تواند ارزش‌های گذشته خود را ارزیابی کند و نه صاحب ارزش‌هایی می‌شود که به کمک آنها بتواند آزادانه برای آینده طرح‌ریزی کند (شرقی، ۱۳۸۱).

۴-۵. ارزیابی ارزش‌های اساسی در کتاب یکشنبه آخر

کتاب یکشنبه آخر، خاطرات دختری است که با وجود محدودیت‌های بسیار توانست حضوری پررنگ در دفاع مقدس داشته باشد. در زمان نوجوانی پایه‌پای برادر و خواهرش بی‌برنامه فقط با نیت کمک به مستمندان از خانه بیرون می‌رفت. در زمان جنگ، معصومه با خواهرش در منطقه جنگی به‌طور داوطلبانه به کار امدادگری پرداختند. او هم‌زمانش هنگام بمباران در شهرها و روستاها با قطع آب و برق و همچنین کمبود مواد غذایی روبه‌رو شدند که باید تحمل می‌کردند، اما سخت‌ترین موقعیتی که با صبر و شکیبایی آن را تحمل

می‌کرد زمانی بود که برادرش در جلو چشمانش شهید شد. او سعی کرد صبر پیشه کند و از احساسات مربوط به زنان بگریزد. همچنین در مقابل دیگران اشک نریزد و عشق و عاطفه خود را نسبت به برادرش به صورت نشان ندهد. صمیمیت، خیرخواهی، تعاون و همکاری که در زمان جنگ بین او و همکارانش دیده می‌شد بعدی از شخصیت معصومه را رقم می‌زد که نشان می‌دهد یک زن نه فقط در محیط خانه بلکه در جامعه نیز می‌تواند خصوصیت مهرورزی و خیرخواهی را از خود بروز دهد و این نشان می‌دهد که کمال اخلاقی هر فرد آن است که محبت کردن را سرلوحه خود قرار دهد. شکیبایی در سختی‌ها، شجاعت و ایثارگری و تمام این موارد باعث تغییراتی در هویت و شخصیت معصومه می‌شود چنان‌که در جبهه‌های جنگ برای او و خواهرش شأن و منزلتی خاص قائل می‌شدند و باعث شد که زبانزد عام و خاص شوند. منزلت ناشی از حضور در صحنه جنگ برای این زنان در حدی است که در بیشتر موارد، خانواده‌ها هویت‌های مستقل آنها را به رسمیت می‌شناسند و پس از طی مدتی، دیگر این زنان هستند که راهنمای خانواده محسوب می‌شوند. حجاب و عفاف برای معصومه یک اصل بود و سعی با حجاب کامل در جامعه حضور پیدا کند. همچنین در جبهه‌های جنگ در هر شرایطی، حفظ حجاب را اولین و مهمترین اصل زندگی خود می‌دانست. حیا، عفاف، ستر و پوشش، تدبیری است که خود زن با نوعی الهام برای گران‌بها کردن خود و حفظ موقعیت خود در برابر مرد به‌کار برده است.



نمودار: نقشه تأثیر ارزش ها بر هویت

۵. بحث و نتیجه گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی هویت زن ایرانی براساس ارزش های اساسی در کتاب های خاطرات دفاع مقدس انجام شد. تحلیل خاطرات زنانی که به طور مؤثر در دفاع مقدس ایفای نقش کرده اند، گویای روایتی زنانه از جنگ است و نشانگر تأثیر زیاد ارزش های



اساسی در دوران دفاع مقدس بر هویت زن ایرانی در آن زمان بوده است. جنگ تحمیلی مهمترین رخدادی بود که پس از پیروزی انقلاب اسلامی ایران به وقوع پیوست و بر تمام ابعاد اجتماع تأثیر گذاشت. جنگ بین ایران و عراق، پس از انقلاب اسلامی، صحنه کارزار دیگری برای زنان آفرید. آنها از نخستین روزهای جنگ، هم‌پای رزمندگان به ستیز با دشمن پرداختند. گاه تن به تن جنگیدند و گاه با پرداختن به امور جنگی، حضور مستقیم خود را در دفاع مقدس حفظ کردند. زنان به صورت خودجوش هم‌پای مردان به اشکال متفاوت با دشمن بعثی جنگیدند، از جمله جنگیدن تن به تن، مراقبت از تسهیلات، توزیع سلاح بین رزمندگان، به عهده داشتن نقش پشتیبان روانی و عاطفی جنگجویان تا با روحیه دادن به سربازان به پیروزی جنگ کمک کنند. همراهی خواهران، همسران و مادران مسلمان ایرانی در تهیه و تدارک اجناس و اقلام مورد نیاز رزمندگان و سربازان و زنان مسلمان دلسوز که به امداد و درمان مجروحان و جانبازان جنگ شتافتند حاکی از آن است که ارزش‌ها در آن زمان چگونه آثار وسیع خود را بر زنان گذاشته است.

با ارزیابی تک‌تک ارزش‌های عمده در خاطرات مطالعه شده، تقیید زنان به ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و مذهبی در هویت‌یابی و هویت‌سازی آنها نقش مؤثری داشته است. بنابراین، این نتیجه حاصل شد که در وهله اول، ارزش‌های اخلاقی شامل تعهد، صبر، شکرگزاری، سخاوت و خیرخواهی تأثیر بسزایی در شکل‌گیری هویتی زنان ایفا کرده است. ارزش‌های اخلاقی به صورت ارزش‌های مقدس، مطلق و جاوید در همه ادیان مشهود است. در اسلام از آنجا که کامل‌ترین دین است، تمام مفاهیم دینی حول ارزش‌های اخلاقی می‌چرخد. در پژوهش حاضر ارزش‌های اخلاقی متکی بر مذهب مورد توجه بود؛ زیرا اخلاق متکی بر مذهب زمانی که عقاید مذهبی، اعتقاد به پاداش و کیفرهای روز بازپسین، مجرا و پشتوانه اصول اخلاقی باشند، کارسازتر بوده و بر هویت فردی و اجتماعی زنان یعنی، معتقدان به دین اسلام تأثیر بیشتری داشته است.

در کتب خاطرات بررسی شده در پژوهش حاضر، ارزش‌های فرهنگی مانند قدرت، دانش، فروتنی، تواضع و سلامت در مرحله دوم تأثیر زیادی در هویت‌یابی افراد داشته است. زنان با تکیه به این ارزش‌ها اعتماد به نفس بالایی پیدا کرده و توانستند قاطعانه نقش



خود را در جنگ ایفا کنند. در مرحله بعدی ارزش‌های مذهبی مانند خدامحوری، تقوی، اخلاص، نرم‌خویی و عفاف، باعث حضور پررنگ‌تر زنان جامعه در دفاع مقدس شد و آنها با اتکا و باور به ارزش‌های مذهبی توانستند صحنه‌های باشکوهی از خودگذشتگی و ایثار خلق کنند. به‌کارگیری توصیه‌های دینی و ارزش‌های مذهبی موجب شد که با اتکا به دین و آموزه‌های آن، هویتی مذهبی و اخلاقی با تکیه بر ارزش‌های غایی در زنان شکل گیرد. آموزه‌هایی که زنان را از انفعال‌رهایی بخشید و حضوری فعال و مؤثر برای آنها در جامعه رقم زد. با اتکا به ارزش‌های اخلاقی و مذهبی، زنان به قدرتی اجتماعی و تأثیرگذار بدل شدند و شرایط برای تأثیرگذاری مؤثر، کارا و هدفمند آنها در جامعه فراهم شد. تقید زنان در دوران دفاع مقدس به ارزش‌های اخلاقی، فرهنگی و مذهبی تکریم و ستایش جامعه را برای آنها در برداشت. آنها زندگی پرفراز و نشیب خود را با قبول مسئولیت‌های خطیر، صبر و شکیبایی و ایثار جان و مال و محبت به دیگران بر خود هموار کردند. زندگی را با اخلاقیات هماهنگ کردند و ثمره آن نامی جاودان برای آنها بود.

زنان افتخارآفرین در عرصه جنگ و دفاع مقدس، شخصیت‌های بسیار والایی داشتند. پیشنهاد می‌شود برای شناساندن هرچه بیشتر آنها و رشادت‌هایشان تحقیقات موشکافانه‌ای در تمام عرصه‌های زندگی ایشان صورت گیرد و زوایای مختلف زندگی آنها برای دیگر زنان شناسانده شود. محققان برای پژوهش‌های آتی خود می‌توانند کتاب‌های تنه‌اگریه کن و حوض خون را بررسی کنند.

فهرست منابع

۱. احمدی، یعقوب، و قادرزاده، امید (۱۳۹۳). گونه‌شناسی ارزش‌های فرهنگی مبتنی بر هویت، مسائل اجتماعی ایران. نشریه توسعه فرهنگی/اجتماعی، (۱۱)، ۳۴-۵۶.
۲. اعظم‌رام‌پناهی، ناهید (۱۳۸۵). سیمای زن در قرآن. تهران: روابط عمومی شورای فرهنگی اجتماعی زنان.
۳. ایمان، محمدتقی، و نوشادی، رضا (۱۳۹۰). تحلیل محتوای کیفی. نشریه عیار پژوهش در علوم انسانی، ۳(۶)، ۱۵-۴۴.
۴. آباد، معصومه (۱۳۹۵). من زنده‌ام (خاطرات دوران اسارت). تهران: بروج.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۷۱). زن در آیین جمال و جلال. قم: نشر فرهنگی رجاء.
۶. حاتمی، محمدرضا، و مذهبی، ساروبه (۱۳۹۰). رسانه و نگرش زنان به هویت جنسیتی خود. نشریه تحقیقات فرهنگی ایران، (۲)۴، ۱۸۵-۲۰۹.
۷. خجسته، حسن (۱۳۸۶). ساختاربندهی هویت زنان. نشریه پژوهش‌های ارتباطی، (۱۴)۵۲، ۳۵-۵۶.
۸. داریاپور، زهرا (۱۳۸۶). ساختار ارزشی و مناسبات نسلی، علوم اجتماعی. نشریه پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه، (۱)۱، ۱-۲۴.
۹. رامهرمزی، معصومه (۱۳۸۵). یکشنبه آخر (خاطرات معصومه رامهرمزی). تهران: سوره مهر.
۱۰. ربانی، رسول، و کججاف، محمدباقر (۱۳۸۸). روان‌شناسی اجتماعی (دیدگاه‌ها و نظریه‌ها). اصفهان: دانشگاه اصفهان.

۱۱. رفعت جاه، مریم، و روح افزا، فائزه (۱۳۹۱). مطالعه عوامل اجتماعی و فرهنگی مؤثر بر نگرش به هویت دینی زن مسلمان. *نشریه مسائل اجتماعی ایران*، ۲(۳)، ۶۱-۹۲.
۱۲. رمضان نرگسی، رضا (۱۳۸۳). تأثیر مذهب تشیع بر هویت زن ایرانی. *نشریه بانوان شیعه*، ۱(۱)، ۵۷-۸۶.
۱۳. زیبایی نژاد، محمدرضا، و سبحانی، محمدتقی (۱۳۸۵). درآمدی بر نظام شخصیت زن در اسلام (بررسی مقایسه‌ای دیدگاه اسلام و غرب). قم: هاجر.
۱۴. سیاوشی، مهدی، و وزیویار، فرهاد (۱۳۹۵). تأثیر سیاست‌های فرهنگی پهلوی بر بروز بحران هویت زن ایرانی (با تأکید بر نظریه تکوین و تگون هویت ملی ایرانیان). *نشریه علوم تربیتی، فرهنگی تربیت زنان و خانواده*، ۱۱(۳۶)، ۷-۳۲.
۱۵. شرفی، محمدرضا (۱۳۸۱). *حوان و بحران هویت*. تهران: سروش.
۱۶. صانعی، پرویز (۱۳۷۲). *جامعه‌شناسی ارزش‌ها*. تهران: احمدی.
۱۷. طالش پور، فریبا (۱۳۸۶). *یوتین‌های مریم (خاطرات مریم امجدی)*. تهران: سوره مهر.
۱۸. عزیززاده، گیتی (۱۳۸۷). *زن و هویت‌یابی در ایران امروز*. تهران: روشنگران و مطالعات زنان.
۱۹. عطارزاده، محبتی (۱۳۹۶). *بنیادهای هویت‌مداری زن در آموزه‌های مکتب نبوی*. *نشریه سراج منیر*، ۸(۳۶)، ۷-۳۶.
۲۰. علمی، محمود (۱۳۸۸). *گرایش‌ها و اولویت‌های ارزشی دانشجویان و رابطه آن با طبقه اجتماعی*. *نشریه جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰(۲)، ۱۰۷-۱۳۲.
۲۱. علیخانی، علی‌اکبر (۱۳۸۶). *مبانی نظری هویت و بحران هویت*. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی جهاد دانشگاهی.
۲۲. علیزاده، محمدباقر (۱۳۷۷). *فلسفه ما*. مترجم: شوشتری، سید محمدحسن. تهران: صدر.
۲۳. فاضلی دهکردی، مهدی، و فرم‌پهینی قراهنانی، محسن (۱۳۸۹). *بررسی هویت زن در نهج البلاغه و دلالت‌های تربیتی آن*. *نشریه روان‌شناسی، دانش‌ور رفتار*، ۱۷(۴۵)، ۱۴۱-۱۵۶.
۲۴. فتاحی، مهناز (۱۳۹۴). *فرنگیس (خاطرات فرنگیس حیدریپور)*. تهران: سوره مهر.
۲۵. فیاض ابراهیم، و خضری، فاطمه (۱۳۹۴). *بررسی هویت زن ایرانی-مسلمان از خلال مفاهیم جنسیت*. *نشریه پژوهش‌های انسان‌شناسی ایران*، ۱۱(۵)، ۹۳-۱۰۶.
۲۶. کاردوست فیثی، خدیجه (۱۳۹۳). *بررسی سازگاری ارزش‌های اخلاقی با دین با تأکید بر اسلام*. *نشریه علمی-ترویجی اخلاق*، ۴(۱۳)، ۹۵-۱۲۷.
۲۷. گل‌محمدی، احمد (۱۳۸۱). *جهانی‌شدن فرهنگ، هویت*. تهران: نشر نی.
۲۸. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). *تجدید و تشخیص جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*. مترجم: موفقیان، ناصر. تهران: نشر نی.
۲۹. میردریکوندی، رحیم (۱۳۸۹). *رابطه شخصیت با نظام ارزشی از دیدگاه آلپورت*. *نشریه معرفت*، ۱۲(۶۴)، ۷۶-۸۲.
30. Byrne, A. (2003). Developing a sociological model for researching women's self and social identities. *European Journal of Women's Studies*, 10(4), 443-464.
31. Elaine Lynn, Ho. (2017). *Identity*. Wiley Online Library.
32. McKinzie, B. CH. (2013). *Identity*. Wiley Online Library.
33. Singh, S. (2007). Deconstructing 'gender and development' for 'identities of women'. *International Journal of Social Welfare*, 16(2), 100- 110.

تحلیل کیفی مشکلات زنان دارای همسر جانباز: یک پژوهش پدیدارشناختی

محمد محمدی^۱، علی رضایی شریفی^۲، علی شیخ الاسلامی^۳، حسین قمری گیوی^۴

چکیده

بحران‌های خانوادگی، مهارت‌های بقای خانواده را مورد آزمایش قرار داده و هنگامی که یکی از افراد خانواده دچار مشکلی شود بحران‌ها و مشکلات خانوادگی نمودار می‌شود. از جمله این بحران‌ها حضور فرد جانباز در خانواده است. پژوهش حاضر باهدف بررسی مشکلات زنان دارای همسر جانباز به روش کیفی از نوع تحلیل مضمون انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل تمام زنان دارای همسر جانباز در مناطق ۱۳ و ۱۴ تهران بودند که تعداد ۱۹ نفر از ایشان (از بین زنانی که در سال ۱۳۹۹ به خانه سلامت شهرداری منطقه ۱۳ مراجعه کرده بودند) با روش نمونه‌گیری هدفمند تارسیدن به اشباع نظری در مصاحبه نیمه ساختاریافته انتخاب شدند. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از روش تحلیل مضمون انجام گرفت. در نهایت ۵ مضمون اصلی در مشکلات زنان دارای همسر جانباز شناسایی شد که عبارتند از: مشکلات روانی، مشکلات جسمانی، مشکلات زناشویی، مشکلات اجتماعی، مشکلات اقتصادی. بنابراین لزوم شناسایی مشکلات این قشر از زنان و ارائه خدمات یاورانه، باید در اولویت سازمان‌های مربوطه قرار گیرد.

واژگان کلیدی: زنان، جانبازان، تجارب زیسته، مشکلات همسران جانبازان،

مطالعه پدیدارشناختی

نوع مقاله: پژوهش تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۲۷ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۱/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۱/۲۱

۱. دانشجوی دکتری مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Email: Mohammadpsy5@gmail.com

۲. دانشیار علوم تربیتی، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: rezaeisharif@uma.ac.ir

۳. دانشیار علوم تربیتی، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Email: sheykholeslami@uma.ac.ir

۴. استاد مشاوره، گروه مشاوره، دانشکده علوم تربیتی و روان‌شناسی، دانشگاه محقق اردبیلی، اردبیل، ایران.

Email: H_ghamarigivi@uma.ac.ir

A Qualitative Analysis of the Problems of Women with a Veteran Husband: A Phenomenological Study

Mohammad Mohammadi¹, Ali Rezaei Sharif², Ali Sheikholeslami³, Hussein Ghamari Givi⁴

The skills of family survival are tested by family disasters, and they are showed when one of the family members faces with a problem. One of these disasters is the presence of a veteran person in the family; thus, this qualitative study was conducted with the purpose of investigating the problems of women with a veteran husband using the theme analysis. The population included all women with a veteran husband living in regions 13 and 14 of Tehran. 19 women (who had referred to the Municipal Health House of region 13 in 2020) were selected by the judgmental sampling, based on the theoretical saturation of the semi-structured interviews. The data analysis was done by the theme analysis and finally, 5 main concept related to the problems of women with a veteran husband were identified: mental, physical, marital, social, and economic problems. As a whole, the results showed that such women have been experiencing many problems in the mental, physical, marital, social, and economic aspects. Therefore, the related organizations should identify the problems of these women and service them.

Keywords: women, veterans, lived experiences, problems of women with a veteran husband, phenomenological study.

Paper Type: Research

Data Received: 2021 / 12 / 18 **Data Revised:** 2022 / 04 / 04 **Data Accepted:** 2022 / 04 / 10

1. Ph.D. Student in Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

Email: mohammadypsy5@gmail.com

2. Associate Professor of Educational Sciences, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran. (Corresponding Author)

Email: rezaeisharif@uma.ac.ir

3. Associate Professor of Educational Sciences, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

Email: sheykholeslami@uma.ac.ir

4. Professor of Counseling, Department of Counseling, Faculty of Educational Sciences and Psychology, University of Mohaghegh Ardabili, Ardabil, Iran.

Email: h_ghamarigivi@uma.ac.ir

۱. مقدمه

فرهنگ ایثار و شهادت، از جمله ویژگی‌های انکارناپذیر انقلاب اسلامی است که ریشه در مکتب رهایی بخش اسلام دارد و همواره انگیزه جهاد بوده است. شهدا همیشه با آرمان‌های اسلامی خود، مشخص‌کننده راه و خصلت انقلاب و عامل پیروزی آن بوده‌اند. (نوتاش، بهرامی و فرخی، ۱۴۰۰) ایثار در لغت به معنی بذل کردن، دیگری را بر خود برتری دادن، سود دیگری را بر سود خود مقدم داشتن و به معنی قوت لازم و مایحتاج خود را به دیگری بخشیدن است. همچنین به معنای برگزیدن، غرض دیگران را بر غرض خویش مقدم داشتن و منفعت غیر را بر مصلحت خود مقدم داشتن است. در اصطلاح یعنی، بخشش مال به کسی با وجود نیاز به آن (معصومی‌راد، ۱۳۹۴). جانباز نیز به معنی عام کلمه یعنی، کسی که حاضر باشد جاننش را مخلصانه در راه هدفش نثار کند (یزدانی‌زیارت و دامغانیان، ۱۳۹۵). رابطه جانباز با پدر، مادر، همسر و سایر اعضای خانواده و دوستان، جزء انفکاک‌ناپذیر زندگی اوست. معلولیت در بیشتر موارد بر همه افراد خانواده تأثیر می‌گذارد (طلاوری و نیسی، ۱۳۹۴). تغییر شکل جسمانی فرد، ناتوانی‌های جنسی و جسمی، تأثیر منفی در خانواده می‌گذارد. در برخی مواقع، عزت نفس، اعتماد به نفس و خودباوری در خانواده دچار اختلال شده و برخی از آنها دچار مشکلاتی مانند اضطراب، اندوه و احساس گناه می‌شوند. خانواده برای حفظ و تأمین سلامت جانباز و پیشگیری از بدتر شدن وضعیت جسمی و روانی وی نقش مهمی دارد (میرشکاری، ثناگوی محرز و شیرازی، ۱۳۹۹). بحران روانی جانباز از آغاز ورود به صحنه نبرد شروع می‌شود و تا زمان حیات وی ادامه دارد. نتایج مشاهدات موجود نشان می‌دهد که در عموم جانبازان با وجود گذشت سال‌ها از بحران اولیه، اختلالات روان‌شناختی هنوز هم ادامه دارد (نوتاش، و همکاران، ۱۴۰۰).

بحران‌های خانوادگی، مهارت‌های بقای یک خانواده را آزمایش می‌کند. وقتی یکی از افراد خانواده بیمار می‌شود بحران‌های خانوادگی به وقوع می‌پیوندد. در چنین شرایطی نه تنها فرد بیمار دچار مشکل شده، بلکه اعضای خانواده او نیز به درجات متفاوت گرفتار بحران می‌شوند. (استراوس و اسمیت، ۲۰۱۷). بنابراین، به دلیل بیماری یکی از اعضای خانواده،



پیوند میان بیمار و دیگر اعضای خانواده ضعیف و در نتیجه خانواده دچار بحران می‌شود و نمی‌توان از تأثیر آن بر افراد خانواده جلوگیری کرد (والک، چاندرااسکاران و مایا،^۱ ۲۰۱۸). زنانی که با فرد دچار اختلال روانی زندگی می‌کنند در قالب شخصی که در یک موقعیت بحرانی قرار گرفته است به‌طور معمول، نارسایی‌هایی را در زندگی خود تجربه می‌کنند و نیازهای این افراد برآورده نمی‌شود (سولومی و کاسیدی،^۲ ۲۰۱۷). جنبه‌های مختلف زندگی این زنان دستخوش تغییر می‌شود مانند تغییر در روابط جنسی و روابط ارتباطی بین همسران، ایجاد اختلال در روابط بین فردی و ارتباط با دوستان و حتی شیوه‌گذران اوقات فراغت. ازسوی دیگر، این زنان با فردی زندگی می‌کنند که رفتارهای آنها غیر قابل پیش‌بینی است و این سبب افزایش بار مسئولیت آنها شده و در معرض تنیدگی قرار می‌گیرند. (کوریان، متیو و بیوین،^۳ ۲۰۱۷) بنابراین، فردی که زیر فشار عامل تنش‌زا قرار می‌گیرد احساس درماندگی، اضطراب و هراس می‌کند. اعتماد به نفس او تهدید می‌شود و تفکر و رفتار او سازمان‌یافته نیست (واتر، استنمور، کلر، مک‌دونالد، لریو،^۴ ۲۰۲۰). این زنان از بیماری مراقبت می‌کنند که به‌طور مداوم نگران عود مجدد بیماری و بدتر شدن حال او هستند. به دلیل این نگرانی در معرض اندوهی مزمن و افسردگی، تغییرات شخصیتی، مشکلات ارتباطی، بی‌ثباتی هیجانی، احساس بیچارگی و... قرار می‌گیرند (پانزری، روسی فراریو و ویدوتو،^۵ ۲۰۱۹). آنها برای نگهداری از همسر خود فشار روانی شدیدی را متحمل می‌شوند و به‌طورکلی زندگی خانواده آنها دچار اختلال شده و نشاط و رفاه فردی از اعضای خانواده سلب می‌شود (اولریچ، اسچرفل، مارکس، بوکمیر، برگت و اچسل،^۶ ۲۰۱۷).

ارتباط جانبازانی که اختلالات روانی یا جسمانی دارند با دنیای واقعی کم شده و در دنیای خود زندگی می‌کنند، در نتیجه در کنار مراقبت از بیمار بار زندگی نیز بر دوش زنان آنها می‌افتد. این موضوع سبب به وجود آمدن اشکالاتی در ارتباط با محل کار و شغل آنها می‌شود. همچنین در انجام فعالیت‌های مورد علاقه آنها اختلال به وجود آمده و نوعی کاستی را در ارتباطات اجتماعی خود تجربه می‌کنند. از طرف دیگر در روابط زن و شوهر

1. Walke, S. C., Chandrasekaran, V., & Mayya, S. S.

2. Solomi, V. L., & Casiday, R. E.

3. Kurian, B., Mathew, P., & Bivin, J. B.

4. Vatter, S., Stanmore, E., Clare, L., McDonald, K. R., McCormick, S. A., & Leroi, I.

5. Panzeri, A., Rossi Ferrario, S., & Vidotto, G.

6. Ullrich, A., Ascherfeld, L., Marx, G., Bokemeyer, C., Bergelt, C., & Oechsle, K.

تغییراتی رخ می دهد و باعث به وجود آمدن دگرگونی در روابط جنسی و صمیمیت ایشان می شود (پالاسیو، کیرکوریان و لیمونرو، ۲۰۱۸).

قاضی نژاد، غلامعلی لواسانی و اژه‌ای (۱۳۹۹) در پژوهشی کیفی در مورد تجارب خانوادگی جانبازان اعصاب و روان به سه مضمون اصلی شامل تغییرات چارجوب خانوادگی، روابط خانوادگی و سازگاری و انطباق دست یافتند. از نظر آنها جانبازان اعصاب و روان به دلیل شرایط ویژه خود، آسیب پذیری زیادی را در حوزه‌های مختلف تجربه می‌کنند که لزوم تدوین برنامه‌های مشاوره‌ای، روان‌شناختی و مراقبتی را بیشتر می‌کند. خدابخشی کولایی و نجمی صادق (۱۳۹۸) در پژوهش خود دریافتند که شرایط جسمانی و روان‌شناختی پدر بر سلامت جسمی و روانی خانواده تأثیر می‌گذارد و به کاهش تعامل مؤثر اعضای خانواده با یکدیگر می‌انجامد. همچنین تعارض شدید بین حس افتخار داشتن پدری جانباز ازسویی و احساس خستگی روانی به دلیل ناامیدی و غم ازسوی دیگر در دختران افراد جانباز تجربه می‌شود. گرین، لاهاو، برونستین و سولومون^۲ (۲۰۱۴) نشان دادند که همسران جانبازان، تنیدگی‌های زیادی از جمله اضافه شدن نقش و مسئولیت‌های زندگی، نگرانی‌های مالی، کاهش حمایت‌های اجتماعی، افزایش نیاز فرزندان و فقدان امنیت در خانواده را متحمل می‌شوند. همچنین در تحقیقی که توسط اوتوله و بدز، بارتن، روتول و کنتز^۳ (۲۰۱۸) در ویتنام انجام شده بود این یافته ثابت شد که وضعیت PTSD سربازان ممکن است بر جو عاطفی خانواده آنها تأثیر داشته باشد.

باتوجه به مطالب مطرح شده می‌توان گفت که وضعیت جانبازانی که به دلیل مجروحیت ناشی از جنگ تحمیلی دچار اختلالات روانی و جسمانی شده‌اند تأثیرات زیانباری بر اعضای خانواده می‌گذارند. اگرچه معلولین جنگ کشور ایران با معلولین جنگی دیگر کشورها از نظر اعتقادات مذهبی، روحیه شهادت طلبی، ارزش والای جانبازی و احترام جامعه به ایشان تفاوت دارند، اما نباید تأثیرات ناخواسته ناشی از مشکلات جانبازان را بر خانواده‌هایشان به ویژه همسران نادیده گرفت. به‌طورکلی می‌توان گفت که خانواده جانبازان به ویژه همسران آنها مشکلات گوناگونی دارند و انتقال عوارض بحران‌های حل

1. Palacio, C., Krikorian, A., & Limonero, J. T.
2. Greene, T., Lahav, Y., Bronstein, I., & Solomon, Z.
3. O'Toole, B. I., Dadds, M., Burton, M. J., Rothwell, A., & Catts, S. V.

نشده خانواده جانبازان به نسل های بعد می تواند زنگ خطری برای خانواده های ایشان باشد (نوتاش، بهرامی و فرخی، ۱۴۰۰). بنابراین، نقش عمده خانواده، فراهم کردن منابع فیزیکی و عاطفی برای حفظ سلامتی اعضا در مواقع بحرانی مانند دوره های بیماری است. از آنجاکه همسران افراد جانباز مشکلات فراوانی را تجربه می کنند و بیشتر تحقیقات داخلی، مسائل و مشکلات خود جانبازان را بررسی نموده است نه مسائل و مشکلات اطرافیان آنها در پژوهش حاضر، مشکلات زنانی که همسران جانباز دارند بررسی و در ابعاد مختلف بحران های ناشی از بیماری همسرانشان بررسی شد.

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی^۱ از نوع تحلیل مضمون انجام شد. برای حفظ جنبه های اخلاقی به جای اسم شرکت کنندگان از کدهای عددی استفاده شد. زنان شرکت کننده علاوه بر داشتن مشکلات در زندگی با همسر جانباز، ملاک های ورودی دیگری مانند حداقل داشتن ۱۰ سال زندگی مشترک، داوطلب مراجعه به مراکز مشاوره و تمایل به شرکت در مصاحبه را داشتند. ملاک های خروج از مطالعه شامل اعتیاد همسر، شرکت نامنظم در جلسات مصاحبه و داشتن مشکلات روحی و جسمی زنان بود. داده ها با استفاده از مصاحبه نیمه ساختاریافته^۲ در گروه های کانونی پنج نفره انجام شد. گروه کانونی، شیوه ای برای جمع آوری داده های کیفی است که افراد را در یک بحث گروهی غیررسمی (یا چندین بحث) پیرامون موضوعی خاص یا مجموعه ای از موضوعات وارد می کند. گروه های کانونی برای بسیاری از افراد شرکت کننده در پژوهش، کمتر تهدیدکننده تلقی می شوند؛ زیرا محیط مناسبی برای بحث درباره ادراک ها، ایده ها، عقاید و افکار آنها فراهم می کنند. (حسینی، ۱۳۹۴) تعامل بین اعضای گروه، ویژگی کلیدی و مهم این شیوه تحقیقی است. در این موقعیت گروهی، افراد با پویایی و انرژی به دیدگاه های یکدیگر واکنش نشان می دهند به طوری که طرح تنها یک پیشنهاد یا موضوع می تواند زنجیره ای از پاسخ ها و واکنش ها

1. Qualitative
2. Semi-Structured Interviews

را از سوی حاضران ایجاد کند. این نوع تعامل با نام تأثیر هم‌نیروزادی^۱ توصیف می‌شود. برخی پژوهشگران معتقدند در گروه‌های کانونی، اطلاعات بیشتری نسبت به دیگر شیوه‌های پژوهشی به دست می‌آید (استوارت و شامداسانی، ۱۹۹۰^۲، به نقل از حسینی، ۱۳۹۴). در پژوهش حاضر پس از تشکیل گروه کانونی و قبل از آغاز فرایند جمع‌آوری داده‌ها، هدف تحقیق برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد و پس از ارائه اطلاعات کافی درباره ماهیت و اهداف پژوهش از شرکت‌کنندگان درخواست شد رضایت‌نامه شرکت آگاهانه در مصاحبه ضبط شده (که طی آن حفظ حریم خصوصی و محرمانه بودن مصاحبه‌ها با استفاده از اسامی مستعار و حق انصراف در تمام فرایند پژوهش برای آنها توضیح داده شده بود) را امضا کنند. مدت مصاحبه گروهی بین ۹۰ تا ۱۱۵ دقیقه متغیر بود و داده‌ها در طول یک بازه زمانی ۶ ماهه گردآوری شدند.

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش شامل تمام زنان مناطق ۱۳ و ۱۴ تهران بود که همسر جانباز داشتند. بدین منظور ۱۹ نفر از ایشان با روش نمونه‌گیری هدفمند از بین زنانی که در سال ۱۳۹۹ به خانه سلامت شهرداری مناطق مذکور مراجعه کرده بودند، انتخاب شدند. نمونه‌گیری و گردآوری داده‌ها با ۱۹ نفر از زنان دارای همسر جانباز تا رسیدن به اشباع نظری داده‌ها در مصاحبه نیمه‌ساختار یافته انجام شد.

۳. یافته‌های پژوهش

جدول ۱

شاخص‌های توصیفی نمونه‌های بخش کیفی

متغیر	مؤلفه‌ها	تعداد
نوع جانبازی همسر	اعصاب و روان	۵
	شیمیایی	۳
	حرکتی	۶
	نابینا	۲
	مختلط	۳

1. synergistic

2. Stewart, D.W., & Shamdasani, P.N.



۳	۲۰-۱۵	مدت ازدواج
۶	۲۵-۲۱	
۸	۳۰-۲۶	
۲	۳۰ به بالا	تعداد فرزندان
۴	بدون فرزند	
۵	۱ فرزند	
۶	۲ فرزند	
۳	۳ فرزند	تحصیلات
۱	۴ فرزند	
۱	بی سواد	
۱۰	ابتدایی	
۴	سیکل	
۱	دیپلم	لیسانس
۳	لیسانس	

در بخش توصیفی، میانگین ۴۶/۱۰ و انحراف معیار سن افراد نمونه برابر با ۳/۱۳ ± بود. براساس جدول ۱، نوع جانبازی همسران زنان شرکت‌کننده از نوع اعصاب و روان، شیمیایی، حرکتی، نایبایی و ترکیبی از موارد فوق بود. مدت ازدواج افراد نمونه بین ۳-۲۶ سال بود. تحصیلات بیشتر آنها ابتدایی بود و ۲ فرزند داشتند.

جدول ۲

مشکلات استخراج شده از زنان با همسر جانباز براساس مصاحبه کیفی

مفاهیم اولیه	درون مایه یا مقوله‌های فرعی	مضمون یا درون مایه‌های اصلی	
اضطراب و نگرانی، افسردگی و ناامیدی، احساس خستگی و ناتوانی	مشکلات درونی سازی	مشکلات روانی	
	تحریک پذیری و پرخاشگری		مشکلات برونی سازی
	عدم لذت و رضایت از زندگی		نارضایت‌مندی از زندگی
	احساس انزوا و تنهایی		احساس تنهایی
درد بدنی، امراض جسمی	بیماری جسمی	مشکلات جسمانی	
عدم تماس جنسی، نارضایت‌مندی جنسی، عدم ارتباط، تعارض زناشویی، خشونت زناشویی	مشکلات جنسی	مشکلات زناشویی	
	مشکلات ارتباطی		مشکلات مرتبط با فرزند
	مشکلات نقش		مشکلات نقش
	مشکلات اجتماعی		مشکلات اجتماعی
کمبود یا نداشتن پول	مشکلات مالی	مشکلات اقتصادی	



خلاصه‌ای از مشکلات استخراج شده زنان با همسر جانباز در طی فرایند مصاحبه در جدول ۲ آمده است. در بررسی مشکلات زنان با همسر جانباز، در کدگذاری و بررسی درون مایه‌های اصلی و فرعی، ابتدا ۱۰۹ کد اولیه شناسایی شد که با ادغام موارد مشترک و حذف موارد تکراری در نهایت ۱۹ مفهوم باقی ماند. در مرحله بعد، مفاهیم اولیه با هم ترکیب و به شناسایی ۱۱ مقوله یا درون مایه فرعی انجامید. سپس درون مایه‌های فرعی از نظر مفهومی در کنار هم قرار گرفت و ۵ درون مایه اصلی شناسایی شد. در بررسی هر کدام از مقوله‌ها، سعی شد تا برخی از گفته‌های شرکت‌کنندگان به‌طور کامل نقل شود. برای حفظ جنبه‌های اخلاقی، به جای اسم شرکت‌کنندگان از کد عددی استفاده شده است.

۳-۱. درون مایه مشکلات روانی

جانبازان شرایط خاصی دارند و بسته به نوع و درصد جانبازی ممکن است مسائل و مشکلات مختلفی را تجربه کنند و همسران آنها نیز به‌واسطه این مشکلات، مشکلاتی از جمله ناراحتی‌های روانی داشته باشند. براساس مصاحبه، زنان با همسر جانباز به‌واسطه مشکلات و سختی‌های همسر خود درگیر برخی از مشکلات روانی شده بودند. براساس تحلیل مصاحبه‌های انجام شده، مشکلات روانی زنان با همسر جانباز شامل آسیب‌هایی مثل مشکلات درونی‌سازی، برونی‌سازی، ناراضی‌مندی از زندگی و احساس تنهایی بود. این مشکلات درون فردی است که زنان با همسر جانباز به‌واسطه زندگی با فرد جانباز در سطح روانی متحمل آن می‌شوند. این زنان ممکن است دچار اضطراب و استرس شوند، حالت‌هایی از افسردگی را نشان دهند و از وضعیت خود احساس خستگی نموده و گمان کنند که دیگر توانایی مقابله با چنین وضعی را ندارند.

۳-۱-۱. مشکلات درونی‌سازی

مشکلات درونی‌سازی معطوف به درون شخص است و به حالتی اشاره دارد که در آن، بیشتر خود فرد را اذیت می‌کند و دیگران کمتر از آن رنج می‌برند. به عبارتی این مشکلات بیشتر با شخص همراه است و کمتر برای دیگران قابل لمس و مشاهده است. مشکلات درونی‌سازی شده در پژوهش حاضر به مشکلاتی مانند اضطراب و نگرانی، ناامیدی، احساس خستگی و کم‌حوصلگی اشاره دارد که زنان با همسر جانباز آن را تجربه می‌کنند.

برخی نمونه‌های مصاحبه شده عبارتند از:

کد ۱: «من همیشه توی اضطراب و نگرانی هستم. همیشه نگران این هستم که همسرم نفسش نگیره». کد ۳: «زندگی بایک جانباز قطع نخاعی شرایط خاص خودش رو داره. اوایل پذیرشش برام راحت بود، ولی به مرور احساس خستگی می‌کردم و اذیت می‌شدم. خودم رو گرفتار می‌دیدم که دیگه هیچ وقت درست نمیشه این وضعیت. گاهی وقت‌ها احساس خستگی می‌کردم. احساس می‌کردم دیگه نمی‌تونم»

۳-۱-۲. مشکلات برونی‌سازی

زنان با همسر جانباز ممکن است مشکلات برونی‌سازی از خود نشان دهند. این مشکلات به بیرون فرد معطوف است و بیشتر در ارتباط با دیگران است. این مشکلات تا حدی محسوس و قابل مشاهده است. براساس مصاحبه‌های انجام شده، مشکلات برونی‌سازی شده شامل تحریک‌پذیری و پرخاشگری است. در این حالت، زنان با همسر جانباز ممکن است به اصطلاح خیلی زود از کوره در بروند و از خود پرخاشگری نشان دهند. در واقع فشاری که این زنان تجربه می‌کنند باعث تحریک‌پذیری زیاد آنها شده و با کوچک‌ترین محرکی عصبانی می‌شوند و دست به پرخاشگری می‌زنند. برخی از مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از:

کد ۲: «من بعد از ازدوایم خیلی تحریک‌پذیر شدم و زود از کوره در میرم». کد ۷: «به خاطر مشکلات همسرم خیلی تحت فشار هستم. ممکنه زود عصبانی بشم و داد و بیداد کنم. خیلی وقت‌ها با بچه‌هام دعوا دارم و سر اونها داد و فریاد می‌کنم. خودمم می‌دونم عصبانیتم رو سر اونها خالی می‌کنم».

۳-۱-۳. نارضا‌یتمندی از زندگی

داشتن زندگی سخت با مشکلات زیاد باعث می‌شود که فرد به دلیل رنج و سختی‌هایی که تجربه می‌کند از زندگی خود رضایت نداشته یا میزان رضایت کمی داشته باشد. براساس مصاحبه‌های انجام شده، برخی زنان بیان کردند که زندگی آنها بسیار سخت و طاقت‌فرساست و سبب شده است که نتوانند مانند بسیاری از افراد دیگر از زندگی خود لذت ببرند و به دلیل محدودیت‌هایی که دارند از زندگی چندان راضی نیستند. برخی از مصاحبه‌ها در این مورد عبارتند از:

کد ۵: «زندگی من پر از مشکلات متعدد هست و باعث شده خیلی برام سخت بگذره. کلی مشکل



دارم. اگر همسر جانبا ز نبود این مشکلات رو نداشتم. می‌دونم اگر اون خوب بود زندگی برام خیلی خوش می‌گذشت». کد ۹: «من اصلاً از زندگی راضی نیستم. هیچ خوشی ندارم».

۳-۱-۴. احساس تنهایی

به نظر می‌رسد که وقتی میزان و درصد جانبا زی بالا و نوع جانبا زی سخت باشد این حالت از طرفی باعث ارتباط کم جانبا ز با همسر می‌شود و از طرف دیگر به دلیل ایجاد محدودیت باعث می‌شود تا ارتباط این همسران با دنیای بیرون کمتر شود و مجبور باشند تا بیشتر در خانه مانده و از همسر خود مراقبت کنند. این عدم ارتباط و وجود چنین محدودیت‌هایی سبب منزوی شدن و احساس تنهایی در این زنان می‌شود. برخی مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از: کد ۶: «همسر من آدم کم حرفی است و خیلی حرف نمیزنه و چون به خاطر مشکلش مجبوره همش توی خونه درازکش باشه تقریباً جایی نمیریم. از طرفی چون بچه هم نداریم خونه ما خیلی ساکته. هرچند به این ساکت بودن عادت کردم، ولی اذیت هم می‌شم. باعث شده واقعاً احساس تنهایی کنم. احساس کنم انگار هیچ کسی نیست». کد ۱۱: «مشکلات اعصاب و روان همسر یه کاری کرده پامون از خونه بقیه بریده شه و بقیه هم نتونند خیلی بیان. برای همین خیلی منزوی شدیم».

۳-۲. درون‌مایه مشکلات جسمانی

پرستاری و نگهداری از جانبا زان باعث می‌شود همسران آنها جدای از مشکلات جسمانی که ممکن است ریشه روانی داشته باشد، دچار برخی مشکلات جسمانی شوند. برخی از مشکلات جسمانی می‌تواند به طور مستقیم ناشی از نگهداری از جانبا زان باشد.

۳-۲-۱. بیماری جسمی

بیماری جسمی به دردها و بیماری‌های بدنی اشاره دارد که زنان با همسر جانبا ز، آن را ناشی از نگهداری و مراقبت از همسر خود ذکر کردند. براین اساس، ممکن است زنان جانبا ز دچار دردها و بیماری‌ها بدنی به صورت موقت یا مزمن شوند و باعث شود که کیفیت زندگی آنها پایین بیاید. برخی مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از:

کد ۱۳: «من چون تنهام و کسی نیست همیشه توی جابه‌جا کردن همسر مشکل داشتم. چون کمی ورزش برام زیاده. باور کنید کمردرد گرفتم و این کمردرد منو خیلی اذیت می‌کنه». کد ۱۶: «چون همسر رو با ویلچر این‌ور و اون‌ور می‌برم پاهام و زانو هام خیلی درد می‌کنه. کتفم هم همیشه درد می‌کنه».

۳-۳. درون‌مایه مشکلات زناشویی

جانبازی ممکن است شرایطی پیش بیاورد که شخص جانباز به دلیل مشکلات جسمانی و روانی نتواند وظایف و تکالیف زناشویی خود را انجام دهد و از طرفی به دلیل داشتن رفتارهای ناکارآمد شرایطی را به وجود بیاورد که باعث مشکلات در زندگی زناشویی شود. مشکلات زناشویی به مشکلاتی در سطح بین فردی یا زوجی اشاره دارد که ممکن است بین شخص جانباز و همسر او به وجود بیاید. براساس مصاحبه‌های انجام شده، مشکلات زناشویی شامل مشکلاتی مثل مشکلات جنسی، مشکلات ارتباطی، مشکلات مرتبط با فرزند و مشکلات نقش است. این مشکلات در بستر زناشویی رخ می‌دهد و خود می‌تواند باعث مشکلاتی دیگر شود.

۳-۳-۱. مشکلات جنسی

یکی از ابعاد مشکلات زناشویی، مشکلات جنسی است که ممکن است بین زوج‌هایی رخ دهد که همسر آنها جانباز است. مشکلات جنسی به مشکلات زوج‌ها در عدم تماس و روابط جنسی، عدم لذت جنسی و نارضایتی جنسی اشاره دارد. براین اساس، برخی از این زوج‌ها در برقراری روابط جنسی مشکل دارند و برخی چندان به لذت جنسی نمی‌رسند. از این رو، از روابط جنسی خود رضایت ندارند. نوع و درصد جانبازی برخی به گونه‌ای است که داشتن رابطه جنسی را دشوار می‌کند و باعث می‌شود که زوج نتوانند به راحتی با یکدیگر رابطه جنسی داشته باشند. این امر باعث کاهش سطح رضایت جنسی در آنها می‌شود. برخی مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از:

کد ۳: «ما زندگی جنسی خوبی نداریم». کد ۵: «شرایط همسر به گونه‌ای است که رابطه جنسی برامون سخته و منم تا حدی بیخیال این قضیه شدم. مشکلات باروری هم داریم. دیگه کاری کرده کلاً این بُعد از زندگیمون توی این چند سال تعطیل باشه». کد ۱۴: «به عنوان زن و شوهر به سری موارد توی رابطه ما نیست. شاید ما مثل بقیه زن و شوهرها رابطه جنسی نداریم».

۳-۳-۲. مشکلات ارتباطی

یکی از ابعاد مشکلات زناشویی که ممکن است در زوج‌های با همسر جانباز وجود داشته باشد مشکلات ارتباطی است. این مشکلات بیشتر به مشکلاتی در حوزه پیام‌رسانی و



تعامل اشاره دارد. عدم برقراری ارتباط، عدم ایجاد یک ارتباط سازنده، عدم توانایی در گفت‌وگو برای رسیدن به راه حل و حل تعارض و همچنین وجود خشونت زناشویی از مشکلات ارتباطی است که زنان با همسر جانباز ممکن است با همسر خود داشته باشند. به دلیل وجود برخی شرایط جسمی و روانی در جانبازان و تأثیرگذاری این مشکلات بر همسران ایشان، این زوج‌ها ممکن است نتوانند تعامل خوبی با یکدیگر برقرار کنند. برخی مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از:

کد ۲: «همسرم چون مشکل اعصاب و روان داره گاهی وقت‌ها خیلی عصبی و خشن می‌شه و شروع می‌کنه به داد و فریاد زدن. من و بچه‌هام توی چنین مواقعی ازش زیاد کتک خوردیم». کد ۴: «من و همسرم خیلی مشکل داریم. گاهی وقت‌ها اصلاً نمی‌تونیم صحبت کنیم. باهام قهر می‌کنه و اصلاً هیچ صحبتی نمی‌کنه. مثل بچه‌ها رفتار می‌کنه». کد ۱۰: «همسر من جانبازیش زیاده و این از نظر روانی بهش فشار میاره و وقتی می‌شینم با خودش به مشکلاتش فکر می‌کنه میخاد همه چیز رو به هم بریزه و دائم به بچه و من گیر بده. برای همین خیلی وقت‌ها بحث داریم».

۳-۳-۳. مشکلات مرتبط با فرزند

براساس مصاحبه‌های انجام شده مشخص شد که زوج‌های با همسر جانباز در زمینه داشتن فرزند و فرزندپروری با مشکلاتی مواجه می‌باشند. مشکلات مثل ناباروری، عدم میل به فرزندآوری و نیز مشکلات در حوزه تربیت فرزند و فرزندپروری. برخی مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از:

کد ۱: «اوایل همسرم نمی‌خواست بچه دار بشیم. می‌گفت من شیمیایی هستم ممکنه زودی بمیرم و از این حرف‌ها. برای همین خیلی سر این قضیه مشکل داشتیم. من عاشق بچه بودم، ولی اون نمی‌خواست». کد ۱۳: «همسرم بچه نمی‌خواست. هرچی گفتم قبول نکرد. بابت این قضیه ازش دلخورم. باعث شد بچه نداشته باشم». کد ۱۷: «خب همسرم یک سری عقاید داره که واسه قبل است و سر این قضیه با بچه‌ها دائم بگو مگو داره. این باعث شده که منم باهاش دعوا کنم».

۳-۳-۴. مشکلات نقش

یکی از حوزه‌هایی که زنان با همسر جانباز ممکن است به طور حاد دچار آسیب شوند و از آن رنج برند، مشکلات مرتبط با نقش است. مشکلات نقش در واقع به زیادی و تعارض نقش



اشاره دارد. زنان با همسر جانباز ممکن است به دلیل مشکلات همسر خود، نقش‌های متعددی را ایفا کنند و این نقش‌ها با یکدیگر در تضاد باشند. آنها ممکن است علاوه بر همسررداری و فرزندداری، نقش پرستار، نان‌آور، مدیر و هماهنگ‌کننده خانواده و شاید بتوان گفت نقش پدر خانواده را ایفا کنند. این نقش‌ها باعث می‌شود تا آنها از نظر زمانی، وقت کافی برای انجام همه امور و حتی امور شخصی خود را نداشته باشند و باعث تعارض و ناسازگاری این نقش‌ها شود. برخی مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از: کد ۳: «من کارهای زیادی انجام می‌دم و احساس می‌کنم برای همین زود شکسته شدم. من پرستار همسر هستم. اون عملاً کاری نمی‌تونه انجام بده. گاهی اوقات وقت کم میارم و اصلاً به خودم نمی‌تونم برسیم». کد ۷: «همه کارهای خانه روی دوش منه. همسر هیچ کاری نمی‌کنه. هم زن خونه هستم هم مرد خونه». کد ۱۲: «بیشتر اوقات تمام کارها رو من انجام می‌دم. شاید همسر دوست داشته باشه به من کمک کنه، ولی توانایی انجام اون رو نداره. از این همه کار کردن خسته می‌شم، ولی چاره‌ای ندارم و مجبورم کارهایی که مربوط به مرد خونه می‌شه رو هم من انجام بدم».

۳-۴. درون‌مایه مشکلات اجتماعی

جدا از مشکلات فردی و بین‌فردی که زنان با همسر جانباز ممکن است به دلیل جانبازی همسر خود متحمل آن شوند برخی از مشکلات، خارج از سیستم خانوادگی و فردی و ناشی از محیط بیرون و دیگران است. دیگران ممکن است به دلیل شرایط جانبازی با باورها، رفتارها صحبت‌ها، و سایر کارهای سبب ناراحتی و آشفتگی چنین خانواده‌هایی به ویژه زنان شوند.

۳-۴-۱. مشکلات ناشی از احساس ننگ اجتماعی

براساس مصاحبه‌های انجام شده مشخص شد که زنان با همسر جانباز به دلیل شرایط جانبازی همسر خود ممکن است از سوی دیگران مورد آزار و اذیت واقع شوند. ننگ اجتماعی به توصیف‌ها و رفتارهای دیگران با این خانواده‌ها اشاره دارد که به دلیل جانبازی یک عضو خانواده است. دیگران ممکن است با حرف‌ها و کنایه‌های خود سبب آزار این خانواده‌ها شوند. از این رو، این خانواده‌ها سعی در پنهان نگه داشتن و کتمان جانبازی عضو خانواده داشته باشند. برخی مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از:

کد ۸: «خیلی از افراد با حرف‌هاشون اذیتمون می‌کنند و زخم‌زبون می‌زنند. می‌گن به شما که

پول خوبی می‌دن. کاش ما هم جانباز بودیم و از این حرفا. به خدا آتیش می‌گیریم. نمی‌دونند ما چی می‌کشیم». کد ۱۱: «بچم یک بار اومد خونه کلی گریه کرد. گفتم چی شده. برگشت گفت: این جانبازی بابا فقط برامون بدبختی داره. گفت: بچه‌ها توی دانشگاه هی می‌گن خوشبخت‌ترین سهمیه داری. با سهمیه قبول شدی. بهت شغل می‌دن. کارت از همین الان جوره. کاش بابای ما هم می‌رفت جبهه و برمی‌گشت می‌گفتند جانباز تا ما هم کیف کنیم». کد ۱۸: «بچه من همیشه سعی می‌کنه کسی ندونه پدرش جانباز هست. بنده خدا حق هم داره. والله مردم فکر می‌کنند خانواده‌هایی که جانباز دارند روی گنج نشستند و همه چیز بهشون می‌دن».

۳-۵. درون‌مایه مشکلات اقتصادی

یکی از مشکلات خانواده‌های با عضو جانباز، مشکلات اقتصادی است. جانبازی ممکن است شرایطی ایجاد کند که فرد نتواند شاغل باشد و به دلیل هزینه‌های درمانی دچار مشکلات مالی زیاد شود.

۳-۵-۱. مشکلات مالی

خانواده‌های با عضو جانباز ممکن است از نظر مالی مشکلات متعددی داشته باشند. براساس مصاحبه‌ای انجام شده، شرکت‌کنندگان اذعان داشتند که نبود یا کمبود پول باعث شده تا آنها مشکلات مالی زیادی را تجربه کنند. جانبازانی که توانایی اشتغال ندارند و از نظر درمانی و پزشکی هزینه‌های زیادی دارند، مشکلات مالی بیشتری را تجربه می‌کنند برخی مصاحبه‌های انجام شده عبارتند از:

کد ۶: «ما از نظر مالی خیلی مشکل داریم. همسرم نمی‌تونه کار کنه و هزینه‌های پزشکی اون هم بالاست. چون بیشتر اوقات پزشک باید بیاد توی خونه اونو ببینه. با این گرونی هم هیچ چیزی برامون نمی‌مونه». کد ۷: «من دو تا بچه دارم و شوهری که نمی‌تونه کار کنه و کلی هم هزینه دوا درمونش می‌شه. هرچند خودم کار می‌کنم، ولی پولم نمی‌رسه با این گرونی». کد ۱۹: «باور کنید گاهی وقت‌ها پول توی خونه نیست و نمی‌تونم چیزی بخرم. همیشه استرس اینو دارم که بتونم داروهای همسرم رو سر وقت بگیرم تا یه وقت حالش بد نشه».

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف شناسایی مشکلات همسران جانباز انجام شد. ابتدا با استفاده



از روش گروه‌های کانونی، ۵ مقوله اصلی از مشکلات همسران جانبازان شناسایی شد. در بررسی مشکلات زنان با همسر جانباز، در کدگذاری و بررسی درون‌مایه‌های اصلی و فرعی، ابتدا ۱۰۹ کد اولیه شناسایی شد که با ادغام موارد مشترک و حذف موارد تکراری در نهایت ۱۹ مفهوم باقی ماند. در مرحله بعد، مفاهیم اولیه با هم ترکیب شدند و در نهایت به شناسایی ۱۱ مقوله یا درون‌مایه فرعی منجر شد. سپس درون‌مایه‌ها یا درون‌مایه‌های فرعی از نظر مفهومی در کنار هم قرار گرفتند و ۵ مقوله اصلی شناسایی شد. این مشکلات شامل مشکلات روانی، جسمانی، زناشویی، اجتماعی و مشکلات اقتصادی بود. اولین مقوله به دست آمده مشکلات روانی شامل مشکلات درونی‌سازی، مشکلات برونی‌سازی، نارضایتی‌مندی از زندگی و احساس تنهایی بود. مشکلات جانبازان موجب می‌شود تا همسران ایشان دچار برخی ناراحتی‌های روانی شوند. هی و همکاران (۲۰۱۹) به این نتیجه رسیدند که مراقبت‌کنندگان از افراد ناتوان و معلول علائم مشکلات روانی و افسردگی را نشان می‌دهند. سایر مطالعات نیز از تأثیر زندگی با افراد ناتوان بر وضعیت روانی افراد حمایت کرده‌اند (رک.، آیدوغان و کیزیلداغ، ۲۰۱۷^۲؛ کالوینا^۳، ۲۰۱۹). در ایران نیز مطالعات مختلف نشان داد که سلامت روانی در همسران جانبازان در نتیجه زندگی با فرد بیمار دچار اختلال می‌شود (صادقی، جدیدی و شمسی، ۱۳۹۳). در این مورد می‌توان گفت که خانواده مانند یک سیستم عمل می‌کند؛ زیرا رفتارهای اعضای یک خانواده تابعی از رفتار سایر اعضای خانواده است و در صورت بروز مشکل در رفتار و حالات یکی از اعضا، تعادل خانواده به هم خورده و سیستم خانواده برای حفظ تعادل مجبور است که وارد عمل شود. تأثیر عضوی از خانواده بر عضو دیگر بدیهی و روشن است به طوری که امکان ندارد در یک خانواده، شخصی دچار مشکل شده و این مشکل بر دیگر اعضای خانواده تأثیر نگذارد (هی و همکاران، ۲۰۱۹). خانواده و به‌ویژه همسران این افراد به دلیل تحمل استرس‌های طاقت‌فرسا و نیز نقش‌های جدید، دچار احساسات و افکاری مانند احساس گناه، ترس و نگرانی، تنفر و ابراز خشم، اندوه و ناامیدی شوند. بنابراین، احساس تنهایی و نارضایتی از زندگی به آنها دست می‌دهد.

دومین مقوله شناسایی شده مشکلات جسمانی شامل بیماری جسمی بود. پرستاری

1. He, M., et al
2. Aydogan, D., & Kizildag, S.
3. Kalavina, R.

و نگهداری از افراد ناتوانی مانند جانبازان موجب می شود تا مراقب که در بیشتر موارد همسر است دچار مشکلات جسمانی متعددی شود. برخی از این مشکلات جسمانی ریشه روانی داشته و برخی دیگر به طور مستقیم از بیمار ناشی می شود. پولنیک، لگت و کالز^۱ (۲۰۱۷) نشان دادند که زندگی با افراد ناتوان از نظر جسمی یا روانی موجب ایجاد مشکلات جسمی در همسر می شود. از نظر دل پیشه و همکاران (۱۳۹۲) وضعیت جسمانی جانبازان با وضعیت جسمانی همسرانشان در ارتباط بوده و همسران جانبازان به مرور و با گذشت زمان، مشکلات متعدد جسمانی را تجربه می کنند. در این مورد می توان گفت که با توجه به دشواری مراقبت از بیمار همسران جانبازان باید فعالیت های مختلفی مانند جابه جایی آنها و یا امور مختلف مربوط به همسر و همچنین امور خانه را انجام دهند که در نتیجه این امر به شدت تحت فشار جسمانی قرار می گیرند. به دلیل خستگی و شرایط نامطلوب زندگی، میل جنسی این زوجین نیز کاهش یافته و ارتباطشان با همسر روزبه روز کمتر می شود. هرچند در برخی موارد، مشکلات جسمی همسر جانباز مانع از رابطه جنسی وی نیز می شود. سومین مقوله به دست آمده مشکلات زناشویی است که شامل مشکلات جنسی، مشکلات ارتباطی، مشکلات مرتبط با فرزند و مشکلات نقش می باشد. جانبازی ممکن است شرایطی پیش بیاورد که شخص جانباز به دلیل مشکلات جسمانی و روانی نتواند وظایف و تکالیف زناشویی خود را انجام دهد و از طرفی به دلیل داشتن رفتارهای ناکارآمد شرایطی را به وجود آورد که باعث مشکلات در زندگی زناشویی شود. مشکلات زناشویی به مشکلاتی در سطح بین فردی یا زوجی اشاره دارد که ممکن است بین شخص جانباز و همسر آنها به وجود آید. این یافته نیز با پژوهش های مختلف از جمله کاستا، پتر و دیسومر^۲ (۲۰۲۰) و لزللی و کوبلینسکی^۳ (۲۰۱۷) در همسو می باشد. می توان گفت که کارکردهای همسر به دلیل شرایط جانبازی وی دچار اختلال شده و بخشی از آن به همسر منتقل می شود. همین امر موجب مشکلات مختلف در همسر مراقب می شود. همسر مراقب باید علاوه بر تیماری از همسر جانباز و سروسامان دادن به شرایط محیط خانه و زندگی، واسط و ارتباط بین همسر جانباز و فرزندان نیز باشد و همواره نقش تکیه گاهی خود را برای هر دو طرف حفظ کند و این امر

1. Polenick, C. A., Leggett, A. N., & Kales, H. C.
 2. Costa, D. L., Yetter, N., & DeSomer, H.
 3. Leslie, L. A., & Koblinsky, S. A.



یعنی، فشار مضاعف (دل‌پیشه و همکاران، ۱۳۹۲). در نتیجه این امر، مشکلات مختلفی در ارتباط با فرزند و مشکلات مربوط به نقش وی در خانواده ایجاد می‌شود.

چهارمین مقوله شناسایی شده، مشکلات اجتماعی یا ننگ اجتماعی بود. همواره زندگی با افراد ناتوان و معلول با مشکلات اجتماعی همراه است. دیگران ممکن است به دلیل شرایط جانبازی با باورها، رفتارها، صحبت‌ها و سایر کارهای دیگر باعث ناراحتی و آشفتگی چنین خانواده‌هایی و به‌ویژه زنان شوند. مطالعات میتر، علی و اسسیورا^۱ (۲۰۱۹)، سانگ، مایلیک و گرینبرگ^۲ (۲۰۱۸) نشان نشان داد که مراقبت از افراد ناتوان با مشکلات اجتماعی و در مواردی ننگ اجتماعی همراه است. در ایران نیز نتایج مطالعات نشان داده است که جانبازان و خانواده‌های آنها با چالش‌های اجتماعی و مشکلات عدیده‌ای روبه‌رو هستند (ر.ک.، شریعتی مزینانی و فروغ‌زاده، ۱۳۹۸). اگرچه جانبازان برای ارزش‌های ویژه و اعتقادات خاصی که داشته‌اند به جنگ رفته و تبعات آن را پذیرفته‌اند، اما امتیازات اندکی که از سوی بنیاد جانبازان به برخی از ایشان داده شده است، سبب شده تا بیشتر جانبازان در نظر عامه مردم افرادی باشند که برای استفاده از آن امتیازات جانبازنمایی می‌کنند. این مطلب، خانواده‌ها و به‌ویژه همسران جانبازان را نیز تحت‌الشعاع قرار می‌دهد؛ زیرا موجب افت منزلت اجتماعی جانبازان و بی‌اعتمادی به آنها و خانواده آنهاست.

پنجمین مقوله به دست آمده پژوهش حاضر، مشکلات اقتصادی و مالی بود. این مقوله با نتیجه پژوهش میترا و همکاران^۳ (۲۰۱۷) که نشان داد زندگی با یک بزرگسال ناتوان، هزینه‌های اضافی را بر خانواده تحمیل می‌کند، همسوست. ایوانز، کروگر، پالمر و پیل^۴ (۲۰۱۹) به این نتیجه رسیدند که بی‌خانمانی در سربازان جنگی و جانبازان افزایش یافته و نیازمند برنامه‌ای برای بهبود است. اگرچه بنیاد جانبازان برخی از هزینه‌های این افراد را تقبل می‌کند، اما بسیاری از جانبازان از این امتیازات استفاده نکرده و هزینه‌های درمانی گزاف برای بسیاری از آنها مشکل ایجاد می‌کند. می‌توان گفت که خانواده جانبازان و به‌ویژه همسران آنها مشکلات متعددی را در ابعاد مختلف روانی، جسمانی، زناشویی، اجتماعی و اقتصادی تجربه و تحمل می‌کنند.

1. Mitter, N., Ali, A., & Scior, K.
2. Song, J., Mailick, M. R., & Greenberg, J. S.
3. Mitra, S., & et al
4. Evans, W. N., Kroeger, S., Palmer, C., & Pohl, E.

با توجه به ارزش والای فرهنگ ایشار و شهادت در جامعه اسلامی، تحقیق حاضر به منظور ارائه گوشه‌هایی از مشکلات زندگی زنان با همسر جانباز از راه مصاحبه‌های کیفی با این خانواده‌ها انجام شد تا ارائه خدمات سازمان‌های مربوطه از جمله بنیاد شهید و ایثارگران با در نظر گرفتن چارچوبی جامع که در برگیرنده ابعاد مختلف مشکلات روانی، جسمانی، زناشویی، اجتماعی و اقتصادی است، صورت گیرد. برخی مواقع دیده می‌شود که سازمان‌های مربوطه فقط به ابعاد مشکلات مالی و اقتصادی توجه می‌کنند در حالی که خدمت‌رسانی به خانواده‌های آنها زمانی جامع و مؤثر است که شامل همه ابعادی باشد که در پژوهش حاضر کشف شد. امید است که نتایج پژوهش حاضر در رسیدگی به مشکلات خانواده‌های جانبازان راه‌گشای سازمان‌های مربوطه باشد.

فهرست منابع

۱. حسینی، مریم (۱۳۹۴). معرفی روش گروه‌کانونی و کاربرد آن در تحقیقات. تهران: قشقای.
۲. خدابخشی کولایی، آناهیتا، و نجمی صادق، سما (۱۳۹۸). زندگی با پدر جانباز: واکاوی نیازهای روان‌شناختی و عاطفی دختران جانباز (رویکردی پدیدارشناسانه). *نشریه طب نظامی*، ۲۱(۵)، ۴۷۹-۴۸۹.
۳. دل‌پیشه، علی، منصوریان، مرتضی، باباخانی، آذر، بهامین، قباد، بیدل، زینب، بهزادی فر، میثم، قربانی، مصطفی، و رضایپور، عزیز (۱۳۹۲). مقایسه سلامت عمومی جانبازان شهرستان ایلام با سلامت همسران آنان. *نشریه طب جانباز*، ۲۱(۲)، ۲۷-۳۳.
۴. شریعتی مزینانی، سعید، و فروغ‌زاده، سیمین (۱۳۹۸). چالش‌های اجتماعی و مشکلات زندگی جانبازان (مطالعه موردی: جانبازان زیر ۲۵ درصد در استان خراسان رضوی). *نشریه توسعه اجتماعی*، ۱۱(۱)، ۹۵-۱۲۶.
۵. صادقی، ابوالقاسم، جدیدی، محسن، و شمسایی، محمد مهدی (۱۳۹۳). مقایسه نیمرخ روانی، رضایت از زندگی و راهبردهای مقابله‌ای در همسران شهدا، جانبازان مبتلا به اختلال استرس پس از سانحه و آزادگان. *نشریه اندیشه و رفتار در روان‌شناسی بالینی*، ۳۱(۱)، ۵۷-۶۶.
۶. طلاوری، الهه، و نیسی، عبدالکازم (۱۳۹۴). مقایسه کیفیت زندگی و تعارض کار-خانواده بین کارگران جانباز و غیر جانباز. *نشریه طب جانباز*، ۲۱(۱)، ۲۴۲-۲۴۶.
۷. قاضی‌نژاد، نیکو، غلامعلی لواسانی، مسعود، و اژه‌ای، جواد (۱۳۹۹). تحلیل کیفی تجارب خانوادگی جانبازان اعصاب و روان: یک پژوهش پدیدارشناختی. *نشریه روان‌شناسی*، ۲۴(۲)، ۱۳۰-۱۴۹.
۸. معصومی‌راد، رضا (۱۳۹۴). سنجش نگرش، موانع و راهکارهای فراگیرشدن حفظ قرآن میان خانواده‌های شهدا و ایثارگران. *نشریه پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی*، ۲۳(۲۷)، ۳۱-۵۳.
۹. میرشکاری، حمیدرضا، ثناگوی محرز، غلامرضا، و شیرازی، محمود (۱۳۹۹). اثربخشی آموزش خانواده‌درمانی ساختاری به شیوه گروهی بر عملکرد خانواده و رضایت زناشویی زنان دارای همسر جانباز. *نشریه روان‌شناسی نظامی*، ۱۱(۴۳)، ۶۱-۷۲.
۱۰. نوتاش، محمد، بهرامی، هادی، و فرخی، نورعلی (۱۴۰۰). ساخت و اعتباریابی آزمون فراقکن تصویری به منظور سنجش اختلال PTSD در جانبازان جنگ و ناجا. *نشریه علمی دانش انتظامی*، ۱۱(۱)، ۱-۱۲.
۱۱. یزدانی زیارت، محمد، و دامغانیان، حسین (۱۳۹۵). ارتقای شایستگی ارتباطی کارکنان جانباز و ایثارگر در پرتو هوش عاطفی. *نشریه روان‌شناسی نظامی*، ۲۷(۱)، ۵۳-۶۶.
12. Aydogan, D., & Kizildag, S. (2017). Examination of relational resilience with couple burnout and spousal support in families with a disabled child. *The Family Journal*, 25(4), 407- 413.

13. Coşta, D. L., Yetter, N., & DeSomer, H. (2020). Wartime health shocks and the postwar socioeconomic status and mortality of union army veterans and their children. *Journal of health economics*, <https://doi.org/10.1016/j.jhealeco.2019.102281>
14. Evans, W. N., Kroeger, S., Palmer, C., & Pohl, E. (2019). Housing and Urban Development-Veterans Affairs supportive housing vouchers and veterans' homelessness. *American journal of public health*, 109(10), 1440- 1445.
15. Greene, T., Lahav, Y., Bronstein, I., & Solomon, Z. (2014). The role of ex-POWs' PTSD symptoms and trajectories in wives' secondary traumatization. *Journal of Family Psychology*, 28 (5), 666- 674.
16. He, M., Ma, J., Ren, Z., Zhou, G., Gong, P., Liu, M., & Zhang, X. (2019). Association between activities of daily living disability and depression symptoms of middle-aged and older Chinese adults and their spouses: A community-based study. *Journal of affective disorders*, <https://doi.org/10.1016/j.jad.2018.08.060>
17. Kalavina, R. (2019). The challenges and experiences of stroke patients and their spouses in Blantyre, Malawi. *Malawi Medical Journal*, 31(2), 112- 117.
18. Kurian, B., Mathew, P., & Bivin, J. B. (2017). Impact of Having a Family Member with Major Mental Illness: Do there exists Differences perceived among Spouse-and non-spouse family members? *Asian Journal of Nursing Education and Research*, 7(2), 163- 167.
19. Kurian, B., Mathew, P., & Bivin, J. B. (2017). Impact of Having a Family Member with Major Mental Illness: Do there exists Differences perceived among Spouse-and non-spouse family members? *Asian Journal of Nursing Education and Research*, 7(2), 163- 167.
20. Leslie, L. A., & Koblinsky, S. A. (2017). Returning to civilian life: Family reintegration challenges and resilience of women veterans of the Iraq and Afghanistan wars. *Journal of Family Social Work*, 20(2), 106- 123.
21. Mitra, S., Palmer, M., Kim, H., Mont, D., & Groce, N. (2017). Extra costs of living with a disability: A review and agenda for research. *Disability and health journal*, 10(4), 475- 484.
22. Mitter, N., Ali, A., & Scior, K. (2019). Stigma experienced by families of *individuals with intellectual disabilities and autism: A systematic review*. *Research in Developmental Disabilities*, 89, 10- 21. <https://doi.org/10.1016/j.ridd.2019.03.001>
23. O'Toole, B. I., Dadds, M., Burton, M. J., Rothwell, A., & Catts, S. V. (2018). Growing up with a father with PTSD: The family emotional climate of the children of Australian Vietnam veterans. *Psychiatry Research*, 268, 175- 183. <https://doi.org/10.1016/j.psychres.2018.06.071>
24. Ottomanelli, L., Barnett, S. D., & Goetz, L. L. (2013). A prospective examination of the impact of a supported employment program and employment on health-related quality of life, handicap, and disability among Veterans with SCI. *Quality of Life Research*, 22(8), 2133- 2141.
25. Palacio, C., Krikorian, A., & Limonero, J. T. (2018). The influence of psychological factors on the burden of caregivers of patients with advanced cancer: Resiliency and caregiver burden. *Palliative & supportive care*, 16(3), 269- 277.
26. Panzeri, A., Rossi Ferrario, S., & Vidotto, G. (2019). Interventions for psychological health of stroke caregivers: a systematic review. *Frontiers in psychology*, 10, 20- 45. <https://doi.org/10.3389/fpsyg.2019.02045>



27. Polenick, C. A., Leggett, A. N., & Kales, H. C. (2017). Medical care activities among spouses of older adults with functional disability: implications for caregiving difficulties and gains. *The American Journal of Geriatric Psychiatry*, 25(10), 1085- 1093.
28. Solomi, V. L., & Casiday, R. E. (2017). In sickness and in health: the strains and gains of caring for a chronically ill or disabled spouse. *Chronic illness*, 13(2), 75- 87.
29. Song, J., Mailick, M. R., & Greenberg, J. S. (2018). Health of parents of individuals with developmental disorders or mental health problems: Impacts of stigma. *Social science & medicine*, 217, 152- 158. <https://doi.org/10.1016/j.socscimed.2018.09.044>
30. Straus, M. A., & Smith, C. (2017). *Physical Violence in american Families. Risk factors and adaptations to violence*. New York: Routledge. <https://doi.org/10.4324/9781315126401>
31. Ullrich, A., Ascherfeld, L., Marx, G., Bokemeyer, C., Bergelt, C., & Oechsle, K. (2017). Quality of life, psychological burden, needs, and satisfaction during specialized inpatient palliative care in family caregivers of advanced cancer patients. *BMC palliative care*, 16(1), 1- 10.
32. Vatter, S., Stanmore, E., Clare, L., McDonald, K. R., McCormick, S. A., & Leroi, I. (2020). Care burden and mental ill health in spouses of people with Parkinson disease dementia and Lewy body dementia. *Journal of geriatric psychiatry and neurology*, 33(1), 3- 14.
33. Walke, S. C., Chandrasekaran, V., & Mayya, S. S. (2018). Caregiver burden among caregivers of mentally ill individuals and their coping mechanisms. *Journal of neurosciences in rural practice*, 2(9), 180- 185.



امکان‌سنجی بسته‌مداخله‌ای کاهش تعارض زناشویی براساس منابع اسلامی

علی محمد صالحی^۱، محمد مهدی صفورایی پاریزی^۲

چکیده

تعارض پدیده‌ای است که در ارتباط زناشویی به موازات عشق ایجاد می‌شود و امری اجتناب‌ناپذیر است. پژوهش حاضر با هدف امکان‌سنجی بسته‌مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین براساس منابع اسلامی به روش نیمه‌آزمایشی از نوع طرح‌های تک‌آزمودنی با خط پایه چندگانه متوالی - اکتشافی انجام شد. جامعه آماری پژوهش شامل کلیه زوجینی بودند که به دلیل وجود تعارض، به مرکز مشاوره غدیر در شهر قم مراجعه کرده بودند. از بین ایشان تعداد سه زوج باروش نمونه‌گیری هدفمند و با ملاک اثبات وجود تعارض براساس پرسش‌نامه تعارضات زناشویی برای ورود به پژوهش انتخاب شدند. اطلاعات پژوهش با استفاده از پرسش‌نامه تعارضات زناشویی قبل و بعد از مداخله جمع‌آوری شد. بسته‌مداخله محقق ساخته شامل بسته‌مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین براساس منابع اسلامی در قالب یک درمان کوتاه‌مدت ساختاریافته ۹ جلسه‌ای بود که ۱۰ روان‌شناس، روایی جلسات درمانی آن را به‌طورکلی و در سطح ساختار، اهداف و تکنیک‌ها تأیید کردند. نتایج اجرای بسته‌مداخله‌ای بر روی گروه نمونه نشان داد که تعارض زوجین متعارض پس از مداخله، به وضعیت خفیف و بدون آسیب با روند کاهشی و باثبات رسیده است.

واژگان کلیدی: امکان‌سنجی بسته‌مداخله‌ای، منابع اسلامی، بسته‌مداخله‌ای

تعارض زناشویی، تعارض زوجین.

نوع مقاله: پژوهش تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۱/۰۴ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۴/۲۰ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۵/۰۴
۱. دانش‌آموخته دکتری قرآن و علم با گرایش روان‌شناسی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی - اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: asajad45@yahoo.com

۲. دانشیار روان‌شناسی تربیتی، مجتمع آموزش عالی علوم انسانی - اسلامی، گروه روان‌شناسی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: safurayi@gmail.com

The Feasibility of an Interventional Package of the Decrement of Marital Conflict Based on Islamic Sources

Ali Mohammad Salehi¹, Mohammad Mahdi Safouraei Parizi²

A conflict is an inevitable phenomenon formed during marital relationship in parallel with love. The present study aimed to investigate the feasibility of an interventional package of the decrement of couples' conflict based on Islamic sources with a quasi-experimental method and single-case experimental design with a multiple sequential-exploratory baseline. The population included all couples who were in conflict referring to the Ghadir Counseling Center in the city of Qom. Three couples were selected by the judgmental sampling and with the confirmation of conflict criterion according to a marital conflict questionnaire. The data were collected before and after the intervention. The researcher's interventional package of the decrement of couples' conflict was designed according to the Islamic sources, and it was in the form of a short structured 9 session treatment. The package validity regarding its sessions, in general, and in terms of its structure, objectives, and techniques were confirmed by 10 psychologists. The results of the interventional package showed that after the intervention, the couples' conflict turned to a good and safe condition with a decreasing and stable trend.

Keywords: feasibility of an interventional package, Islamic sources, interventional package of marital conflict, couples' conflict.

Paper Type: Research

Data Received: 2022 / 03 / 24 Data Revised: 2022/ 07 / 21 Data Accepted: 2022 / 07 / 26

1. Ph.D. in Quran and Science in the Field of Psychology, Humanities-Islamic Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Email: asajad45@yahoo.com

2. Associate Professor of Educational Psychology, Department of Psychology, Humanities-Islamic Higher Education Complex, Al-Mustafa International University, Qom, Iran. (Corresponding Author)

Email: m_safurayi@miu.ac.ir

تعارض و عدم تفاهم در روابط زوجین، امری شایع است و هیچ خانواده‌ای از این امر مستثنی نیست، اما گاهی این تعارضات تبدیل به تعارض‌های شدید می‌شود. امروزه زوجین درگیر انواع مختلفی از تعارضات شدیدند که سبب عدم کارکرد خوب و سالم خانواده می‌شود و نهادی که وظیفه اصلی آن، تقویت روحیه و شخصیت سالم است، خود به عاملی برای ایجاد تعارضات عاطفی، رفتاری و شخصیتی تبدیل می‌شود. (امیرزایی، زارعی و صادقی‌فرد، ۱۳۹۸) برای تعیین اثربخشی رویکردهای مختلف به منظور کاهش و مدیریت تعارضات زوجین، پژوهش‌های متعددی انجام شده است. هدف زوجین از شرکت در درمان‌های خانوادگی و زوجی، بهبود تبادلات، افزایش اعتماد، حل تعارضات و تقویت صمیمیت بین خود با وجود تداوم مشکلات است (داستان، ۱۳۹۴). برای پایداری صمیمیت زوجین و افزایش احساس رضایت آنها، بهبود ارتباط زوجین ضروری است. بر همین اساس، پژوهشگران بسیاری بر عوامل مؤثر بر استحکام و کاهش تعارضات زوجین متمرکز شده‌اند.

بحث کاهش تعارضات و افزایش آرامش، مودت و رحمت در روابط زوجین از موضوعات مورد توجه در منابع اسلامی است. براساس نگاه قرآنی، تحول رفتارهای درون خانوادگی و خویش‌داری، رفتارهایی سالم، ایمن و رشدیافته برای زوجین به دنبال دارد. خویش‌داری، عاملی برای رشد و هماهنگی با خواسته‌های متعالی و در تعارض با تمایلات بازدارنده و پست بشری در خانواده است. خداوند در قرآن پیرامون شرایط بروز اختلاف می‌فرماید: «اگر زنی از سرکشی یا روی‌گردانی شوهرش ترس داشته باشد، پس هیچ گناهی بر آندو نیست در اینکه با آشتی در میانشان صلح برقرار کنند و صلح، بهتر است و (گرچه در این موارد) جان‌ها در معرض آزمندی است و اگر نیکی کنید و خودنگهدار باشید، پس در واقع خدا به آنچه انجام می‌دهید، آگاه است». (نساء: ۱۲۸). براساس این آیه، همسران باید از خودنگری و خودمحوری پرهیز کنند و در قالب مدارا، مصالحه و خویش‌تنداری به دوام و پایداری خانواده بیندیشند. سوره نساء که دربردارنده موضوعات خانوادگی مانند ادای حقوق یکدیگر، تقسیم عادلانه ارث و رعایت حقوق خانوادگی است که با دعوت به تقوی آغاز می‌شود. در آیات ابتدایی سوره طلاق نیز، لزوم اتخاذ رویه خویش‌تندارانه در خانواده با



تأکید تصریح شده است (ر.ک.، طلاق: ۱). بنابراین، یکی از مهمترین ابعاد اصلاح روابط زوجین از دیدگاه اسلام، بعد خویشتن داری همسران با یکدیگر است.

باتوجه به شرایط زوجین در جامعه و نیاز آنها به افزایش صمیمیت و کاهش تعارضات، بررسی بسته مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین براساس منابع اسلامی ضروری به نظر می‌رسد. بررسی امکان‌سنجی یا امکان‌پذیری^۱ بسته مداخله‌ای تدوین شده، برای کاهش تعارضات زوجین، تعیین میزان موفقیت بسته مذکور و فراهم کردن اطلاعات اولیه درباره سطح تأثیرات احتمالی است. امکان‌سنجی به معنای امکان تحقق‌پذیر بودن یک برنامه و یا فعالیت در سطوح گوناگون است مشروط بر اینکه شرایط و بسترسازی‌های اولیه مقدماتی برای اجرای آن برنامه فراهم شده باشد. در پژوهش حاضر، امکان‌سنجی بسته مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین براساس منابع اسلامی مورد توجه است. برای پیگیری این هدف از طرح تک‌آزمودنی^۲ که در امکان‌سنجی‌ها بیشتر کاربرد دارد استفاده شده است. (گالو، کومر و بارلو، ۲۰۱۳^۳؛ به نقل از صادقی سرشت، ۱۳۹۹) با توجه به فراوانی تعارضات همسران و عواقب بعدی آن در جامعه و نیاز به مداخله درست در این زمینه و با مروری بر پژوهش‌های انجام شده، مشخص شد پژوهشی که به‌طور مستقیم بر امکان‌سنجی بسته مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین براساس منابع اسلامی متمرکز باشد، انجام نشده است. بنابراین، پژوهش حاضر این پرسش را بررسی می‌کند که آیا امکان اجرای بسته مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین براساس منابع اسلامی وجود دارد؟

بررسی پیشینه پژوهش نشان می‌دهد که تحقیقات متعددی با هدف کاهش تعارضات زوجین انجام شده است. از جمله اسمعیل طلائی (۱۳۹۸) در پژوهش خود الگوی مشاوره‌ای مراحل رشد خانواده مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و اثربخشی آن بر تعارضات زوجین را بررسی کرده است. نتایج پژوهش ایشان نشان داد که تکالیف رشدی به‌دست آمده در مرحله زوجیت بر کاهش تعارضات زناشویی هر یک از زوجین اثربخش بوده و تفاوت معناداری ایجاد کرده است. اسماعیلی (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان داد که درمان شناختی-رفتاری

1. Feasibility
2. single-subject design
3. Gallo, K. P., Comer, J. S., & Barlovi, D. H.

در تعارضات زناشویی و تنظیم هیجان زوجینی که تعارض دارند با اثربخشی معناداری همراه است. همچنین فتوحی، میکائیلی، عطادخت و حاجلو (۱۳۹۶) در پژوهش خود نشان دادند که درمان مبتنی بر فراهیجان باعث کاهش دلزدگی زناشویی می‌شود. رحیم‌پور (۱۳۹۶) نیز در پژوهش خود نشان داد که روش آموزش مهارت ارتباطی با اختلاف کمی نسبت به روش تاب‌آوری در افزایش سازگاری زناشویی و کاهش تعارض زوجین اثربخش‌تر بوده است. براساس یافته‌های پژوهش داستان (۱۳۹۴) مداخلات زوج‌درمانی روایتی و زوج‌درمانی تلفیقی باعث تغییر تاکتیک‌های حل تعارض و افزایش سازگاری زناشویی می‌شود. بختیاری (۱۳۹۴) در پژوهش خود نشان داد که آموزش مهارت‌های حل تعارض به زوجین می‌تواند عملکرد خانواده آنها را بهبود بخشد و همچنین در بهبود کیفیت زندگی آنها مؤثر باشد، اما نمی‌تواند محدودیت‌ها و ناتوانی‌های جسمانی آنها را بهبود بخشد. نتایج پژوهش شیخ‌زاده (۱۳۹۱) نیز حاکی از کاهش میزان تعارضات زناشویی و افزایش تمایز یافتگی بود. یاری‌گشنیگانی (۱۳۹۰) نیز در پژوهش خود نشان داد که آموزش خودمهارگری بر کاهش تعارضات زناشویی در عامل کلی تعارضات و تمام مؤلفه‌های تعارضات به جز افزایش جلب حمایت و کاهش ارتباط مؤثر، تأثیر دارد.

هرچند پژوهش‌هایی با رویکردهای مداخله‌ای و اهداف متفاوت در مورد تعارضات زوجین انجام شده است، ولی تاکنون پژوهشی با هدف امکان‌سنجی بسته مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین براساس منابع اسلامی اجرا نشده است. از این رو، باتوجه به جایگاه و اهمیت روابط زوجین از دیدگاه اسلام و آموزه‌های اسلامی درباره خانواده و کاهش تعارضات زوجین و باتوجه به اینکه پژوهشی در زمینه امکان‌سنجی بسته مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین براساس منابع اسلامی انجام نگرفته است، انجام پژوهش حاضر ضروری و مورد تأکید بود.

۲. شیوه اجرای پژوهش

۲-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش نیمه‌آزمایشی از نوع طرح‌های تک‌آزمودنی با خط پایه چندگانه متوالی - اکتشافی انجام شد. طرح متوالی - اکتشافی یکی از انواع روش‌های ترکیبی است



که در آن ابتدا داده‌های کیفی و سپس داده‌های کمی گردآوری و تحلیل می‌شوند و در نهایت، هر دو تحلیل کیفی و کمی به طور یک جا تفسیر می‌شوند (محمدپور، صادقی و رضایی، ۱۳۸۵). در پژوهش حاضر وضعیت سه زوج متفاوت در مرحله قبل از شروع مداخله مطالعه شد. بر روی زوج اول، سه مشاهده در مدت سه هفته، بر روی زوج دوم، پنج مشاهده در مدت پنج هفته و بر روی زوج سوم، هفت مشاهده در مدت هفت هفته انجام شد.

۲-۲. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل زوجینی بود که در سال ۱۳۹۹ به دلیل وجود تعارض به مرکز مشاوره غدیر در شهر قم مراجعه کرده بودند و براساس پرسش نامه تعارضات زناشویی (ثنایی، ۱۳۸۷) تعارض آنها ثابت شده بود. نمونه‌گیری به روش هدفمند انجام شد و در نهایت سه زوج با ملاک وجود علائم و نشانه‌های تعارضات زناشویی، علاقه‌مندی به شرکت در دوره درمانی و رضایت داشتن زوجین برای شرکت در درمان وارد پژوهش شدند و براساس ملاک شرکت هم‌زمان در یک دوره آموزشی یا درمانی مربوط به مشکل، مصرف داروی روان پزشکی، وجود اختلال شخصیت در یکی یا هر دو زوج از پژوهش کنار گذاشته شدند.

۲-۳. ابزار پژوهش

۲-۳-۱. پرسش نامه تعارضات زناشویی ثنایی

فرم تجدیدنظرشده پرسش نامه تعارضات زناشویی برای سنجیدن تعارضات زن و شوهری، در سال ۱۳۷۹ توسط ثنایی و همکاران ساخته شد. این پرسش نامه با ۵۴ گویه هشت‌بُعد از تعارضات زناشویی را می‌سنجد که عبارتند از: کاهش همکاری، کاهش رابطه جنسی، افزایش واکنش‌های هیجانی، افزایش جلب حمایت فرزند(ان)، افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود، کاهش رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان، جدا کردن امور مالی از یکدیگر و کاهش ارتباط مؤثر. آلفای کرونباخ برای کل پرسش نامه بر روی یک‌گروه ۲۷۰ نفری برابر با ۰/۹۶ به دست آمد و برای هشت خرده‌مقیاس آن عبارتند از: کاهش همکاری ۰/۸۱؛ کاهش رابطه جنسی ۰/۶۱؛ افزایش واکنش‌های هیجانی ۰/۷۰؛ افزایش جلب حمایت فرزند ۰/۳۳؛ افزایش رابطه فردی با خویشاوندان خود ۰/۸۶؛ کاهش

رابطه خانوادگی با خویشاوندان همسر و دوستان ۰/۸۹؛ جدا کردن امور مالی از یکدیگر ۰/۷۱ و کاهش ارتباط مؤثر ۰/۶۹. پرسش نامه تعارضات زناشویی، روایی محتوایی خوبی دارد. در مرحله تحلیل محتوای آزمون، پس از اجرای مقدماتی و محاسبه همبستگی هر سؤال با کل پرسش نامه و مقیاس های آن به دلیل همبستگی مناسب تمام سؤالات، هیچ سؤال حذف نشد (ثنایی ذاکر، ۱۳۹۶).

۲-۳-۲. بسته مداخله‌ای محقق ساخته کاهش تعارضات زوجین براساس منابع اسلامی

پس از تدوین مدل مفهومی عوامل تعارض زوجین براساس منابع اسلامی توسط پژوهشگر و ارزیابی آن توسط خبرگان، بسته مداخله‌ای مبتنی بر مدل مفهومی عوامل تعارض زوجین تدوین شد. برای طراحی بسته مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین براساس منابع اسلامی، نخست به کمک اساتید راهنما و مشاور، ساختار اجمالی بسته مذکور تدوین و جلسات درمانی بررسی شد. سپس طی چندین جلسه با اساتید راهنما و مشاور و برخی روان درمان‌گرانی که تجربه طراحی مداخلات روان شناختی داشتند نسخه اولیه بسته درمانی طراحی و اشکالات صوری و محتوایی آن نیز بررسی و اصلاح شد. برای بررسی روایی محتوای بسته درمانی، نسخه اصلاح شده در اختیار ۱۰ نفر از کارشناسان حوزه روان شناسی بالینی قرار گرفت. در ادامه، مؤلفه‌های مدل عوامل تعارض زوجین در قالب اهداف جلسات تنظیم و برای عملیاتی شدن آنها روش‌ها و تکنیک‌های متناسبی طراحی شد.

جدول ۱

نظرات کارشناسان در میزان ارتباط و ضرورت تکنیک‌های بسته درمانی کاهش تعارضات زوجین

جلسه نهم	نیازهای معمولی	تکنیک دایره مفهومی (فعال سازی خدا به همراه رابطه با همسر)	۱	۹٪	۸٪
جلسه هشتم	تاب آوری	اصلاح انتظارات غیر واقع بینانه نسبت به اشتباهات	۹٪	۹٪	۸٪
		تکنیک تصویرسازی پیامدهای صبر	۹٪	۱	۱
جلسه هفتم	مهارت حل مسئله و مدیریت تعارض	استفاده از بخشش برای رسیدن به صلح و سازش	۱	۹٪	۹٪
		تکنیک انعطاف‌پذیری در درون	۱	۹٪	۸٪
جلسه ششم	افزایش تعهد زوجین	تکنیک خودمهاگری در برابر تکانش‌گری.	۹٪	۱	۹٪
		نظم‌دهی به رفتار زوجین از طریق بازنگری- واداری	۹٪	۹٪	۱
جلسه پنجم	حقوق و وظایف	تکنیک تسخیر قلب مرد با اعطای قدرت	۹٪	۱	۸٪
جلسه چهارم	مهارت ارتباطی	تکنیک روز ویژه (به منظور افزایش تعامل مثبت)	۹٪	۹٪	۸٪
		تکنیک دیالوگ به جای مونولوگ	۱	۹٪	۱
جلسه سوم	بخشودگی	تکنیک ارزیابی پیامدهای بخشودگی و عدم آن	۹٪	۹٪	۸٪
		تکنیک سطل هیجان	۹٪	۱	۱
جلسه دوم	حفظ حریم همسران	تکنیک شناسایی خودگویی‌های منفی	۹٪	۱	۹٪
		تکنیک توکل واقعی برای مقابله با وسوسه شیطان	۹٪	۹٪	۸٪
جلسه اول	تقویت انگیزه زوجین	تکنیک یک مشکل	۱	۹٪	۸٪
		تکنیک بررسی کارنامه ابعاد مختلف رابطه	۹٪	۱	۱
CVI و CVR		ارتباط تکنیک‌ها با اهداف جلسات	ارتباط تکنیک‌ها با اهداف جلسات	کاهش تعارضات	ضرورت تکنیک‌ها

جدول ۱ نظرات کارشناسان در سه زمینه یعنی، میزان ارتباط تکنیک‌های طراحی شده با مؤلفه‌های مدل، ارتباط تکنیک‌ها با کاهش تعارضات زوجین و ضرورت تکنیک‌های طراحی شده برای کاهش تعارضات زوجین را نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود کارشناسان، ارتباط تکنیک‌های مذکور را با اهداف جلسات تأیید کرده‌اند و شاخص روایی محاسبه شده در هر تکنیک ۸/۰٪ و بالاتر است. براساس جدول ۱ کارشناسان ده‌گانه،

تمام تکنیک‌های به‌کار رفته در هر جلسه را مرتبط دانسته‌اند به طوری که شاخص روایی محتوای (CVI) هر تکنیک ۰/۸ و بالاتر است. بنابراین، روایی محتوای تکنیک‌ها در این زمینه مورد تأیید است. همچنین ضرورت بیشتر تکنیک‌های به‌کار رفته در هر جلسه برای کاهش تعارض زوجین، تأیید شد به طوری که کمترین میزان (CVR) ۰/۸ است.

بسته مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین براساس منابع اسلامی، برنامه‌ای درمانی مبتنی بر آموزه‌های اسلامی کوتاه‌مدت، ساختاریافته و با دستورالعمل است. این برنامه به طور متداول در ۹ جلسه یک ساعت و نیمه ارائه شد. در ابتدای تمام جلسات، نخست هدف جلسه برای مراجعان شفاف‌سازی گردید. در ادامه، بحث‌های آموزشی و تمرین‌ها و تکنیک‌های درون جلسه‌ای به آنها ارائه شد. مسیر کلی درمان در جلسه اول به صورت کلی و در آغاز هر جلسه به صورت خاص به آگاهی زوجین رسید.

جدول ۲

شرح جلسات درمانی کاهش تعارضات زوجین

جلسه اول: تقویت انگیزه زوجین	دستورالعمل: شروع جلسه، برقراری رابطه درمانی، جلب اعتماد همسران و درخواست متعهد شدن به جلسات، بیان اهداف و توضیح قوانین، آشنایی زوجین با فرایندها، معرفی تعداد جلسات، پاسخ به سؤالات و ابهامات زوجین، ارائه اطلاعاتی از تعارضات زوجین و معرفی بسته کاهش تعارضات زوجین، ایجاد امیدواری واقع‌بینانه به حل مشکلات، ارزیابی و تصحیح انتظارات و تکمیل پرسش‌نامه تعارضات زوجین.
جلسه دوم:	بحث آموزشی: افزایش انگیزش زوجین برای تغییر از راه توجه به جایگاه روابط صمیمانه در زندگی، آموزش علیت حلقوی در رابطه زوجین برای آرام کردن و کاهش تنش همسران.
حفظ حریم و مرز خانواده	دستورالعمل: شروع جلسه با مرور اجمالی جلسه قبل، بازخوردگیری و رفع ابهامات، توضیح نسبت به دریافت حمایت‌های صحیح از اطرافیان و متخصصین در هنگام تعارضات شدید، تکمیل و پاسخ به زوجین، جمع‌بندی، تکمیل پرسش‌نامه تعارضات زوجین.
جلسه سوم:	بحث آموزشی: تشریح جایگاه و نقش وسوسه‌های شیطان، انس و جن در ایجاد آسیب در زندگی مشترک، روند شکل‌گیری افکار منفی و خودگویی‌های آسیب‌زا توسط وسوسه‌های شیطان، آموزش لزوم باز بودن و انعطاف‌پذیری زوجین نسبت به هم و نفوذناپذیری آنها نسبت به دیگران (لزوم اصلاح و حفظ مرزهای شناختی و ساختاری).
جلسه سوم:	دستورالعمل: شروع جلسه با مرور اجمالی جلسه قبل، بازخوردگیری و رفع ابهامات، توجه به عواقب رفتارهای خشک و غیر منطقی در برابر همسر، تکمیل و پاسخ به نکته‌های زوجین، جمع‌بندی، تکمیل پرسش‌نامه تعارضات زوجین.
تقویت بخشودگی	بحث آموزشی: تبیین جایگاه مهارت بخشودگی و فواید آن در زندگی مشترک، آموزش الگوهای واکنش و پیامدهای آن در برابر خطای همسر (واکنش برابر، واکنش بدتر، واکنش برتر)، آموزش باید و نبایدهای بخشش و عذرپذیری.
جلسه چهارم:	دستورالعمل: شروع جلسه با مرور اجمالی جلسه قبل، بازخوردگیری و رفع ابهامات، تکمیل و پاسخ به نکته‌های زوجین، جمع‌بندی، تکمیل پرسش‌نامه تعارضات زوجین.
تقویت مهارت‌های ارتباطی	بحث آموزشی: تشریح سبک‌های ارتباطی، تبیین تأکید خداوند بر استفاده از قول احسن در روابط بین‌فردی، آموزش حل مسئله زوجی (هم حفظ رابطه و هم رسیدن به هدف)، آموزش پنج زبان عشق.



جلسه پنجم: تقویت انگیزه زوجین در شناسایی حقوق و انجام وظایف زوجین.	دستورالعمل: شروع جلسه با مرور اجمالی جلسه قبل، بازخوردگیری و رفع ابهامات، تکمیل و پاسخ به نکته‌های زوجین، جمع‌بندی، تکمیل پرسش‌نامه تعارضات زوجین.
جلسه ششم: افزایش تعهد زوجین	بحث آموزشی: توجیه اولیه و تشریح جایگاه حقوق و تکالیف زوجین در زندگی مشترک، آموزش نیازهای جنسیتی و نقش‌های اساسی (هویت جنسیتی، کارکرد جنسیتی).
جلسه هفتم: مهارت حل مسئله و مدیریت تعارض	دستورالعمل: شروع جلسه با مرور اجمالی جلسه قبل، بازخوردگیری و رفع ابهامات، تکمیل و پاسخ به نکته‌های زوجین، جمع‌بندی، تکمیل پرسش‌نامه تعارضات زوجین.
جلسه هشتم: تقویت تاب‌آوری	بحث آموزشی: تشریح انواع روش‌های مقابله با تعارض، توجه دادن به تفاوت‌های زن و شوهر در زندگی مشترک و وجود زمینه بروز تعارض برای همه زوجین، آموزش مهارت حل مسئله، تبیین جایگاه مهارت مصالحه و فواید آن در زندگی مشترک.
جلسه نهم: توجه به نیازهای معنوی در زندگی مشترک	دستورالعمل: شروع جلسه با مرور اجمالی جلسه قبل، بازخوردگیری و رفع ابهامات، تکمیل و پاسخ به نکته‌های زوجین، جمع‌بندی و اتمام، اجرای پس‌آزمون و تعیین زمان مرحله پی‌گیری، آماده‌سازی زوجین برای اختتام جلسات، تکمیل پرسش‌نامه تعارضات زوجین.
	بحث آموزشی: شناخت رابطه زوجین با خدا یعنی، منبع ارزش، توانمندی و هدفمندی، لزوم رجوع به خداوند و رسول در هنگام بروز تعارض، فراروی از مادیت به معنویت (برای دوام زندگی مشترک).

۳. یافته‌های پژوهش

جدول ۳

نمرات شرکت‌کنندگان در پرسش‌نامه تعارضات زناشویی ثنایی

شرکت‌کنندگان	زوج اول-مرد	زوج اول-زن	زوج دوم-مرد	زوج دوم-زن	زوج سوم-مرد	زوج سوم-زن
پیش‌آزمون	۱۵۴	۱۵۵	۱۳۷	۱۴۲	۱۶۱	۱۶۵
پس‌آزمون	۱۱۷	۱۳۰	۱۱۲	۱۱۶	۱۳۲	۱۳۴
درصد بهبودی	٪۲۲	٪۱۷	٪۱۸	٪۱۶	٪۱۸	٪۱۸
بهبودی کل	٪۱۸					

یافته‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که میانگین نمرات شرکت‌کنندگان در مرحله مداخله نسبت به مرحله پایه، کاهش یافته است. همچنین براساس جدول مذکور، درصد

بهبودی آزمودنی‌ها که براساس شاخص کاهش میانگین خط پایه با محاسبه سه نقطه پایانی مرحله‌ها محاسبه شده است برای مرد در زوج اول ۲۲٪، برای زن در زوج اول ۱۷٪، برای مرد در زوج دوم ۱۸٪، برای زن در زوج دوم ۱۶٪، برای مرد در زوج سوم ۱۸٪ و برای زن در زوج سوم ۱۸٪ بوده است.

جدول ۴

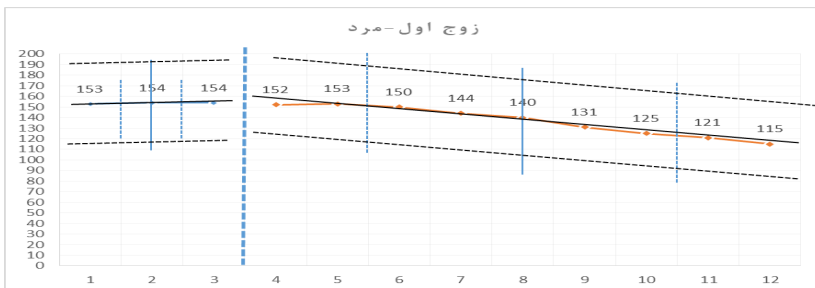
تحلیل دیداری درون موقعیتی برای شرکت‌کنندگان در پرسش‌نامه تعارضات زناشویی ثنایی

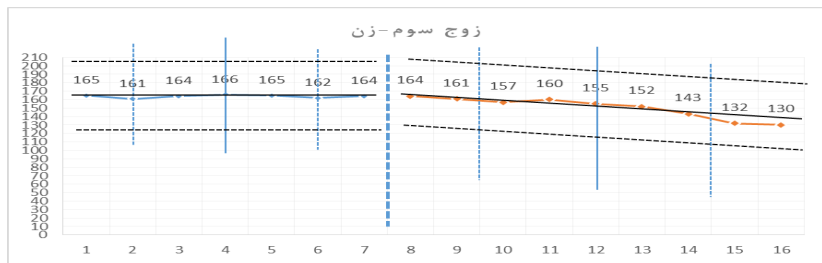
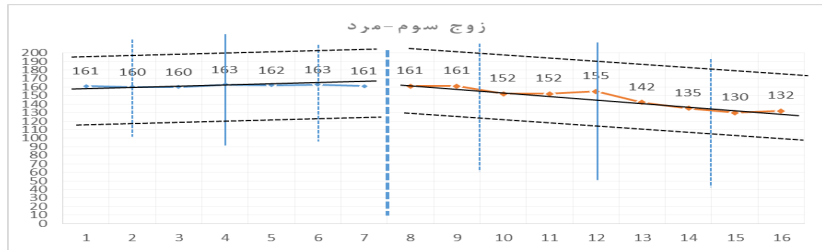
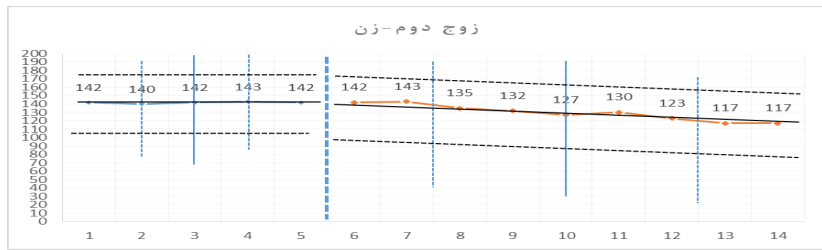
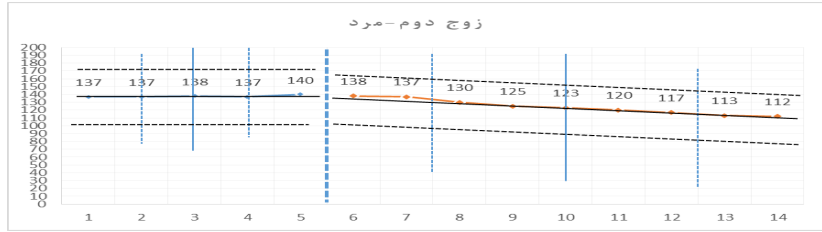
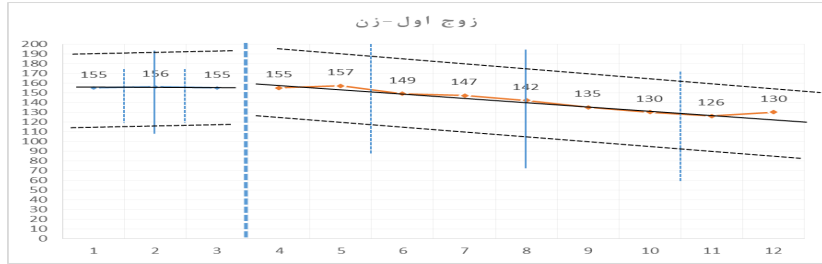
مرحله خط پایه (A)						مرحله مداخله (B)						موقعیت		
زوج اول-مرد	زوج اول-زن	زوج دوم-مرد	زوج دوم-زن	زوج اول-مرد	زوج اول-زن	زوج اول-مرد	زوج اول-زن	زوج دوم-مرد	زوج دوم-زن	زوج سوم-مرد	زوج سوم-زن	زوج اول-مرد	زوج اول-زن	شرکت‌کنندگان
۳	۳	۵	۵	۷	۷	۹	۹	۹	۹	۹	۹	۳	۳	تعداد جلسه
سطح														
۱۵۳/۶۷	۱۵۵/۳۳	۱۳۷/۸۰	۱۴۱/۸۰	۱۶۱/۴۳	۱۶۳/۸۶	۱۳۶/۷۸	۱۴۱/۲۲	۱۲۳/۸۹	۱۲۹/۵۶	۱۴۶/۶۷	۱۵۰/۴۴	۱۵۳/۶۷	۱۵۴/۶۷	میانگین
۱۵۳/۳۳	۱۵۵/۳۳	۱۳۸/۳۳	۱۴۲/۳۳	۱۶۲/۰۰	۱۶۳/۶۷	۱۲۰/۳۳	۱۲۸/۶۷	۱۱۴/۰۰	۱۱۹/۰۰	۱۳۲/۳۳	۱۳۵/۰۰	۱۵۳/۳۳	۱۵۳/۳۳	میانگین سه نقطه پایانی
۱۵۴	۱۵۵	۱۳۷	۱۴۲	۱۶۱	۱۶۴	۱۴۰	۱۴۲	۱۲۳	۱۲۰	۱۵۲	۱۵۵	۱۵۴	۱۵۴	میانگین کل
۱۵۳/۵	۱۵۵/۵	۱۳۷/۵	۱۴۲/۵	۱۶۰/۵	۱۶۴/۵	۱۵۰	۱۴۹	۱۲۰	۱۲۵	۱۵۵	۱۶۰	۱۵۳/۵	۱۵۳/۵	میانگین نیمه اول
۱۵۴	۱۵۵/۵	۱۳۸	۱۴۲	۱۶۲/۵	۱۶۴/۵	۱۲۵	۱۲۵	۱۱۷	۱۲۳	۱۳۵	۱۴۳	۱۵۴	۱۵۴	میانگین نیمه دوم
۰/۵	۰	۱	۰	۲	۰	۲۵	۱۹	۱۳	۱۲	۲۰	۱۷	۰/۵	۰/۵	تغییر نسبی سطح
۱	۰	۳	۰	۰	۱	۳۷	۲۵	۲۶	۲۵	۲۹	۳۴	۱	۱	تغییر مطلق سطح
افزایش	ثبات	افزایش	ثبات	ثبات	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	افزایش	افزایش	وضعیت تغییر سطح
تغییرپذیری														
-۱۵۳	-۱۵۵	-۱۳۷	-۱۴۰	-۱۶۰	-۱۶۱	-۱۱۵	-۱۲۶	-۱۱۲	-۱۱۷	-۱۳۰	-۱۶۴	-۱۵۳	-۱۵۴	دامنه نمرات
۱۱۵/۵	۱۱۶/۲۵	۱۳۷/۵	۱۴۰/۷۵	۱۶۰/۷۵	۱۶۳	۱۵۳	۱۵۷	۱۱۲	۹۲/۲۵	۱۱۴	۱۶۴	۱۱۵/۵	۱۱۴/۲۵	محافظه ثبات
۱۹۲/۵	۱۹۳/۷۵	۱۷۱/۲۵	۱۷۷/۵	۲۰۱/۲۵	۲۰۵	۱۷۵	۱۷۷/۵	۱۵۳/۷۵	۱۶۲/۵	۱۹۰	۱۹۳/۷۵	۱۹۲/۵	۱۹۲/۵	درصد داده‌های محافظه ثبات
٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	وضعیت محافظه ثبات
با ثبات	با ثبات	با ثبات	با ثبات	با ثبات	با ثبات	با ثبات	با ثبات	با ثبات	با ثبات	با ثبات	با ثبات	با ثبات	با ثبات	رشد
جهت														
افزایشی	ثبات	افزایشی	ثبات	افزایشی	ثبات	کاهشی	کاهشی	کاهشی	کاهشی	کاهشی	کاهشی	افزایشی	افزایشی	جهت
٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	٪۱۰۰	درصد داده‌های محافظه ثبات
بائیات	بائیات	بائیات	بائیات	بائیات	بائیات	بائیات	بائیات	بائیات	بائیات	بائیات	بائیات	بائیات	بائیات	درجه
خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	خیر	وجود مسیرهای چندگانه

تعداد جلسات برای زوج‌های شرکت‌کننده در تحقیق به ترتیب ۳، ۵ و ۷ جلسه و تعداد جلسات مرحله مداخله برای همه شرکت‌کنندگان، ۹ جلسه بود. مطابق جدول ۴ دامنه

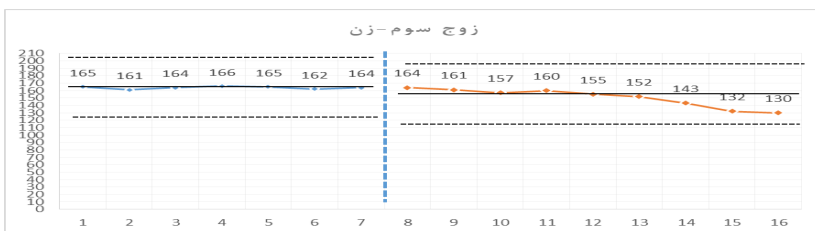
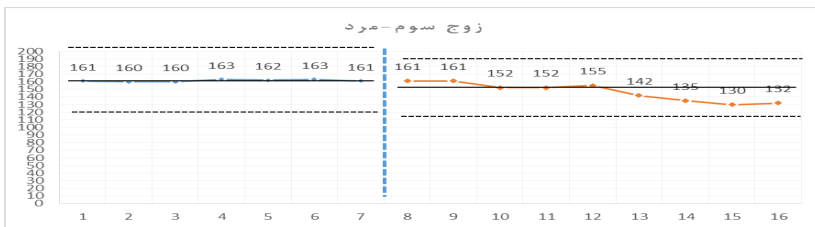
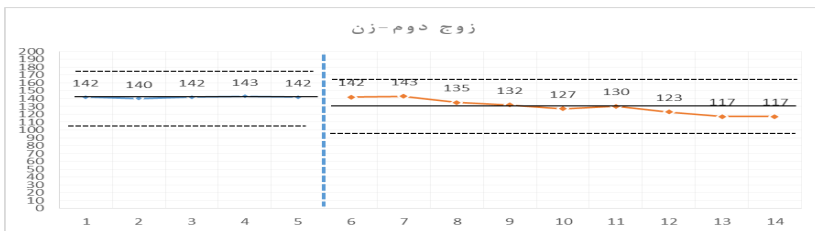
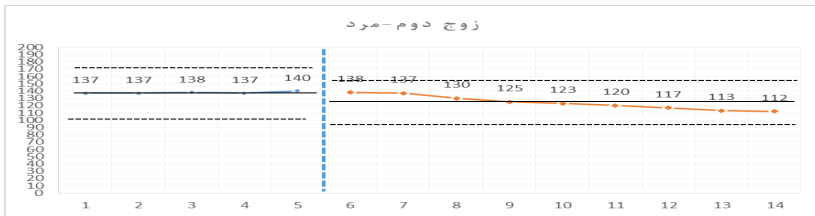
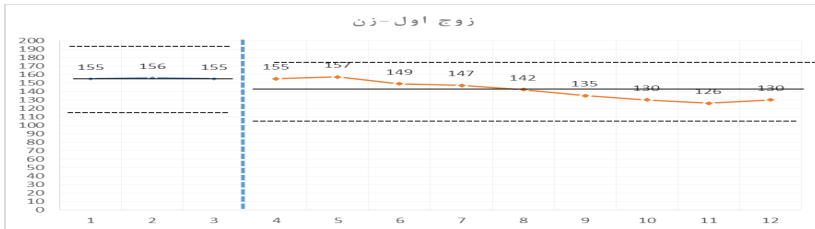
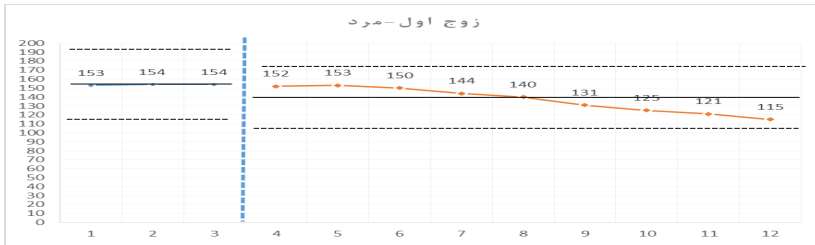
نمرات در مرحله خط پایه برای مرد زوج اول، ۱۵۳ تا ۱۵۴، برای زن زوج اول، ۱۵۵ تا ۱۵۶، برای مرد زوج دوم، ۱۳۷ تا ۱۴۰، برای زن زوج دوم، ۱۴۰ تا ۱۴۳، برای مرد زوج سوم، ۱۶۰ تا ۱۶۳ و برای زن زوج سوم ۱۶۱ تا ۱۶۵ است. دامنه نمرات زوج‌ها در مرحله مداخله به ترتیب برای مرد زوج اول، ۱۱۵ تا ۱۵۳، برای زن زوج اول، ۱۲۶ تا ۱۵۷، برای مرد زوج دوم، ۱۱۲ تا ۱۳۸، برای زن زوج دوم، ۱۱۷ تا ۱۴۳، برای مرد زوج سوم، ۱۳۰ تا ۱۶۱ و برای زن زوج سوم ۱۳۰ تا ۱۶۴ است. همان‌گونه که مشاهده می‌شود همه داده‌های مرحله خط پایه در محفظه ثبات قرار دارد که نشان‌دهنده صحت شروع مرحله مداخله برای همه شرکت‌کنندگان در تحقیق است. میانگین کل داده‌ها در مرحله خط پایه به ترتیب ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۳۷، ۱۴۲، ۱۶۱ و ۱۶۴ است. وضعیت تغییر سطح در مرحله خط پایه در همه شرکت‌کنندگان افزایشی یا باثبات بود که نشان می‌دهد وضعیت آزمودنی‌ها بدون انجام مداخله یا ثابت ماند یا بدتر شد.

میانگین کل داده‌ها در مرحله مداخله برای شرکت‌کنندگان به ترتیب برای مرد زوج اول ۱۴۰، برای زن زوج اول ۱۴۲، برای مرد زوج دوم ۱۲۳، برای زن زوج دوم ۱۳۰، برای مرد زوج سوم ۱۵۲ و برای زن زوج سوم ۱۵۵ شد. وضعیت سطح در مرحله مداخله برای همه آزمودنی‌ها کاهش بود. بیشترین تغییر نسبی سطح برای مرد زوج سوم (۲۰-) و کمترین تغییر نسبی سطح برای زن زوج دوم (۱۲-) بود. تغییرات نسبی سطح نشان‌دهنده کاهش تعارضات زناشویی و بهتر شدن وضعیت همه آزمودنی‌ها بعد از دریافت مداخله است. برای همه آزمودنی‌ها نقاط داده‌ها درون محفظه ثبات قرار دارند. بنابراین، وضعیت کاهش سطح برای همه آزمودنی‌ها ثابت داشته است. وضعیت روند در مرحله خط پایه، افزایشی یا ثابت، اما باثبات بوده و در مرحله مداخله، وضعیت روند برای همه آزمودنی‌ها کاهش و باثبات بوده است. این مسئله نشان می‌دهد روند ایجاد تغییرات به صورت باثبات پیش‌رفته است.





نمودار ۱: خط میانه و محفظه ثبات شرکت‌کنندگان در مرحله خط پایه و مداخله



نمودار ۲: خط روند و محفظه ثبات شرکت کنندگان در مرحله خط پایه و مداخله

جدول ۵

تحلیل دیداری بین موقعیتی برای شرکت‌کنندگان در پرسش‌نامه تعارضات زناشویی ثنائی

شرکت‌کنندگان	زوج اول-مرد	زوج اول-زن	زوج دوم-مرد	زوج دوم-زن	زوج سوم-مرد	زوج سوم-زن
تغییرات سطح مرحله خط پایه (A) به مرحله مداخله (B)						
تغییر نسبی سطح	-۴	-۶/۵	-۸	-۷	-۷/۵	-۴/۵
تغییر مطلق سطح	-۲	۰	-۲	۰	۰	۰
وضعیت تغییر سطح	کاهش	ثبات	کاهش	ثبات	ثبات	ثبات
تغییر سطح میانه	-۱۴	-۱۳	-۱۴	-۱۲	-۹	-۹
تغییر سطح میانگین	-۱۶/۸۹	-۱۴/۱۱	-۱۳/۹۱	-۱۲/۲۴	-۱۴/۷۶	-۱۳/۴۱
وضعیت تغییر سطح	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش	کاهش
تغییرات روند مرحله خط پایه (A) به مرحله مداخله (B)						
مسیر روند	کاهش-کاهش	ثبات-کاهش	کاهش-کاهش	ثبات-کاهش	ثبات-کاهش	ثبات-کاهش
وضعیت	بهبتر شونده-بهبتر شونده	بائیات-بهبتر شونده	بهبتر شونده-بهبتر شونده	بائیات-بهبتر شونده	بائیات-بهبتر شونده	بائیات-بهبتر شونده
درجه	بائیات-بائیات	بائیات-بائیات	بائیات-بائیات	بائیات-بائیات	بائیات-بائیات	بائیات-بائیات

مطابق جدول ۵ تغییرات نسبی سطح در زوج اول از مرحله خط پایه به مرحله مداخله برای مرد و زن کاهش یافته است. تغییرات مطلق سطح برای مرد زوج اول، کاهش و برای زن زوج اول، صفر بوده است. کاهش در تعارضات زناشویی در بررسی تغییرات سطح میانه و میانگین به صورت چشمگیرتری قابل مشاهده است به صورتی که برای مرد، کاهش ۱۶/۸۹ واحدی و برای زن، کاهش ۱۴/۱۱ واحدی در میانگین مداخله نسبت به میانگین خط پایه مشاهده شده است. شرایط زوج دوم نیز مشابه است. وضعیت کاهش در تغییرات نسبی سطح برای مرد و زن و وضعیت کاهش در تغییرات مطلق سطح برای مرد و زن صفر برای زن و کاهش حدود ۱۴ و ۱۲ واحد در میانگین و میانه مداخله نسبت به خط پایه قابل مشاهده است. در مورد زوج سوم، وضعیت کمی متفاوت است. تغییرات نسبی سطح برای مرد و زن کاهش یافته است، ولی تغییرات مطلق سطح برای مرد و زن صفر است، اما کاهش حدود ۱۴ واحد در میانگین و ۹ واحد در میانه نمرات مرحله مداخله نسبت به خط پایه نشان دهنده تغییرات کاهش در نمرات تعارضات زناشویی زوج سوم بوده است. در بررسی و تحلیل روند بین موقعیتی انتظار می‌رود مداخله توانسته باشد روند خط پایه را به حالت کاهش تغییر دهد. این موضوع در مورد همه زوج‌ها دیده می‌شود. نمودارها نشان می‌دهند که

در خط پایه، روند تغییرات در آزمودنی‌ها ثابت یا افزایشی بوده است، اما روند وضعیت همه آزمودنی‌ها در مرحله مداخله، کاهش‌ی بوده که همه روندها نیز باثبات بوده‌اند به صورتی که ۱۰۰٪ داده‌های مرحله مداخله برای همه آزمودنی‌ها درون محفظه ثبات روند قرار دارد که نشان دهنده مداخله‌ای موفقیت‌آمیز است.

جدول ۶

شاخص‌های اندازه اثر

شاخص	زوج اول- مرد	وضعیت اثر	زوج اول-زن	وضعیت اثر	زوج دوم- مرد	وضعیت اثر	زوج دوم-زن	وضعیت اثر	زوج سوم- مرد	وضعیت اثر	زوج سوم-زن	وضعیت اثر
PND	۸۳٪	نسبتاً مؤثر	٪۷۸	نسبتاً مؤثر	٪۷۸	نسبتاً مؤثر	٪۷۸	نسبتاً مؤثر	٪۷۸	نسبتاً مؤثر	٪۷۸	نسبتاً مؤثر
PAND	۸۳٪	نسبتاً مؤثر	٪۵۸	اثربخشی مشکوک	۵۷٪	اثربخشی مشکوک	۵۰٪	اثربخشی مشکوک	۶۲٪	اثربخشی مشکوک	۶۲٪	اثربخشی مشکوک
IRD	۸۹٪	بسیار بالا	٪۷۸	بسیار بالا	۷۸٪	بسیار بالا	٪۷۸	بسیار بالا	٪۷۸	بسیار بالا	٪۷۸	بسیار بالا
PEM	٪۱۰۰	بسیار مؤثر	٪۸۹	اثربخشی متوسط	٪۷۸	اثربخشی متوسط	٪۷۸	اثربخشی متوسط	٪۷۸	اثربخشی متوسط	٪۸۹	اثربخشی متوسط
T-PEM	٪۱۰۰	بسیار مؤثر	٪۷۸	اثربخشی متوسط	٪۷۸	اثربخشی متوسط	٪۷۸	اثربخشی متوسط	٪۱۰۰	بسیار مؤثر	٪۸۹	اثربخشی متوسط
NAP	۹۸٪	بسیار مؤثر	۸۵٪	اثربخشی متوسط	۸۹٪	اثربخشی متوسط	۸۴٪	اثربخشی متوسط	۹۰٪	اثربخشی متوسط	۹۴٪	بسیار مؤثر

در پژوهش حاضر از شش شاخص مختلف برای بررسی اندازه اثر مداخله استفاده شده است. یافته‌های جدول ۶ نشان دهنده اندازه اثر بالا و بسیار بالا برای بیشتر شاخص‌های مربوط به هر سه زوج است. برای هر سه زوج شرکت‌کننده در پژوهش، نمرات بسیاری از شاخص‌ها بیشتر از ۸۰٪ بوده و مقدار هیچ‌یک از شاخص‌ها کمتر از ۵۰٪ نبوده است که نشان دهنده اعتبار لازم در تأثیر کاهش مداخله بر تعارضات زناشویی زوجین است.

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف امکان‌سنجی بسته مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین براساس منابع اسلامی انجام شد و نشان داد که با این بسته مداخله‌ای می‌توان تعارضات زوجین را کاهش داد. یافته‌های پژوهش نشان دهنده بهبودی همه آزمودنی‌ها در زمینه تعارضات زناشویی بود. زوجین طی جلسات درمانی، نسبت به موضوعاتی تقویت شدند و برای

بهبود و اصلاح روابط تغییر کردند که عبارتند از: تقویت انگیزه، حفظ حریم و مرز خانواده، بخشودگی، تقویت مهارت‌های ارتباطی، تقویت انگیزه زوجین در شناسایی حقوق و انجام وظایف زوجین، افزایش تعهد زوجین، توجه به زمینه طبیعی تعارض زوجین و لزوم مصالحه همسران، تقویت تاب‌آوری و توجه به نیازهای معنوی در زندگی مشترک.

تأیید امکان تأثیر بسته مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین براساس منابع اسلامی، نشان دهنده توان آموزه‌های دین اسلام و بسته‌های درمانی برآمده از آن برای ورود به حوزه درمان تعارضات زناشویی است. در طول دهه‌های اخیر، پژوهشگران متعددی با رویکرد اسلامی به تدوین و معرفی مدل‌های مختلف مشاوره‌ای و درمانی پرداخته‌اند از جمله مشاوره زناشویی مبتنی بر اصول اسلامی (اساماری^۱، ۲۰۱۸)، شناخت درمانی مبتنی بر فرمایشات رسول خدا ﷺ - الگوی روانی-معنوی (لودی^۲، ۲۰۱۸)، خانواده‌درمانی یکپارچه معنوی با مراجعان مسلمان (حکوی^۳، ۲۰۱۸)، ترکیب معنویت اسلامی با درمان روان‌پوشی برای مراجعان مسلمان (روچوف و کیلیک^۴، ۲۰۱۸) و خانواده‌درمانی مبتنی بر داستان‌های قرآنی (ملیک^۵، ۲۰۱۸). در ایران نیز در دهه‌های اخیر تعدادی بسته‌های مداخله‌ای درمانی با رویکرد اسلامی طراحی شده است از جمله طراحی درمان خودیابی اسلامی برای درمان اختلال وسواس عملی (نارویی و منصور، ۱۳۸۸)، الگوی زوج‌درمانی براساس منابع اسلامی (جهانگیرزاده، ۱۳۹۶)، الگوی درمانی خودنظم‌جویی برای افسردگی براساس منابع اسلامی (رفیعی هنر، ۱۳۹۶)، تدوین مدل مفهومی لذت‌بری سعادت‌نگر براساس منابع اسلام و ساخت و امکان‌سنجی طرح‌نمای درمانی آن در کاهش نشانگان افسردگی (عباسی، نارویی، جان‌بزرگی و قریشی، ۱۳۹۷) و بسته درمانی والد-فرزند براساس منابع اسلامی برای کاهش نشانه‌های اختلال نافرمانی و اختلال سلوک و امکان‌سنجی آن (صادقی سرشت، ۱۳۹۹).

در بررسی نتایج پژوهش حاضر بعد از توصیف نتایج کلی، سطح تغییرات، تغییرپذیری داده‌ها و سطوح و روند داده‌ها در دو حالت درون موقعیتی (خط پایه و مرحله مداخله) و بین موقعیتی (خط پایه به مرحله مداخله) بررسی شد. سپس اندازه اثر مداخله برای نتایج

1. Asamarai, L.
2. Lodi, F.
3. Haque, A.
4. Rúschoff, I., & Kaplick, P. M.
5. Malik, R.



هر کدام از ابزارهای سنجش با شاخص های POD، PND و PEM محاسبه و برای تأیید نقش مؤلفه ها، برخی از آزمون های فرایندی اجرا شد.

این سؤال مطرح است که چگونه می توان تغییرات مشاهده شده را به بسته درمانی نسبت داد. به اعتقاد پژوهشگران، در طرح های تک آزمودنی برای اثبات اینکه مداخله انجام یافته، عامل ایجاد تغییرات رفتار بوده به اثبات دو موضوع پیش بینی^۱، و تکرار^۲ نیاز است. پیش بینی در صورتی ثابت می شود که رفتار در راستای هدف مداخله، بعد از ارائه مداخله نسبت به مرحله پایه، تغییر نشان دهد؛ یعنی بدون انجام مداخله، سطح رفتار مشاهده شده در مرحله خط پایه در همان سطح ادامه یابد و تکرارپذیری با تکرار اثر مداخله در تغییر رفتار در فرد اول، با فرد دوم و سوم ثابت می شود (ر.ک. آردین واگنر و بنگس، ۲۰۱۶^۳). باتوجه به روند افزایشی خط پیشرفت در خط پایه آزمودنی ها در پژوهش حاضر می توان پیش بینی کرد که اگر مداخله آغاز نمی شد سطح تعارضات همچنان ادامه می یافت و باتوجه به اینکه مداخله حاضر، روند افزایشی در خط پایه همه آزمودنی ها را معکوس کرده است، می توان از تأیید تغییرات سخن گفت. ازسوی دیگر باتوجه به اینکه اثر مداخله مشاهده شده با فرد اول در فرد دوم و سوم نیز تکرار شده است، تکرارپذیری ثابت می شود. براساس یافته ها روند تغییرات در افراد در مرحله خط پایه، افزایشی و باثبات بوده درحالی که در مرحله مداخله، وضعیت مذکور معکوس شده است (پیش بینی) و اثر مداخله مشاهده شده نیز در افراد تکرار شده است (تکرارپذیری).

یافته های پژوهش نشان دهنده اندازه اثر بالا و بسیار بالا برای بیشتر شاخص های مربوط به هر سه زوج است. برای هر سه زوج، نمرات بسیاری از شاخص ها بیشتر از ۸۰٪ بوده و مقدار هیچ یک از شاخص ها کمتر از ۵۰٪ نبوده است که نشان دهنده اعتبار لازم در تأثیر کاهشی مداخله بر تعارضات زناشویی زوجین است. شکل گیری و تداوم ارتباط ناسالم، می تواند زمینه ساز برهم خوردن سلامت روان طرفین رابطه و شکل گیری اختلالات روانی مختلف در آنها شود به گونه ای که سلامت روانی طرفین در معرض آسیب جدی قرار گیرد و ازسویی هرچه سازمان یافتگی روانی یکی از طرفین رابطه ضعیف تر باشد، آسیب

1. prediction

2. Repetition

3. Ardain, S. P., Wagner, L., & Bangs, K. E.

روانی عمیق تری از ارتباط ناسالم متوجه او خواهد شد و اصلاح، نظم دهی و تقویت ارتباط می تواند زمینه ساز سلامت روانی زوجین و کاهش نشانگان تعارض فردی در آنها شود؛ زیرا کاهش تنش های میان فردی باعث کاهش تنش های درون فردی طرفین ارتباط می شود. از این رهگذر، نشانه های تعارض، کاهش یافته و در مسیر درمان و بهباشی قرار می گیرند. به نظر می رسد آنچه در تبیین مکانیسم اثرگذاری بسته مداخله ای مذکور بر کاهش تعارضات زوجین می تواند مورد توجه قرار گیرد فعال سازی فضائل و رفتارهای اخلاقی در پرتو اعتقاد به خداوند است که در کنار بهره گیری از تکنیک های روان شناختی، تأثیر عمیقی بر اصلاح رفتارها دارد (جلالی تهرانی، ۱۳۸۳).

باتوجه به اینکه روابط بین فردی از مهمترین مؤلفه های تمام مراحل زندگی است، فراگیری روابط بین فردی صحیح به ویژه یادگیری شیوه های صحیح تعامل و ارتباط با همسر برای داشتن زندگی همراه با تعارض کمتر و آرامش بیشتر، اهمیت بسزایی در ایجاد سلامت روانی، رشد شخصیت، افزایش کیفیت زندگی، افزایش سازگاری و خودشکوفایی مادی و معنوی دارد. در مقابل، بروز تعارض مداوم و عدم وجود روابط صحیح بین اعضای خانواده به وحدت آنها آسیب می زند به ویژه اگر این تعارض بین زوجین صورت گیرد. بر اثر تعارض، کانون خانواده آشفته شده و این آشفستگی بر روی فرزندان نیز اثر می گذارد و در سال های آتی به صورت سرکشی و عصیان گری از مقررات اجتماعی بروز می یابد. براین اساس، می توان گفت که بهره گیری از آیات و روایات معصومین علیهم السلام عامل بازدارنده فروپاشی خانواده و تقویت کننده روابط صحیح زوجین و تحکیم بخش خانواده بوده و باید مورد توجه قرار گیرد. نتایج تجزیه و تحلیل پژوهش نشان می دهد که بسته مداخله ای کاهش تعارضات زوجین، انگیزه زوجین نسبت به امکان تغییر در زندگی و ایجاد امید به امکان اصلاح روابط را افزایش می دهد و با بهبود رابطه عاطفی زوجین می توان انتظار داشت که رابطه جنسی آنها نیز بهبود یابد. همچنین بسته مداخله ای کاهش تعارضات زوجین، زوجین را با مرزهای شناختی و ساختاری خانواده و لزوم اصلاح و حفظ آنها آشنا کرده و زوجین متوجه می شوند که این مرزها، مرزهایی قابل انعطاف هستند که در مواقع ضروری می توانند از پیشنهادات و رهنمودهای خانواده اصلی بهره مند شوند. همچنین استفاده از این فنون به زوجین برای



درک بهتر یک رابطه زناشویی و بهبود رابطه با خانواده همسر و دیگر اطرافیان کمک می‌کند. بسته مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین با استفاده از مهارت بخشش تعالی یافته و تکنیک ارزیابی پیامدهای بخشودگی و عدم بخشودگی، سبب بازسازی رابطه‌ای که بر اثر اشتباهات زوجین در معرض تخریب و تعارض قرار گرفته، می‌شود. همچنین بسته مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین با تداوم بخشی به دستاوردهای ارتباطی، مهارت‌های ارتباطی زوجین را بهبود می‌بخشد و با استفاده از تکنیک ابزار احساسات و تکنیک دیالوگ به جای مونولوگ، زوجین را بیش از پیش به هم نزدیک می‌کند و با افزایش صمیمیت زوجین، ارتباط آنها بهبود می‌یابد. این بسته مداخله‌ای سبب تقویت انگیزه زوجین در انجام وظایف همسری و برآورده‌سازی نیازهای اساسی زندگی مشترک می‌شود و با بازداری از انجام اعمال غیر همسو با هدف تعالی در زندگی مشترک و به کمک تکنیک بازداری- واداری، موجب تقویت وفاداری و تعهد زوجین و نظم دادن به رفتار زوجین می‌شود.

بسته مداخله‌ای کاهش تعارضات زوجین با بهره بردن از تکنیک انعطاف‌پذیری درون، زمینه آماده کردن زوجین برای مواجه مناسب با تعارضات را فراهم می‌کند و زوجین متوجه درهم‌تنیده بودن آرامش و تنش در زندگی مشترک و لزوم برقراری مصالحه در هنگام تعارض می‌شوند. همچنین با تشریح جایگاه تاب‌آوری و صبر در زندگی مشترک و با استفاده از تکنیک تصویرسازی پیامدهای صبر، زمینه آشنایی زوجین با جایگاه و نقش تاب‌آوری در زندگی مشترک و بهره بردن از این تکنیک را فراهم می‌کند. این بسته مداخله‌ای با ورود (امر و نظر) خداوند و شناخت رابطه زوجین با خداوند، توانمندی، هدفمندی و فراروی از مادیت به معنویت (برای دوام زندگی مشترک) با کمک تکنیک دایره مفهومی (فعال‌سازی خدا به همراه رابطه با همسر) سبب افزایش کیفیت زندگی همسران می‌شود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۷۸). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: انتشارات مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۱. اسماعیلی، فاطمه (۱۳۹۶). اثربخشی درمان شناختی-رفتاری بر تعارضات زناشویی و تنظیم هیجان زوجین دارای تعارض. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
 ۲. اسمعیل طلایی، فاطمه (۱۳۹۸). تدوین الگوی مشاوره‌ای مراحل رشد خانواده مبتنی بر آموزه‌های قرآنی و اثربخشی آن بر تعارضات زوجین. رساله دکتری رشته مشاوره. دانشگاه علامه طباطبایی.



۳. بختیاری، محبوبه (۱۳۹۴). *اتریشی آموزشی مهارت های حل تعارض بر عملکرد خانواده و کیفیت زندگی*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.
۴. ثنائی ذاکر، باقر (۱۳۹۶). *مقیاس های سنجش خانواده و ازدواج*. تهران: بعثت.
۵. جلالی تهرانی، محمدحسین (۱۳۸۳). *توحیددرمانی*. نشریه نقد و نظر، ۳(۹)، ۱۸-۴۶.
۶. جهانگیرزاده، محمدرضا (۱۳۹۶). *طراحی الگوی زوج درمانی براساس منابع اسلامی*. رساله دکتری رشته روان شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم.
۷. داستان، نصیر (۱۳۹۴). *مقایسه اتریشی زوج درمانی روایتی و زوج درمانی رفتاری تلفیقی بر شیوه حل تعارضات و سازگاری زناشویی زوجین*. پایان نامه دکتری تخصصی مشاوره. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز.
۸. ربیعی هنر، حمید (۱۳۹۶). *الگوی درمانی خودنظم جویی برای افسردگی براساس منابع اسلامی*. رساله دکتری رشته روان شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم.
۹. شیخ زاده، افسانه (۱۳۹۱). *اتریشی آموزشی خودمتمایزسازی بر تعارضات زناشویی و تمایز یافتگی زوجین شهر اهواز*. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی. دانشگاه شهید چمران اهواز.
۱۰. صادقی سرشت، علی (۱۳۹۹). *بسته درمانی والد- فرزند براساس منابع اسلامی برای کاهش نشانه های اختلال نافرمانی و اختلال سلوک نوجوانان (۱۲- ۱۶ سال) و امکان سنجی آن*. رساله دکتری رشته روان شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم.
۱۱. فتوحی، سکینه، میکائیلی، نیلوفر، عطا دخت، اکبر، و حاجلو، نادر (۱۳۹۶). *اتریشی زوج درمانی مبتنی بر فراهیجان بر سازگاری و دلزدگی زناشویی در همسران دارای تعارض. نشریه فرهنگی- تربیتی زنان و خانواده*. ۳۹(۱۲)، ۴۵-۶۴.
۱۲. فرزانه، رحیم پور (۱۳۹۶). *مقایسه اتریشی دو روش آموزشی مهارت های ارتباطی و تاب آوری بر سازگاری و تعارضات زوجین*. رساله دکتری رشته روان شناسی. دانشگاه محقق اردبیلی.
۱۳. محمدپور، احمد، صادقی، رسول، رضایی، مهدی (۱۳۸۵). *روش های تحقیق ترکیبی به عنوان سومین جنبش روش شناختی: مبانی نظری و اصول عملی*. جامعه شناسی کاربردی. نشریه پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، ۳۸(۲۱)، ۷۷-۱۰۰.
۱۴. میرزایی، میترا، زارعی، اقبال، و صادقی فرد، مریم (۱۳۹۸). *نقش تمایز یافتگی خود و عوامل اقتصادی با میانجیگری تعارضات خانوادگی در پیش گیری از آسیب های روانی و اجتماعی*. نشریه فرهنگ مشاوره و روان درمانی، ۳۷(۱۰)، ۱۴۳-۱۷۰.
۱۵. ناروئی نصرتی، رحیم (۱۳۸۸). *اتریشی روش خود تحقق دهی دینی در درمان وسواس-ناخودداری*. رساله دکتری روان شناسی. مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (ره) قم.
۱۶. یاری گشنیگانی، حسین (۱۳۹۰). *اتریشی آموزشی خودمهارگری بر تعارضات زناشویی زوجین کمتر از پنج سال زندگی مشترک شهر مشهد*. پایان نامه کارشناسی ارشد روان شناسی. دانشکده علوم تربیتی و روان شناسی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرودشت.

17. Ardoin, S. P., Wagner, L., & Bangs, K E. (2016). *Applied behavior analysis: A foundation for response to intervention*. Boston: Springer.
18. Asamarai, L. (2018). *Utilization of Islamic Principles in Marital Counseling; Islamically integrate Psychotherapy*. United States: Templeton Press.
19. Gottman, J. M. (2013). *Marital interaction: Experimental investigation*. Amsterdam: Elsevier Press.
20. Haque, A. (2018). *Conducting Spiritually Integrated Family Therapy with Muslim Clients Utilizing a Culturally Responsive Paradigm; Islamically integrate Psychotherapy*. United States: Templeton Press.
21. Lodi, F. (2018). *The HEART Method: Healthy Emotions Anchored in RasoolAllah's Teachings Cognitive Therapy using Prophet Mohammed as a Psycho-spiritual exemplar. Islamically integrate Psychotherapy*. United States: Templeton Press.
22. Malik, R. (2018). *Family Therapy and the Use of Quranic Stories; Islamically Integrate Psychotherapy*. United States: Templeton Press.

23. Rosen, A. M. (2019). *Effective Research Methods for Any Project*. United States: The Great Courses.
24. Rüschoff, I., & Kaplick, P. M. (2018). *Integrating Islamic Spirituality into Psychodynamic Therapy with Muslim Patients. islamically integrate Psychotherapy*. United States: Templeton Press.

تأثیر تغییر جنسیت پیش از عقد نکاح در ایجاد خیار فسخ و نقش معالجه خنثی پس از عقد نکاح

پرویز باقری^۱، عبدالجبار زرگوش نسب^۲

چکیده

تحقیق حاضر با هدف بررسی تأثیر تغییر جنسیت فرد تراجنسیتی قبل از عقد نکاح در ایجاد خیار فسخ و نقش معالجه فرد خنثی جنسی پس از عقد نکاح بر اسقاط حق خیار فسخ به شیوه تحلیلی- اسنادی انجام شد. با بررسی انجام شده مشخص شد موضوع پژوهش حاضر در مطالعات و پژوهش های پیشین بررسی نشده است. یافته های پژوهش نشان داد که تغییر جنسیت پیش از عقد نکاح و بی اطلاعی طرف مقابل از آن هنگام عقد، نوعی تدلیس و پنهان کردن عیب است که موجب ایجاد حق خیار فسخ نکاح می شود؛ زیرا اقدام به ازدواج نوعاً مطلق نیست، بلکه مقید به شرط ضمنی سلامت از عیب است که با تخلف از آن شرط، طرف مقابل حق فسخ عقد را دارد. همچنین سلامت زوجین از نقص و عیب، مقتضای شرط ارتکازی در عقد نکاح است که در صورت تخلف از آن، حق خیار فسخ برای طرف دیگر ایجاد می شود. فرد خنثی با درمان بعد از عقد نکاح و تغییر به تک جنسی، حق فسخ مبنای حقوقی خود را از دست می دهد و به استناد عیب سابق نمی توان نکاح را فسخ کرد.

واژگان کلیدی: خیار فسخ، عقد نکاح، تغییر جنسیت افراد تراجنسیتی، شرط

ضمنی عقد نکاح، معالجه فرد خنثی جنسی.

نوع مقاله: پژوهشی تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۴/۲۸ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۶/۲۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۷/۱۰
۱. دانشیار گروه حقوق، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: p.bagheri@ilam.ac.ir

۲. دانشیار گروه فقه و حقوق، دانشگاه ایلام، ایلام، ایران.

Email: A.zargooshnasab@ilam.ac.ir

The Effect of Gender Change before Marriage on Creating the Right to Terminate and the Role of Gender-Neutrality after Marriage

Parviz Bagheri ¹, Abd al-Jabar Zargoushnasab ²

This analytical-documentary research tried to investigate the effect of the gender change of a transsexual before marriage on creating the right to terminate and the role of gender-neutrality after marriage in the waiver of the right to terminate marriage. After reviewing the previous studies, no research that examined the subject of this study was found. The results indicated that the gender change before marriage and the other party's ignorance of it at the time of marriage is a way of hiding a defect, so that it creates the right to terminate marriage; because the act of marriage is not usually absolute and it depends on the implied condition of having no defects. So by violating that condition, the other party has the right to terminate marriage. Moreover, the condition of having no defects is important for each couple, and by violating that condition, the other party has the right to terminate marriage. A sexually neutral person loses the right to terminate his/her legal basis by the treatment after marriage and changing to monogamy, and it is not possible to terminate marriage based on previous defects.

Keywords: right to terminate, marriage, gender change of transsexuals, implied condition of marriage.

Paper Type: Research

Data Received: 2022 / 07 / 19 **Data Revised:** 2022/ 09 / 18 **Data Accepted:** 2022/ 10 / 02

1. Associate Professor, Department of Law, University of Ilam, Ilam, Iran. (Corresponding Author)

Email: p.bagheri@ilam.ac.ir

2. Associate Professor, Department of Jurisprudence and Law, University of Ilam, Ilam, Iran.

Email: a.zargooshnasab@ilam.ac.i

۱. مقدمه

در گذشته تغییر جنسیت به دلیل عدم پیشرفت علم پزشکی امکان نداشت. به همین دلیل تغییر جنسیت در نصوص و روایات با عنوان یکی از موجبات فسخ عقد نکاح ذکر نشده است. با پیشرفت علم پزشکی در عصر کنونی، تغییر جنسیت به صورت یک مسئله درآمده و امور گوناگونی بر آن مترتب است. براین اساس، پژوهش حاضر به شیوه تحلیلی- اسنادی این مسئله را بررسی نموده و با توجه به اینکه این موضوع در پژوهش‌ها و مطالعات پیشین نقد و بررسی نشده است، بررسی و استخراج احکام آن اهمیت بسزایی دارد و ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. برخی از فقها همانند امام خمینی رحمته‌الله‌علیه و آیت‌الله خامنه‌ای (حفظه‌الله) به جواز تغییر جنسیت تراجنسیتی^۱ و تبدیل فرد خنثی جنسی^۲ به تک جنسی فتوا داده‌اند (ر.ک.، موسوی خمینی، ۱۳۹۶، ۲/۶۶۸؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۰، ش ۷۰). درباره امکان فسخ عقد نکاح به واسطه خيار عیب، خيار تدلیس و خيار تخلف از شرط صفت، میان فقها اختلافی دیده نمی‌شود (ر.ک.، انصاری، ۱۴۳۴ ه.ق، ۵/۲۷۲-۲۷؛ جبعی عاملی، ۱۳۹۶ ه.ق، ۳/۵۰۶-۴۵۲). از نظر شهید ثانی: «اگر صاحب خيار عیب نسبت به داشتن خيار فسخ و یا فوری بودن آن بی اطلاع باشد این جهل عذر محسوب می‌شود و در نتیجه پس از اطلاع یافتن می‌تواند فوراً عقد را فسخ کند، و اگر کسی اصل خيار یا فوری بودن آن را فراموش کند نیز همین حکم را دارد» (جبعی عاملی، ۱۳۹۶ ه.ق، ۵/۳۹۲). ایشان معتقد به خيار فسخ در صورت تدلیس است و اظهار داشته که منظور از تدلیس آن است که شخص با علم و آگاهی از عیبی که خارج از خلقت اصلی است، سکوت کند و یا صفت کمالی را در زن ادعا کند که در او نیست... و درباره تخلف از شرط اظهار داشته است که اگر مرد بر زن شرط کند که دختر زن آزاد باشد و سپس معلوم شود که دختر کنیز است، شوهر حق فسخ نکاح را دارد؛ چون شرط چنین اقتضا می‌کند (ر.ک.، جبعی عاملی، ۱۳۹۶ ه.ق، ۵/۳۹۶-۳۹۸). به نظر امام خمینی رحمته‌الله‌علیه: «با توصیف زن نزد زوج برای تزویج به اینکه سالم است، تدلیس محقق می‌شود. به طوری که توصیف او سبب مغرور شدن و فریب خوردن او شود و ظاهر آن است که با سکوت از عیب هم با علم به آن و مخفی بودن آن از زوج، و اعتقاد شوهر به اینکه عیب ندارد، تحقق پیدا می‌کند» (موسوی خمینی، ۱۳۹۶، ۲/۳۱۵). امام خمینی رحمته‌الله‌علیه درباره مطلق نقص و تخلف از شرط وصف نیز قائل به ایجاد حق خيار فسخ شده است:



همان طوری که تدلیس در عیوبی که موجب خیار فسخ است، تحقق می‌گیرد مانند دیوانگی و کوری و غیر اینها، همچنین در مطلق نقصها مانند یک چشم بودن و مانند آن به مخفی نمودن آن تحقق پیدا می‌کند. همچنین در صفات کمال مانند شرف و حسب و نسب و جمال و بکارت و غیر اینها، به اینکه اینها را توصیف کند با اینکه فاقد آنها می‌باشد. و اولی اثر ندارد، یعنی تدلیس در عیوبی که موجب خیار است، مگر اینکه زوج به مهر بر تدلیس‌کننده رجوع کند، و اما خیار فقط به خاطر خود وجود عیب است. و اما دومی و آن تدلیس در بقیه انواع نقص و در صفت کمال است، پس آن موجب خیار فسخ است در صورتی که نداشتن نقص یا وجود صفت کمال در عقد به طور اشتراط ذکر شده باشند و توصیف زن را به آن در عقد ملحق به آن است، اگرچه به صورت و عبارت شرط کردن نباشد. (موسوی خمینی، ۱۳۹۶، ۲/۳۱۷-۳۱۸)

نقش هر کدام از این سه خیار در فسخ عقد نکاح باتوجه به شرط ضمنی و شرط ارتکازی سلامت، مورد بررسی قرار می‌گیرند. پژوهش‌هایی که تاکنون منتشر شده است درباره تغییر جنسیت بعد از ازدواج و احکام فقهی مترتب بر آن بوده است. درحالی‌که پژوهش حاضر تأثیر تغییر جنسیت قبل از عقد نکاح بر فسخ آن را مورد بررسی و کنکاش قرار داده است. همچنین کاوشی درباره نقش معالجه خنثی پس از عقد نکاح بر اسقاط حق فسخ انجام شده است. بنابراین، نوشتار حاضر بحثی نو و جدید است و از این منظر با مقالات و پژوهش‌هایی که تاکنون تدوین شده است متفاوت می‌باشد. براین اساس، مسئله و سؤالات زیر بررسی شد:

- تغییر جنسیت افراد تراجنسیتی یا ترانس پیش از عقد نکاح چه نقشی در ایجاد خیار فسخ عقد دارد؟

- آیا معالجه خنثی پس از عقد نکاح موجب اسقاط حق خیار فسخ می‌شود یا نه؟ چرا؟

۲. چهارچوب نظری پژوهش

براساس جستجو و مطالعاتی که درباره تأثیر تغییر جنسیت پیش از عقد نکاح در ایجاد خیار فسخ عقد انجام شد، مقاله و پژوهشی در این مورد به دست نیامد. همچنین مقاله‌ایی در مورد بررسی تأثیر تغییر خنثی به تک جنسی پیش از عقد نکاح بر ایجاد خیار فسخ یافت نشد و درباره نقش معالجه خنثی بعد از عقد نکاح در اسقاط حق خیار فسخ، نیز مقاله و



پژوهشی به دست نیامد. مقالات و پژوهش‌هایی که درباره تغییر جنسیت و معالجه خنثی وجود دارد، احکام گوناگون خنثی و تغییر جنسیت پس از عقد نکاح و جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت را بررسی کرده‌اند. درباره تأثیر تغییر جنسیت پیش از عقد نکاح بر فسخ آن بعد از ازدواج، هیچ پژوهشی تاکنون انجام نشده است و فقط پژوهش‌های زیادی درباره مشروعیت تغییر جنسیت و آثار فقهی و حقوقی در صورتی که تغییر جنسیت بعد از عقد نکاح صورت گیرد، انجام شده است (ر.ک.، خانه‌کشی، ۱۳۹۹؛ احمدی، طباطبایی عینکی و عابدیان کلخوران، ۱۳۹۹؛ صانعی و فصیح‌زاده، ۱۳۹۱)

هویت جنسی حالتی روان‌شناختی است که بازتاب احساس درونی شخص از مرد یا زن بودن خویش است. هویت جنسی بر یک رشته نگرش‌ها، الگوهای رفتاری و سایر صفاتی که با مردانگی و زنانگی مربوطند و توسط فرهنگ تعیین می‌شود، متکی است. امروزه افرادی با عنوان خنثای روانی یا تراجنسیتی شناخته می‌شوند که از نظر ظاهر فیزیکی، مرد یا زن هستند، ولی از نظر روحی - روانی نسبت به جنسیت خود یا حالت خنثی دارند یا احساس تعلق به جنس مخالف دارند. این افراد دچار اختلال هویت جنسی^۱ است (کریمی، ۱۳۶۴). در این مورد، اصطلاح تنقیص جنسیت مطرح است. در نقص جنسیت فرد از نظر روانی و غریزی، نه از نظر جسمی، دچار مشکل است؛ زیرا در این حالت فرد دارای اندام‌های جنسی سالمی است، ولی نمی‌توانند جنسیت خود را بپذیرد.

افراد خنثی به افراد دو جنسی که دارنده آلت تناسلی مرد و زن به طور همزمان هستند، گفته می‌شود که با درمان و عمل جراحی به تک جنسی اصلاح می‌شوند. اصلاح فرد خنثی به تک جنسی به حکم عقل جایز و مباح است و فعلی عقلایی است؛ زیرا نوعی معالجه و درمان است. خنثی دو قسم است: مشکل و غیرمشکل؛ خنثایی که در پرتو علائم تعیین شده در شرع و یا - بنا بر قول برخی - قراین و مرجحات دیگر، به یکی از دو جنس مرد یا زن ملحق می‌گردد، خنثای غیرمشکل و محکوم به احکام همان جنس است و خنثایی که دارای علائم و قراین چینی نیست، خنثای مشکل خواهد بود (خوئی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۲۱۱/۱). امام خمینی رحمته الله علیه درباره خنثی می‌فرماید: «اگر به یکی از مرجحات منصوص و غیرمنصوص، تعیین اینکه او مرد است یا زن، ممکن باشد، او خنثای غیرمشکل است و بر طبق مرجحات عمل

می‌شود و اگر ممکن نباشد او خنثای مشکل است» (موسوی خمینی، ۱۳۹۶، ۴۲۸/۲).

منظور از تغییر جنسیت، اصلاح دوجنسی‌ها (یعنی، افراد خنثی) به تک‌جنسی نیست بلکه تنقیص جنسیت در کسانی است که از نظر جسمی اندام‌های جنسی سالمی دارند، اما نمی‌توانند جنسیت خود را قبول کنند. به عبارت دیگر هویت جنسی این افراد با اندام‌ها و ظاهر جنسی که دارند، همخوان نیست. درباره تغییر جنسیت، دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد؛ برخی به‌تصور آنکه چنین اقدامی منجر به وقوع فعل حرام خواهد شد و یا دخالت در آفرینش الهی است، با آن مخالفند و برخی به‌هنگام ضرورت و اضطرار با آن موافق می‌باشند. در پژوهش حاضر که به‌روش تحلیلی-اسنادی انجام شد، نظریه جواز مبنی بر اینکه تغییر جنسیت به‌گونه مطلق، جایز است، بررسی شده است.

افراد تراجنسیتی و افراد خنثی نیاز به درمان و معالجه دارند و شرع مقدس به‌وجوب معالجه و درمان دستور داده است، در این زمینه آمده است: «قیل یا رسول الله ﷺ: أنتداوی؟ فقال: نعم تداووا، فان الله تبارک و تعالی لم یزل داءً الا و قد أنزل له دواء» (حمیری، ۱۴۱۳ هـ.ق). رسول خدا ﷺ در این روایت به معالجه بیماری به‌صیغه امر، به فرد بیمار امر کرده است که به‌علاج بیماری خود بپردازد. در علم اصول فقه ثابت شده است که صیغه امر ظهور در وجوب دارد (ر.ک.، مظفر، ۱۳۹۶ هـ.ق، ۱۱۲/۱-۱۱۴). اگر علاج عیب ممکن باشد چنانچه پزشک حتی آن را با عمل جراحی درمان کند، زوج حق فسخ ندارد؛ چون با معالجه، مانع بهره‌بردن جنسی از بین می‌رود (ر.ک.، جبعی‌عاملی، ۱۳۹۶ هـ.ق، ۳۸۰/۵-۳۹۰). بنابراین آنکه این افراد دارای نقص می‌باشند، درمان آنان با تغییر جنسیت است. می‌توان گفت که علاوه بر حکم شرع، عقل نیز به جواز تغییر جنسیت حکم می‌کند، بلکه امری عقلایی است؛ زیرا از باب معالجه و درمان مریضی است.

۲-۱. دلایل و نظرات مشروعیات تغییر جنسیت از منظر فقه

بیشتر فقهای امامیه به جواز تغییر جنسیت قائل می‌باشند. از جمله این فقها می‌توان به امام خمین رحمته‌الله علیه اشاره کرد. ایشان می‌فرماید:

ظاهراً تغییر دادن جنس مرد به زن و جنس زن به مرد از طریق عمل جراحی اشکال ندارد و همچنین عمل جراحی بر روی کسی که خنثی است تا سرانجام یا مرد شود یا زن، حرام نیست. [سؤالی که پیش می‌آید این است که آیا این عمل جراحی



واجب است اگر زنی در خود تمایلاتی از سنخ تمایلات مرد و یا برخی از آثار مردانگی ببیند، یا مردی در خودش تمایلات جنس مخالف یا بعضی از آثار آن را مشاهده کند؟ به حسب ظاهر، عدم وجوب آن است هرگاه شخص حقیقتاً از یک جنس بوده و امکان تغییر جنسیت او به جنس مخالف وجود داشته باشد. (موسوی خمینی، ۱۳۹۶، ۶۲۶/۲)

در مورد تغییر جنسیت از آیت الله خاмене‌ای (حفظه الله) نیز سؤال پرسیده شده است که سؤال و پاسخ آن عبارتند از:

سوال) در مورد تغییر جنسیت با توجه به اینکه از نظر طبی این عمل (در غیر خنثی) به تعبیر اطباء، تنقیص جنسیت محسوب می‌شود، بعضاً با مواردی اطباء مواجه‌اند که شخص از نظر ظواهر بدن بدون هیچ شبهه‌ای یا مرد است یا زن، ولی دارای تمایلات احساسات و عواطف جنس مخالف است. بسیاری از این افراد می‌گویند اگر این تغییر صورت نگیرد انتحار (خودکشی) خواهیم کرد (و تا به حال بارها این مسئله پیش آمده) و با توجه به اینکه آمارهای عملی نشان می‌دهد اینگونه افراد ۶ الی ۱۶ ماه بعد از وضعیت جدید پشیمان خواهند شد، آیا اطبا در این گونه موارد که با تهدید مواجه‌اند، می‌توانند از باب اینکه حفظ نفس مقدم‌تر از حفظ عضو است، این عمل را انجام دهند؟ و یا اصولاً این عمل برای خود شخص حرام است یا جائز؟

پاسخ: تغییر جنسیت برای شخص و به درخواست شخص اشکال ندارد، حتی اگر جلوگیری از اقدام بر انتحار متوقف بر آن نباشد و یا اصلاً خطر انتحاری در بین نباشد. (خاмене‌ای، ۱۳۸۰)

۱-۱-۲. قاعده «الضرورات تبيح المحظورات» در جواز تغییر جنسیت

طبق این قاعده، ضرورت و اضطرار، هر امر ممنوعی را جایز می‌گرداند. افراد تراجنسیتی دچار نوعی اختلال در هویت جنسی هستند و نیاز به کمک دارند. درمان آنان فقط از طریق عمل جراحی نیست و اقدام به تغییر جنسیت آخرین راه چاره است.

۲-۱-۲. قاعده نفی عسر و حرج در جواز تغییر جنسیت

آیه ۲۸۵ سوره بقره، آیه ۷۸ سوره حج، روایات، اجماع و بنای عقلا بر اعتبار قاعده نفی عسر و حرج دلالت دارد. (ر.ک.، بجنوردی، ۱۳۸۴/۱، ۲۷۵-۲۷۳) اگر افراد تراجنسیتی مجاز به تغییر جنسیت نباشند و ملزم به بقا در جنسیت فعلی باشند در عسر و حرج می‌افتند که طبق این قاعده منتفی است.

۲-۱-۳. قاعده تسلیط در جواز تغییر جنسیت

این قاعده مستفاد از «الناس مسلطون علی اموالهم و انفسهم» بوده و یک قاعده عقلایی است. مستفاد از این قاعده هر فردی بر اموال و جسمش تسلط دارد و می‌تواند هرگونه تصرفی نماید، مگر آن تصرفاتی که با دلایل دیگری که این قاعده را تخصیص زده‌اند ممنوع است. از جمله تصرفاتی که مشمول این قاعده می‌شود و دلیلی خاص بر حرمت آن وارد نشده، تغییر و تنقیص جنسیت است. براساس همین قاعده به جواز خرید و فروش اعضای بدن که از جمله تصرفات در جسم است، فتوا داده شده است. یکی از فقها می‌گوید: «گرچه این قاعده در سیاق قاعده سلطه مردم بر مالشان است، اما بعضی برای صحت فروش اعضای بدن نیز به آن استناد کرده‌اند» (مؤمن، ۱۴۱۵ ه.ق.).

۲-۱-۴. اصل اباحه در جواز تغییر جنسیت

این اصل مورد قبول همه فقهاست. (ر.ک. حکیم، ۱۹۷۹/۱، ۹۷۹) باتوجه به اینکه نص صریحی بر حرمت تغییر جنسیت نداریم، اصل اباحه، مشروعیت چنین عملی را اقتضا می‌کند. براساس اصل حلیت هر کاری حلال است مگر آنکه دلیل صریحی از قرآن و روایات در برابر آن وجود داشته باشد.

۲-۱-۵. قاعده «دفع المفسدة اولی من جلب المنفعة»

براساس این قاعده هرگاه مفسده‌ای با مصلحتی تعارض پیدا کند، دفع مفسده مقدم خواهد بود؛ وقتی که هنگام تعارض دفع مفسده با جلب مصلحت، دفع مفسده مقدم است، به طریق اولی اگر فقط دفع مفسده در میان باشد بدون اینکه با جلب منفعتی تعارض پیدا کند، دفع مفسده مجاز است. بنابراین، چون افراد تراجنسیتی دچار اختلال هویت جنسی‌اند و درمان آنها متوقف بر عمل جراحی و تغییر جنسیت است و در عدم تغییر، مفسده‌هایی اعم از روحی، روانی، بدنی و اخلاقی وجود دارد، طبق قاعده مذکور تغییر جنسیت جایز است.

۲-۱-۶. عدم محدودیت جواز به ضرورت

اینکه تغییر جنسیت، کشف و تنقیص جنسیت است؛ افراد تراجنسیتی که درصدد کسب ویژگی‌های ظاهری و فیزیکی جنسی دلخواه خود و رهایی از ویژگی‌های جنسی فعلی



هستند، در واقع در پی آشکار نمودن و کشف خصوصیات جنسی باطنی خود می‌باشند و در این منعی دیده نمی‌شود. بیشتر فقهای که قایل به جوازند، تغییر جنسیتی را که منجر به کشف حقیقت زن و مرد شود، مجاز دانسته‌اند. بنابراین، چنین عملی تغییر نیست بلکه تنقیص جنسیت و کشف حقیقت آن می‌باشد.

به نظر می‌رسد جواز تغییر جنسیت، منحصر به فرض ضرورت و نیز فرض احساس تمایلات جنس مخالف در خود نمی‌شود و زن یا مرد حتی اگر در خود، تمایلات جنس مخالف احساس نکند و دچار اختلال هویت جنسی هم نشود و بخواهد اقدام به تغییر جنسیت نماید و به فرض، چنین تغییری از نظر پزشکی هم ممکن باشد، چنانکه از ظاهر کلام برخی فقها (ر.ک.، موسوی خمینی، ۱۳۹۶، ۲/۶۲۶؛ خامنه‌ای، ۱۳۸۰) نیز به دست می‌آید از نظر شرعی اشکالی ندارد؛ زیرا هیچ دلیلی از سوی شارع مقدس بر حرمت چنین اقدامی در دست نیست و اصل اباحه هم بر مشروعیت آن دلالت دارد. به عبارت دیگر، بهترین دلیل بر جواز تغییر جنسیت، عدم دلیل بر حرمت آن است. تنها ایرادی که ممکن است گرفته شود، لمس و یا نظر به عورت نامحرم است که این هم نمی‌تواند مانع شود؛ چون در آن صورت می‌شود فرضی را مطرح کرد که علم پزشکی و مهندسی پزشکی به قدری پیشرفت کرده است که بدون نیاز به دیدن یا لمس شخص، پزشکان بتوانند با استفاده از تکنولوژی خاصی اقدام به تغییر جنسیت فرد نمایند. بنابراین، برخلاف نظر فقهای که قائل به جواز تغییر جنسیت در صورت نیاز و اضطرار هستند، اگر اقدام به تغییر جنسیت برای فرد ضرر و زیان جسمی یا روحی نداشته باشد حتی در شرایط عادی و معمولی نیز این عمل جایز است؛ زیرا بنابر فرض، نه مفسده‌ای در پی دارد و نه تغییر در هویت و ماهیت انسان رخ می‌دهد و فقط تغییر وصف اتفاق می‌افتد.

۲-۲. دلایل تغییر جنسیت پیش از عقد نکاح در ایجاد خیار فسخ

آیا تغییر جنسیت پیش از عقد نکاح و اقدام به ازدواج بدون اطلاع طرف دیگر از این موضوع، موجب ایجاد حق خیار فسخ عقد نکاح می‌شود؟

۲-۱. شرط ضمنی

شرط ضمنی از مدلولات عرفی لفظ است، خواه متعاقدین آن را قصد کنند یا قصد نکنند.



(نائینی، بی تا، ۱۳۴۲) در صورتی که صفت خاصی در عقد آشکارا شرط نشده، ولی از قراین و اوضاع و احوال بر می آید که آن صفت، منظور طرفین بوده و وارد قلمرو قرارداد شده است و بعد از عقد معلوم شود که طرف فاقد آن صفت بوده است، طرف دیگر حق فسخ نکاح را خواهد داشت (ر.ک.، صفایی و امامی، ۱۳۷۷). شرط ضمنی در عقد نکاح مقتضی سلامت از نقص و عیب است، هرچند با کمک قرائن و احوال باشد و هرگاه سلامت منتفی شود، خیار فسخ ثابت می شود. اگر مرد بداند زنی که دارد با او ازدواج می کند، پیش تر مرد بوده و تغییر جنسیت داده است، اقدام وی مطلق نیست، بلکه عقد، مقید به شرط ضمنی نهفته در آن، منعقد می شود؛ یعنی بر شرط ضمنی سلامت زن از عیب و عدم تدلیس و پنهان کاری بوده است. سلامت زوجین از عیوب و نقص یک شرط ارتکازی است (شاکری گلپایگانی، ۱۴۰۰ ش). برعکس آن نیز صحیح است؛ یعنی اگر زنی می دانست مردی که قصد دارد با او ازدواج کند پیشتر زن بوده و تغییر جنسیت داده است، با او ازدواج نمی کرد.

شرط ضمنی نهفته در عقد نکاح در فرض تخلف مشروط علیه از مفاد تعهد، به استناد نهی شارع از عدم وفای به شرط^۱، می تواند عقد را فسخ و بی اثر نماید. (ر.ک.، جبعی عاملی، ۱۳۹۶ هـ.ق، ۵۰۴/۳) بنابراین، پس از متوجه شدن طرف دیگر، عقد برای وی به سبب تخلف از شرط ضمنی حق خیار فسخ ایجاد می کند. به نظر مرحوم خوئی از جمله شروط لازم الوفاء این است که در ضمن عقد صریح باشد یا به طور ضمنی باشد، چنانکه قرینه ای وجود داشته باشد بر اینکه عقد مبنی بر آن شرط بوده و مقید به آن، یا اینکه پیش از عقد ذکر شده یا به خاطر فهم عرفی باشد (ر.ک.، خوئی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۴۲/۲). همچنین مرحوم خوانساری شرط ضمنی را از اقسام شرط صریح دانسته است (ر.ک.، خوانساری، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۱۵۶/۳).

منظور از عیب در این مقاله نفس تغییر جنسیت نیست، بلکه منظور از عیب و نقص تفاوتی است بین فرد سالم و فردی که تغییر جنسیت داده است؛ زیرا با عمل جراحی، آلت تناسلی هرگز همانند خلقت اصلی نمی شود علاوه بر اینکه احتمال بارداری فردی که تغییر جنسیت داده است بسیار نادر است. همچنین اگر فرد به زن تغییر جنسیت داده است فاقد بکارت می باشد که یک وصف ضمنی و ارتکازی سلامت و سالم بودن در عقد نکاح است. در این مورد هیچ تفاوتی بین انواع افراد و اقسام تغییر جنسیت و بین تراجنسیتی و فرد

۱. چنان که در آیات (اوفوا بالعقود و امؤمنون عند شروطهم) امر به وفا به شرط شده است.

خنثی نیست. بنابراین، تغییر جنسیت فرد یک عیب است و موجب خیار فسخ می شود، اما اینکه چرا در متون اسلامی جزء عیوب منصوص فسخ ذکر نشده است، به این دلیل است که در گذشته چنین مسئله‌ای مطرح و قابل تصور نبوده. در حال، وجود عیب سبب ایجاد حق خیار فسخ می شود (ر.ک. جعی عاملی، ۱۳۹۶ ه.ق، ۳۹۲/۵).

۲-۲-۲. شرط ارتکازی

ارتکاز در لغت یعنی، چیزی که ثابت و مستقر باشد (مصطفوی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۲۱۳/۴) و در اصطلاح یعنی، اندیشه ثابتی که در ذهن نفوذ و رسوخ پیدا نموده است به طوری که دست برداشتن از آن دشوار باشد، حتی اگر دلیلی بر خلاف آن حاصل شود (سیستانی، ۱۴۱۴ ه.ق). شرط ارتکازی عبارتند از: شرطی که در اذهان طرفین قرارداد رسوخ و نفوذ پیدا کرده باشد و منشأ پیدایش آن برای طرفین مشخص نباشد، هرچند طرفین قرارداد نسبت به آن توجه فعلی نداشته باشند، اما به گونه‌ای لازمه عقد و دارای اعتبار است به طوری که حتی بدون تصریح، قرارداد در بردارنده آن است (اسماعیلی و توکلی کیا، ۱۳۹۰). این شرط در عقود مثل عقد نکاح و در اختیارات مانند خیار عیب و تدلیس به کار می رود و از مهمترین ادله لزوم وفا به آن سیره عقلاء و حدیث «الْمُؤْمِنُونَ عِنْدَ شُرُوطِهِمْ» (حرعاملی، ۱۴۰۱ ه.ق، ۴۹/۱۵) است. شرط ضمنی به دلیل وجود در ارتکاز طرفین، در حیطه مدلول التزامی عقد قرار می گیرد و لازم الوفاء است.

سلامت مورد عقد (م عقود علیه)، شرط ارتکازی عقد است، در نتیجه اگر معقود علیه معیوب باشد، خیار عیب ایجاد می شود (شیری، ۱۴۱۹ ه.ق، ۴۲۴۹/۱۲؛ خوئی، ۱۴۱۸ ه.ق، ۱۱۳/۳۰). حق فسخ در صورت غش، شرط ارتکازی است (خوئی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۲۱۱/۳). حق فسخ نکاح در صورت پرداختن نفقه (ماده ۱۱۱۳ ق.م) شرط ارتکازی عقد نکاح است (سیستانی، ۱۴۱۴ ه.ق)، کارکردن متعارف زن در منزل شوهر از شروط ارتکازی عقد نکاح است (تبریزی، ۱۳۷۸)، عدم لزوم مباشرت در دوران عقد، شرط ارتکازی عقد نکاح است (شیری، ۱۴۱۹ ه.ق، ۱۴۵۴/۵). بنابراین، در صورتی که عقد نکاح مطلق باشد شرط ارتکازی اقتضای سلامت زوجین از عیب و نقص دارد؛ زیرا قید سلامت به صورت شرط ارتکازی در عقد نکاح وجود دارد، مگر اینکه طرفین شرط عدم سلامت کرده باشند یا اینکه از عدم سلامت اطلاع داشته باشند.

۲-۳. خیار عیب

در مواد ۱۱۲۱، ۱۱۲۲ و ۱۱۲۳ قانون مدنی، عیوب فسخ عقد نکاح بیان شده است. فقها نیز به طور مفصل و باصراحت، آن عیوب و موجبات فسخ عقد را بررسی و بیان کرده‌اند (رک. طوسی، ۱۳۸۷ هـ.ق، ۲۴۹/۴؛ ابن براج طرابلسی، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۲۳۷/۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸ هـ.ق، ۲۶۲/۲-۲۶۶). باتوجه به فلسفه ایجاد حق خیار فسخ به سبب عیوب و تدلیس، امکان گسترش آن به تغییر جنسیت به عنوان یکی از موجبات فسخ وجود دارد؛ زیرا وجود نقص و عیب در یکی از زوجین با اهداف ازدواج از جمله استحکام رابطه، مودت و محبت منافات دارد. هرچند تغییر جنسیت افراد تراجنسیتی و تغییر افراد خنثی به تک جنسی ضمن عیوب منصوص فسخ عقد نکاح ذکر نشده است، ولی به دلیل اشتراک ملاک، می‌توان فسخ نکاح در عیوب منصوص به عیب تغییر جنسیت را تعمیم داد.

عیب یعنی، هر چیزی که زیادت‌تر یا کمتر از خلقت اولیه باشد. خلقت اولیه بیشتر افراد یک نوع است که خلقت مذکور در ذات و صفت بیشتر افراد آن نوع شرط است و عیب، زیادت‌تر یا کمتر از خلقت اصلی است و فرق نمی‌کند عین باشد مانند وجود یک انگشت بیشتر یا کمتر، یا صفت باشد. در صورت وجود عیب خیار فسخ عقد ایجاد می‌شود که همان خیار عیب است. افرادی که تغییر جنسیت داده‌اند نسبت به افرادی که از خلقت اصلی برخوردارند نقص و عیب دارند؛ زیرا حداقل احتمال عدم بارداری فردی که تغییر جنسیت داده است، وجود دارد. علاوه بر اینکه بعد از تغییر جنسیت، شکل آلت تناسلی به حالت خلقت اصلی بر نمی‌گردد؛ درحالی که شرط ضمنی در عقد نکاح این است که زوجین سالم باشند. بنابراین، تغییر جنسیت از مصادیق عیب است.

۲-۴. خیار اشتراط یا خیار تخلف شرط

خیار اشتراط در موردی است که یکی از طرفین عقد چیزی را ضمن عقد شرط کنند و از طرف مقابل به نفع شرط‌کننده، عمل نشود. (جعی عاملی، ۱۳۹۶ هـ.ق، ۵۰۴/۳) اگر مشروط علیه به شرط عمل نکند تنها فایده‌اش این است که مشروط له در فسخ عقد مخیر می‌شود و می‌تواند آن را فسخ کند (مکی عاملی، ۱۹۷۹). در ماده ۲۳۵ ق.م.آ آمده است: «هرگاه شرطی که در ضمن عقد شده است شرط صفت باشد و معلوم شود آن صفت موجود نیست، کسی که شرط به نفع او



شده است خیار فسخ خواهد داشت». تغییر جنسیت قبل از عقد نکاح، تخلف از شرط سلامت است هرچند این شرط ضمنی باشد و هرگاه شرط ضمنی منتفی شود، خیار فسخ ثابت می‌شود. به استناد ادله و جوب وفا به عقد و شرط، شرط لازم‌الوفاء خواهد بود، به طوری که تخلف از آن ازسوی مشروطعلیه، موجب ثبوت حق فسخ برای مشروط‌له می‌شود. یکی از فقها شرط ضمنی را از اقسام شرط صریح می‌داند: «از اقسام شرط آن است که در ضمن عقد، صریح باشد یا ضمنی، چنانکه قریبه اقامه شود بر اینکه عقد، مبنی بر آن شرط بوده و مقید به آن، به خاطر ذکر شرط پیش از عقد و تبانی بر آن» (خوئی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۴۲/۲).

آیه «أَوْفُوا بِالْعُقُودِ؛ به عقود وفا و التزام داشته باشید» (مائده: ۱) بر لزوم وفای به عقد، همان طوری که مورد توافق طرفین بوده است، دلالت دارد. از ادله مشروعیت شرط، مثل روایت «المسلمون عند شروطهم» (حرعاملی، ۱۴۰۱ ه.ق، ۴۹/۱۵) نیز، لزوم وفای به شروط از جمله شرط ضمنی برداشت می‌شود. براساس ماده ۲۲۵ ق.م: «متعارف بودن امری در عرف و عادت، به طوری که عقد، بدون تصریح هم منصرف آن باشد، به منزله ذکر در عقد است» فقها با فراهم بودن ارکان شرط ضمنی، به عدم لزوم تصریح آنها یا حتی اشاره به آن فتوا داده‌اند و تخلف از آن را موجب ثبوت خیار دانسته‌اند (خوئی، ۱۳۷۷ ه.ق، ۲۹۱/۶؛ انصاری، ۱۴۳۴ ه.ق، ۲۷۱/۵). اگر بعد از عقد برخلاف امر مشروط - هرچند شرط ضمنی باشد - معلوم شد طرف دیگر می‌تواند عقد را فسخ کند، به نظر شهید اول و ثانی هرگاه خلاف شرط ثابت شد حق خیار فسخ برای طرف مقابل تحقق پیدا می‌کند: «اگر شوهر شرط کرده باشد که زن باکره باشد و سپس معلوم شود که باکره نبوده است، در این صورت شوهر به مقتضای شرطی که کرده است، می‌تواند عقد نکاح را فسخ کند» (جبعی‌عاملی، ۱۳۹۶ ه.ق، ۳۹۹/۵). افرادی که تغییر جنسیت داده‌اند خواه افراد تراجنسیتی باشند یا خنثی در مقایسه با افراد سالم از نظر خلقت اصلی دارای نقص و عیب می‌باشند، بلکه نقص و عیبی که در اینهاست بزرگتر از عیب فقدان بکارت است؛ زیرا علاوه بر عیب پنهانی تغییر، فقدان بکارت نیز در آن نهفته است.

۲-۵. قاعده لاضرر

قاعده و حدیث «لَا ضَرَرَ وَلَا ضِرَارَ فِي الْإِسْلَامِ» (حرعاملی، ۱۴۰۱ ه.ق، ۳۴۲/۱۷؛ بجنوردی، ۱۳۸۴/۱، ۲۱۱) به کسی که بدون اطلاع از تغییر جنسیت طرف مقابل با وی ازدواج کند، ضرر و آسیب روحی و

روانی وارد می‌شود و به حکم قاعده فوق ضرر و زیان نفی شده است باید راه جبران آن وجود داشته باشد. به نظر می‌رسد تنها راه جبران آن، خیار فسخ است. بعید است خواستگاری که در ابتدا از تغییر جنسیت طرف مقابل مطلع شود، به ازدواج با وی رضایت دهد.

۲-۲-۶. خیار تدلیس

تدلیس بر وزن تفعیل و از ماده «دلس» مشتق است و دلس در لغت به معنای تاریکی است و گویا تدلیس‌کننده امری را تاریک، مبهم و پوشیده می‌کند تا آن را غیرواقعی و بهتر از آنچه که هست، وانمود کند. (ر.ک.، ازهری، بی‌تا، ۳۶۲/۱۲؛ ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۲۸۷/۴) اگر زوج صفتی مثل باکره بودن را شرط کند و یا خیال کند که صفت موجود است، سپس خلاف آن معلوم شود، در این صورت مخیر است عقد را فسخ کند (ر.ک.، جعی عاملی، ۱۳۹۶ هـ.ق، ۵۰۰/۳). برای تحقق خیار تدلیس دو شرط اساسی لازم است: انجام گرفتن کار فریبنده و فریب خوردن طرف عقد (امامی، ۱۳۶۸، ۵۱۴/۱) و ابراز نکردن عیب مخفی مانند اینکه مرد یا زن از تغییر جنسیت یا خنثی بودن خود به طرف مقابل چیزی نگوید. در صورتی تدلیس صادق است که باتوجه به اصل سلامت، آن عیب از نظر عقلا در افراد سالم وجود نداشته باشد.

از جمله ادله خیار تدلیس روایاتی درباره نکاح و تدلیس است که دلالت بر رجوع مغرور به شخص فریب‌دهنده (غار) دارد. (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۴۰۴/۵-۴۱۰) همچنین ماده ۱۱۲۸ ق.م مقرر می‌دارد: «هرگاه در یکی از طرفین صفت خاصی شرط شده و بعد از عقد [نکاح] معلوم شود که طرف مذکور آن وصف را نداشته، برای طرف مقابل حق فسخ خواهد بود، خواه وصف مذکور در عقد به صراحت بیان شده یا عقد مبتنی بر آن واقع شده باشد».

بی‌اطلاعی زوج یا زوجه از تغییر جنسیت شریک زندگی قبل از نکاح، تدلیس است و برای طرف مقابل، خیار تدلیس ایجاد می‌شود که می‌تواند عقد را فسخ کند. تفاوت ندارد که تدلیس‌کننده یکی از زوجین باشد یا کسی دیگر مثل ولی. منظور از تدلیس آن است که شخص با علم و آگاهی از عیبی که خارج از خلقت اصلی است، سکوت کند و یا ادعای صفت کمالی را داشته باشد که در او نیست (جعی عاملی، ۱۳۹۶ هـ.ق، ۳۹۵/۵-۳۹۶). امام خمینی رحمته‌الله علیه در این مورد می‌فرماید:

همان طوری که تدلیس در عیوبی که موجب خیار فسخ است، تحقق می‌گردد

مانند دیوانگی و کوری و غیر اینها، همچنین در مطلق نقصها مانند یک چشم بودن و مانند آن و به مخفی نمودن آن تحقق پیدا می‌کند. همچنین در صفات کمال مانند شرف و حسب و نسب و جمال و بکارت و غیر اینها، به اینکه اینها را توصیف کند با اینکه فاقد آنها می‌باشد. و اولی اثر ندارد؛ یعنی تدلیس در عیوبی که موجب خیار است، مگر اینکه زوج به مهر بر تدلیس کننده رجوع کند. و اما خیار فقط به خاطر خود وجود عیب است. و اما دومی و آن تدلیس در بقیه انواع نقص و در صفت کمال است، پس آن موجب خیار فسخ است در صورتی که نداشتن نقص یا وجود صفت کمال در عقد به طور اشتراط ذکر شده باشند و توصیف زن را به آن در عقد ملحق به آن است اگرچه به صورت و عبارت شرط کردن نباشد، کما اینکه اگر بگوید: «زوجتک هذه الباکرة او غیر الثیبة» بلکه ظاهر آن است که اگر آن را به صفت کمال یا نداشتن نقص قبل از عقد در وقت خواستگاری و گفتگو، توصیف نماید، سپس ازدواج را براساس آنچه که ذکر شده واقع سازد به منزله شرط کردن می‌باشد، پس موجب خیار است و اگر بعد از عقد و بعد از دخول، روشن شود و فسخ را اختیار نماید و مهر را پرداخت کند، به مدلس (تدلیس کننده) رجوع می‌کند. (موسوی خمینی، ۱۳۹۶، ۳۱۸/۲)

۲-۷. غش و مخفی‌کاری

تغییر جنسیت و خبر ندادن به طرف دیگر، نوعی غش و فریب‌کاری است که از آن نهی شده است. روایاتی از معصومین علیهم‌السلام نیز در این باره نقل شده است: «من غشنا لیس منا؛ هرکس مسلمانان را فریب دهد، از آنان نیست» (شوکانی، ۲۰۱۲، ۲۸۵/۶) و باید جبران کند که با خیار فسخ جبران می‌شود.

۲-۸. منافات تغییر جنسیت با مقاصد و اهداف ازدواج

برخی از مقاصد نکاح عبارتند از: سکون و آرامش، ارضای نیازهای جنسی و ایجاد نسل. تغییرخنثی به تک جنسی و تغییر جنسیت با مقاصد ازدواج منافات دارد؛ زیرا احتمال بارداری و فرزندآوری کسی که تغییر جنسیت داده، بعید است. بنابراین، حتی اگر خیار فسخ فرض نباشد، ادامه زندگی برای زوجین دشوار خواهد بود؛ زیرا زندگیشان بر بدگمانی، خیانت و غش استوار خواهد بود. تنفر و بدگمانی جایگزین مودت، آرامش، انس، الفت و صمیمیت می‌شود. درحالی‌که خداوند متعال می‌فرماید: «از آیات و نشانه‌های خداوند این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا به واسطه آنها آرامش یابید و میان شما دوستی و



محبت قرار داد، همانا در این امر نشانه‌هایی است برای گروهی که تفکر کنند» (روم: ۲۱). این آیه به بعد اختیاری روابط اشاره دارد که علاوه بر آرام بخش بودن زندگی خانوادگی، زن و شوهر نیز باید در کنار هم زندگی و سعی کنند روز به روز محبتشان به یکدیگر بیشتر شود (مصباح یزدی، ۱۳۷۸). عوامل بسیاری برای تحقق و رسیدن به سکون و آرامش جسمی، روحی و معنوی وجود دارد که از جمله آن نکاح و تشکیل خانواده است. آنگاه که فرد با انس گرفتن با همسر علاوه بر ایجاد بستری برای تحقق سایر مقاصد، آرامش را تجربه می‌کند یکی مهمترین مقاصد نکاح محقق شده است؛ زیرا هنگامی که فرد در آرامش باشد، روح لطیف‌تر و فرمان‌بردارتری در مقابل خداوند خواهد داشت. همچنین از جمله مقاصد ازدواج، پیوند میان زوجین است که مستلزم ارتباط و مهرورزی میان ایشان می‌باشد تا سبب خویشاوندی، مودت و مهرورزی میان آن دو شود. برای تأمین استحکام نهاد خانواده، سکونت مشترک کافی نیست بلکه زوجین باید از اعمالی که سبب نفرت و کینه یا غم و اندوه در دیگری است، پرهیزند (ر.ک.، طباطبایی، ۱۳۹۳ ه.ق، ۱۶/۲۵۰). بی تردید پنهان‌کاری و مخفی کردن تغییر جنسیت از همسر، سبب کینه‌توزی و تنفر می‌شود که با اهداف و مقاصد ازدواج تناقض و منافات دارد که تنها راه حل آن، خیار فسخ است.

از دیگر مقاصد ازدواج، تولد و تولید نسل است که در صورت تغییر جنسیت یکی از زوجین این هدف محقق نمی‌شود. تولید نسل یکی از مهمترین مقاصد ازدواج است که با وجود این منافات ضرری به طرف مقابل وارد می‌شود که با وجود خیار قابل جبران است. از دیگر مقاصد اصلی نکاح، تأمین و رفع نیازهای جنسی است که در صورت تغییر جنسیت یکی از زوجین، رفع این نیاز فطری نیز ممکن است با مشکل مواجه شود.

۲-۳. دلایل عدم ایجاد خیار در اثر تغییر جنسیت و تغییر خنثی قبل از عقد نکاح

عقد نکاح به دلیل آیه «اوفوا بالعقود» (مانده: ۱۰) و قول پیامبر ﷺ که فرمود: «المؤمنون عند شروطهم» (حرعاملی، ۱۴۰۱ ه.ق، ۱۵/۳۰) فسخ نمی‌شود. آیه فوق بر لزوم و وفا به عقد دلالت دارد، همچنین حدیث فوق دلالت بر التزام دارد. بنابراین، مانع از تأثیر تغییر جنسیت و تغییر خنثی پیش از عقد در ایجاد خیار فسخ می‌شود. همچنین با توجه به اینکه اصل اولیه در عقود، لزوم آنهاست؛ حق فسخ در هر عقد، استثناء و خلاف قاعده و اصل است. در این باره



نیز فرض بر این است که عقدی صحیح منعقد شده است، بنابراین بایستی لازم‌الوفاء باشد و امکان فسخ آن مخالف این قاعده و اصل است.

در نقد دلایل فوق می‌توان گفت که دو استدلال فوق اشکال دارد؛ زیرا استناد به اصل وفاء و لزوم در عقود که به‌طور طبیعی و با رعایت تمام ضوابط عمومی قراردادها منعقد شده است، نه عقدی که اراده که اصلی‌ترین عنصر تحقق آن است در آن وجود نداشته است، یعنی اراده واقعی طرفین عقد در آن لحاظ نشده است؛ زیرا اگر طرف مقابل می‌دانست کسی که دارد با او ازدواج می‌کند تغییر جنسیت داده یا خنثی بوده است، با او ازدواج نمی‌کرد. علاوه بر آن، اصل عملی است و در صورتی دلیل به حساب می‌آید که دلیل اجتهادی وجود نداشته باشد (الاصل دلیل حیث لادلیل)، در حالی که در این مسئله ادله وجود دارد. از دیگر ادله عدم ایجاد خیار در اثر تغییر جنسیت و تغییر خنثی می‌توان اطلاق ادله صحت عقد نکاح را نام برد که شامل عقد در موارد تغییر جنسیت و تغییر خنثی می‌شود. در نقید این دلیل نیز می‌توان گفت که اطلاق ادله، شامل عقدی می‌شود که تمام شرایط صحت را داشته باشد، ولی مسئله مورد بحث، فاقد شرایط صحت است مثل فقدان اراده و مشمول اطلاقات نمی‌باشد، دستکم در آن شک می‌شود و این برای عدم شمول کفایت می‌کند.

۲-۴. نقش خنثی بودن جنسی در فسخ نکاح و تأثیر معالجه پس از عقد نکاح در اسقاط حق خیار فسخ

به نظر شیخ طوسی اگر پس از عقد نکاح معلوم شود که شوهر خنثی بوده است، زن حق فسخ نکاح را دارد و عکس آن هم چنین است. در المبسوط آمده است: «اگر زنی با خنثایی ازدواج کند و علم داشته باشد، خیار فسخ ندارد و اگر نمی‌دانست و از روی جهل باشد، داری خیار فسخ است» (طوسی، ۱۳۸۷ ه.ق، ۴/۲۶۶). در الروضة البهیة نیز عبارت فوق آمده که ازدواج با خنثی جنسی در صورت جهل موجب فسخ عقد نکاح می‌شود (ر.ک. جبعی عاملی، ۱۳۹۶ ه.ق، ۵/۳۸۷). فقهای که قائل به خیار فسخ شده‌اند دلیل وجود خیار را (برای زوج در صورتی که معلوم شود زوجه، خنثی بوده و به انوثیت او حکم شده باشد و دلیل وجود خیار برای زوج در صورتی که معلوم شود زوج، خنثی بوده و به ذکوریت او حکم شده باشد) آن می‌دانند که علامت‌های دلالت‌کننده بر ذکوریت و انوثیت ظنی است (نه قطعی) که نفرت، ننگ و سرزنش را از طرف مقابل از بین



نمی‌برند و این نفرت و سرزنش، ضرر و زیانی است که به حکم قاعده «لاضرر ولاضرار» نفی شده است (ر.ک.، جعبی عاملی، ۱۳۹۶ه.ق، ۵/۳۸۷). یعنی، نشانه‌های مرد بودن یا زن بودن خنثی از نظر عرف مردم نمی‌تواند ذکوریت یا انوئیت او را اثبات کند، چون ظنی است و از این روست که در جامعه او را خنثی می‌نامند و این عیبی است که موجب تنفر همسر می‌شود.

۲-۵. نقش و تأثیر معالجه خنثی جنسی بعد از عقد نکاح در اسقاط حق خیار فسخ

اگر فرد خنثی جنسی پس از عقد نکاح به معالجه اقدام کند، آیا معالجه ایشان و تغییر به تک جنسی موجب اسقاط حق خیار فسخ می‌شود؟ امکان معالجه عیوب و بیماری‌های زوجین که در گذشته سبب فسخ عقد نکاح می‌شد با پیشرفت علم پزشکی میسر شده است. باتوجه به فلسفه ایجاد حق فسخ به سبب عیب، امکان گسترش عیوب فسخ به عیوبی مثل تغییر جنسیت و بیماری‌های غیرمنصوص وجود دارد؛ چون وجود عیب و بیماری در یکی از زوجین با مقاصد و اهداف ازدواج از قبیل تناسل و ترسیخ مودت و محبت منافات دارد، و موجب خیار برای طرف دیگر خواهد شد؛ زیرا عقد براساس سلامت از عیوب انجام شده است و وقتی سلامت منتفی شود، خیار ثابت می‌گردد. امام صادق علیه السلام در پاسخ به عیب سؤال شده، فرمود: «هذه لاتحبل ولا یقدر زوجها علی مجامعتها یردها علی اهلها» (طوسی، ۱۳۸۶ه.ق، ۷/۴۲۶).

برخی از علل مجوز فسخ نکاح عبارتند از: حامله نشدن زن، دچار سختی شدن مقاربت و نزدیکی و هرگونه بیماری که مانع مقاربت شود خواه در مرد یا زن باشد. باتوجه به ملاک و مناط حکم تصریح شده در عیوب و موانع مقاربت و زناشویی، از عبارات فوق معلوم می‌شود که هر امری که موجب ایجاد اختلال در معاشرت و اهداف نکاح شود، سبب ایجاد حق فسخ نکاح می‌شود، ولی امروزه با پیشرفت علم پزشکی اکثر عیوب و بیماری‌هایی که موجب فسخ می‌شوند از جمله خنثی بودن فرد قابل علاج است. بنابراین، مجوزی برای فسخ نکاح در ابتدا وجود ندارد مگر بعد از اینکه فرصتی که برای درمان داده می‌شود، سپری شود، و علاج و بهبودی تحقق نیابد که در این صورت فسخ جایز خواهد بود.

کاتوزیان اشاره دارد به اینکه اگر با عمل جراحی یا درمان‌های دیگر این عیوب از بین برود، حق فسخ مبنای حقوقی خود را از دست می‌دهد و به استناد عیب سابق نمی‌توان

نکاح را فسخ کرد و به نظر می‌رسد که اگر در اثر پیشرفت علم پزشکی، عیبی درمان پذیر شود، مرد حق فسخ نکاح را ندارد (کاتوزیان، ۱۳۸۵). شیخ انصاری فلسفه و حکمت عیوب مجوز فسخ را ایجاد ضرر و زیان برای طرف مقابل دانسته است (ر.ک.، انصاری، ۱۴۳۴ ه.ق). امام خمینی رحمته الله علیه نیز با وجود عیب و در صورت جهل طرف مقابل به بقای خیار فسخ قائل است (موسوی خمینی، ۱۳۹۶، ۲/۳۱۵). بنابراین فوری بودن فسخ با وجود عیب نیز فرصت برای معالجه و تغییر از خنثی به تک جنسی وجود دارد، اما اینکه فقط عین فرصت یک ساله برای معالجه دارد، دلیل آن این است که در عصر نص، عین قابل معالجه بوده است، ولی خنثی و فرد تراجنسیتی قابل معالجه و درمان در گذشته نبوده‌اند و درست نیست گفته شود فقط عین فرصت معالجه دارد. علاوه بر آن، همه فقها قائل به فوری بودن فسخ با وجود عیب نمی‌باشند. برای مثال محمد صدر که در مسئله ۱۴۷۱ گفته است: «اظهار این است که حق فسخ فوری نیست، پس با تأخیر ساقط نمی‌شود» (صدر، ۱۴۲۷ ه.ق).

بنابر نظریه و وجوب معالجه این سؤال مطرح است که آیا برای معالجه باید مدت تعیین کرد؟ در پاسخ باید گفت که مدت معالجه باید محدود شود که ضرری بر طرف مقابل وارد نشود، هرچند در روایات به مرد عین برای معالجه یک سال مهلت داده شده است (ر.ک.، حرعاملی، ۱۴۰۱ ه.ق، ۱۴/۶۱۲-۶۱۰). هرچند حق فسخ منوط به عدم معالجه در یک سال است، ولی یک سال نمی‌تواند ملاک باشد؛ زیرا محدود کردن آن به یک سال در روایات، اماره یا قید تعبدی به حساب نمی‌آید (ر.ک.، سبحانی، بی‌تا، ۲/۱۲۰). بلکه باید در تعیین مدت درمان به عرف مراجعه کرد (ر.ک.، کرکی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۱۳/۱۴۵)؛ زیرا هدف و ملاک، تحقق معالجه عیب است که در تمام عیوب از جمله عیب خنثی بودن فرد مشترک است و واجب نیست معالجه همه عیوب را به یک سال محدود کرد؛ زیرا روشن است که درمان عیبی با عیبی دیگر متفاوت است و باید تعیین مدت درمان به پزشکان متخصص موکول شود. البته در صورتی که مدت درمان خیلی طولانی باشد به طوری که طرف مقابل متضرر و در عسر و حرج واقع شود، بر وی واجب نیست صبر کند و می‌تواند عقد نکاح را فسخ کند. بنابراین، نباید قائل به تعمیم شد و لازم است نظر پزشک متخصص را ملاک قرار داد. لازم است در موارد فسخ عقد نکاح به سبب خنثی بودن و عدم فسخ به سبب معالجه و ادامه زندگی و صیانت خانواده، مصلحت‌ها و مفسده‌های دوطرف مسئله را در نظر گرفت.



ممکن است گفته شود که اصل استصحاب خیار فسخ پس از عقد و قبل از معالجه جاری می‌شود؛ بدین معنی که خیار فسخ قبل از معالجه یقین است و پس از معالجه در آن شک شده است؛ استصحاب خیار را جاری می‌شود. در نقد این موضوع باید گفت که استصحاب، اصل عملی است و در صورتی دلیل شمرده می‌شود که دلیل اجتهادی وجود نداشته باشد (الاصل دلیل حیث لادلیل) در حالی که در این مسئله ادله وجود دارد. باید گفت که با معالجه و برطرف کردن نقص و عیب خنثی بودن فرد - پس از عقد - که علت ایجاد خیار فسخ عقد بوده است، معلول که حق فسخ است نیز منتفی می‌شود؛ زیرا با انتفای علت، معلول نیز منتفی می‌شود.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

با بررسی مطالب در موضوع پژوهش این نتیجه حاصل شد که تغییر جنسیت پیش از عقد نکاح، در صورتی که ازدواج بدون اطلاع طرف دیگر انجام گیرد، موجب خیار فسخ عقد نکاح می‌شود؛ زیرا تغییر جنسیت به نظر عرف، نقص و عیب و نوعی تدلیس است. شرط ضمنی نهفته در عقد نکاح، سلامت زوجین از نقص و عیب است و طرفی که تغییر جنسیت داده، از شرط ضمنی و ارتکازی تخلف کرده است که با تخلف از شرط ضمنی و ارتکازی، خیار فسخ ایجاد می‌شود. اقدام به ازدواج مطلق نیست، بلکه مقید به شرط ضمنی عدم تدلیس و سلامت از عیب است که با تخلف از آن شرط، طرف مقابل حق فسخ عقد را خواهد داشت. همچنین شرط ارتکازی در عقد نکاح اقتضای سلامت زوجین از عیب و نقص دارد و در صورت تخلف از آن حق خیار فسخ برای طرف دیگر ایجاد می‌شود. علاوه بر آن، تغییر جنسیت، موجب ناسازگاری زوجین و انزجار طرف مقابل می‌شود و با انس و الفت و مودت مورد نظر اسلام که از مقاصد و اهداف ازدواج است، تناقض و منافات دارد. همچنین، تولید نسل که از مقاصد اصلی ازدواج است درباره شخصی که تغییر جنسیت داده‌است یا خنثی بوده و به تک جنسی تغییر کرده، بعید به نظر می‌رسد. بنابراین، هر عیبی در زوجین که موجب اخلال در زندگی زناشویی و تنفر شود، موجب ثبوت خیار فسخ عقد نکاح می‌شود. سلامت زوجین یکی از آثار شرط ارتکازی در خیار عیب، خیار تدلیس و حق فسخ در عقد

نکاح قابل تبیین است. بنابراین، سلامت زوجین از نقص و عیب مبتنی بر شرط ارتکازی در مفاد عقد است و براساس این شرط مورد توجیه قرار می‌گیرد. عدم سلامت یکی از زوجین (مثل تغییر جنسیت) موجب انزجار و عار می‌شود، نفرت و انزجار ضرر و زیانی است که به حکم قاعده «لاضرر و لااضرار» نفی شده است و باید آن ضرر و زیان جبران شود که با خیار فسخ جبران می‌شود. باید شرط ارتکازی عقد نکاح در مواردی که اشاره به شرط ضمنی و یا در مواردی که موکول به عرف و بنای عقلا نموده است، به دست آید؛ زیرا شرط ارتکازی نوعی شرط ضمنی است. بنابراین، در موارد قانونی که اشاره به شرط ضمنی شده است، مثل مواد ۲۲۵، ۳۸۲، ۳۴۴، ۴۵۴ و ۵۲۱ ق.م. به خاطر تخلف از مقتضای شرط ارتکازی که سلامت زوجین است، حق خیار فسخ برای طرف مقابل ایجاد می‌شود.

درباره تأثیر معالجه خنثی پس از عقد در اسقاط حق فسخ باید گفت که اگر با عمل جراحی یا درمان‌های دیگر، فرد خنثی جنسی به تک جنسی تغییر کند، حق فسخ مبنای حقوقی خود را از دست می‌دهد و به استناد عیب سابق (خنثی بودن) نمی‌توان نکاح را فسخ کرد و به نظر می‌رسد که اگر در اثر پیشرفت علم پزشکی، عیبی درمان‌پذیر شود، حق فسخ نکاح از بین می‌رود.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۹۱). مترجم: بهرام پور، ابوالفضل. قم: آوای قرآن.
۱. ابن براج طرابلسی، عبدالعزیز (۱۴۰۶ ه.ق.). المذهب. قم: المکتب الاسلامی لجماعة المدرسين.
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴ ه.ق.). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
۳. احمدی، سید محمد مهدی، طباطبایی عینکی، سید مهدی، و عابدیان کلخوران، سید حسن (۱۳۹۹). تحلیل انتقادی حکم جواز تغییر جنسیت در ترانس سکسوال‌ها. نشریه فقه، ۲ (۲۷)، ۱۷۹-۲۰۵.
۴. ازهری، محمد بن احمد (بی‌تا). تهذیب اللغة. قاهره: چاپ و انتشار احمد عبدالعلیم بردونی.
۵. اسماعیلی، محسن، و توکلی‌کیا، امید (۱۳۹۰). شرط ارتکازی در فقه امامیه و حقوق ایران. پژوهش‌نامه حقوق اسلامی، ۱۲ (۱۲)، ۱۵۱-۱۶۷.
۶. امامی، حسن (۱۳۶۸). حقوق مدنی. تهران: نشر المیزان.
۷. انصاری، مرتضی (۱۴۳۴ ه.ق.). المکاسب. قم: مجمع الفکر الاسلامی.
۸. بجنوردی، محمد حسن (۱۳۸۴). اقواعد الفقهیه. محقق: مهریزی، مهدی، و درایتی، محمد حسن. قم: دلیل‌ما.
۹. تبریزی، میرزا جواد (۱۳۷۸). استفتاءات جدید. قم: انتشارات سرور.
۱۰. جبعی عاملی، زین الدین بن علی (۱۳۹۶ ه.ق.). الروضة البهیة فی شرح اللمعة الدمشقیة. محقق و مصحح: کلانتر، سید محمد. قم: انتشارات و چاپخانه علمیه.
۱۱. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۱ ه.ق.). وسائل الشیعه. مصحح ربانی شیرازی، عبدالرحیم. تهران: المکتبۃ الاسلامیة.
۱۲. حکیم، محمد تقی (۱۹۷۹). الاصول العامه للفقهاء المقارن. قم: مؤسسه آل‌البتیت.
۱۳. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳ ه.ق.). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل‌البتیت.
۱۴. خامنه‌ای، سید علی (۱۳۸۰). رساله اجوبه الاستفتائات. تهران: نشر الهادی.



۱۵. خانه‌کشی، حامد (۱۳۹۹). تبیین و بررسی مهریه و نفقه پس از تغییر جنسیت زوجین. نشریه رهیافت‌های نوین در مطالعات اسلامی، (۲)، ۶۱-۷۷.
۱۶. خوانساری، احمد (۱۴۰۵ ه.ق). جامع‌المدارک. تهران: مکتبه الصدوق.
۱۷. خوئی، سیدابوالقاسم (۱۳۷۷ ه.ق). مصباح‌الفقاهه. قم: مکتبه الداوری.
۱۸. خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۰ ه.ق). منهاج‌الصالحین. قم: مدینه‌العلم.
۱۹. خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۶ ه.ق). صراط‌التجاة. قم: مکتب نشر المنتخب.
۲۰. خوئی، سیدابوالقاسم (۱۴۱۸ ه.ق). موسوعة الامام‌الخوئی. قم: مؤسسة احیاء آثار الامام‌الخوئی.
۲۱. سبحانی تبریزی، جعفر (بی‌تا). نظام‌النکاح فی‌الشرع. قم: مدرسه امام صادق علیه‌السلام.
۲۲. سیستانی، سیدعلی (۱۴۱۴ ه.ق). قاعده‌لاضرر ولاضرار. قم: دفتر حضرت آیت‌الله سیستانی.
۲۳. شاکری گلپایگانی، طوبی، بهرامی، لیلا (۱۴۰۰ ش). بازخوانی حقوق جنسی زوجه از منظر اصول کلان اخلاقی و حقوقی. پژوهشنامه اسلامی زنان و خانواده، (۴)، ۸۵-۱۰۷.
۲۴. شبیری، سیدموسی (۱۴۱۹ ه.ق). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رابرداز.
۲۵. شوکانی، محمدبنعلی (۲۰۱۲). نیل‌الوطار، السعودية: نشر رئاسة ادارات البحوث العلمية والافتاء.
۲۶. صانعی، سعید، و فصیحی‌زاده، علیرضا (۱۳۹۱). تغییر جنسیت و آثار فقهی- حقوقی آن بر روابط زوجین. نشریه فقه و حقوق خانواده، (۱۷)، ۱-۲۷.
۲۷. صدر، محمد (۱۴۲۷ ه.ق). منهاج‌الصالحین. قم: مؤسسة احیاء الکتب الاسلامیه.
۲۸. صفایی، سیدحسین، و امامی، اسدالله (۱۳۷۷). حقوق خانواده. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۹. طباطبایی، محمدحسین (۱۳۹۳ ه.ق). تفسیر‌المیزان. بیروت: دار احیاء التراث.
۳۰. طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۳۸۶ ه.ق). تهذیب‌الاحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۱. طوسی، محمدبن‌الحسن (۱۳۸۷ ه.ق). المبسوط فی فقه الإمامیه. طهران: المکتبه المرتضویه.
۳۲. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵). حقوق خانواده. تهران: شرکت سهامی انتشارات.
۳۳. کلینی، محمدبن‌یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۳۴. کرکی، علی‌بن‌حسین (۱۴۱۴ ه.ق). جامع‌المقاصد. قم: مؤسسه آل‌البيت علیهم‌السلام.
۳۵. محقق‌حلی، نجم‌الدین جعفر بن‌حسن (۱۴۰۸ ه.ق). شرائع‌الاسلام. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۳۶. مصباح‌یزدی، محمدتقی (۱۳۷۸). اخلاق در قرآن. قم: مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی علیه‌السلام.
۳۷. مصطفوی، حسن (۱۴۱۶ ه.ق). التحقیق فی کلمات القرآن‌الکریم. تهران: مؤسسه انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۸. مظفر، محمدرضا (۱۳۹۶ ه.ق). اصول‌الفقه. النجف: مطبعة نعمان.
۳۹. مکی‌عاملی، محمد (۱۹۷۹). القواعد والفوائد. محقق: حکیم، سیدعبد‌الهادی. قم: منشورات مکتبه المفید.
۴۰. موسوی‌خمینی، روح‌الله (۱۳۹۶). تحریر‌الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه‌السلام.
۴۱. مؤمن، محمد (۱۴۱۵ ه.ق). کلمات سدیدیه فی مسائل جدیدیه. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۴۲. نائینی، میرزا حسین (بی‌تا). منیه الطالب فی شرح‌المکاسب. تهران: چاپخانه صبوری.



معیار تحقق کراهت زوجه از زوج در طلاق خلع

عبدالله فتوحی^۱، محمدرضا کیخا^۲، نادر مختاری افراکتی^۳

چکیده

در طلاق خلع که راهکاری قانونی برای انحلال نکاح است، زوجه به دلیل کراهتی که نسبت به زوج دارد در مقابل مالی که به او می دهد از قید زوجیت رها می شود. قانونگذار به تبعیت از مشهور فقها در ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی، مطلق کراهت را محوریت طلاق خلع می داند. ابهام‌زدایی از این ماده به دنبال پاسخ به این پرسش است که معیار تحقق کراهت چیست؟ آیا اینکه زوجه فقط در جلسه دادرسی الفاظی را بگوید که بیانگر کراهت او از سوی زوج باشد، کفایت می کند؟ پژوهش حاضر به روش تحلیلی - اسنادی و باهدف بررسی دیدگاه فقها در سه گروه قائلین به اعتبار اظهار مطلق کراهت، اظهار کراهت لفظی و اظهار کراهت باطنی و نفس‌الامری انجام شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که روایات مورد استناد معتقدین به اشتراط کراهت لفظی، فقط مشروعیت طلاق خلع را می‌رساند و دلیلی بر مدعای آنان نیست و چه بسا در موارد متعددی، زوجه بنابه دلایلی، الفاظ کراهت‌آمیزی را به کار برد که برخلاف میل باطنی اوست و اگر فقط با ابراز این الفاظ، بتواند طلاق خلع بگیرد، پیامدهای نامطلوبی به دنبال دارد. بنابراین، حمل کراهت مورد نظر قانونگذار بر کراهت باطنی و نفس‌الامری با ملاکات یاد شده مناسب‌تر است که این موضوع با تحقیق و بررسی روابط میان زوجین قابل دستیابی است.

واژگان کلیدی: طلاق خلع، کراهت زوجه از زوج، ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی، معیار تحقق

کراهت.

نوع مقاله: پژوهش تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۰۹/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۹/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۱۰/۲۹
۱. دانشجوی دکتری الهیات و معارف اسلامی گرایش فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
Email: abdollah.fotouhei@gmail.com
۲. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران. (نویسنده مسئول)
Email: kaykha@hamoon.usb.ac.ir
۳. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشگاه سیستان و بلوچستان، زاهدان، ایران.
Email: dr.mokhtariafra@theo.usb.ac.ir

The Criterion for Realizing the Wife's Hatred of Her Husband in Khul Divorce

Abdollah Fotouhi¹, Mohammad Reza Keikha², Nader Mokhtari Afrakoti³

In Khul divorce, which is a legal solution for terminating marriage, the wife due to her hatred of her husband gets free from the bond of marriage for the money she gives to him. According to the well-known jurists in Article 1146 of Civil Code, the legislator considers the absolute of the hatred as the key point of Khul divorce. The purpose of the explanation of this Article is to discover the criterion for realizing the hatred. If the wife just says something indicating her hatred of her husband in the hearing, is it enough? This analytical-documentary research aimed to discover the three groups of jurists who believe in the validity of absolute expression of hatred, the expression of verbal hatred, and the expression of inner hatred. The results demonstrated that the narratives, to which were referred by the believers in the verbal hatred, only show the legitimacy of Khul divorce and there is no proof for the claim, and in lots of cases, the wife due to some reasons uses disgusting words that are against her inner desire, and if she can get divorced only by expressing such words, it will have bad consequences. Therefore, it is better to say that the meaning of hatred from the legislator's perspective is the inner hatred with the mentioned criteria, and it can be identified by exploring couples' relationships.

Keywords: Khul divorce, the wife's hatred of her husband, Article 1146 of Civil Code, criterion for realizing the hatred.

Paper Type: Research

Data Received: 2022/ 12 / 02 Data Revised: 2022/ 12 / 17 Data Accepted: 2023/ 01 / 19

1. Ph.D. Student in Theology and Islamic Knowledge in the Field of Fiqh and Principles of Islamic Law, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Email: abdollah.fotouhei@gmail.com

2. Associate Professor, Department of Fiqh and Principles of Islamic Law, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran. (Corresponding Author)

Email: kaykha@hamoon.usb.ac.ir

3. Assistant Professor, Department of Fiqh and Principles of Islamic Law, University of Sistan and Baluchestan, Zahedan, Iran.

Email: dr_mokhtariafra@theo.usb.ac.ir

۱. مقدمه

طلاق، ایقاعی تشریفاتی است که به موجب آن، زوج یا نماینده او به حکم دادگاه، زنی را که به طور دائم در قید زوجیت اوست، رها می‌کند. (کاتوزیان، ۱۳۸۲/۱، ۳۰۰) براساس ماده ۱۱۳۳ قانون مدنی، مرد می‌تواند با رعایت شرایط مقرر در این قانون با مراجعه به دادگاه، تقاضا دهد که همسرش را طلاق دهد. وفق این ماده به تبعیت از فقه، حق طلاق به دست مرد است (موسوی خمینی، بی تا، ۲/۲۹۰). باتوجه به این مطلب، در مواردی که زوجه در موقعیت نامطلوب زندگی مشترک قرار می‌گیرد و زوج از طلاق خودداری می‌کند از سوی فقه اسلامی و قانون‌گذار چاره‌جویی شده است تا زوجه با اعمال طلاق خلع از رنج زندگی نامطلوب رهایی یابد. فاضل لنکرانی در این باره می‌گوید: «مسئله طلاق خلع آن است که زن به هر علتی نخواهد با شوهرش به زندگی ادامه دهد و شوهر هم مایل به طلاق دادن او نباشد، ولی زن برای راضی کردن او به طلاق، مقداری مال به او بدهد تا راضی شود او را طلاق دهد» (فاضل لنکرانی، بی تا، ۱/۴۲۹). نظر به اقوال یاد شده، مشهور فقها (ر.ک.، محقق سبزواری، ۱۴۲۳ ه.ق، ۲/۳۸۲؛ عاملی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۱۹۹؛ عاملی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۱۰۰/۶؛ نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۳۳/۴۱؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ه.ق، ۵/۳۷؛ موسوی خمینی، بی تا، ۲/۳۵۲؛ صافی گلپایگانی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۲/۳۳؛ خویی، ۱۳۹۱/۱، ۳۴۴؛ بهجت، ۱۴۲۶ ه.ق، ۴/۱۹۷) مستند به دلیل اجماع و نصوص متواتره، قائل به شرطیت کراهت در طلاق خلع هستند. قانون‌گذار در ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی هم‌رأی با دیدگاه مشهور آورده است: «طلاق خلع آن است که زن به واسطه کراهتی که از شوهر خود دارد در مقابل مالی که به شوهر می‌دهد، طلاق بگیرد اعم از اینکه مال مزبور عین مهر یا معادل آن یا بیشتر یا کمتر از مهر باشد». بدین ترتیب می‌توان گفت که در اصل اشتراط کراهت برای طلاق خلع چه از دید فقها و چه از نقطه نظر قانون‌گذار، بحثی نیست و ابهام این مسئله ریشه در پاسخ‌گویی بدین پرسش است که معیار تحقق کراهت زوجه از زوج در طلاق خلع چیست. آیا فقها و قانون‌گذار، معیاری را در تحقق کراهت معتبر دانسته‌اند؟ از آنجاکه این مسئله از دیدگاه نویسندگان و پژوهشگران مغفول مانده است، پژوهش حاضر که در مقام موشکافی و ابهام‌زدایی از این موضوع دارای نوآوری است.

۲. چهارچوب نظری پژوهش

خُلع در لغت بر وزن صلح، به ضم خاء و سکون لام، از خلع به فتح خاء گرفته شده و ریشه



آن، «خ ل ع» است. خَلْع به فتح خاء به معنی بیرون آوردن و کندن جامه یا هر پوشیدنی دیگر مانند کفش و رداست. (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۷۶/۸؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۳۲/۵؛ طریحی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۶۸۳/۴) وجه نام‌گذاری خلع از آنجاست که خداوند متعال در قرآن کریم فرموده است: «هریک از زوجین، لباس یکدیگرند» (بقره: ۱۸۷) و با طلاق خلع، گوی یکی از آنان لباس خود را بیرون می‌آورد (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۷۶/۸؛ طریحی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۶۸۴/۴؛ فیومی مقری، بی تا، ۲۴۳/۱). به عبارتی، زن، شوهرش را خلع کرد، بدان معناست که زن حقوق زناشویی خود را از دوش مرد برداشت (جوهری، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۲۰۶/۳-۱۲۰۵).

در بیان معنای اصطلاحی طلاق خلع، فقها نظراتی دارند که از نظر محتوایی، قرابت مفهومی دارند. علامه حلی در این رابطه می‌گوید: «خلع، برهم زدن عقد نکاح با پرداخت فدیة را گویند که همراه با کراهت زوجه از زوج است، درحالی‌که زوج همچنان خواهان ادامه زندگی با زوجه است و این امر با لفظ خلعُت حاصل می‌گردد» (علامه حلی، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۵۰۶/۱). ایشان در جای دیگر آورده است: «خلع عبارت است از: بذل مال ازسوی زن به شوهرش برای آزاد کردن نفس خود به جهت کراهتی که از وی دارد» (علامه حلی، ۱۳۸۸). شهید ثانی از طلاق خلع با نام طلاق در مقابل عوض یاد می‌کند که از جانب زوج لازم است. نیز عدم امکان رجوع زوج را خصیصه دیگر این قسم از طلاق می‌داند (عاملی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۸۷/۶). صاحب جواهر می‌گوید: «خلع از نظر شرعی، برهم زدن عقد نکاح با فدیة‌ای است که زوجه به زوج می‌پردازد در شرایطی که زن از مرد کراهت دارد، اما مرد خواهان ادامه زندگی است» (نجفی، ۱۴۰۴ هـ.ق، ۳۳/۲). مشابه تعاریف یاد شده را می‌توان در بسیاری دیگر از متون فقهی مشاهده کرد (ر.ک.، مختاری مازندرانی، ۱۳۹۴؛ بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۶۶۲/۶؛ سیستانی، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۵۲۹/۱؛ فاضل هندی، ۱۴۱۶ هـ.ق، ۱۵۱/۲). در بین فقهای معاصر، تعریف اصطلاحی طلاق خلع، همسو با تعاریف فقهای پیشین است. امام خمینی رحمته الله علیه در این زمینه می‌فرماید: «خلع، طلاق با فدیة‌ای است که زن به شوهر خود می‌پردازد درحالی‌که از او بیزار است. خلع، نوعی طلاق است که در آن وجود تمام شرایط صحت طلاق ضروری است به علاوه اینکه شرط است که صرفاً زن از شوهر خود تنفر داشته باشد درحالی‌که مرد همچنان به ادامه زندگی با وی رضایت دارد» (موسوی خمینی، بی تا، ۳۴۹/۲). براساس تعاریفی که از فقها ارائه شد طلاق خلع، طلاقی است که زن به دلیل نفرتی که از شوهر پیدا کرده است با دادن مالی (فدیة) خود را از قید زوجیت او آزاد می‌کند

اعم از اینکه مال مزبور، عین مهر یا مساوی یا بیشتر و یا کمتر باشد.

واژه کراهت از ماده کره به فتح اول به معنای ناپسندی و مشقتی است که از خارج بر شخصی وارد و تحمیل شود. (قرشی، ۱۴۱۲ هـ.ق، ۱۰۶/۶؛ واسطی زبیدی، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۳۸۳/۱۳) *درلسان العرب* به نقل از فراء از لغویین و نحویین آمده است: «کره (با فتحه)، آن چیزی است که دیگری تو را بر آن وادار می‌کند» (ابن منظور، ۱۴۱۴ هـ.ق، ۸۰/۱۲). معنای اصطلاحی این کلمه نزد فقها همان معنا و مفهوم مورد نظر اهل لغت است؛ یعنی عبارت است از: واداشتن دیگری به کاری که بدان مایل نیست (انصاری، ۱۴۱۵ هـ.ق، ۱۱۹/۷). محقق حلی در *شرایع* (۱۴۰۸ هـ.ق، ۴/۳)، ابن ادریس حلی در *سراائر* (۱۴۱۰ هـ.ق، ۲۲۷/۳) و غیر ایشان بر همین نکته تصریح کرده‌اند. علما براساس شواهد عقلانی و قرائن عرفی درباره رابطه میان زوجین، اقسامی را برای کراهت در نظر گرفته‌اند که می‌توان گفت نام‌گذاری این اقسام به اعتبار حالات و عوارضی است که بر روحیه زن و شرایط معیشتی وی حکم فرما شده و اثر غیرقابل اغماضی را بر روی هم‌زیستیش با همسر خود برجا گذاشته است. این اقسام عبارتند از: کراهت ذاتی و کراهت عرضی. کراهت ذاتی یعنی، کراهتی که به هویت جسمی یا ذاتی زوج برمی‌گردد مانند کراهت ناشی از بدخلقی، قبح چهره و یا دنائت باطن زوج. کراهت عرضی در جایی صدق می‌کند که زوجه متأثر از عواملی چون ازدواج مجدد همسر، از وی متنفر شود (عاملی، ۱۴۱۰ هـ.ق، ۱۵۲/۲).

۲-۱. دیدگاه‌های معیار تحقق کراهت زوجه از زوج در طلاق خلع

۲-۱-۱. دیدگاه اول: اعتبار کراهت ذاتی زوجه از زوج

صاحب *حدائق* اعتبار کراهت ذاتی را به بسیاری از فقها نسبت می‌دهد. (بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۵۷۷/۲۵) دیدگاه مبتنی بر اعتبار کراهت حاصل از ضرر رساندن زوج به زوجه در نتیجه اموری چون عدم پرداخت نفقه، عدم رعایت حق قسم یا ازدواج مجدد و مانند اینها که موجب نفرت و کراهت عرضی هستند به شیخ طوسی در کتاب *المبسوط* نسبت داده شده است (بحرانی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۵۷۸/۲۵)، حال آنکه بنابر بررسی‌های انجام گرفته، عبارت کتاب مذکور، اشتراط کراهت ذاتی را می‌رساند نه کراهت عرضی (طوسی، ۱۳۸۷، ۳۴۳/۴). در مقام جمع‌بندی می‌توان گفت که دو نظر در مسئله وجود دارد: یکی دیدگاه اعتبار مطلق کراهت و دیگری اعتبار کراهت ذاتی.



۲-۱-۲. دیدگاه دوم: اعتبار مطلق کراهت زوجه از زوج

خوبی از قائلین به این دیدگاه در کتاب/ احکام شرعی بانوان می نویسد: «مطلق کراهت زن نسبت به شوهرش مصحح طلاق خلع است هرچند به اندازه احتمال وقوع زن در حرام نباشد». (خوبی، ۱۳۹۱/۱، ۳۴۵) مکارم شیرازی (۱۳۸۸/۱، ۴۱۴) و فیاض (۱۴۲۶هـ.ق، ۱/۶۳۴) نیز مطلق کراهت را پذیرفته‌اند. فیاض در این زمینه یادآور می‌شود کراهت زوجه جایی صدق می‌کند که زن از شوهرش به قدری تنفر داشته باشد که ادامه زندگی مسالمت‌آمیز برای وی ممکن نباشد، خواه منشأ کراهت و تنفر، ذاتی باشد مثل بدخلقی و زشت‌رویی یا عرضی باشد مثل شراب‌خواری زوج، ترک نماز و مانند این دو. دیدگاه مبتنی بر اعتبار مطلق کراهت زوجه، در بسیاری دیگر از کتب فقهی (ر.ک.، طباطبایی حکیم، بی تا، ۲/۳۲۸؛ صانعی، بی تا، ۱/۴۸۳؛ وحیدخراسانی، بی تا، ۳/۳۵۰؛ تبریزی، ۱۴۲۶هـ.ق، ۲/۲۸۳؛ آل سیف، ۱۴۴۲، ۱/۲۹۱؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۳۳هـ.ق، ۲/۴۲۵؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۵هـ.ق، ۳/۶۲۹) و همچنین از سوی برخی از حقوق دانان اتخاذ شده است (ر.ک.، امامی، بی تا، ۵/۴۷). با امعان نظر به اینکه در ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی که بدان اشاره شد مطلق واژه کراهت استعمال شده، متبادر به ذهن آن است که دیدگاه قانون‌گذار، موافق با نظر این دسته از فقهاست.

۲-۲. ادله و مستندات اعتبار مطلق کراهت زوجه از زوج در طلاق خلع

فقهایی مانند طباطبایی قمی از قائلین به اعتبار مطلق کراهت معتقد است که آیه ۲۲۹ سوره بقره و صحیحه حلبی، مطلق کراهت زوجه از زوج را برای تحقق خلع می‌رساند و دلیلی بر تقیید آنها وجود ندارد. (طباطبایی قمی، بی تا، ۱/۴۸۵) شرح این ادله به قرار ذیل است:

۲-۱-۲. استدلال به آیه ۲۲۹ سوره بقره

آیه ۲۲۹ سوره بقره به آیه طلاق مشهور است. (اقبال، ۱۳۸۵، ۱/۴۳۴) همان‌طور که برخی از مفسرین مانند طبرسی در کتاب مجمع البیان تأکید می‌کند (طبرسی، ۱۳۷۲، ۲/۵۷۸)، مبنای اصلی طلاق خلع و به تعبیر مناسب‌تر، تجویز گرفتن مالی از زن به صورت فدییه و برای مطلقه کردن او، بخشی از این آیه است که پس از نهی از گرفتن مالی از زن در زمان طلاق دادن او سپس می‌فرماید: «مگر آنکه هر دو بترسند که حدود خدا را برپا ندارند، پس اگر بیم آن داشتید که آن دو حدود خدا را برپا ندارند (در صورتی که هر دو بکدیگر را نمی‌خواهند یا زن کراهت شدید دارد به آنها اعلام کنید که) گناهی بر آنها نیست در آنچه زن (برای رهایی خود بعضی از مهر یا همه آن یا بیشتر از آن را به عنوان عوض طلاق) فدییه دهد».

در شأن نزول این آیه آمده است:

جمیله دختر عبدالله بن ابی، همسر ثابت بن قیس بن شماس بود و شوهرش را دوست نداشت درحالی که ثابت همسرش را دوست داشت. جمیله نزد رسول خدا ﷺ رفت و گفت: «یا رسول الله! نه من و نه ثابت، سرهایمان با هم جمع نمی شوند. به خداوند قسم، نه در دین و نه در اخلاق بر او ایراد نمی گیرم، اما بعد از اسلام از کفر نیز بیزارم. او را از روی بغض توصیف نمی کنم. همانا من به سوی خیمه رفتم و دیدم ثابت در میان عده ای نشسته است که سیاه تر و کوتاه قدرتر و زشت تر از همه بود» که این آیه نازل شد. ثابت، یک باغ را برای مهریه به جمیله داده بود. بنابراین، به پیامبر ﷺ گفت: «یا رسول الله! به او بفرما باغ را به من برگرداند». حضرت به جمیله فرمود: «چه می گویی؟» عرض کرد: «بیشتر از آن هم برمی گردانم». فرمود: «نه فقط باغ خودش را برگردان»، سپس به ثابت فرمود: «آنچه را که به او داده ای از او بگیر و رهایش کن». در نتیجه جمیله با اعطای باغ از ثابت طلاق گرفت و این نخستین طلاق خلع در اسلام بود. (ابن ابی جمهور احسایی، ۱۴۰۵ هـ.ق، ۱۴۵/۲، حلی سیوری، بی تا، ۷۷۷/۲)

این روایت در منابع حدیثی اهل سنت به صورتی دیگر با این مضمون نقل شده است:

ازهر بن جمیل از عبدالوهاب از خالد از عکرمة از ابن عباس روایات کرده است که زن ثابت بن قیس نزد رسول خدا ﷺ آمد، عرض کرد: «یا رسول الله! من نه در دین و نه در اخلاق بر ثابت بن قیس ایراد نمی گیرم، ولی از کفر در اسلام بیزارم». رسول خدا ﷺ فرمود: «آیا باغش را به او باز می گردانی». عرض کرد: «بله». رسول خدا ﷺ (به ثابت بن قیس) فرمود: «باغ را بگیر و او را طلاق بده». (نسائی، ۱۴۰۶، ۱۶۹/۶)

در مورد اسم زن ثابت بن قیس اختلاف روایت وجود دارد. در برخی منابع حدیثی از جمله سنن نسائی، معجم طبرانی و طبقات ابن سعد به صورت جمیله، بنت عبدالله بن ابی سلول، آمده است. در برخی منابع مانند سنن ابن ماجه و بیهقی به صورت جمیله، بنت سلول یعنی، خواهر عبدالله آمده است. در منابع دیگری مانند سنن دارقطنی و سنن بیهقی از زن ثابت بن قیس با نام زینب، بنت عبدالله بن ابی بن سلول، نام برده شده است. در برخی منابع مانند سنن ابوداود و سنن نسائی، اسم زن ثابت، حبیبه بنت سهل آمده است. بنابر یک احتمال، اینها دو واقعه بوده و برای دو زن اتفاق افتاده است؛ یعنی ثابت دو زن داشته که زن اولش جمیله یا زینب بوده و با او خلع کرده و بعد با زن دیگری به نام حبیبه ازدواج کرده و او را نیز طلاق خلع داده است. (ابن حجر عسقلانی، ۱۴۷۹، ۳۹۸/۹). در مورد سند حدیث



دوم باید گفت که بخاری و نسائی از ازهربن جمیل نقل حدیث کرده‌اند و نسائی او را ثقه می‌داند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹، ۲۰۰/۱). عبدالوهاب ثقفی نیز از راویانی است که یحیی بن معین، محمد بن سعد و عجلی ایشان را ثقه دانسته‌اند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹، ۴۴۹/۶). خالد بن مهرا ن الحذاء نیز توسط احمد بن حنبل، یحیی بن معین، ابن حبان و عجلی توثیق شده است (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹، ۱۲۰/۳). عکرمه مولای ابن عباس نیز شاگرد ابن عباس و از مفسرین بزرگ عصر تابعین بوده که نسائی و ابی حاتم ایشان را مؤثق می‌دانند (ابن حجر عسقلانی، ۱۳۷۹، ۲۶۳/۷).

شاید چنین اشکال شود که مستفاد از قول جمیله مبنی بر سیاهی، کوتاه‌قدی و زشتی همسرش که به ویژگی‌های ذاتی او اشاره دارد، این است که کراهت ذاتی زوجه معتبر دانسته شده است. به همین دلیل پیامبر اکرم ﷺ طلاق خلع را اجرا کرد. به اشکال مزبور پاسخ داده می‌شود که در نگاه نخست، این برداشت از روایت به ذهن می‌رسد درحالی که کراهت جمیله متأثر از سیاهی، کوتاه‌قدی و زشتی ثابت، مصداقی از مصادیق کراهت است و هیچ اشعاری به اعتبار کراهت ذاتی ندارد. مضمون آیه ۲۲۹ سوره بقره که به صورت مطلق ذکر شد، همین مطلب را تأیید می‌کند و گرنه برای خداوند مانعی وجود نداشت از اینکه کراهت ناشی از سیاهی، کوتاه‌قدی و یا حالاتی شبیه به اینها را برای مجوز طلاق خلع در نظر گیرد. بدیهی است که با لحاظ مطالب یاد شده، وجه استناد به این آیه از سوی معتقدین به اعتبار مطلق کراهت زوجه روشن می‌شود.

۲-۲-۲. استدلال به روایت نقل شده در صحیحه حلبی

و در روایت حماد از حلبی آمده است که امام صادق ﷺ فرمود: «و مختلعه (زنی که به طلاق خلع رها شده)، خلعتش صحیح نیست مگر اینکه به شوهر خود بگوید: سوگندت را انجام نمی‌دهم و فرمانت را اطاعت نمی‌کنم. با تو خود را جنب نمی‌سازم تا غسل بر من واجب شود و در رختخواب تو مرد دیگری را می‌آورم و بدون اذن تو هرکس را بخواهم به خانه‌ات راه می‌دهم. و مردم قبل از این به کمتر از این کلمات او را رها می‌کردند و چون زن چنین سخنانی را بگوید، بر مرد حلال است هرچه از او بگیرد و او را رها کند. (طوسی، ۱۴۰۷ هـ.ق، ۹۶/۸؛ طوسی، ۱۳۹۰، ۳۱۶/۳؛ کلینی، ۱۴۲۹ هـ.ق، ۱۴۰/۶؛

جرعاملی، ۱۴۰۹ هـ.ق، ۲۸۱/۲۲؛ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۵۲۳/۳)

بیان هریک از جملات «سوگندت را انجام نمی‌دهم»، «فرمانت را اطاعت نمی‌کنم»، «با تو خود

را جنب نمی‌سازم تا غسل بر من واجب شود»، «در رختخواب تو مرد دیگری را می‌آورم» و «بدون اذن تو هرکس را بخواهم به خانه‌ات راه می‌دهم» که ازسوی زوجه به زوج القا می‌شود، می‌تواند بیانگر مطلق کراهت زن نسبت به مرد و دلیل صحت طلاق خلع باشد. بنابراین، استناد فقهای قائل به مطلق کراهت به مضمون روایت مورد بحث، خالی از قوت نیست و بررسی‌های انجام شده از دیگر متون فقهی، گویای آن است که ازسوی معتقدین به اعتبار کراهت ذاتی، دلیلی در دست نیست.

۲-۳. اعتبارسنجی اظهار کراهت در طلاق خلع

هرچند دیدگاه اعتبار مطلق کراهت نسبت به کراهت ذاتی در طلاق خلع قوی‌تر به نظر می‌رسد، اما این مقدار از بحث، از تفسیر بیشتر ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی بی‌نیاز نمی‌کند؛ زیرا سؤال دیگری مطرح می‌شود که با فرض پذیرش اعتبار مطلق کراهت، آیا اظهار لفظی کراهت شرط است یا اینکه طلاق خلع، مشروط به کراهت باطنی و نفس‌الامری است؟ آیا در مواردی که زن به هر دلیلی، بدون کراهت باطنی با ادای الفاضلی که مفید کراهت است درخواست طلاق می‌کند، دادگاه می‌تواند رأی به طلاق خلع را صادر کند؟ در پاسخ به این سؤال، سه قول ازسوی فقها مطرح شده است که بررسی می‌شود.

۲-۳-۱. اظهار مطلق کراهت

مشهور فقها صرف مطلق اظهار کراهت را کافی دانسته و احراز کراهت نفس‌الامری را لازم نمی‌دانند. (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۴۱/۳۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ه.ق، ۲۷۹/۵؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۵ ه.ق، ۳۵۲/۲؛ عاملی، ۱۴۱۰ ه.ق، ۱۵۲/۲؛ قزوینی، ۱۴۱۴ ه.ق). صاحب‌جو/هر از قول ابن‌ادریس آورده است که اجماع اصحاب امامیه منعقد شده است بر اینکه خلع جایز نیست جز بعد از اینکه مرد از زن چیزی را بشنود که ذکر آن ازسوی زن جایز نیست مانند «از جنابت تو غسل نمی‌کنم، حدی را بر تو اقامه نمی‌کنم» یا اینکه این امور به‌طور فعلی دانسته شوند (نجفی، ۱۴۰۴ ه.ق، ۴۱/۳۳). با تأمل در عبارت منقول از ابن‌ادریس، منظور مشهور فقها از اظهار مطلق کراهت نیز روشن می‌شود چه اینکه اظهار کراهت، هم در قالب لفظ و هم در قالب فعل تحقق می‌یابد. براساس این دیدگاه، علاوه بر اینکه فعل زوجه که بیانگر کراهت وی از زوج باشد، برای اجرای خلع معتبر است ادای هر لفظی ازسوی زوج که کراهت وی را برساند نیز معتبر دانسته شده است.

۲-۳-۲. اظهار کراهت لفظی

دومین دیدگاه مبین اعتبار اظهار کراهت، لفظی است. خوانساری در این مورد می‌گوید: «کراهت بر وجه مخصوص شرط است، اما اشتراط کراهت در نفس الامر از روایات استفاده نمی‌شود. شاید مراد اخبار از اشتراط کراهت، اشتراط اظهار آن و تحقق کراهت به آن چیزی است که بر آن دلالت می‌کند». (خوانساری، بی‌تا) از روایاتی که خوانساری به آن اشاره می‌کند روایت صحیح حلی است که شرح آن گذشت. منظور ایشان از عبارت «کراهت بر وجه مخصوص» همان الفاضی است که براساس مضمون این روایت، صحت خلع مشروط به آن شده است. برخی دیگر از صاحب نظران معاصر نیز مانند خوانساری، کراهت قلبی و نفس الامر را معتبر نمی‌دانند و معتقدند در روایات، شاهی بر آن نیست (محقق داماد، ۱۳۹۹). به عبارت دیگر به عقیده این دسته از فقها علت عدم دلالت روایات بر اشتراط کراهت در نفس الامر از آنجا نشأت می‌گیرد که روایات مورد نظر از جمله صحیح حلی به ذکر الفاضی از سوی زن برای اجرای طلاق خلع اشاره کرده‌اند. برخی از این روایات عبارتند از:

محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که امام علیه السلام در مورد مختلعه (زنی که به طلاق خلع رها شده) که به شوهرش می‌گوید که مرا طلاق خلع بده و من آنچه را که از تو گرفته‌ام به تو می‌دهم، فرمود: «برای زن، حلال نیست که چیزی از زن را بگیرد تا اینکه بگوید: سوگندت را انجام نمی‌دهم و فرمانت را اطاعت نمی‌کنم، با تو خود را جنب نمی‌سازم تا غسل بر من واجب شود و در رختخواب تو مرد دیگری را می‌آورم و بدون اذن تو هرکس را بخواهم به خانه‌ات راه می‌دهم». چون زن چنین سخنانی را بگوید بر مرد حلال است هرچه از او بگیرد و او را رها کند. (مجلسی، ۱۴۰۴ هـ.ق. ۲۱/۲۳۵) روایت مذکور از راویان دیگری مانند سماعه نیز نقل شده است. (ر.ک.، کلینی، ۱۴۰۷ هـ.ق. ۶/۱۴۰)

قول الباقر علیه السلام فی صحیح ابن مسلم: إذا قالت المرأة لزوجها جملة: لا أطیع لک أمراً مفسراً و غیر مفسر حل له أن يأخذ منها، و لیس له علیها رجعة.

قول امام باقر علیه السلام در صحیح بن مسلم که فرمود: هنگامی که زن به شوهر خود گفت: دیگر فرمانت را اطاعت نخواهم کرد چه توضیح دهد چه ندهد، آنچه را که زن برای دادن طلاق به مرد می‌بخشد برای او حلال است و مرد حق رجوع ندارد. (طوسی، ۱۳۹۰. ۳/۳۱۶)

تفاوت این روایت با روایت پیشین و همین‌طور روایت حلی در این است که وقتی زن ابراز نارضایتی کند، برای خلع، کفایت می‌کند و نیاز به جملات مخصوصی نیست.



احمد بن محمد بن عیسی از علی بن حکم از زرعه از سماعه بن مهران روایت کرده است که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم که جایز نیست برای مرد که از زنی که طلاق خلع داده شده، چیزی بگیرد تا اینکه تمام این سخنان را بگوید. فرمود: «اگر زن به مرد بگوید درباره تو از خدا اطاعت نمی‌کنم، حلال است برای مرد که از زن آنچه را که در دست اوست، بگیرد. (طوسی، ۱۳۹۰/۳/۳۱۶)

شیخ طوسی از زراره از امام باقر علیه السلام آورده است که فرمود: طلاق خلع نخواهد بود مگر آنکه زن بگوید: هیچ دستوری از تو اطاعت نمی‌کنم و سوگند تو را به جا نمی‌آورم و حدود مرزی برای تو رعایت نمی‌کنم، مهرم را بگیر و مرا طلاق ده. اگر این‌گونه گفت، مرد می‌تواند براساس آنچه توافق کرده اند کم یا زیاد، او را طلاق خلع دهد. (طوسی، ۱۴۰۷هـ.ق، ۸/۹۸)

بدیهی است که با دقت در مضمون روایات مورد اشاره، دیدگاه قائلین به اظهار کراهت لفظی روشن‌تر می‌شود.

۲-۳-۳. اظهار کراهت باطنی و نفس‌الامری

به نظر گروهی از فقها کراهت باید به حدی باشد که از گفتار و کردار وی چنین استشمام شود که اگر شوهرش او را طلاق ندهد مرتکب معصیت خواهد شد و لااقل ناشزه می‌شود. (نجفی، ۱۴۰۴هـ.ق، ۴۱/۲۳؛ بحرانی، ۱۴۰۵هـ.ق، ۳۷۹/۵؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۵هـ.ق، ۲۵۲/۲؛ عاملی، ۱۴۱۰هـ.ق، ۱۵۲/۲)

ظاهر عبارت این دسته از فقها که وجود کراهت باطنی و نفس‌الامری را معتبر می‌دانند، مستند به آیه شریفه ۲۲۹ سوره بقره است که می‌فرماید: «فَإِنْ خُفِّمَ الْأُيُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ؛ مگر اینکه بترسید حدود دین خدا را درباره احکام ازدواج نگاه ندارند. در چنین صورتی، زن هرچه از مهر خود به شوهر (برای طلاق) ببخشد بر آن روا باشد». دیدگاه فقهای مذکور می‌رساند همین اندازه که خوف عدم اقامه حدود الهی وجود داشته باشد و کراهت باطنی زن احراز شود برای خلع کفایت می‌کند. برخی در ذیل آیه مورد نظر گفته‌اند که این خوف، اعم از این است که مربوط به حقوق شوهر باشد و یا مربوط به حقوق الهی و برای مثال اگر زن در این خانه باشد، نمازش را درست نمی‌خواند، اما براساس قولی دیگر که مناسب‌تر به نظر می‌رسد، بحث از حدود در این آیه مربوط به حدود بین زوجین است که محل بحث در آیه است و نه حقوق خداوند متعال، و به قرینه مقام، چنین اطلاقی وجود

ندارد. بنابراین، منظور از خوف در حدود بین زوجین که به شکل حالتی درونی است خوف از عدم اطاعت و تمکین زوجه نسبت به زوج است.

۲-۳-۴. نقد دیدگاه‌های اعتبارسنجی اظهار کراهت در طلاق خلع

بنابر آنچه که از ابن‌ادریس نقل شده بود و دیدگاه اخیر نیز آن را تأیید می‌کند، اظهار به دو شکل لفظی و فعلی تحقق‌پذیر است. باتوجه به مطالب یاد شده، قائل شدن به صرف اظهار لفظی کراهت برای اجرای طلاق خلع هرچند در قالب الفاظ یاد شده در روایات، محل تردید است؛ زیرا نه تنها روایات مورد نظر، اختلاف در الفاظ دارند، بلکه موضوع جمیله (ر.ک.، بیهقی، ۱۳۴۴/۷، ۳۱۳/۷) که پیش از این گذشت، خالی از ذکر اقوال مزبور است (نجفی، ۱۴۰۴ه.ق، ۴۲/۳۳). همچنین اگر فقط اظهار کراهت با الفاظ مخصوص معیار باشد آنجاکه زن در مواردی مثل میل به آزادی، بدون اینکه کراهتی نسبت به شوهر داشته باشد این کلمات را بگوید به آسانی می‌تواند طلاق خلع بگیرد که شیوع چنین امری علاوه بر مضراتی که به نظام خانواده وارد می‌کند جامعه را نیز متأثر می‌سازد. اولین تأثیر آن نسبت به جامعه، انبوه‌سازی پرونده در دستگاه قضاست که این خود اثرات نامطلوبی را به همراه دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد که اعتبار اظهار کراهت با الفاظ مخصوص از روایات استفاده نمی‌شود. این درحالی است که اعتبار اظهار کراهت در مقام افعال با چنین تکلفی همراه نیست چه اینکه کراهت، امری باطنی و پنهانی است و افعال صادره از سوی زوجه مانند ترش‌رویی کردن، امتناع از هم‌بستری، خروج از منزل بدون اذن و... گویای کراهت باطنی و نفس‌الامری زوجه است. در حقیقت تنها راه کشف کراهت باطنی زوجه، بررسی افعال خارجی اوست و آنجاکه زن الفاظ نامتعارف و به‌دور از شأن زوجیت را ابراز می‌کند این فعل وی در اشکال ترش‌رویی و بداخلاقی است که کراهت باطنی او را آشکار می‌کند. بنابراین، صدور طلاق خلع نیازمند اثبات کراهت نفسی و باطنی است و افاده عباراتی از سوی زن مانند «هیچ دستوری از تو اطاعت نمی‌کنم»، «سوگند تو را به جان نمی‌آورم» و «حد و مرزی برای تو رعایت نمی‌کنم» و امثال اینها در قالب ظهور لفظی معیار نیست و تمام این الفاظ نیازمند بررسی و تحقیق از روابط بین زوجین برای اثبات کراهت باطنی و نفس‌الامری است.

۳. بحث و نتیجه‌گیری

در تفسیر اطلاق ماده ۱۱۴۶ قانون مدنی که کراهت را محوریت طلاق خلع می‌داند تمسک به قول مشهور فقها که با استناد به آیه ۲۲۹ سوره بقره و صحیحہ حلبی، قائل به اعتبار مطلق کراهت زوجه از زوج برای اجرای طلاق خلع هستند، کفایت نمی‌کند. همچنین ترجیح اعتبار کراهت ذاتی یا عرضی، توجیه مناسبی ندارد. از این رو، تفسیر هرچه بهتر ماده مذکور در گرو موشکافی از این مسئله است که آیا کراهت مورد اشاره در ماده مزبور، منوط به اظهار لفظی کراهت است به‌گونه‌ای که دادگاه به اعتبار بیان عبارات مفید کراهت از سوی زوجه، طلاق او را صادر کند یا اینکه معیار وجود کراهت باطنی و نفس الامری است. برخی فقها که اعتبار اظهار کراهت لفظی را پذیرفته‌اند، روایات وارده درباره خلع از جمله صحیحہ حلبی را مستند قرار داده‌اند که مضمون آنها بیانگر ادای الفاظی از سوی زن با تعبیری مانند: «در رختخواب تو مرد دیگری را می‌آورم»، «بدون اذن تو هرکس را بخواهم به خانه‌ات راه می‌دهم» و... است.

اشکال این دیدگاه آنجاست که علاوه بر اینکه این روایات، تعبیر یکسانی ندارند، بلکه روایتی که در شأن نزول آیه ۲۲۹ سوره بقره آمده است، فارغ از این قبیل تعبیرات است و این در حالی است که مشهور فقها، همین آیه را مستند مشروعیت طلاق خلع می‌دانند. اگر قرار باشد هر زنی با افاده این عبارات، طلاق خلع بگیرد علاوه بر تسهیل جدایی زوجین و پیوند زناشویی، آسیب‌های نامطلوبی را بر دستگاه قضا و جامعه وارد می‌کند. چه اینکه اظهار این الفاظ در مواردی، در تباین با احساس درونی زوجه نسبت به زوج قرار دارد. بنابراین، به نظر می‌رسد که روایات مفید عبارات مورد بحث به مشروعیت طلاق خلع می‌پردازند نه اینکه صرف ادای این الفاظ از سوی زوجه، برای طلاق خلع معتبر شناخته شود. بنابراین، معیار معتبر در کراهت مورد نظر قانون‌گذار، وجود کراهت باطنی و نفس الامری است که در قالب افعال و عملکرد زوجین نسبت به یکدیگر قابل تشخیص است کما اینکه دیدگاه متخذ برخی از فقها نیز مؤید همین مطلب است.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۲). مترجم: الهی قمشهای، مهدی. قم: نگارش.
۱. ابن ابی جمهور احسایی، محمد بن علی (۱۴۰۵ ه.ق). *عوالی الثالی العزیزیه*. قم: دارسید الشهداء للنشر.
 ۲. ابن ادریس حلی، محمد بن منصور بن احمد (۱۴۱۰ ه.ق). *السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۳. ابن حجر العسقلانی، محمد بن احمد (۱۳۷۹). *تقریب التهذیب*. حلب: دارالرشید.
 ۴. ابن منظور، ابوالفضل (۱۴۱۴ ه.ق). *لسان العرب*. لبنان: دارالفکر للطباعة و النشر و التوزیع - دارصادر.
 ۵. اقبال، ابراهیم (۱۳۸۵). *فرهنگ نامه علوم قرآن*. تهران: امیر کبیر.
 ۶. آل سیف، فوزی محمدتقی (۱۴۴۲ ه.ق). *الامراض الاخلاقیه نظره جدیده فی عوامل السقوط*. بی جا: اطیاف للنشر و التوزیع.
 ۷. امامی، سیدحسن (بی تا). *حقوق مدنی*. تهران: انتشارات اسلامی.
 ۸. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۵ ه.ق). *کتاب المکاسب*. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری.
 ۹. بحرانی (آل عصفورا)، احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵ ه.ق). *الحدائق الناضره فی احکام العتره الطاهره*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۰. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۶ ه.ق). *جامع المسائل*. قم: دفتر معظم له.
 ۱۱. بیهقی، ابی بکر احمد بن حسین بن علی (۱۳۴۴). *سنن بیهقی*. بیروت: دارالمعرفه.
 ۱۲. تبریزی، جواد (۱۴۲۶ ه.ق). *منهاج الصالحین*. قم: نشر مدین.
 ۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰ ه.ق). *الصحاح - تاج اللغه و صحاح العربیه*. بیروت: دارالعلم للملایین.
 ۱۴. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ ه.ق). *وسائل الشیعه*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
 ۱۵. خوانساری، آقا حسین بن محمد (بی تا). *التعلیقات علی الروضه البهیة*. قم: منشورات المدرسه الرضویه.
 ۱۶. خوبی، ابوالقاسم (۱۳۹۱). *احکام شرعی بانوان*. قم: دارالصدیقه الشهیده علیها السلام.
 ۱۷. سبزواری (محقق)، محمدباقر بن محمد مؤمن (۱۴۲۳ ه.ق). *کفایه الاحکام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۱۸. صافی گلپایگانی، لطف الله (۱۴۱۶ ه.ق). *هدایه العباد*. قم: دارالقرآن الکریم.
 ۱۹. صاعی، یوسف (بی تا). *فقه الثقلمین*. بی جا: بی تا.
 ۲۰. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳ ه.ق). *من لا یحضره الفقیه*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۲۱. طباطبایی حکیم، سیدمحسن (بی تا). *منهاج الصالحین*. بی جا: بی تا.
 ۲۲. طباطبایی قمی، سیدتقی (بی تا). *مبانی منهاج الصالحین*. بی جا: نشر منشورات قلم الشرق.
 ۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۳۷۲). *مجمع البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: مکتبه العلمیه.
 ۲۴. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۰ ه.ق). *المؤلف من المختلف بین ائمه السلف*. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه.
 ۲۵. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۷). *المبسوط فی فقه الامامیه*. تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه.
 ۲۶. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۹۰). *الاستبصار فیما اختلف من الاخبار*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۷. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۰۷ ه.ق). *تهذیب الاحکام*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۲۸. طیب، سید عبدالحسین (۱۳۸۶). *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. قم: مؤسسه سبطین.
 ۲۹. عاملی (شهیدثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰ ه.ق). *الروضه البهیة فی شرح للمعه الدمشقیه*. قم: کتابفروشی داوری.
 ۳۰. علامه حلی، یوسف بن مطهر (۱۳۸۸). *تذکره الفقها*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
 ۳۱. علامه حلی، یوسف بن مطهر (۱۴۱۳ ه.ق). *قواعد الاحکام فی معرفه الحلال و الحرام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۳۲. فاضل لنکرانی، محمد (بی تا). *جامع المسائل*. قم: انتشارات امیر قلم.
 ۳۳. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ه.ق). *کشف اللثام و الایهام عن قواعد الاحکام*. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
 ۳۴. فیاض، محمد اسحاق (۱۴۲۶ ه.ق). *رساله توضیح المسائل*. قم: نشر مجلسی.
 ۳۵. فیومی مقرئ، احمد بن محمد (بی تا). *المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر للرافعی*. قم: منشورات دارالرضی.
 ۳۶. قرشی، سید علی اکبر (۱۴۱۲ ه.ق). *قاموس قرآن*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۳۷. قزوینی، ملاعلی قاریوزآبادی (۱۴۱۴ ه.ق). *صیغ العقود و الایقاعات*. قم: انتشارات شکوری.
 ۳۸. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷ ه.ق). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۳۹. کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۲). *حقوق مدنی خانواده: نکاح و طلاق، روابط زن و شوهر*. تهران: نشر شرکت سهامی انتشار.
 ۴۰. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۴ ه.ق). *مرآة العقول فی شرح اخبار آل الرسول*. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
 ۴۱. محقق حلی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸ ه.ق). *شرایع الاسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان.

۴۲. محقق داماد، سید علی (۱۳۹۹/۷/۷). درس خارج فقه. مشاهده شده در وبسایت <https://sath3.eshia.ir/990707/99/feqh/archive/text/mohaqqdamad/feqh>
۴۳. مختاری مازندرانی، محمد حسین (۱۳۹۴). فرهنگ اصطلاحات فقهی. بی جا: عروه الوثقی.
۴۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۸). احکام خانواده در پرتو فقه اسلامی. بی جا: امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۴۵. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۵ ه.ق). تحریر الوسیله. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۶. موسوی خمینی، سید مصطفی (بی تا). مستند تحریر الوسیله. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۴۷. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴ ه.ق). جواهر الکلام فی شرح شرائع الاسلام. بیروت: دار احیاء التراث العربی.
۴۸. نسائی، ابو عبد الرحمن احمد بن شعیب بن علی (۱۴۰۶ ه.ق). سنن النسائی. حلب: مکتب المطبوعات الاسلامیه.
۴۹. هاشمی شاهرودی، سید محمود (۱۴۳۳ ه.ق). منهاج الصالحین. قم: نشر بنیاد فقه و معارف اهل بیت.
۵۰. واسطی زبیدی، محب الدین سید محمد مرتضی (۱۴۱۴ ه.ق). تاج العروس من جواهر القاموس. بیروت: دار الفکر.
۵۱. وحید خراسانی، شیخ حسین (بی تا). منهاج الصالحین. قم: مدرسه الامام باقر العلوم علیه السلام.



تحلیل انتقادی راه‌های جواز مصافحه زن و مرد نامحرم

زهره حاجیان فروشانی^{۱*}، محمدرضا حمیدی^۲، فاطمه سواعدی^۳

چکیده

در دین اسلام حساسیت فراوانی درباره روابط زن و مرد نامحرم وجود دارد. مصافحه یا دست دادن با نامحرم از رفتارهایی است که حرمت آن مورد تصریح روایات است و سنجه‌های حرمت را به عنوان دیگر نیز دارد. با این حال، در سال‌های اخیر به دلیل فراگیر شدن این عمل، تلاش‌هایی برای حکم به جواز آن از طریق عناوین ثانوی (حرج و اضطرار) و نیز مجاز دانستن دست دادن با وجود حائل، انجام گرفته است. پژوهش حاضر با هدف نقد و بررسی استثنائات حرمت مصافحه با نامحرم از نظر سازگاری با مبانی و احکام شریعت به شیوه تحلیلی-اسنادی انجام شد. بدین منظور کلیه منابع مکتوب مربوط به ضوابط ارتباط با نامحرم و وجود سنجه‌های حرمت در مصافحه با نامحرم مورد بررسی قرار گرفت و حکم شرعی آن در صورت وجود حائل و نیز در شرایط عارض شدن عناوین ثانویه بررسی و فتاوی دال بر جواز آن نقد شد. نتایج بررسی‌ها نشان داد که کلیت جواز مصافحه با نامحرم با وجود حائل پذیرفتنی نیست و استناد به قواعد ثانویه لزوماً نمی‌تواند موجب حکم به حلیت عمل یاد شده شود؛ به‌ویژه آنکه قاعده لاجرح به‌طور کلی نمی‌تواند رافع حکم حرمت باشد و بیشتر مصادیق مبتلابه نیز صلاحیت موضوع واقع شدن برای قاعده اضطرار را ندارند.

واژگان کلیدی: مصافحه با نامحرم، حائل هنگام مصافحه، حرج و اضطرار برای

مصافحه، روابط زن و مرد نامحرم.

نوع مقاله: پژوهش تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۰/۱۱ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۱/۰۱/۱۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۲/۰۴
۱. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: z.hajian@scu.ac.ir

۲. استادیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.
Email: m.hamidi@scu.ac.ir

۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی، دانشکده الهیات و معارف اسلامی، دانشگاه شهید چمران اهواز، اهواز، ایران.

Email: fthm.۱۳۹۸@gmail.com

* این پژوهش با حمایت مالی معاونت پژوهش و فناوری دانشگاه شهید چمران اهواز انجام شده است.

A Critical Analysis of the Ways of the Permission of Shaking hands with a Non-Mahram Man and Woman

Zohreh Hajianforoushani¹, Mohammad Reza Hamidi², Fatemeh Savaedi³

There is a lot of sensitivity about the relationship between a man and woman in the religion of Islam. Handshake or shaking hands with a non-Mahram is one of the behaviors whose sanctity is specified in narratives, and it also, in the form of other titles, has sanctity measurements. Meanwhile, in recent years, because of the spread of such an act, there have been some attempts to permit handshake under the conditions of the emergence of secondary titles (Haraj and Ezterar) and the presence of an obstacle between their hands. This analytical-documentary study was conducted with the aim of analyzing the exceptions of the sanctity of shaking hands with a non-Mahram regarding its compatibility with Sharia principles and rulings; thus, all written sources, related to the rulings of the relationship with a non-Mahram and the sanctity measurements in shaking hands with a non-Mahram, were reviewed, as well as its Sharia ruling under the conditions of the presence of an obstacle and the emergence of secondary titles, and then the Fatawa indicating its permissibility were analyzed. According to the results, the generality of its permissibility under the condition of the presence of an obstacle is not acceptable, and the referral to the secondary rules cannot necessarily result in its permissibility; especially, the rule of "La Haraj" cannot generally remove the sanctity, and the most of the affected cases are not qualified as being the subject of the rule of "Ezterar".

Keywords: shaking hands with a non-Mahram, presence of an obstacle during shaking hands, Haraj and Ezterar for shaking hands, relationship between a non-Mahram man and woman.

Paper Type: Research

Data Received: 2022 / 01 / 01 **Data Revised:** 2022/ 04 / 05 **Data Accepted:** 2022/ 04 / 24

1. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran. (Corresponding Author)

Email: z.hajian@scu.ac.ir

2. Assistant Professor, Department of Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Email: m.hamidi@scu.ac.ir

3. M.A. in Jurisprudence and Principles of Islamic Law, Faculty of Theology and Islamic Knowledge, Shahid Chamran University of Ahvaz, Ahvaz, Iran.

Email: fthm.1398@gmail.com

۱. مقدمه

مصافحه یا دست دادن از رایج‌ترین نمادهای رفتاری در جهان و نشانه اظهار ادب، محبت، تفاهم و همبستگی است؛ یعنی دو شخص، کف دست‌های خود را بر روی هم قرار داده و دست طرف مقابل را تا حدی بفشارند. امروزه این عمل علاوه بر روابط شخصی در تعاملات سیاسی و بین‌المللی نیز پرکاربرد بوده و بار معنایی دارد. خودداری از دست دادن با فردی که برای آن پیشقدم شده بی‌نزاکتی است. دست دادن اگرچه قدمت پیشااسلامی دارد، اما پیام و شکل آن در شریعت امضا شده است؛ یعنی از دیدگاه اسلام، هم اظهار ادب و محبت تأیید شده و هم فرم و شکل دست دادن برای انتقال این پیام پذیرفته شده است. روایات زیادی مسلمانان را به مصافحه سفارش کرده‌اند. (ر.ک.. طوسی، ۱۴۱۴هـ.ق؛ شیخ صدوق، ۱۳۸۲)

جواز دست دادن، خواه از نظر پیام و خواه از نظر فرم، حکم مطلق نیست و ادله‌ای که در بردارنده قید یا مخصص باشند بر آن مقدم می‌شوند. برای مثال هرگاه دوستی و اظهار محبت به برخی افراد ممنوع باشد، دست دادن با افراد یادشده نیز همان محدودیت را دارد. شکل دست دادن از نظر نامی که به خود می‌گیرد مانند لمس نامحرم، می‌تواند ذیل حکم دیگری تعریف شود. همچنین امکان دارد برخی ادله مانند نفی ضرر یا حرج بر ادله حرمت مصافحه حکومت کنند. این چند مسئله موجب اختلاف نظراتی درباره حکم شرعی مصافحه با نامحرم شده و گاه خلط مبحث نیز در آن رخ داده است. روایات بیانگر حرمت مصافحه با نامحرم دو دسته است: دسته اول بر حرمت مصافحه با نامحرم به طور مطلق دلالت دارند (ر.ک.. حرعاملی، ۱۴۱۶هـ.ق، ۲۱۱/۲۰؛ کلینی، ۱۳۶۳/۵، ۵۲۶/۵). دسته دوم، حرمت را مقید به قیودی مانند «الامن وراء الثوب» و «الایغمز» می‌دانند (ر.ک.. کلینی، ۱۳۶۳/۵، ۵۲۵/۵؛ حرعاملی، ۱۴۱۶هـ.ق، ۲۲۲/۲). جمع ظاهر این روایات بر جواز مصافحه با نامحرم در صورت رعایت این قیود دلالت می‌کند؛ یعنی مصافحه با نامحرم در صورت وجود حائل، جایز است. مراجعه به استفتائات فقها نشان می‌دهد که برخی از آنها مصافحه با نامحرم را فقط در شرایط حرج یا اضطرار جایز می‌دانند (ر.ک.. منتظری، ۱۳۸۴/۳، ۳۳۱/۳؛ فضل‌الله، ۱۴۱۹هـ.ق). در پژوهش حاضر با بررسی نظرات مختلف و نسبت‌سنجی ادله جواز یا عدم جواز، حکم شرعی مصافحه با نامحرم بررسی می‌شود. برخی پژوهشگران مسئله مصافحه با نامحرم را بررسی کردند پژوهش مانند مقاله بررسی



جواز و عدم جواز لمس و دست دادن با زن مسلمان و غیرمسلمان از منظر فقه امامیه (مشکی قنقدشتی، شاکری، ۱۳۹۸)؛ مقاله حکم دست دادن با زنان (شاکری، ۱۳۹۸)، مقاله دست دادن با نامحرم از نگاه آیات و روایات (طاهرنیا، ۱۳۸۸). در این مقاله‌ها ابتدا آیات و روایاتی که بر حرمت مصافحه با نامحرم دلالت می‌کنند، بررسی شده و سپس استثنائات آن یعنی، مصافحه با وجود حائل به طور مطلق تجویز شده است. نوآوری پژوهش حاضر این است که راه‌های جواز را نقد و بررسی نموده است.

۲. چارچوب نظری پژوهش

۲-۱. روایات دال بر جواز مصافحه با حائل

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «کسی که با زن نامحرم مصافحه کند دچار غضب الهی می‌شود». (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ هـ.ق، ۱۱۴/۴) در این روایت برای مصافحه با نامحرم وعده عذاب الهی داده شده و مسلم است که وعده عذاب بر حرمت عمل دلالت می‌کند. از نظر فقها تردیدی در حرمت مصافحه با نامحرم نیست (ر.ک.، خوبی، ۱۴۱۸ هـ.ق، ۸۳/۳۲).

روایاتی که بر جواز مصافحه با نامحرم از روی حائل دلالت می‌کند عبارتند از: روایت ابوبصیر که می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام پرسیدم آیا دست دادن مرد با زنی که از محارم او نیست، جایز است. فرمود: خیر مگر از روی پوشش و لباس» (کلینی، ۱۳۶۳، ۵/۵۲۵). در روایت دیگری خواهران ابی عمیر نقل می‌کنند: «نزد امام صادق علیه السلام بودیم که از امام پرسیدیم: آیا زن می‌تواند از برادر ایمانی خود عیادت کند؟ امام علیه السلام فرمود: بله. پرسیدیم: آیا با او مصافحه کند؟ امام علیه السلام فرمود: از پشت لباس» (کلینی، ۱۳۶۳، ۵/۵۲۶). در دو روایت فوق تنها شرط مصافحه با نامحرم وجود حائل است. همچنین سماعه در روایتی می‌گوید:

از امام صادق علیه السلام درباره مصافحه زن و مرد نامحرم پرسیدم. امام علیه السلام فرمود: بر مرد حلال نیست که با زن مصافحه کند. مگر زنی که ازدواج با وی بر او حرام است. خواهر یا دختر یا عمه یا خاله یا دختر خواهر یا همانند آنها و اما با زنی که ازدواج با وی برای او حلال است نباید مصافحه کند مگر از روی لباس باشد و دست زن را نیز فشار ندهد. (کلینی، ۱۳۶۳، ۵/۵۲۵)

در روایت فوق علاوه بر وجود حائل، عدم فشردن دست نیز در جواز مصافحه شرط شده

است. ظاهر این روایات بر جواز مصافحه با نامحرم با وجود حائل و به شرط عدم فشردن دست دلالت می‌کنند. حال این سؤال مطرح است که دین اسلام که به عدم اختلاط زن و مرد و حفظ حریم در روابط آنها تأکید زیادی دارد، آیا مصافحه با نامحرم با پوشیدن دستکش (یا هر حائلی) را به طور مطلق تجویز می‌کند؟ آیا این روایات با مجموعه احکام شرعی سازگاری دارند؟ و آیا با توجه به قواعد حاکم بر شریعت و ملاحظه مجموعه احکام شرعی می‌توان مصافحه از روی حائل را مطلقاً تجویز کرد؟ برای یافتن پاسخ این سؤال‌ها باید ابتدا ضوابط حاکم بر روابط زن و مرد نامحرم از نظر شرعی بررسی و سپس با توجه به این ضوابط، مصافحه از روی حائل نقد شود.

۲-۲. ضوابط حاکم بر روابط زن و مرد نامحرم

در شریعت اسلام، مسئله روابط زن و مرد نامحرم محدودیت‌های ویژه‌ای دارد. از احکام پیرامون این مسئله می‌توان به حرمت نگاه به اعضای بدن (جز وجه و کفین)، حرمت لمس، حرمت گفتار یا رفتار شهوت برانگیز، حرمت رفتارهای برخاسته از قصد التذاذ، وجوب ترک موقعیت‌هایی که می‌توانند باعث گناه شوند و... اشاره کرد. (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۴۳/۱۲؛ حرعاملی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۱۹۱/۲۰) اندیشمندان اسلامی، فلسفه این احکام را اموری مانند ایجاد آرامش روانی برای زن و مرد، مهار کردن امیال جنسی، فراهم آوردن شرایط سالم در خانواده، استواری جامعه اسلامی و حفظ ارزش زن دانسته‌اند (مطهری، بی‌تا، ۱۹/۴۲۷ و ۴۴۳؛ جعفریان، ۱۳۸۰، ۱۱۴۸/۲). با نگاهی به این احکام به روشنی پیداست که در روابط زن و مرد، هر عملی که به قصد لذت انجام شود یا بیم آن باشد که به حرام بینجامد و یا باعث ارتکاب حرام شود، ممنوع است. اگر هر عملی دو وجه بیرونی (نمود) و معنای ضمنی (پیام) داشته باشد، عملی که پیام تمایل به دوستی یا رابطه نامشروع را در خود داشته باشد، حکم حرمت دارد؛ خواه به صورت گفتار باشد یا رفتار یا نوشتار. همچنین است اگر عملی به صورت نوعی، نه شخصی و موردی، حاوی چنین پیامی باشد. حرمت مطلق (چه با قصد لذت و چه بدون آن) اموری مانند نگاه به بدن نامحرم و لمس آن را می‌توان از این راه توجیه کرد. مسئله دیگر آنکه گاه عملی قابلیت آن را دارد که پیام نامشروعی از آن دریافت شود هرچند این دریافت به دلیل ضعف ایمانی فرد مخاطب و نه قصد خاص فرد باشد.

۲-۲-۱. حرمت سخن گفتن آهنگین

آیه ۳۲ سوره احزاب که می‌فرماید: «... با ناز سخن نگویند تا کسی که در دلش بیماری دارد، طمع نوزد...» خطاب به زنان است. بدیهی است که نهی موجود در آیه، درباره ممنوعیت طنازانه سخن گفتن، نسبت به مؤدای کلام است و تفاوتی ندارد که واژگان به‌کار رفته در سخن و معنای آنها چه باشد. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ۲۸۹/۱۷) متعلق نهی در این آیه، طنازانه بودن سخن است که می‌تواند پیام آمادگی برای دوستی یا روابط نامشروع را در خود داشته باشد. از ظاهر آیه نیز پیداست که طنازانه سخن گفتن، علت تامه برای دریافت چنین پیامی نیست، بلکه مقتضی است که در صورت نبودن مانع یعنی، قلب پاک، حاوی پیام یاد شده قلمداد می‌شود. با توجه به تعلیل موجود در آیه می‌توان گفت که هر عمل دیگری که به اندازه طنازانه سخن گفتن یا بیش از آن امکان ایجاد طمع در دل‌های بیمار را داشته باشد، همین حکم را دارد (ر.ک.، فاضل لنکرانی، ۱۴۰۸ ه.ق، ۵۷۸/۲؛ صدر، ۱۴۲۰ ه.ق، ۱۸۰/۳).

۲-۲-۲. نامطلوب بودن سخن گفتن نامحرمان بدون وجود حائل

آیه ۵۳ سوره احزاب خطاب به مردان است. براساس این آیه از مردان خواسته می‌شود که هنگام سخن گفتن و طلب چیزی از زنان نامحرم از پشت پرده و حائل سخن بگویند و چیزی بخواهند. این آیه به صورت ضمنی بیانگر جواز گفت‌وگو و مطالبه است و ارتباط بین نامحرمان را به صورت مطلق منع نمی‌کند. با این حال در شیوه ارتباط، رعایت فاصله یا وجود حریم دیداری شرط شده است؛ یعنی ارتباط به شرط حفظ حریم در روابط منعی ندارد. دلیل بودن قید وجود پرده نیز در این آیه آمده است که می‌فرماید: «... ذلکم اطهر لقلوبکم و قلوبهن...»؛ یعنی عدم اختلاط و رابطه نزدیک دیداری، باعث پاکی دل‌های زنان و مردان است؛ زیرا رابطه نزدیک در دل آنها تأثیرگذار است و ناپاکی و مفسده به دنبال دارد، اما فاصله‌گذاری و رعایت حریم از ایجاد ناپاکی و مفسده جلوگیری می‌کند. اگرچه ظاهر آیه در مورد همسران پیامبر ﷺ است، اما در تفسیر آن گفته شده که آیه عام است و فقط اختصاص به همسران پیامبر ﷺ ندارد. (طباطبایی، ۱۴۱۷ ه.ق، ۳۳۷/۱۶) شاید در نگاه نخست به نظر برسد که وجود قید اطهر، نشان‌دهنده آن است که روابط بدون وجود این قید نیز پاکیزه است و به انحراف نمی‌انجامد، اما رعایت این شرط، رابطه را پاکیزه‌تر نگاه می‌دارد.



۲-۲-۳. وجوب غض نظر

آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور نیز بیانگر بایسته‌های دیگری در مورد روابط میان زن و مرد است. خطاب این دو آیه به زنان و مردان مؤمن است که افزون بر نگاه داشتن فروج خود از ارتکاب محرمات، غض بصر کنند؛ یعنی نگاه به نامحرم عمیق و دقیق نباشد و نگاهشان را کاهش دهند. همچنین زینت‌های خود را آشکار نکنند و به‌گونه‌ای رفتار نکنند که زینت‌ها (به‌صورت لحظه‌ای) آشکار شوند. در اینجا نیز بر رعایت حریم در روابط زن و مرد نامحرم تأکید شده است. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۸، ۴۳۷/۱۴) در آیات فوق آمده است که رعایت موارد یاد شده، ازکی است درحالی‌که به‌روشنی پیداست که نمی‌توان نقیض این حالات یعنی، عدم حفظ فروج را زکی دانست، پس وجود قید تفضیلی در این موارد برای بیان حالت خوب و خوب‌تر نیست. در این آیات دو مسئله با یکدیگر مقایسه شده‌اند: آلودگی‌های نفسانی و گناهان جنسی ناشی از نگاه حرام و طهارت باطن ناشی از فروافکندن چشم. (سیوری حلی، ۱۴۲۵هـ.ق، ۲۲۷/۲) بدیهی است که مورد دوم، پاکیزه‌تر از مورد نخست است، اما نه بدین معنا که دو امر طاهر با یکدیگر مقایسه شده‌اند و یکی از آن دو اطهر باشد، بلکه یکی از آن دو آلوده و دیگری طاهر است. مانند حالتی که در مقایسه یک امر زیبا و یک امر زشت گفته شود، اولی زیباتر است؛ بدیهی است که چنین سخنی بر وجود زیبایی در امر دوم دلالت ندارد.

۲-۲-۴. لزوم رعایت عدم اختلاط

آیات ۲۳ تا ۲۶ سوره قصص نیز با بیان داستان حضرت موسی علیه السلام و دختران شعیب، جنبه دیگری از ضوابط حاکم بر روابط میان زن و مرد را نشان می‌دهد. در این آیات، کلمه وجد، دو مرتبه تکرار شده است که نشان می‌دهد اگرچه زنان و مردان در کنار چاه بودند، مختلط نبودند؛ زیرا حضرت موسی علیه السلام اول مردان را دید که در حال سیراب کردن چهارپایان خود بودند و سپس زنان را دید که با فاصله از مردان مراقب گوسفندان خود بودند تا اینکه مردان بروند و بعد آنها به کنار چاه ببینند (قرائتی، ۱۳۸۳، ۳۷/۹). برخی از پژوهشگران باتوجه به فراز: «لانسقی حتی یصدر الرعاء» در این آیه که در آن واژه الرعاء به‌صورت عموم آمده است چنین استنتاج کرده‌اند که دختران حضرت شعیب تا کنار رفتن همه مردان و نه برخی از آنها منتظر می‌ایستاده‌اند و از این مسئله، وجود برخی احکام مربوط به روابط زن و مرد مانند

تفکیک جنسیتی در ادیان پیشین را نتیجه گرفته‌اند (دهقان‌نژاد، ۱۳۹۵). این آیات و آیاتی که در ادامه رفتار حضرت موسی علیه السلام با دختران شعیب علیها السلام را شرح می‌دهد، نشان می‌دهد که رعایت عفاف و حریم بین زن و مرد نامحرم مختص دین اسلام نیست، بلکه بین متدینین و انبیا، ساری و جاری بوده است.

اگرچه برخی از اندیشمندان اصول فقه، احکام شرایع پیشین را به نسبت مسلمانان قابل استصحاب ندانسته و حجت نمی‌دانند (علامه حلی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۱۰۸/۷)، تردیدی نیست که ذکر سیره‌های یاد شده در قرآن خالی از فایده نیست، به‌ویژه در مورد ارزش‌هایی که در ادیان الهی پیشین و در اسلام به آنها تأکید شده است مانند دوری از گناهان جنسی. بیان برخی از رفتارها می‌تواند بار معنایی خاصی داشته باشد؛ زیرا تطبیق رفتارهای خارجی مانند عدم اختلاط بر ارزش‌ها به صورت تعبدی محض نیست. افزون بر آنکه از دیدگاه برخی، حتی احکام شریعت‌های پیشین در برخی حالات می‌تواند برای مسلمانان نیز حجت باشد (علامه حلی، ۱۳۸۸). از آیات دیگری که بر فاصله‌گذاری بین زنان و مردان تأکید می‌کند آیه ۱۲ سوره ممتحنه در مورد بیعت زنان با پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم است. در این آیه با اینکه بر حقوق و تکالیف اجتماعی و سیاسی زنان تأکید شده است، تفکیک جنسیتی و فاصله‌گذاری بین زنان و مردان نیز مطرح است؛ زیرا در جریان بیعت، هیچ اختلاطی بین زنان و مردان نبوده است (دهقان‌نژاد، ۱۳۹۵) و بعد از پایان بیعت با مردان که با مصافحه انجام شد، سپس زنان برای بیعت آمدند. در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم طرف آبی خواست و دستور داد که آن را پر از آب کنند، سپس دست خود را در ظرف فرو برد و بعد از بیرون آوردن به زنان فرمود که همگی دست خود را در آب آن ظرف فرو برند و بیعت کنند (کلینی، ۱۳۶۳، ۵/۵۲۶). بی تردید ترک فعل توسط معصوم، دلالت قطعی بر حرمت ندارد، اما وقتی عملی در چشم عموم و به صورت روش جدیدی استفاده شود، نمی‌توان از جنبه آموزندگی آن چشم‌پوشید.

افزون بر آیات یاد شده، روایات فراوانی نیز بر عدم اختلاط و بر لزوم تفکیک میان محل‌های ورود و خروج زنان و مردان نامحرم دلالت دارند و مسیر رفت‌وآمد زنان و مردان نامحرم را جدا و با رعایت فاصله می‌خواهند. (جعفریان، ۱۳۸۰، ۲/۱۲۳۰) نکته قابل توجه درباره آیات یاد شده این است که این آیات بیشتر مربوط به اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم یا سایر انبیاست.

در این مورد ممکن است این مسئله مطرح شود که لزوم رعایت ضوابط بیان شده در مورد همان افراد است و برای دیگران، حکم الزامی نیست درحالی که به نظر می‌رسد مخاطب قرار دادن خاندان پیامبر یا ذکر سیره خاندان پیامبران پیشین بیانگر این است که از رعایت امور یاد شده نباید شرم داشت و هیچ‌کس نباید خود را از خطرات عدم رعایت این ضوابط مصون بداند. در این ضوابط، اعمالی که پیام دوستی نامشروع را منتقل می‌کنند، اعمالی که می‌توانند موجب اختلاط و برخورد های غیر ضرور شوند، رفتارهایی مانند دست دادن که با ابراز صمیمیت همراه است، رفتارهایی که موجب التذاذ می‌شوند (نگاه خیره) و... ممنوع هستند. پراکندگی موضوعی رفتارهایی مانند دست دادن، نگرستن، خاضعانه سخن گفتن و... نشانگر آن است که این امور موضوعیت ندارند، بلکه بنابر یک اصل، هر رفتاری که موجب طمع در قلب افرد با باطن ناسالم شود یا بتواند زمینه روابط حرام را تسهیل کند یا به تدریج به آن بینجامد، حرام است. به همین دلیل فقها در جواز مصافحه با نامحرم علاوه بر شرایط مذکور در روایات، عدم وجود تلذذ و ریبه را نیز شرط کرده‌اند (بیزی، ۱۳۸۸، ۱۹۷/۱۵؛ جعفریان، بی تا، ۱۲۴۴/۲).

۲-۳. وجود سنجه‌های حرمت در مصافحه از روی حائل

مصافحه یا دست دادن از رسومی است که قدمت تاریخی دارد و در بسیاری از فرهنگ‌ها و کشورها متداول است. دست دادن در دیدارهای ملی و بین‌المللی سیاستمداران، مراسم ورزشی، میهمانی‌ها و... کاربرد و معنای خاص خود را دارد. از آنجا که دست دادن حاوی پیام مودت و دوست داشتن است (ابن براج، ۱۴۰۶ هـ.ق، ۹۸/۲) میان دو فرد مسلمان، استحباب مؤکدی دارد (کلینی، ۱۳۶۳، ۱۷۹/۲). به همین دلیل میان مسلمان و کافر - جدای از جنسیت و مسائل دیگر - ناپسند است تاجایی که برخی از فقها روایات دال بر وجوب یا استحباب شستن دست پس از مصافحه با کفار را ناظر به تبری جستن از آنها و نه نجاست کفار دانسته‌اند (فاضل لنکرانی، ۱۴۰۸ هـ.ق؛ موسوی خمینی، ۱۴۲۱ هـ.ق، ۴۰۶/۳).

مصافحه، همراه با لمس است. برخی از فقها وجه حرمت مصافحه را همین لمس دانسته‌اند. (ر.ک. بهجت، ۱۴۲۶ هـ.ق، ۵۱۷/۳؛ حکیم، ۱۴۲۲ هـ.ق) به بیان دیگر، مصافحه، مصداق رایجی از لمس و نه خود مصافحه است. در این دیدگاه اگر حائل یا پوششی بین دست مرد و

زن وجود داشته باشد، دلیلی برای حرمت مصافحه نیست. به ویژه که برخی روایات، جواز مصافحه با نامحرم با وجود حائل، بدون قصد لذت و بدون فشردن دست را جایز می‌دانند. باین حال در فتاوی برخی فقها درباره این مسئله، اضطراب وجود دارد؛ زیرا مصافحه علاوه بر آنکه مستلزم لمس است، گونه‌ای انتقال پیام دوستی نیز هست که چنین پیامی میان مرد و زن نامحرم جایز نیست. از این رو، برخی فقها با وجود روایات، جواز مصافحه از پشت پوشش را منوط به حالت اضطرار کرده‌اند (تبریزی، ۱۴۲۷ ه.ق، ۴۶۳/۶). برخی دیگر نیز ترک دست دادن با وجود حائل را جز در حالت ضرورت افضل بر شمرده‌اند (مکارم شیرازی، ۱۴۲۶ ه.ق؛ مظاهری، ۱۳۸۹؛ موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۵۱۱/۸؛ بهجت، ۱۳۸۶، ۵۶/۴؛ علوی گرگانی، ۱۳۸۴، ۳۷۲/۲). برخی دیگر از فقها تصریح کرده‌اند که التذاذ حرام در زمان مصافحه فعلیت ندارد، بلکه اگر کسی بداند که پس از دست دادن و با یادآوری آن نیز دچار شهوت خواهد شد، حق مصافحه با نامحرم را ندارد (خویی، ۱۴۱۶ ه.ق، ۳۷۷/۲).

اگر حرمت مصافحه بر مدار لمس دائر بود، طرح چنین مسائلی ضرورت نداشت و به روشنی پیداست که از نظر فقها، مصافحه جنبه‌های دیگری هم دارد. مصافحه همیشه با نزدیک شدن دو فرد با یکدیگر تلازم دارد و چنین چیزی مغایر با آیات مرتبط با تعامل از ورای حائل است. با پذیرش این موضوع که حتی شنیدن صدای طنازانه زنان برای مردان نهی شده است، چگونه دست دادن که از فاصله نزدیک ایجاد می‌شود و تماس بین نامحرمان به وجود می‌آید (اگرچه با وجود حائل) می‌تواند جایز باشد در حالی که اثر مصافحه هر چند از روی حائل، اگر بیشتر از سخن گفتن خاضعانه نباشد، کمتر نیست. چگونه می‌شود با نامحرم دست داد در حالی که چشمان فرو بسته باشند و به نامحرم نیز نگاه نکرد؛ یعنی از یک طرف غض بصر شود و از طرف دیگر دست دهند، پس روشن است که رعایت ضوابط حاکم بر روابط زن و مرد در مصافحه ممکن یا متداول نیست.

مصافحه از روی حائل با روح ضوابط حاکم بر روابط زن و مرد سازگاری ندارد؛ زیرا در شریعت، تأکید بر فاصله‌گذاری و رعایت حریم در روابط زن و مرد نامحرم است. (یزدی، ۱۳۸۸، ۲۰۳/۱۵؛ مفید، ۱۴۱۳ ه.ق) بر اساس ادله شرعی، حضور زن در اجتماع محدود به موارد ضرورت بوده (مفید، ۱۴۱۳ ه.ق) و اختلاط زن و مرد مکروه است (یزدی، ۱۴۲۱ ه.ق، ۴۹۹/۵)، حتی در مواردی که در اختلاط مفسده باشد نیز چنین اختلاطی حرام است (طباطبایی حکیم، ۱۴۳۳ ه.ق؛ انصاری،

۱۴۱۰ هـ.ق، ۲۲۸/۳). نه تنها مفسده یقینی، حتی اگر احتمال مفسده داده شود اختلاط حرام است (موسوی خمینی، ۱۳۹۲، ۵۰۷/۸؛ تبریزی، ۱۴۲۷ هـ.ق، ۳۲۹/۷). از نظر فقها تماس بدنی دو نامحرم حتی به طور ناخواسته و تصادفی اشکال دارد (بهجت، ۱۳۸۶، ۱۱۹/۴). دلیل تمام این موارد اجتناب از وقوع در حرام است. حال سؤال این است که شریعتی که در ارتباط با نامحرم در این حد سختگیری کرده است چگونه حکم جواز مصافحه با وجود حائل می دهد در حالی که مفسده آن اگر از تماس بدنی ناخواسته بیشتر نباشد، کمتر نیست.

اگر تصور شود که مصافحه با وجود حائل، بدون قصد لذت و بدون فشردن دست جایز است، مکلف باید عناوین فوق را در مصداق خارجی آن احراز کند. به بیان دیگر اگر پذیرفته شود که مصافحه با وجود حائل نیز حرام است مگر آنکه بی قصد لذت و بدون فشردن دست باشد، اصل بر حکم حرمت گذاشته می شود مگر آنکه وجود مخصص در مصداق خارجی احراز شود. در این حالت این نقد وارد است که چگونه دو نفر هم زمان و به یک اندازه باید شرط یاد شده را رعایت کنند. حال اگر یک نفر آن را رعایت نکرد و در هنگام مصافحه دست طرف مقابل را فشار داد، اما طرف دیگر رعایت کرد، آیا می توان گفت هر دو مرتکب فعل حرام شده اند با اینکه عمل نسبت به یک نفر بدون اراده بوده است یا فقط کسی که این قید را رعایت نکرده مرتکب حرام شده است یا اینکه به دلیل طرفینی بودن مصافحه با فشار دادن دست توسط یک نفر همین قید در طرف دیگر هم صادق است.

در مورد قصد ربیبه و لذت نیز این سؤال مطرح است که با وجود جذابیت هایی که نامحرم نسبت به یکدیگر دارند، چگونه قصد ربیبه و لذت نباشد و چگونه دو نفر هم زمان قصد ربیبه و لذت نداشته باشند. خلاصه اینکه وقتی اصل در احکام اسلام، عدم افتادن در گناه است چرا مصافحه با وجود حائل، جایز است و در حالی که اختلاط زن و مرد نامحرم مکروه و در صورت احتمال وقوع در مفسده حرام است، با توجه به اینکه مصافحه هم اختلاط است و هم تماس بدنی، چرا مصافحه با وجود حائل تجویز می شود؛ اگرچه این تماس از روی حائل باشد. همان طور که اشاره شد اصل مصافحه هر چند از روی حائل - حامل پیام دوستی و صمیمیت است و شریعت اسلام از هر موضوعی که زمینه ساز نزدیکی و صمیمیت بین دو نامحرم باشد نهی کرده است.



با این توضیحات، می‌توان گفت که روایات دال بر جواز مصافحه همراه با پوشش، ناظر به مواردی هستند که نزدیک شدن افراد به یکدیگر، برقراری ارتباط چشمی و قرار دادن دست‌ها در یکدیگر امکان لذت حرام فعلی یا بعدی را نداشته باشد. شاید بتوان گفت که جواز مصافحه با وجود حائل، فقط برای اموری است که هیچ‌گونه احتمال ریبه و مفسده در آن داده نشود. مانند برخی فرزندخواندگان و سرپرستان که رابطه آنها شبیه دختر و پدري بوده و هیچ امکان ریبه یا مفسده‌ای در آن نیست. در چنین حالاتی برای احترام و به دلیل رابطه بسیار نزدیک میان آنها مصافحه و یا دست‌بوسی با وجود حائل، تجویز شده است. (روحانی، ۱۳۸۳، ۱۳۸/۷؛ بهجت، ۱۳۸۶، ۲۰۳/۴) آنچه از مجموع ادله شرعی برداشت می‌شود این است که جواز مصافحه از روی حائل به امور استثنائی اختصاص دارد نه آنکه مجوزی عادی باشد و زن و مرد نامحرم هر وقت خواستند بتوانند از روی حائل مصافحه کنند؛ زیرا اصل در احکام شرعی پیرامون روابط زن و مرد بر وجوب احتیاط و در نظر گرفتن امکان افتادن در گناه و مفسده، حتی برای لحظه‌ای کوتاه است چون حتی همان لحظه کوتاه می‌تواند زمینه‌ساز گناهان بعدی باشد و انسان را به مفسده بکشاند.

۲-۴. حکم مصافحه در صورت عارض شدن عناوین ثانویه

امروزه زندگی برخی مسلمانان در کشورهای غیر اسلامی و متعارف بودن مصافحه زن و مرد در آن کشورها سبب شده است که مسلمانان با مشکلاتی در این زمینه مواجه شوند و بخشی از استفتاءات از فقهای معاصر به این مسئله اختصاص یافته است. (ر.ک.، تبریزی، ۱۴۲۷هـ.ق، ۴۶۲/۶؛ حسینی شیرازی، ۱۴۲۸هـ.ق) در اینکه فقط زندگی در کشورهای غیراسلامی مجوزی برای کنار گذاشتن احکام شرعی و از جمله جواز مصافحه با نامحرم نیست، هیچ شبهه‌ای وجود ندارد، اما عارض شدن عناوین ثانویه مانند حرج شدید یا اضطرار می‌تواند مورد تحقیق قرار گیرد. برخی فقها مصافحه بدون وجود حائل با نامحرم را در صورت وجود برخی عناوین ثانوی مانند حرج یا اضطرار جایز می‌دانند (ر.ک.، فضل‌الله، ۱۴۱۹هـ.ق؛ منتظری، ۱۳۸۴، ۳۳۱/۳). اگر استدلال این فقها به صورت یک قیاس منطقی بیان شود برهانی به شکل زیر شکل می‌گیرد:

مقدمه اول (بحث حکمی): ادله نفی حرج و اضطرار محرمات را برمی‌دارد.

مقدمه دوم (بحث موضوعی): عدم جواز مصافحه با نامحرم در برخی موارد مصداق

حرج یا اضطرار است.

نتیجه: ادله نفی حرج (قاعده عسر و حرج) و یا اضطرار حرمت مصافحه با نامحرم را از بین می برد.

برای پذیرش تأثیر حرج یا اضطرار در جواز مصافحه با نامحرم، اثبات هر دو مقدمه لازم است و اگر یکی مورد مناقشه قرار گیرد، استدلال فوق باطل خواهد شد.

۲-۴-۱. تبیین مفهوم حرج و بحث حکمی آن درباره مصافحه

حرج در لغت به معنای سختی و تنگناست. (زبیدی، ۱۴۱۴هـ.ق، ۳/۳۲۱) در ادبیات شرعی نیز به همین معنا به کار می رود. بنابر نص قرآن کریم در دین اسلام احکام حرجی جعل نشده اند (ر.ک.، حج: ۷۸). فقها از این آیه، قاعده‌ای به نام لاحرج را به دست آورده‌اند که به موجب آن هرگاه انجام یک تکلیف موجب تحمل سختی و تنگنایی شود که بیشتر از سختی موجود در ذات تکلیف بوده و به اندازه‌ای شدید باشد که عادتاً قابل تحمل نباشد، حکم اولیه را مرتفع می‌کند (ایروانی، ۱۴۲۶هـ.ق، ۱/۱۷۵). در اینکه عارض شدن حالت حرج فی الجمله می‌تواند حکم وجوب را بردارد، تردیدی نیست. چنانچه برای مثال، حکم وجوب روزه در موارد حرج، برداشته می‌شود (فاضل هندی، ۱۴۱۶هـ.ق، ۹/۱۵۸)، اما رفع محرمات توسط ادله نفی حرج محل بحث و مناقشه است؛ یعنی آیا اگر ترک عمل حرامی موجب دشواری و تنگنا برای مکلف باشد، وی حق دارد با استناد به قاعده لاحرج، جواز ارتکاب عمل حرام را به دست آورد؟

از دیدگاه برخی فقها قاعده لاحرج همان‌گونه که حکم وجوب را برمی‌دارد، می‌تواند حکم حرمت را نیز به جواز تغییر دهد (مشکینی اردبیلی، ۱۳۷۴، ۲/۴۰۲؛ آشتیانی، ۱۳۸۳)؛ زیرا ادله این قاعده کلی است و نسبت به رفع حکم وجوب یا حرمت، اطلاق دارد (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱هـ.ق، ۱/۲۰۷؛ فاضل لنکرانی، ۱۴۲۵هـ.ق). این قاعده می‌تواند مطلق احکام الزامی - خواه وجوب و خواه حرمت - را بردارد. با اندکی دقت نظر می‌توان حکم قاعده لاحرج بر ادله محرمات را نقد کرد.

نقد نخست آنکه در اصل، شریعت با جعل تکالیف الزامی و تحریم محرمات به دنبال آن است که افراد با تهذیب نفس و جهاد اکبر بر هوای نفس خود غلبه کنند. نواهی مولوی و امتثال آنها در فضای شرع تنها به اموری تعلق می‌گیرند که بتوان تمایل و گرایش به ارتکاب آنها را تصور کرد. (حیدری، ۱۴۱۲هـ.ق) بدیهی است که ترک تمایلات نفسانی در بسیاری از موارد موجب سختی برای مکلف می‌شود. از سوی دیگر، علت تحریم بسیاری از محرمات مانند



قتل، ارتباط نامشروع، شرب خمر و... مفسد کلان شخصی و اجتماعی مترتب بر ارتکاب آنهاست. حال اگر گفته شود که سخت بودن ترک یک عمل حرام می‌تواند مجوز ارتکاب آن را فراهم آورد باید پذیرفت که از نظر شارع، ترتب مفسد عظیم موجود در محرمات، اهمیت کمتری از در سختی قرار گرفتن یک مکلف دارد. برای مثال اگر برای فردی ترک تجاوز به عنف بسیار دشوار باشد، مجوز ارتکاب این عمل را با همه مفسد و توالی سنگین آن می‌توان از قاعده نفی حرج به دست آورد. روشن است ارتکاز ذهنی افراد متشرع، چنین باوری را بر نمی‌تابد و هیچ فقیهی نیز در عمل نمی‌تواند عواقب چنین فتوایی را بپذیرد (موسوی بجنوردی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۱/۲۶۵). افزون بر اینکه پذیرش چنین دیدگاهی به معنای بیهوده بودن بعثت پیامبران خواهد بود؛ زیرا هر عمل قبیحی به صرف سخت بودن ترک آن روا خواهد شد و مسائلی مانند تقوا در پرهیز از گناه و مجاهدت نفسانی از معنا تهی خواهند شد (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۱۴۷۱/۵؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۹/۲۹۵۶).

مجاز دانستن ارتکاب محرمات به صرف سختی ترک آنها در اندک زمانی موجب هرج و مرج و اختلال در نظام اجتماعی می‌شود. (شیری زنجانی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۱۴۷۱/۵؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۹/۲۹۵۶)؛ زیرا در این حالت هیچ مجرم یا مرتکب اعمال محرمی را نمی‌توان از کار خود بازداشت به ویژه اگر بنا بر قول مشهور، معیار حرجی بودن، حرج شخصی باشد. طبیعی است که برای مثال هر شارب خمیری می‌تواند ادعا کند که نوشیدن شراب برای وی موجب سختی غیرقابل تحملی می‌شود و چنین ادعایی به سادگی قابل رد نیستند. چه بسا بتوان گفت در این فرض، گناهکاران به سوی ارتکاب بیشتر معاصی پیش می‌روند؛ زیرا در باور آنها اگر کسی به گونه‌ای به گناه عادت کند که ترک آن برایش دشوار باشد در برابر ارتکاب آن گناه مسئولیت شرعی ندارد. شاید از همین روست که در روایات، هیچ موردی وجود ندارد که ارتکاب یک حرام به موجب قاعده نفی حرج مجاز دانسته شده باشد.

در نقد اطلاق دلیل قاعده لاحرج نیز می‌توان چنین گفت که محرمات از حکم آیه بیرون است (حکیم، ۱۴۲۹ ه.ق؛ شبیری زنجانی، ۱۴۱۹ ه.ق، ۱۴۷۱/۵)؛ زیرا ادله نفی حرج فقط در صورتی که متعلق تکلیف برای مکلف حرجی باشد، حکم را مرتفع می‌کند. برای مثال اگر روزه گرفتن برای شخصی حرجی باشد، حکم وجوب آن بالاحرج مرتفع می‌شود (مکارم شیرازی، ۱۴۱۱ ه.ق، ۱/۱۸۴؛ صدر،

۱۴۱۷ ه.ق. ۱۰/۳۸۶)، اما در ارتکاب محرمات، حرج متصور نیست؛ زیرا امتثال تکلیف در محرمات فقط با ترک فعل محرم ممکن است و ترک فعل از مقوله عدمیات است که در آن حرج قابل تصور نیست (حاجیان فروشانی و حمیدی، ۱۳۹۹).

مراجعه به مجموع ادله شرعی به وضوح نشان می‌دهد که محرمات با لاجرح تجویز نمی‌شوند، بلکه فقط هنگامی مجاز می‌شوند که به حد اضطرار برسد. شاهد بر این مطلب آیه ۱۱۹ سوره انعام است. خداوند در این آیه، جواز ارتکاب محرمات را متوقف بر اضطرار کرده است نه حرج و می‌فرماید: «... الا ما اضطررتم اليه...» و فرموده: «الا ما حرج علیکم». در آیه ۱۷۳ سوره بقره که در مقام برشمردن محرمات است، می‌فرماید: «... فن اضطر غیر باغ ولا عاد لا اثم علیه...». آیه ۱۴۵ سوره انعام نیز با همین مضمون وارد شده است. آیه ۳ سوره مائده نیز بر جواز محرمات در صورت اضطرار دلالت می‌کند. در تمام این آیات، ارتکاب محرمات فقط در صورت اضطرار مجاز شمرده شده است در حالی که شارع در مقام بیان حکم بوده است و اگر تجویز محرمات در زمان حرج جایز بود باید آن را بیان می‌کرد. به هر حال با توجه به مجموع ادله، فقط شرایط اضطراری محرمات را برمی‌دارد (سبحانی تبریزی، ۱۴۱۵ ه.ق. ۲/۱۲۵؛ شریف کاشانی، ۱۴۰۴ ه.ق.)، اما برای تجویز محرمات نمی‌توان به دلیل لاجرح تمسک کرد (حاجیان فروشانی و حمیدی، ۱۳۹۹). اگر در استدلال فوق تردید شود، شک می‌شود که آیا محرمات با دلیل نفی حرج مرتفع می‌شود یا نه. در اینجا اصل بر باقی بودن محرمات با احکام اولیه است (نراقی، ۱۴۱۷ ه.ق.). بنابراین، نمی‌توان با استناد به دلیل نفی حرج، مصافحه با نامحرم را تجویز کرد. با این وصف، سخن از اینکه آیا عدم مصافحه با نامحرم می‌تواند موجب حرج شود یا خیر، ثمره‌ای ندارد؛ زیرا حتی در فرض پذیرش این حالت، باز هم جوازی برای ارتکاب آن باقی نمی‌ماند. البته اگر حرج تاحدی باشد که عدم ارتکاب یک عمل موجب حصول ضرر شود، امکان تمسک به قاعده اضطرار می‌تواند مطرح شود.

۲-۴-۲. تبیین مفهوم اضطرار و بحث حکمی و موضوعی آن درباره مصافحه

اضطرار اشاره به حالتی دارد که گونه‌ای ناچاری و تنگنا (ضیق) برای پرهیز از ضرر به فرد عارض می‌شود. بنابراین، از دیدگاه فقهی، اضطرار آن تنگنا و مشقتی است که موجب وارد آمدن ضرر قابل توجهی بر مضطر می‌شود. (علامه مجلسی، ۱۴۰۳ ه.ق. ۱۰۵/۶۵) به بیان دیگر، اضطرار



به حرجی گفته می‌شود که در آن، ضرر قابل توجهی وجود داشته باشد؛ یعنی حرجی که در آن، شخص به حالت ناچاری می‌رسد و برای رفع ضرر چاره‌ای جز مخالفت با شرع ندارد. چنین حرجی اضطرار است، اما مطلق حرج شامل هر سختی و مشقتی می‌شود و وارد آمدن ضرر در مفهوم حرج دخالتی ندارد (قاسمی، ۱۳۹۵). برخی از فقها شدت ضرر برای تحقق اضطرار را خوف بر نفس می‌دانند (علامه حلی، ۱۴۲۰ ه.ق، ۴/۴۴۴)، اما روایات معتبری دلالت بر آن دارد که اگر شخصی برای حفظ مالش در شرایط اضطراری قرار گرفت، می‌تواند قسم دروغ بخورد (حرعاملی، ۱۴۰۹ ه.ق، ۲۳/۲۲۵).

در مرتفع شدن محرمات با اضطرار باید اهمیت حکم اضطراری سنجیده شود. در برخی موارد حتی حفظ نفس نیز حرمت فعل اضطراری را مرتفع نمی‌کند. مثل اینکه رفع حرمت برای حفظ نفس موجب وهن و تضعیف جدی دین اسلام یا گمراهی گروهی از مسلمین شود. حال باید این نکته بررسی شود که آیا در جوامع غیر اسلامی یا در برخورد با ناهم‌کیشان، مصافحه با نامحرم می‌تواند امری اضطراری تلقی شود. ملاحظه استفتائاتی که در این مورد به عمل آمده حاکی از این است که مواردی که در هنگام قرار گرفتن در معرض مصافحه با نامحرم برای افراد به وجود می‌آید و از آنها به عسر و حرج یا اضطرار تعبیر می‌کنند عبارتند از: برداشت اسائه ادب مسلمانان به افراد دیگر در صورت امتناع از مصافحه (مکارم شیرازی، ۱۴۲۷ ه.ق، ۱/۲۳۵؛ صافی، ۱۳۸۵/۲، ۱۵۸)، وهن و اهانت به طرف مقابل (منتظری، ۱۳۸۴، ۳/۳۳۲)، ضرورت عرفی (منتظری، ۱۳۸۴، ۳/۳۸) و محرومیت و اخراج از کار و مدرسه (سیستانی، ۱۴۰۱ ه.ق). بدیهی است که حتی اگر موارد مطرح شده، مصداق حرج باشند، نمی‌توان حکم به برداشته شدن حرمت داد مگر آنکه ضیق و مشقت شدید باشد که به حد ناچاری و تحمل ضرر برسد و مکلف برای رفع آن چاره‌ای جز مخالفت با شرع نداشته باشد که در این موارد، اضطرار صدق می‌کند نه حرج. حال باید دید که آیا عدم جواز مصافحه، مصداق اضطرار است یا نه. از ظاهر استفتائات چنین برمی‌آید که به دلیل شرایط خاص کشورهای غیر اسلامی و رایج بودن مصافحه با نامحرم در آن این‌طور برداشت می‌شود که مسلمانان در صورت عدم مصافحه، ادب را رعایت نمی‌کنند یا اینکه قصد توهین و تحقیر طرف مقابل را دارند و یا در مواردی محرومیت و اخراج از کار یا مدرسه را برای مسلمان به همراه دارد. با تأمل در

این موارد مشخص می‌شود که اینها نمی‌توانند مصداق اضطرار باشند؛ زیرا تلقی بی‌ادبی، توهین و تحقیر از یک رفتار، ضرر و مشقتی نیست که قابل تحمل نباشد و به حد اضطرار برسد و محرمات فقط با اضطرار برداشته می‌شوند. بنابراین، مصافحه با عارض شدن چنین مواردی جایز نیست.

اضطرار فقط در صورتی حکم حرام را مرتفع می‌کند که برای خروج از اضطرار راه دیگری به جز ارتکاب حرام نباشد در حالی که در این موارد مسلمان می‌تواند علت امتناعش را برای طرف مقابل توضیح دهد تا با تفهیم احکام اسلامی از رفتار مسلمان برداشت نادرست نشود. (حسینی شیرازی، ۱۴۲۸هـ.ق؛ تبریزی، ۱۴۲۷هـ.ق، ۴۶۲/۶) اگر مسلمانان نسبت به احکام اسلامی پایبند باشند، غیر مسلمانان امتناع مسلمانان از مصافحه را مانند بقیه متمیزات آنها از جمله نیاشامیدن شراب و نخوردن گوشت خوک خواهند شناخت و رفتار مسلمان برای آنها توجیه شده و حمل بر بی‌ادبی یا توهین به طرف مقابل نمی‌شود (تبریزی، ۱۳۸۵، ۳۵۹/۱؛ صافی، ۱۳۸۵، ۱۵۸/۲؛ مکارم شیرازی، ۱۴۲۷هـ.ق، ۲۳۵/۱؛ بهجت، ۱۳۸۶، ۲۰۲/۴). مسلمانان باید توجه کنند که عدم رعایت احکام اسلام، توهین و تحقیر و بی‌ادبی به دین اسلام است و ضررش به دین اسلام بیش از اشخاص است. بنابراین، ضرر، توهین و تحقیر اشخاص نباید بر ضرر و توهین و تحقیر به اسلام مقدم شود.

این موارد چندان طاقت فرسا و غیرقابل تحمل نیستند که به سبب آنها احکام اسلامی زیر پا گذاشته شوند. بنابراین، چنین مواردی مصداق اضطرار (و حتی حرج) نیستند و نمی‌توان با استناد به این امور، حکم حرمت را برداشت. در مورد اخراج و محرومیت از کار و مدرسه شاید بتوان گفت چنین مواردی مصداق اضطرار است، اما توجه به روایات دال بر حرمت: «التعرب بعد الهجرة» در این زمینه شایسته است. (یزدی، ۱۳۷۶، ۴۰۲/۲) در اصطلاح فقهی «التعرب بعد الهجرة» یعنی، بازگشت به سرزمین کفر و اقامت در آن بعد از مهاجرت از آن به سرزمین اسلام (عاملی، ۱۴۱۳هـ.ق) و مقصود این است که مکلف از سرزمینی که در آن قادر به یادگیری معارف دینی، احکام شرعی، انجام واجبات و ترک محرمات است، مهاجرت کند و به سرزمینی برود که در آن قادر نباشد همه و یا بعضی از واجبات و محرمات را انجام دهد. دور شدن از سرزمین دینی با گذشت زمان، ممکن است موجب ضعف ایمان شود



به صورتی که ترک بعضی از واجبات و ارتکاب بعضی از محرمات کوچک شمرده شود. اگر مکلف ترسید که با اقامت در چنین کشورهایی دینش ناقص شود، جایز نیست که در آنجا بماند. (انصاری، ۱۴۱۵ ه.ق، ۳۱۳/۱۴) براین اساس، مراد از «التعرب بعد الهجرة» وضعی است که انسان مسلمان در آن از انسان آگاه به اسلام و ملتزم به آن به انسانی جاهل به اسلام و منحرف از آن متحول می شود (فضل الله، ۱۴۱۹ ه.ق). بنابراین، اخراج و محرومیت از کار و مدرسه نیز به دلیل تحریم اقامت در این اماکن، مصداق اضطرار نیستند و مسلمان، مضطر نیست در جایی اقامت کند که برای عمل به تکالیف شرعی در تنگنا و سختی باشد. این فتوا در بسیاری از کتب فقهی ذکر شده است: «و یحرم المقام فی بلاد الشریک علی من یضعف عن اظهار شعائر الاسلام مع القدرة علی المهاجرة» (محقق کرکی، ۱۴۱۴ ه.ق، ۳۷۴/۳؛ علامه حلی، ۱۴۱۳ ه.ق، ۴۷۹/۱؛ فخرالمحققین، ۱۳۸۷، ۳۵۲/۱، ۱۳۸۷؛ شهید ثانی، بی تا؛ صاحب جواهر، ۱۴۱۷ ه.ق، ۲۳۵/۶). بنابراین، بر مسلمان واجب است از جایی که قادر به آشکار کردن عقاید و عمل به وظایف شرعی نباشد، مهاجرت کند. به موجب آیه «ان الذین توفاهم الملائکه ظالمی انفسهم قالوا فیم کنتم قالوا کنا مستضعفین فی الارض قالوا الم تکن ارض الله واسعه فتهاجروا فیها فاولئک ماواهم جهنم وساءت مصیرا» (۹۷: نساء) ماندن در جایی که باعث مستضعف شدن است، نکوهش شده و گفته شده است: «چرا وقتی که زمین خدا پهناور است در جایی بمانید که در معرض سختی و مشقت باشید». پس ماندن در جایی که مسلمان نتواند در آن به احکام شرعی پایبند باشد، جایز نیست و مسلمان می تواند آنجا را ترک کند و به جای دیگری برود. می توان گفت براساس این آیه، ترک جایی که سبب عدم پایبندی به احکام اسلام می شود، واجب است؛ زیرا در این آیه به عدم مهاجرت وعده جهنم داده شده و مسلم است که این وعده به دلیل ترک واجب یا ارتکاب حرام است. اگر در موارد خاص و جزئی، مهاجرت از این سرزمین ها برای شخصی ممکن نباشد و شخص در تنگنا، ناچاری و شرایط اضطراری قرار گیرد، مصافحه با نامحرم برای حفظ شغل جایز است، اما باید توجه داشت که اضطرار برای اقامت در چنین سرزمین هایی در صورتی مصافحه با نامحرم را تجویز می کند که مکلف هیچ راه دیگری برای دفع ضرر از خود نداشته باشد؛ یعنی در صورت اخراج از کار، هیچ راه چاره ای برای کسب درآمد و امرار معاش نداشته باشد؛ زیرا از شرایط استناد به اضطرار برای رفع احکام شرعی این است که هیچ

راهی برای خروج از شرایط اضطراری غیر از مخالفت با حکم شرعی نباشد. در این صورت است که حرمت مصافحه به دلیل اضطرار مرتفع می‌شود که در این موارد نیز باید سعی شود تا جایی که مقدور است هنگام مصافحه با نامحرم با حائلی مانند دستکش مصافحه کند. در صورتی که بتواند از راه دیگری امرار معاش کند اگرچه با درآمد کمتر و شأن اجتماعی پایین، دیگر اضطراری برای ماندن در آن شغل و مخالفت با حکم شرعی نیست.

حاصل کلام آنکه در مقدمه اول و بحث حکمی ثابت شد که محرمات با حرج، مرتفع نمی‌شوند، اما اضطرار، محرمات را رفع می‌کند. بنابراین، در مقدمه اول و بحث حکمی ثابت می‌شود که در صورت عارض شدن اضطرار، محرمات رفع می‌شوند. در مقدمه دوم و بحث موضوعی نیز ثابت شد اگر مواردی که مسلمان در صورت عدم مصافحه با آنها مواجه می‌شود مصداق اضطرار باشند، مصافحه با نامحرم جایز است، اما مواردی که مسلمان با آنها مواجه می‌شود به هیچ وجه مصداق اضطرار نیستند و ضرر آنها به حدی نیست که بتوان آنها را حالت‌های اضطراری دانست. بنابراین، مقدمه دوم نمی‌تواند ثابت شود و عدم جواز مصافحه با نامحرم مصداق اضطرار نیست؛ زیرا در اضطرار، حاجت و نیاز باید آن قدر شدید باشد که انسان را به ترک عمل یا انجام کاری وادار کند. مانند ناچار شدن انسان گرسنه به خوردن گوشت مردار به دلیل آنکه از شدت گرسنگی جانش در معرض خطر است. بنابراین، حد ضرورت برای به وجود آمدن اضطرار، حاجت و نیاز شدیدی است که عدم توجه به آن، ضرر غیر قابل تحملی بر انسان وارد می‌کند. بر این اساس، اگر ضرورت کمتر از این حد باشد اضطرار شمرده نمی‌شود و مجوزی برای ارتکاب حرام یا ترک واجب نیست. (طاهرنیا، ۱۳۸۸) بنابراین، مقدمه دوم که عدم مصافحه مصداق حرج یا اضطرار است، نمی‌تواند ثابت شود و باطل است. چون ضرر در موارد ذکر شده به اندازه‌ای نیست که باعث اضطرار شود، اما اگر فرض شود که شرایط اضطرار به وجود می‌آید، مصافحه به مقدار ضرورت و اضطرار تجویز می‌شود، البته هر ضرورت و اضطراری جواز مصافحه نیست و فقط مربوط به موارد خاص و به سبب اضطرارهای شخصی و به اندازه‌ای که رفع اضطرار شود، جایز است. اگر در برخی از موارد بتوان از وقوع مصافحه با نامحرم اجتناب کرد یا کاری انجام داد که ترک مصافحه ضرر قابل توجهی نداشته باشد - مثل اینکه مصافحه با کل حاضرین در مجلس



ترک شود یا از روی حائل انجام شود- مصافحه با نامحرم بدون حائل، جایز نیست؛ زیرا مصافحه با نامحرم جایز نیست مگر در حالت اضطرار. بنابراین، مؤمن باید در این امر دقیق باشد و خودش حکم کند که آیا حالت ایجاد شده، مصداق اضطرار است یا خیر؛ زیرا انسان نسبت به نیک و بد نفس خودش آگاه است، هرچند بخواهد برای خودش دلیل بیاورد و پرده‌های عذر را بر چشم بصیرت خویش بیفکند (فضل الله، ۱۴۱۹ه.ق).

اگر قرار باشد که تلقی غیرمسلمانان از یک رفتار دینی موجب تغییر احکام شرعی شود، چنین چیزی هیچ حد و مرزی نمی‌شناسد. در برخی کشورها در مورد منع رقص همسر با مردان نامحرم، ترک سفره‌ای که شراب در آن وجود دارد، رعایت پوشش اسلامی، قرائت قرآن و... تلقی‌های نادرستی وجود دارد. بدیهی است که صرف وجود چنین تلقی‌هایی مجوز ارتکاب حرام را فراهم نمی‌کند. در صورت پذیرش این نکته که به دلیل تلقی نادرست از عدم مصافحه، انجام این عمل حلال است، باید پذیرفت که تقید به احکام شرعی منوط به آن است که تلقی نادرستی از آن وجود نداشته باشد که این باور در زمانی کوتاه بسیاری از شعائر دینی را به فراموشی خواهد سپرد و نمی‌تواند مورد پذیرش هیچ مسلمان مقیدی باشد (حکیم طباطبایی، ۱۴۲۷ه.ق).

۳. بحث و نتیجه‌گیری

مصافحه، رفتاری متداول و بیانگر ابراز محبت، ارادت و دوستی است. این رفتار در عرف، ملازم با برخی امور مانند لزوم نزدیک شدن طرفین، برقراری ارتباط چشمی و لمس دست طرف مقابل است. اگرچه برخی فقها به موجب روایات، مصافحه با پوشش و بدون قصد لذت را جایز دانسته‌اند، اما به نظر می‌رسد چنین کاری به دلیل لوازمی که در خود دارد با روح ضوابط حاکم بر روابط زن و مرد سازگار نیست. همچنین به دلیل دوطرفه بودن این عمل، احراز مسائلی مانند عدم قصد لذت و... در بسیاری از موارد امکان عرفی ندارد و اصل حرمت به قوت خود باقی می‌ماند. بنابراین، باید روایت دال بر جواز را حمل بر مواردی کرد که در آنها امکان ریبه و مفسده ممکن نیست. در مورد صدق عناوین ثانویه بر ترک عمل مصافحه، می‌توان گفت که برداشته شدن حرمت موضوعات حرام به صرف صدق عنوان حرج ممکن نیست و در طول زمان به صدور فتاوی متضاد با مذاق شریعت خواهد انجامید

و نابودی احکام شریعت را به دنبال دارد. همچنین عنوان اضطرار برای رفع محرمات، نیازمند شرایطی است و اضطرارهای خودساخته یا خودخواسته را دربر نمی‌گیرد. همچنین به نظر می‌رسد در بسیاری از موارد می‌توان با تقید به احکام شرعی و به کمک تبیین احکام برای افراد ناآشنا از ایجاد شرایط بروز سوء تفاهم و حرج‌های ناشی از آن پیشگیری کرد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۲). مترجم: الهی قشمه‌ای، مهدی. قم: نگارش.
۱. ابن براج، عبدالعزیز (۱۴۰۶ه.ق). المذهب. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
 ۲. انصاری، محمد علی (۱۴۱۵ه.ق). الموسوعه الفقهيہ الميسره. قم: مجمع الفکر.
 ۳. انصاری، مرتضی بن محمد امین (۱۴۱۰ه.ق). المکاسب. قم: دارالکتاب.
 ۴. ایروانی، باقر (۱۴۲۶ه.ق). دروس تمهیدیه فی القواعد الفقهيہ. قم: دارالفقه للطباعه و النشر.
 ۵. آشتیانی، محمد حسن بن جعفر (۱۳۸۳). الرسائل التسع. قم: مؤسسه علامه الاشتیانی.
 ۶. بهجت، محمدتقی (۱۳۸۶). استفتاءات. قم: دفتر معظم له.
 ۷. بهجت، محمدتقی (۱۴۲۶ه.ق). جامع المسائل. قم: دفتر آیت الله بهجت.
 ۸. تبریزی، جواد (۱۳۸۵). استفتاءات. قم: سرور.
 ۹. تبریزی، جواد (۱۴۲۷ه.ق). صراط النجاه. قم: دارالصدیقه الشهیده (س).
 ۱۰. جعفریان، رسول (۱۳۸۰). رسائل حجابیه. قم: دلیل ما.
 ۱۱. حاجیان فروشانی، زهره، و حمیدی، محمدرضا (۱۳۹۹). نسبت سنجی قاعده نفی حرج و ادله محرمات. نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، ۲، ۲۶۱-۲۸۰.
 ۱۲. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹ه.ق). وسائل الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
 ۱۳. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ه.ق). تفصیل وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام لاحیاء التراث.
 ۱۴. حسینی شیرازی، سید صادق (۱۴۲۸ه.ق). الفمساله فی بلاد الغرب. لبنان: دارالعلوم-مؤسسه الامامه.
 ۱۵. حکیم، سید محمد سعید طباطبایی (۱۴۲۲ه.ق). مرشدالمقرب، توجیهاً و فتاوی. عراق: دفتر حضرت آیت الله.
 ۱۶. حکیم، سید محمد سعید طباطبایی (۱۴۲۷ه.ق). فقه المرأة المسلمة. قم: دارالهدی.
 ۱۷. حکیم، محمدتقی بن محمد سعید (۱۴۲۹ه.ق). القواعد العامه فی الفقه المقارن. تهران: المجمع العالمي للتقريب بين المذاهب الاسلامی.
 ۱۸. حیدری، علی نقی (۱۴۱۲ه.ق). اصول الاستنباط. قم: لجنه داره الحوزه العلمیه.
 ۱۹. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۶ه.ق). صراط النجاه. قم: مکتب نشر المنتخب.
 ۲۰. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۱۸ه.ق). موسوعه الامام الخویی. قم: مؤسسه احیاء آثار الامام الخویی.
 ۲۱. دهقان نژاد، رضا (۱۳۹۵). حریم شناسی زن و مرد از منظر قرآن کریم. مجموعه مقالات ششمین همایش قرآن کریم سفینه النجاه عصر با موضوع فرهنگ و عفاف و حجاب. تهران.
 ۲۲. روحانی، محمد صادق (۱۳۸۳). استفتاءات. بی جا: حدیث دل.
 ۲۳. زبیدی، محب الدین (۱۴۱۴ه.ق). تاج العروس. محقق: شیری، علی. بی جا: دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع.
 ۲۴. سبحانی تبریزی، جعفر (۱۴۱۵ه.ق). الرسائل الاربع. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
 ۲۵. سیستانی، سید علی (۱۴۰۱ه.ق). مشاهده شده در وب سایت <https://www.sistani.org>.
 ۲۶. سیوری حلی، مقداد بن عبدالله (۱۴۲۵ه.ق). کنز العرفان فی فقه القرآن. قم: انتشارات مرتضوی.
 ۲۷. شاکری، شکرالله (۱۳۹۸). حکم دست دادن با زنان. نشریه علمی-پژوهشی فقه خانواده، ۱(۴)، ۷۹-۱۱۲.
 ۲۸. شبیری زنجانی، سید موسی (۱۴۱۹ه.ق). کتاب نکاح. قم: مؤسسه پژوهشی رأی پرداز.
 ۲۹. شریف کاشانی، ملا حبیب الله (۱۴۰۴ه.ق). تسهیل المسالك الی المداکر. قم: المطبعه العالمیه.
 ۳۰. شهید ثانی، زین الدین بن علی (بی تا). فوائد القواعد. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.



۳۱. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۴۱۳ ه.ق). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه.
۳۲. شیخ صدوق، محمد بن علی (۱۳۸۲). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. قم: نسیم کوثر.
۳۳. صاحب جواهر، محمد بن حسن بن باقر (۱۴۱۷ ه.ق). معجم فقه الجواهر. لبنان: دارالغدير للطباعة والنشر والتوزيع.
۳۴. صافی، لطف الله (۱۳۸۵). جامع الاحکام. قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت الله العظمی صافی گلپایگانی.
۳۵. صدر، سید محمد (۱۴۲۰ ه.ق). ماوراء الفقه. لبنان: دارالأضواء للطباعة والنشر والتوزيع.
۳۶. صدر، محمد باقر (۱۴۱۷ ه.ق). بحوث فی فی علم الاصول. بیروت: دارالرشد.
۳۷. طاهرینا، احمد (۱۳۸۸). دست دادن با نامحرم از نگاه آیات و روایات. نشریه فقه، ۵۹ (۱۶)، ۲۱۴ - ۲۴۳.
۳۸. طباطبایی حکیم، محمد سعید (۱۴۳۳ ه.ق). الفتاوی. قم: دارالهلل.
۳۹. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ ه.ق). المیزان فی تفسیر القرآن. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
۴۰. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۴ ه.ق). الامالی. قم: دارالتقافه.
۴۱. عاملی، یاسین عیسی (۱۴۱۳ ه.ق). الاصطلاحات الفقهیه فی الرسائل العلمیه. بیروت: دارالبلاغه.
۴۲. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ه.ق). قواعد الاحکام. قم: جماعه المدرسین فی الحوزه العلمیه.
۴۳. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۲۰ ه.ق). تحریر الاحکام الشرعیه علی مذهب امامیه. قم: مؤسسه امام صادق علیه السلام.
۴۴. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۳۸۸). تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۴۵. علامه حلی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳ ه.ق). مختلف الشیعه. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۴۶. علامه مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی (۱۴۰۳ ه.ق). بحار الانوار، بی جا: مؤسسه الوفا.
۴۷. علوی گرگانی، محمد علی (۱۳۸۴). اجوبه المسائل. قم: دفتر حضرت آیت الله علوی گرگانی.
۴۸. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۰۸ ه.ق). تفصیل الشریعه (الصلاه). قم: مؤلف.
۴۹. فاضل لنکرانی، محمد (۱۴۲۵ ه.ق). ثلاث رسائل. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیه السلام.
۵۰. فاضل هندی، محمد بن حسن (۱۴۱۶ ه.ق). کشف اللثام و الإیهام عن قواعد الأحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۵۱. فخرالمحققین، محمد بن حسن (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد فی شرح اشکالات القواعد. قم: اسماعیلیان.
۵۲. فضل الله، محمد حسین (۱۴۱۹ ه.ق). فقه الحیاه. بیروت: مؤسسه العارف للمطبوعات.
۵۳. قاسمی، محمد علی (۱۳۹۵). فقه درمان. قم: مرکز فقهی ائمه اطهار علیه السلام.
۵۴. قرآنی، محسن (۱۳۸۳). تفسیر نور، تهران: مرکز فرهنگی درس های از قرآن.
۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۳). الکافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۵۶. محقق کرکی، علی بن حسین (۱۴۱۴ ه.ق). جامع المقاصد. قم: مؤسسه آل البيت علیه السلام.
۵۷. مشکلی قنددشتی، محمد، و شاکری، بلال (۱۳۹۸). بررسی جواز و عدم جواز لمس و دست دادن با زن مسلمان و غیر مسلمان از منظر فقه امامیه. نشریه جستارهای فقهی و اصولی، ۱۶ (۵)، ۱۴۱ - ۱۵۹.
۵۸. مشکینی اردبیلی، علی (۱۳۷۴). اصطلاحات الاصول و معظم ابحاثها. قم: الهادی.
۵۹. مطهری، مرتضی (بی تا). فقه و حقوق (مجموعه آثار). قم: بی نا.
۶۰. مظاهری، حسین (۱۳۸۹). توضیح المسائل. قم: مؤسسه فرهنگی مطالعاتی الزهراء علیه السلام.
۶۱. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ ه.ق). احکام النساء. قم: المؤتمر العالمی لالفیه الشیخ المفید.
۶۲. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۸). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۶۳. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۱۱ ه.ق). القواعد الفقهیه. قم: مدرسه امام امیرالمؤمنین علیه السلام.
۶۴. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۶ ه.ق). احکام النساء. قم: مدرسه امام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۶۵. مکارم شیرازی، ناصر (۱۴۲۷ ه.ق). استفانائات. قم: مدرسه الامام علی بن ابی طالب علیه السلام.
۶۶. منتظری، حسینعلی (۱۳۸۴). استفانائات. تهران: نشر سایه.
۶۷. موسوی یجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹ ه.ق). القواعد الفقهیه. قم: نشر الهادی.
۶۸. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۹۲). استفانائات. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام علیه السلام.
۶۹. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۴۲۱ ه.ق). کتاب الطهاره. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۷۰. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۷ ه.ق). عوائد الأيام فی بیان قواعد الأحکام. قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه.
۷۱. یزدی، محمد کاظم (۱۳۷۶). سؤال و جواب. تهران: مرکز نشر علوم اسلامی.
۷۲. یزدی، محمد کاظم (۱۳۸۸). العروه الوثقی و التعليقات علیها. قم: مؤسسه السبطين علیه السلام.
۷۳. یزدی، محمد کاظم (۱۴۲۱ ه.ق). العروه الوثقی. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.



بازنمایی تنوع گفتمانی الگوهای خانواده ایرانی با تأکید بر نگرش به کار خانگی در تجربه زیسته دختران مجرد

داوود صفا^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بازنمایی و تفسیر گفتمانی الگوهای خانواده ایرانی از نظر نوع نگرش نسبت به کار خانگی در تجربه زیسته دختران مجرد، به روش کیفی از نوع تحلیل گفتمان مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی انجام شد. بدین منظور با بهره‌گیری از چارچوب نظری جامعه‌شناسی تفسیر و نظریه سازه اجتماعی دیوید چپل، پنج الگوی خانواد ایرانی یعنی، خانواده پست مدرن، خانواده تجددگرا، خانواده درحال گذار، خانواده سنتی و خانواده مذهبی بازنمایی شد. برای بررسی و مقایسه الگوهای خانواده از عناصر تحلیلی مفصل‌بندی، دال مرکزی، دال‌های شناور، اسم‌سازی، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی استفاده شد. جامعه آماری پژوهش شامل دختران مجرد ۱۸ تا ۲۸ ساله شهر قم بود که تعداد ۵۰ نفر از ایشان به روش هدفمند و تارسیدن به اشباع نظری در مصاحبه عمیق نیمه‌ساختاریافته برای ورود به پژوهش انتخاب شدند. نتایج پژوهش نشان داد که الگوی خانواده مذهبی به دلیل ویژگی‌های مثبت بالقوه‌ای که دارد در مقایسه با دیگر الگوها مناسب‌تر بوده و کارآمدی بیشتری دارد. این ویژگی‌ها عبارتند از: عدالت محوری، اصالت جمع در عین اصالت فرد، معرفی الگوهای دینی، پویایی و امکان تطبیق با شرایط، مورد حمایت و هم‌نوا با ساختارهای اجتماعی بودن، توجه به خواسته‌های فردی با در نظر گرفتن سعادت دنیوی و اخروی، خانواده‌گرایی، تأکید بر مشورت و اخلاق محوری. با این حال، آسیب‌شناسی شیوه‌های فعلیت بخشیدن به این الگو ضروری است.

واژگان کلیدی: تحلیل گفتمان خانواده ایرانی، الگوهای خانواده، کار خانگی، خانواده پست مدرن، خانواده تجددگرا، خانواده درحال گذار، خانواده سنتی، خانواده مذهبی.

Representing the Discourse Diversity of Patterns of Iranian Family with an Emphasis on the Attitude towards Domestic Work in Single Girls' Lived Experience

Davoud Safa¹

This research was conducted with the aim of the representation and discourse interpretation of the patterns of Iranian family regarding the attitude towards domestic work in single girls' lived experience using a qualitative method of discourse analysis based on the interpretivism paradigm; thus, five patterns of Iranian family, including postmodern family, modern family, family in transition, traditional family, and religious family, were represented with the help of theoretical framework of interpretive sociology and David Cheal's social constructionism theory. The analytical elements of articulation, master signifier, floating signifiers, nominalization, exclusion, and foregrounding were applied for analyzing and compering the patterns of family. The population of the research included single girls aged 18 to 28 in the city of Qom. 50 of them were selected by the judgmental sampling and they participated in semi-structured in-depth interviews until the theoretical saturation was reached. According to the results, the pattern of religious family is the most appropriate and efficient family in comparison with other patterns because of its potential positive attributes. These attributes are as follows: being justice-oriented, collectivism at the same time as individualism, the introduction of religious patterns, dynamics and the possibility of adapting to the conditions, being supported and compatible with the social structures, paying attention to the individual wishes regarding worldly and hereafter happiness, being family-oriented, and emphasis on consultation and ethics. However, it is necessary to diagnose the practices of actualizing this pattern.

Keywords: discourse analysis of Iranian family, patterns of family, domestic work, postmodern family, modern family, family in transition, traditional family, religious family.

Paper Type: Research

Data Received: 2022/12/01

Data Revised: 2022/12/26

Data Accepted: 2023/01/30

1. Assistant Professor of Sociology, Al-Mustafa International University, Qom, Iran.

Email: davood_safa@yahoo.com

۱. مقدمه

در اهمیت نهاد خانواده و نقش بنیادین آن در اجتماع، همین بس که رسول اکرم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ از آن باعنوان محبوب‌ترین بنا در نزد خداوند یاد کرده است (ر.ک.، مجلسی، ۱۹۸۳، ۱۰۰/۲۲۲). با توجه به کارکردهای تشکیل خانواده که مهم‌ترین آن رسیدن به آرامش است، حفاظت از کارآمدی آن امری میرهن و ضروری است. از جمله عوامل شکل‌گیری زندگی مشترک پایدار، داشتن ظرفیت‌های مناسب مالی و شغلی است (ر.ک.، حاتمی و رزقه، ۱۳۹۴) و همچنین یکی از عوامل اجتماعی - فرهنگی ازدواج موفق، اقتصاد خانواده است (ر.ک.، کریمی‌ثانی و احیایی، اسماعیلی و فلسفی‌نژاد، ۱۳۹۱). اقتصاد خانواده به طور مستقیم و غیرمستقیم بر موفقیت فردی و اجتماعی، سلامت روحی و جسمی و بهزیستی فرد تأثیرگذار است و پژوهش‌هایی که بر روی بهزیستی روان‌شناختی انجام شده است تأثیر وضعیت اقتصادی - اجتماعی بر بهزیستی را اثبات نموده و برخی دیگر بهزیستی را عاملی متأثر از تجارب زندگی (ازدواج، بچه‌دار شدن و طلاق و...) و یا تحولات زندگی و نیز چالش‌های خاصی که وضعیت اقتصادی می‌تواند یکی از این چالش‌ها باشد، مورد مطالعه قرار دادند (ر.ک.، کارآمد، ۱۳۸۶). سازمان بین‌المللی بهداشت جهانی در شرح بهزیستی به سطح زندگی و دستیابی به اسباب و لوازم آسایش زندگی اشاره دارد و براین اساس دستیابی به سطح اقتصادی و اجتماعی بالاتر را ملاک سلامتی می‌داند (حسین‌زاده، ۱۳۹۶). براین اساس، می‌توان گفت که یکی از مقوله‌های ثبات زندگی زناشویی و پایداری خانواده، مقوله برخورداری‌های اقتصادی و شغلی است که زیرمجموعه مقوله اصلی ویژگی‌های مربوط به فرد قرار دارد (هراتیان، ۱۳۹۹).

مطالعه جامعه‌شناسی خانواده از تغییرات گسترده‌ای در این نهاد طی نیم‌قرن اخیر در سراسر جهان حکایت دارد. از جمله این تغییرات، ظهور نگرش‌ها و الگوهای مختلف درباره مشاغل خانگی است. صادقی‌فسایی و عرفان‌منش (۱۳۹۱) در پژوهشی دو الگوی خانواده مدرن مدنی و ایرانی - اسلامی را که حاصل دو طیف غالب از نظریه‌پردازی‌های مطالعات اجتماعی خانواده در ایران است، بازنمایی کرده‌اند. طبق یافته‌های ایشان، برخلاف وجود پاره‌ای از ویژگی‌های مثبت که در الگوی مدرن مدنی شناسایی می‌شود، الگوی خانواده ایرانی - اسلامی مزایای بالقوه بیشتری دارد. نتایج پژوهش علی‌احمدی (۱۳۸۹) درباره



تحولات موجود در عرصه خانواده نیز نشان می‌دهد که در دوره معاصر، افزایش جایگاه و قدرت زنان در مناسبات خانوادگی، کاهش گفتمان خانواده‌گرایی، افزایش آسیب‌ها و اختلالات خانوادگی، کاهش کارکردهای خانواده و... به عنوان روندهای روبه‌گسترش در زندگی خانوادگی ایجاد شده است.

جمشیدی‌ها (۱۳۹۲) معتقدند که تأثیر مدرنیته به‌ویژه بعد فرهنگی آن بر تحولات خانواده در غرب که به شکل‌گیری و تکوین خانواده مدرن و پست‌مدرن منجر شده است، موضوع تبعات نظری و پژوهش‌های تجربی فراوانی بوده است. ایشان این موضوع را در جامعه ایران از منظر کنشگران اجتماعی به‌ویژه از دیدگاه جنسیتی بررسی و مهم‌ترین عوامل مؤثر بر این تحولات را شناسایی نموده‌اند. طبق یافته‌های ایشان، تفاوت‌های قابل توجهی از نظر جنسیتی بین زنان و مردان در تعریف ویژگی‌های خانواده سنتی و مدرن، روایت آنان از دگرگونی ساختار و روابط خانوادگی در جریان تحول خانواده، نحوه مواجهه و میزان پذیرش این تغییرات و شکل‌گیری گفتمان‌های مختلف وجود دارد. سمیعی (۱۳۹۳) معتقد است که در طیف سنت و مدرنیته پدیده‌ای به نام مدرنیته متأخر وجود دارد که در خانواده بحران ایجاد کرده است. از نظر وی خانواده در غرب به سه دلیل اصلی یعنی، نظام سرمایه‌داری نولیبرال، نگرش فمینیستی رادیکال و فردگرایی افراطی، دچار بحران شده و رو به فروپاشی است. وی معتقد است که خانواده در ایران نیز رو به بحران است. از نظر وی جامعه ایران در فرازوفرودهایی که در تاریخ غرب وجود داشته است، قرارنگرفته و به علت تقلید و الگوگرفتن از غرب بدون اینکه آن فرایند تاریخی را طی کرده باشد، در بحران قرار گرفته است. همچنین وی معتقد است که جامعه ایران از دلایه مختلف تشکیل شده است؛ لایه پیدا و پنهان که گاه با هم تعامل و گاهی نیز تضاد دارند. وی در کتاب خود نشان داده است که در این تعامل‌ها و تضادها، چگونه خانواده قربانی شده است. حکیم^۱ (۲۰۱۸) در کتاب خود انواع مدل‌های خانواده در انگلستان و اسپانیا را بررسی کرده است. مفهوم الگو در این کتاب بیشتر براساس تقسیم کار خانگی زنان تفکیک شده است. در یک دسته‌بندی، زنان با مرکزیت خانه‌داری، زنان با مرکزیت کار بیرون و زنان تطابق‌پذیر

1. Hakim, C.

با محیط بیرون و درون خانواده از یکدیگر متمایز شده‌اند. به موازات این تقسیم‌بندی، سه مدل خانواده یعنی، خانواده برابری خواه، خانواده مبتنی بر نقش‌های توافقی و خانواده مبتنی بر نقش‌های متمایز و تفکیک شده، ارائه شده است. در نهایت وی بیان کرده است که زنان بیشتر به مدل برابری خواه و مردان به مدل سنتی تمایل دارند.

از آنجا که فروپاشی خانواده بخش کوچکی از فرایند وسیع‌تر فروپاشی فرهنگی-اجتماعی است (استیل و کید، ۱۳۸۸) موضوع خانواده باید به مثابه دغدغه‌ای دائمی و مبتنی بر وحدتی طبیعی و برخاسته از تعاملات اعضای آن مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد نه اینکه بر تلاش‌هایی برای تحمیل تکالیف خانوادگی براساس قانون متکی باشد (برگس، ۱۹۲۶، به نقل از برناردز، ۱۳۸۴). براین اساس، توجه به خانواده به شکل مسئله‌ای گفتمان‌محور از دغدغه‌های اندیشمندان حوزه خانواده است. امروزه ظهور گفتمان‌های مختلف در حوزه خانواده و تغییر این نهاد موضوعی واقعی است. از این رو، نابهنجار انگاشتن یک قالب خاص از الگوی خانواده به دلیل متفاوت بودن آن از الگوهای پیشین، شانه خالی کردن از زیر بار وظایفی است که در دنیای امروز بر عهده افراد گذاشته شده است (آدامز، ۱۹۷۱، به نقل از برناردز، ۱۳۸۴). بنابراین، وجود گفتمان‌های مختلف ولو پنهان و معارض با قدرت و عرف اجتماعی در جامعه را نمی‌توان نادیده گرفت و در برنامه‌ریزی‌ها برای آن تمهیدی نیاندیشید. جامعه‌شناسی با تحولاتی در حوزه خانواده روبه‌روست که سبب تغییراتی در نوع نگرش نسبت به نقش افراد در این نهاد شده است که این مسئله را می‌توان نوع جدیدی از گسست نسلی نامید که در آن، اختلافات عمودی میان نسلی مطرح نیست بلکه این مناسبات در سطح افقی براساس دو رویکرد سنتی و مدرن قابل بررسی است (مددپور، ۱۳۸۲). براین اساس، برای بررسی تغییر گفتمان‌ها در خانواده لازم است ابتدا توصیفی از تغییر خانواده ارائه داد و بر مبنای آن پرسش‌های اساسی در زمینه بروز و ظهور گفتمان‌های مدرن و نقش آن در جامعه را بررسی نمود.

پژوهش حاضر ضمن معناشناسی و مقایسه الگوهای موجود در حوزه نقش‌های جنسیتی و ریشه‌یابی مسائل مرتبط با گفتمان‌های موجود، باهدف کشف فرآیند ساخت معنای نقش‌های جنسیتی در کار خانگی، انجام شد. براین اساس، بازنمایی و تفسیر

گفتمانی الگوهای خانواده درباره نقش‌های جنسیتی با تأکید بر کار خانگی در جامعه امروز ایران بررسی شد و تنوع گفتمان‌های موجود در این مورد، تبیین گردید. همچنین عناصر و شاخص‌های متمایز هر گفتمان و نحوه بروز و نمایان شدن انواع مختلف این گفتمان‌ها در مسائل مربوط به نقش‌های جنسیتی توصیف و تفسیر شد. بر این اساس، این پرسش که واقعیت اجتماعی نقش‌های جنسیتی و مسائل مرتبط با آن در تجربه زیسته دختران مجرد چگونه است و با چه دلایلی در قالب گفتمان‌های مختلف بیان، برساخته و معنا می‌شود، پاسخ داده شد.

۲. چارچوب نظری پژوهش

جامعه‌شناسی تفسیری به مطالعه معانی‌ای می‌پردازد که از سوی افرادی که در ساختار در حال تکوین زندگی روزمره کنش دارند، بدان داده می‌شود. افراد با دستکاری علائم و نمادها در فرهنگ خود در جستجوی تعریف آنچه در اطرافشان می‌گذرد، هستند. این جستجو، اغلب با استفاده از زبان که در ماهیت خود نمادین است، انجام می‌شود و افراد از طریق کنترل کنش‌های خود واجد چیزی هستند که بدان عاملیت می‌گویند. انسان‌ها محصول فرهنگ‌اند، اما خودشان نیز در شکل‌گیری فرهنگ نقش فعالی دارند. تعریفی که از موقعیت‌های اجتماعی از جمله خانواده می‌شود، محصول معانی مشترک افرادی است که در کنش متقابل رویاروی یکدیگر قرار می‌گیرند. به این دلیل که معانی میان کنشگران اجتماعی انتقال می‌یابد تعامل درون خانواده محصول نیروهای فرهنگی، معانی فردی و جمعی، انگیزش و گفتگوهاست. (استیل و کید، ۱۳۸۸)

گفتمان قالب‌های مشترک گفتار یا زبان، به دلیل ماهیتشان مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌ها را بیش از دیگر ایدئولوژی‌ها حفظ و حمایت می‌کند. (برنارد، ۱۳۸۴) گفتمان، شیوه‌ای خاص برای سخن گفتن درباره جهان و فهم آن است (یورگنس و لوئیز، ۱۳۸۹). نقطه شروع رویکردهای تحلیل گفتمان همان ادعای فلسفه زبانی ساختارگرا و پساساختارگراست؛ یعنی دسترسی به واقعیت همواره از طریق زبان است. با کمک زبان بازنمایی‌هایی از واقعیت خلق می‌شود که بازتابی از یک واقعیت از پیش موجود نیست. در حقیقت زبان در برساختن واقعیت

نقش دارد، پس نسبت دادن معنا به پدیده‌ها در چارچوب گفتمان‌ها موجب برساختن و تغییر جهان می‌شود (یورگنس و فیلیپس، ۱۳۸۹). گفتمان ساخته شده از زبان است، اما تأثیر فرازبانی دارد. زبان در همه سطوح اجتماعی در پی ایجاد نظم و تغییر است (فان دایک، ۱۳۸۲). بنابراین، گفتمان هم ساخته شده و هم سازنده است (یورگنس و فیلیپس، ۱۳۸۹).

خانواده سازه اجتماعی است که خصلتی غیرخنثی، سیال و غیر ایستا دارد. به طوری که افراد در فرایند زندگی روزمره و گفتگوهایشان درباره خانواده معنای آن را شکل می‌دهند. از نظر دیوید چیل، خانواده چیزی است که مردم در تعاملات روزمره و مستمر اجتماعی خود آن را مدام تعریف می‌کنند (چیل، ۱۳۸۸). بنابراین، شناخت خانواده با عنوان سازه اجتماعی، نیازمند توجه به شیوه‌هایی است که براساس آنها مردم درباره خانواده سخن گفته و روابط اجتماعی خود را سازماندهی می‌کنند. مردم خانواده را یک واحد اجتماعی می‌دانند و از طریق معنایی که برای خانواده قائل می‌شوند بر تعاریف موجود درباره خانواده تأثیر می‌گذارند (چیل، ۱۳۸۸). براساس دیدگاه چیل نمی‌توان از خانواده صحبت کرد بلکه می‌بایست از خانواده‌ها سخن گفت. این پدیده مربوط به ماهیت سیال، پویا و متغیر خانواده است. نگاه چیل به نهاد خانواده توأم با پذیرش تنوع، تکثر و به‌ویژه گوناگونی فرهنگی است. وی در مقایسه خانواده در کشورهای اسلامی با دنیای غرب به دیدگاه متفاوت بین آنها تأکید دارد و معتقد است که ارزش‌های خاص جوامع اسلامی برساختار خانواده برای این کشورها تأثیرات عمیقی دارد (لبیسی، ۱۳۹۳).

در پژوهش حاضر برای دستیابی به نحوه ساخت یابی، معناشدن، فهم ساختار، کارکردها و روابط درونی خانواده در تجربه زیسته دختران جوان از نظریه سازه اجتماعی دیوید چیل استفاده شد.

۳. شیوه اجرای پژوهش

۳-۱. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش کیفی از نوع تحلیل گفتمان مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی انجام شد. بدین منظور با بهره‌گیری از چارچوب نظری جامعه‌شناسی تفسیر و نظریه سازه اجتماعی



دیوید چیل، پنج الگوی خانواد ایرانی یعنی، خانواده پست مدرن، خانواده تجددگرا، خانواده درحال گذار، خانواده سنتی و خانواده مذهبی بازنمایی شد. برای بررسی و مقایسه الگوهای خانواده از عناصر تحلیلی مفصل بندی، دال مرکزی، دال های شناور، اسم سازی، برجسته سازی و حاشیه رانی استفاده شد. اطلاعات پژوهش با استفاده از مصاحبه اکتشافی تا رسیدن به اشباع نظری در داده ها جمع آوری و داده ها باروش تحلیل گفتمان، تفسیر و تحلیل شد. برای بررسی و مقایسه الگوهای خانواده از عناصر تحلیلی مفصل بندی، دال مرکزی، دال های شناور، اسم سازی، برجسته سازی و حاشیه رانی استفاده شد

جدول ۱

مراحل تحلیل گفتمان توصیفی، تفسیری و تبیینی

مرحله ۱: استخراج الگوهای خانواده در ایران از متن مصاحبه ها		
خلاصه سازی	کدگذاری کیفی	مرحله ۲: تحلیل توصیفی گفتمان
استخراج مفاهیم اساسی و کلیدی		
مقوله بندی		
پیش زمینه گفتمانی	تفسیر اولیه	مرحله ۳: تحلیل تفسیری گفتمان
مفصل بندی	تفسیر ثانویه	
دال مرکزی (گره گاه)		
دال های شناور (عناصر)		
اسم سازی		
معرفی نهادها و ساختار تأثیرگذار برگفتمان		مرحله ۴: تحلیل تبیینی گفتمان

از نظر نورمن فرکلاف برای داشتن تحلیلی جامع از گفتمان باید سطوح تحلیلی-توصیفی، تفسیری-تبیینی را برگفتمان اعمال کرد. در مرحله توصیف، مفاهیم مورد توجه است. یک مفهوم، تصویری است که در قالب کلمات و یا به صورت یک نماد بیان می شود. مفاهیم نقش برقراری پیوند با جهان اجتماعی را دارند. در سنت هستی شناسی، مفاهیمی وجود دارد که خصایص اساسی جهان اجتماعی را تعریف می کنند. در سطح تفسیری، معناکاوای مورد توجه قرار می گیرد و هدف، فهم معانی و کشف جوهر نهفته در گفتمان است. در نهایت، سطح تبیینی نیازمند نوعی تحلیل فرامتن است. تبیین، معطوف به بررسی تأثیر متقابل ساختارهای اجتماعی و گفتمان است. (فرکلاف، ۱۳۸۷) در پژوهش حاضر،

تحلیل الگوهای خانواده بر مبنای تحلیل گفتمان جیمز پال‌گی و نورمن فرکلاف و همچنین ادبیات گفتمانی ارنستو لاکلاو و شنتال موف انجام شد (جدول ۱). واحد تحلیل در این نوع مطالعات فراتر از کلمه است. بنابراین، در پژوهش حاضر واحد تحلیل «عبارت‌های» مصاحبه‌ها بود.

۲-۳. جامعه و نمونه آماری

جامعه آماری پژوهش حاضر شامل دختران مجرد ۱۸ تا ۲۸ ساله شهر قم بود که تعداد ۵۰ نفر از ایشان به روش هدفمند و تارسیدن به اشباع نظری در مصاحبه عمیق نیمه ساختاریافته برای ورود به پژوهش انتخاب شدند. انتخاب افراد برای انجام مصاحبه‌ها، به صورت هدفمند، با حداکثر تنوع از نظر نوع نگرش نسبت به خانواده و کار خانگی بود. کلیه افراد نمونه مجرد، در معرض ازدواج و فاقد مشکل مشخص و خاص فیزیکی یا روانی برای پاسخ به سؤالات مصاحبه بودند.

۴. یافته‌های پژوهش

۱-۴. تحلیل توصیفی

در این مرحله تحلیل توصیفی گفتمان الگوهای پنج‌گانه خانواده و فرآیند کدگذاری کیفی انجام شد. بدین منظور نخست، مصاحبه‌ها خلاصه شد. سپس مفاهیم متعلق به هر کدام از الگوها استخراج و طبقه‌بندی گردید و در مرحله سوم، مفاهیم مقوله‌بندی شد. مقوله‌بندی الگوها به دوشکل انجام شد: برمبنای ویژگی اختصاصی هر الگو و برمبنای ویژگی عمومی اصالت فرد و جمع. باتوجه به نگرش نسبت به کار خانگی، پنج الگوی خانواده یعنی، «پست مدرن»، «تجددگرا»، «درحال گذار»، «سنتی» و «مذهبی» بازنمایی شد که در این بخش این الگوها از طریق بازنمایی واژه‌های به‌کار رفته در معنادهی به کار خانگی توصیف شد.

جدول ۲

مفاهیم اصلی استخراج شده از تحلیل توصیفی گفتمان الگوهای پنج‌گانه خانواده در معنادهی به کار خانگی

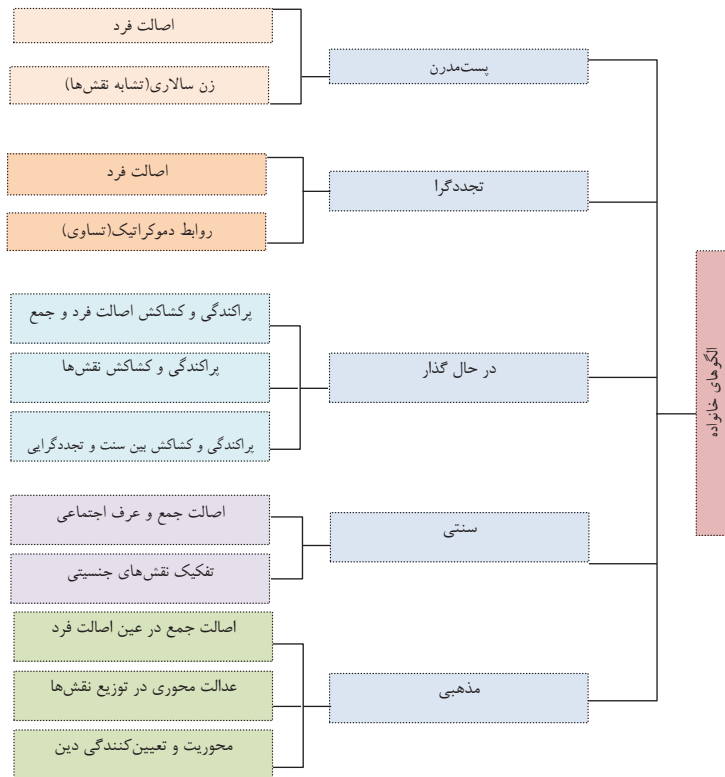
مؤلفه الگو	مفاهیم اصلی در الگوی پست مدرن	مفاهیم اصلی در الگوی تجدیدگرا	مفاهیم اصلی در الگوی درحال گذار	مفاهیم اصلی در الگوی سنتی-عرفی	مفاهیم اصلی در الگوی مذهبی
مفاهیم اصلی در هرگفتمان	مردانه و زنانه بودن کار خانگی/ کار خانگی مانع استقلال و حضور زن در اجتماع/ مخالف زنانه بودن کار خانگی/ حق زندگی/ منافع فردی/ زندگی طبق علاقه/ لزوم استقلال زن/ رفتن به تفریح، ورزش و موسیقی/ پرستار گرفتن/ فرسوده شدن زن/ برابری و تشابه زن و مرد/ لزوم گذاشتن رحم برای مردها/ لزوم توانایی به دنیا آوردن بچه توسط مردها/ بچه دار نشدن مردها نشانه نقص فیزیکی	زنانه و مردانه بودن کار خانگی/ سرخوردگی/ افسردگی/ عقب مانده از جامعه/ برابری زن و مرد/ لطف کردن نه وظیفه/ کلفتی و کنیزی/ مانع آزادی و پیشرفت زن/ رضایت از زندگی/ شیربها/ پیرشدن درخانه/ پول گرفتن/ همکاری و مشارکت/ گریز از کار خانه/ رشد فردی/ لذت بردن/ روابط برابر/ گذراندن عمر به پای همسر و بچه به مثابه عاقبت ناخوشایند/ خانه داری مساوی است با زندانی شدن زن/ عدم ارتباط جنسیت با نقش های اجتماعی	مرد نان آور و زن با اولویت خانه داری/ تعادل بین کار خانگی و بیرون/ کمک خرج بودن/ دوری از افسردگی/ پذیرش کار خانگی در عین احساس دشواری آن/ شأن زن/ همکاری زن و مرد در کار بیرون و خانه/ حضور در جامعه در کنار کار خانه/ خواسته زن در کنار خواسته همسر/ تصمیم گیری مشارکتی در عین پذیرش اقتدار مرد/ اشتغال در اولویت بعد از کار خانگی/ شغل پاره وقت در کنار کار خانگی برای استقلال نسبی/ کار ساده و زنانه	مرد نان آور و زن خانه دار سبب سعادت خانواده/ حضور کم زن در جامعه/ همسر داری به تربیت فرزند توسط زن/ کانون گرم خانواده/ زندگی آرام/ وظیفه همسر داری/ هنر شوهر داری/ رضایت مرد/ روحیه مادری و همسر داری/ بر آوردن نیازهای همسر و فرزندان/ عاشق مادر شدن و بچه دار شدن بقای نسل/ دوری از کار/ محرم اسرار/ لطافت زنانه و قدرت مردانه/ مرد ستون خانه/ تصمیم گیری بهتر مرد	طبق روایات، همسر داری/ مادر مری و در عین حال تحصیل کرده/ تربیت فرزند در عین توجه به رشد فردی/ تربیت نسل/ کار خانگی جهاد زن/ وظیفه اخلاقی زن/ مدیریت اقتصادی زن در عین مدیریت تصمیم گیری مرد/ نان آور/ جامعه مهدوی/ عصر جنگ نرم/ زن انسان ساز/ بانوی منزل/ همکاری برای ایجاد آرامش در خانه/ تصمیم گیری مشورتی/ تعادل بین حق و وظیفه در خانه/ ارتقای فکری زن در خانه/ ساده زیستی زن و کسب رزق حلال توسط مرد/ حضرت زهرا(س) به عنوان الگو

جدول ۳

مقولات اصلی استخراج شده از تحلیل توصیفی گفتمان الگوهای پنج‌گانه خانواده در معنادهی به کار خانگی

نوع خانواده	مقولات فرعی	مقولات اصلی
اصالت فرد	کار خانگی مانع استقلال و حضور زن در اجتماع/ به دنبال منافع فردی بودن به جای کار خانگی/ حق زندگی/ زندگی طبق علاقه/ رفتن برای تفریح، ورزش و آموزش موسیقی به جای کار خانگی/ خروج از محدودیت	کار خانگی مانع استقلال و حضور زن در اجتماع/ به دنبال منافع فردی بودن به جای کار خانگی/ حق زندگی/ زندگی طبق علاقه/ رفتن برای تفریح، ورزش و آموزش موسیقی به جای کار خانگی/ خروج از محدودیت
	مردانه و زنانه بودن کار خانگی/ پرستار گرفتن برای کار خانه/ ورزش و تفریح به جای کار/ تساوی و تشابه حقوق زن و مرد/ فرسوده شدن زن به دلیل کار خانگی/ لزوم حضور زن در جامعه/ لزوم استقلال زن	زن سالاری (تشابه نقش ها)

اصالت فرد	کار خانگی سبب سرخوردگی، افسردگی و مانده از جامعه/ مانع آزادی و پیشرفت زن/ کار خانگی به شرط رضایت از زندگی/ کار خانگی سبب پیرشدن/ گریز از کار خانگی/ رشد فردی زن/ لذت بردن از زندگی	الگوی خانواده تجدیدگرا
روابط دموکراتیک (تساوی نقش‌ها)	زنانه و مردانه بودن کار خانگی/ برابر زن و مرد در کار خانگی/ کار خانگی به عنوان لطف زن نه وظیفه/ کلفتی و کنیزی بودن کار خانگی/ دریافت شیربها و پول به ازای کار خانگی/ لزوم همکاری و مشارکت زن و مرد در کار خانگی/ رابطه دموکراتیک و برابری خواهانه در خانه	
پراکندگی و کشاکش اصالت فرد و جمع	حضور در جامعه در کنار کار خانه/ خواسته زن در کنار خواسته همسر	
پراکندگی و کشاکش نقش‌های جنسیتی	مرد نان آور و زن شاغل با اولویت خانه‌داری/ کمک خرج بودن زن/ همکاری زن و مرد در کار بیرون و خانه/ خواسته زن در کنار خواسته همسر	الگوی خانواده در حال گذار
پراکندگی و کشاکش بین سنت و تجدیدگرایی	تعادل بین کار خانگی و بیرون توسط زن/ کار خانگی در عین تلاش برای دوری از افسردگی/ پذیرش کار خانگی در عین احساس دشواری آن/ کار خانگی در عین حفظ شأن زن/ تصمیم‌گیری مشارکتی در عین پذیرش اقتدار مرد/ اشتغال در اولویت بعد از کار خانگی/ اشتغال زن در عین فرزندداری و همسر داری/ حضور زن در جامعه در کنار کار خانگی/ شغل پاره‌وقت	
اصالت جمع و عرف اجتماعی	ساختن کانون گرم خانواده و زندگی آرام توسط زن/ کسب رضایت مرد/ لزوم برآوردن نیازهای همسر و فرزند/ عاشق مادر شدن و بچه دار شدن/ بقای نسل/ زن محرم اسرار	الگوی خانواده سنتی
تفکیک جنسیتی نقش‌ها	مرد، نان آور و زن، خانه‌دار سبب سعادت خانواده/ حضور کم زن در جامعه/ وظیفه فرزندداری و کار خانگی/ تربیت فرزند/ روحیه مادری و همسر داری در زن/ هنرشوهر داری/ دوری زن از کار/ لطافت زنانه و قدرت مردانه/ مرد ستون خانه/ تصمیم‌گیری بهتر مرد	
اصالت جمع در عین اصالت فرد	مادر مربی و تحصیل کرده/ تربیت فرزند در عین رشد فردی زن/ شغل مناسب برای زن/ اشتغال زن در محیط زنانه بعد از کار خانگی/ کار در محیط فرهنگی/ ارتقا فکری زن در خانه/ تربیت نسل	
عدالت محوری در توزیع نقش‌ها	تقسیم‌بندی کار بیرون و داخل خانه طبق روایات بین زن و مرد/ لذت بردن از همسر/ کار خانگی وظیفه اخلاقی و در عین حال جهاد زن/ مدیریت اقتصادی زن و مدیریت تصمیم‌گیری مرد/ مرد نان آور/ بانوی منزل/ همکاری برای ایجاد آرامش/ تصمیم‌گیری مشورتی/ تناسب بین حق و وظیفه در خانه	الگوی خانواده مذهبی
محوریت و تعیین‌کنندگی دین	تقسیم کار خانگی طبق روایات/ کار خانگی جهاد زن/ تصمیم‌گیری در خانه طبق شرع و قرآن/ زن برای ساختن جامعه مهدوی/ ساده‌زیستی زن و کسب رزق حلال توسط مرد/ الگوگیری از حضرت زهرا(س)/ اشتغال در محیط مذهبی	



نمودار ۱: مقوله‌بندی گفتمان الگوهای خانواده درباره کار خانگی

۲-۴. تحلیل گفتمان تفسیری-تبیینی الگوهای پنج‌گانه خانواده درباره کار خانگی

از نظر فرکلاف پس از گذر از مرحله توصیف متن که نظام معانی جدا از زمینه و شرایط اجتماعی آن بررسی می‌گردد در سطح تفسیری، معناکاوی انجام می‌شود و هدف از این سطح، فهم معانی و کشف جوهر نهفته در گفتمان است؛ تفسیر به دنبال نشان دادن تعامل بین متن و بافت است. (فرکلاف، ۱۳۸۷) از نظر هوارث، معنای کلمات، گفتارها، اعمال و نهادها را با توجه به بافت کلی که اینها بخشی از آن است، می‌توان فهمید. در این بخش برای فهم معانی و کشف جوهر نهفته در گفتمان‌ها و نشان دادن تعامل بین متن و بافت، وجوه اشتراک و افتراق الگوهای پنج‌گانه خانواده شناسایی و توصیف شده است.

۱-۲-۴. تحلیل گفتمان تفسیری-تبیینی الگوی خانواده پست‌مدرن درباره کار خانگی

تغییر نگرش به زندگی خانوادگی بخشی از شکل‌گیری پدیده اجتماعی جدیدی است

که استیسی از آن با عنوان خانواده پست مدرن یاد می‌کند. به نظر وی در دوره‌ای که در آن خانواده‌ها متنوع و سیالند، روابط خانوادگی بحث‌برانگیز، مبهم و معلق خواهد بود (لیبی، ۱۳۹۳). الگوی خانواده پست مدرن متأثر از، نظریه پست مدرنیستی و طرفداران زوال خانواده است. در این نظریه، انسان‌های قرن بیستم دیگر نه با شرایط مدرنیته بلکه با شرایط «پسامدرنیته» زندگی می‌کنند. این جهان پسامدرن بر اثر تأثیراتی همچون رشد جنبش‌های اجتماعی آزادی‌خواهانه، بویژه در اشکال جنسیت (فمینیسم)، به عنوان یک جنبش جهانی) و گرایش جنسی (حقوق مردان همجنس‌گرا) مبتنی است (ریترز، ۱۳۹۰).

پست مدرنیسم، یکپارچگی و محدودیت جامعه سنتی را برهم زده و فضای اجتماعی نفوذپذیر و پاره‌پاره مبتنی بر سیالیت، تفاوت، پارادوکس و شبکه‌ای شدن را ایجاد می‌کند. این گفتمان در فضای جهانی شدن رشد چشمگیری داشته است. چنین وضعیتی، نظام کنش ارزشی را در متن و بطن یک موقعیت خاص، چندلایه، بدیع، متحول و پیچیده قرار داده است (علی احمدی و پوررضا کریم سرا، ۱۳۹۲). از سوی دیگر، الگوی خانواده پست مدرن از پارادایم تفسیری و انتقادی نظریه پردازان فمینیستی (به ویژه نظریه فمینیسم رادیکال و نظریه پردازان ستمگری جنسیتی) و نظریه مدرنیته متأخر گیدنز نیز متأثر بوده است. گیدنز دوره مدرن را شامل دو دوره اولیه و متأخر می‌داند. مدرنیته متأخر با فرایندهای جهانی شدن، سنت‌زدایی و بازاندیشی اجتماعی همبسته است. این شرایط بیش از آنکه با مدل رفتار و سلوک از پیش تعیین شده، عادت‌ی و سنتی ساخته شده باشد به طور روزافزون با اطلاعات ایجاد می‌شود (ر.ک.، لیبی، ۱۳۹۳).

در پژوهش حاضر، با توجه به مباحث فوق و با تفسیر مؤلفه‌های مرتبط با کار خانگی در تجربه زیسته گروه نمونه، سعی شد ساختار و روابط درونی الگوهای خانوادگی کشف و تفسیر شود تا بتوان تجربه تولیدکننده متن (الگوی خانواده پست مدرن) از جهان طبیعی یا اجتماعی را بازنمایی کرد.

مسئله تقسیم کار جنسیتی در خانواده و در جامعه، سهم عمده‌ای از آثار مکتوب و کوشش‌های عملی فمینیست‌ها را به خود اختصاص داده است. در جهت‌گیری رایج فمینیستی این الگوی تقسیم کار نماد آشکار نابرابری جنسی و استثمار زنان از سوی مردان



است و خواستار نسخ آن و جایگزین شدن الگوی مساوات طلبانه می‌باشند. (بستان، ۱۳۹۰) از نظر اوکلی، خودداری از پذیرش خانه‌داری همچون کار، بازناب و همچنین ریشه پایین بودن ارج زنان در جامعه است؛ زیرا خانه‌داری کاری کم‌بها، قدرناشناخته، و رایگان شمره می‌شود، هرچند نیازمند صرف زمان بسیار و انرژی فراوان است. او معتقد است که گام برداشتن به سوی برابری جنسیتی، حتی اگر سدهای قانونی و نهادی برداشته شود، با سدی بزرگ به نام وظایف خانه‌داری زن روبه‌روست. در الگوی خانواده پست مدرن، افراد با زنانه بودن کار خانگی مخالفند و آن را مانع استقلال و حضور زنان در اجتماع دانسته و کار خانگی را نوعی اتلاف وقت می‌دانند و با این برداشت از کار خانگی سعی در تحقیر آن دارند؛ همان‌گونه که فمینیست‌ها نیز مسئله خانه‌داری را به چالش می‌کشند و به دلیل مانع بودن کارخانگی برای حضور زنان در اجتماع و انجام آن به‌تنهایی آن را مانع شکل‌گیری احساس همبستگی میان زنان و دور ماندن از اجتماع می‌دانند (آبوت و والاس، ۱۳۸۳، به نقل از لیبی، ۱۳۹۳).

هیدی هارتمن معتقد است که خانواده جایگاهی است که در آن زن و مرد با علایق و خواسته‌هایی متفاوت با یکدیگر روبه‌رو می‌شوند. از نظر وی چون زنان در خانه نسبت به مردان کار بیشتری انجام می‌دهند کمک ناچیز و گزینشی شوهران در انجام دادن کار خانه به آنها می‌تواند باعث رنجش آنها شود. یکی از علل ضعیف‌تر بودن موقعیت زنان در این‌گونه درگیری‌ها به وابستگی اقتصادی آنها به درآمد شوهرشان مربوط است، به همین علت است که زنان وابسته از قدرت کمتری برخوردارند (لیبی، ۱۳۹۳). به نظر فمینیست‌ها، موقعیت فرودست زن (مادر) نسبت به شوهر (پدر) تا حدی معلول وابستگی اقتصادی است، ولی ایدئولوژی‌های فراگیر خانواده نیز در ایجاد آنها بی‌تأثیر نیست. بنابراین فمینیست‌ها نه فقط فرضیه‌های جامعه‌شناختی درباره خانواده، بلکه باورهای عامیانه را نیز مورد چون و چرا قرار داده‌اند (آبوت و والاس، ۱۳۸۸).

برای فهم این نوع نگرش در تحقیر کار خانگی باید اذعان داشت که در سال‌های اخیر، تمایل زنان به کار و کسب درآمد افزایش یافته و در نتیجه، اشتغال زنان و حضور آنها در بازار کار فزونی یافته است. در کنار این موضوع، نوعی تغییر نگرش نسبت نقش‌های همسری، مادری و حتی کار خانگی ایجاد شده است که نوعی تحقیر این نقش‌ها را به دنبال داشته



است. این تغییر نگرش، از تفکرات فمینیستی و از جوامع غربی به سایر کشورها و از جمله ایران رسوخ کرده است؛ چراکه کار خانگی را عاملی بر وابستگی زن به مرد می‌دانند. در الگوی پست مدرن، زندگی طبقه زن برای کسب منافع فردی توصیه می‌شود. این الگو معتقد است که زن می‌تواند به جای کار خانگی، به تفریح، رفتن به کلاس ورزشی و موسیقی بپردازد؛ زیرا خانه‌داری موجب فرسوده شدن زن می‌شود. نکته قابل توجه در دیدگاه پست مدرن این است که عدم توانایی مردان در به دنیا آوردن فرزند را نقص جنسیتی می‌دانند و می‌گویند که مردان نیز می‌توانند با گذاشتن رحم بچه‌دار شوند.

از نظر سیمون دوبوار چون کار زن در خانه هیچ چیزی تولید نمی‌کند، زن خانه‌دار فرودست، درجه دوم و طفیلی است. به نظر وی، زن نمی‌تواند در خانه وجود خود را پی‌ریزی کند؛ زیرا زن در خانه فاقد ابزارهای مورد نیاز برای بروز استعداد های خود به عنوان یک فرد است و در نتیجه، فردیت او به رسمیت شناخته نمی‌شود. فریدمن، زنانی را که به کار خانگی مشغول می‌شوند قربانیان یک‌گزینه اشتباه می‌خواند و آنها را محکوم به عقب‌ماندگی مستمر می‌داند. وی بر این باور است که پرداختن به کار خانه‌داری محصول فرهنگی است که از زنان خود انتظار رشد ندارد و حاصل آن تلف شدن یک نفس انسانی است. نکته دیگر در مورد تحقیر نقش مادری است؛ سگالن دخالت ایدئولوژی‌های افراطی مروج خودمداری و آسایش طلبی را در رشد منفی جمعیت مؤثر می‌داند. همچنین در نظر فمینیست‌ها، کارکرد تولید مثل و نقش مادری یکی از جایگاه‌های مورد منازعه است. در نظر برخی، تولید مثل و مادری کردن باری بر دوش زنان و بخشی از سرکوبی‌ای است که باید از سر راه زنان برداشته شود. این گروه فمینیست‌ها فناوری‌های جدید که فشار تولید مثل روی زنان را کاهش می‌دهند کلید آزادی زنان دانسته‌اند. اما در مقابل، گروه دیگری بر این باورند که تولید مثل و مادری یکی از بزرگ‌ترین لذت‌های زن بودن است، فقط باید آن را از زیر کنترل جنس مذکر رهانید تا تبدیل به یکی از مثبت‌ترین تجربه‌های زنان شود. از نظر آزاد ارمکی، امروزه در کنار والدین نیز فرزندان مطرح‌اند. در درون خانواده اولین اولویت وارد محیط اجتماعی شدن است نه ازدواج. در صورت اولویت دوم و سوم بودن ازدواج، کارکردهای خانواده فقط فرزندآوری و پرداختن به درون خانواده نیست بلکه خانواده در

تعامل با حیات اجتماعی بزرگ‌تر خودنمایی می‌کند. افراد ازدواج می‌کنند تا بتوانند بهتر در جامعه زیست کنند، اینها همه حکایت از محتوای جدید خانواده دارد (البیسی، ۱۳۹۳).

۴-۲. تحلیل گفتمان تفسیری-تبیینی الگوی خانواده تجددگرا درباره کار خانگی

الگوی خانواده تجددگرا برآمده از ادبیات گفتمانی جامعه مدنی لیبرالیستی در ایران است. گفتمان جامعه مدنی بر مبنای فردگرایی، نفع‌انگاری، عقلانیت و تکثرتگرایی است. این الگو همچنین با اندیشه لیبرالیسم و آگاهی و معرفت‌بازاندیشانه نیز قرابت گفتمانی دارد. یکی از مهم‌ترین گروه‌هایی را که در ترویج خانواده تجددگرای مدنی نقش داشته است، فمینیست‌های ایرانی می‌دانند. (جلایی‌پور، ۱۳۸۲). برخی با تمرکز بر روش جریان فمینیسم در ایران بعد از انقلاب، فراز و نشیب‌های آن جریان را به پنج مقطع تقسیم کرده‌اند که عبارتند از: فمینیسم حاشیه‌ای (اواخر دهه ۵۰ تا اوایل دهه ۶۰)، فمینیسم محفلی (نیمه دوم دهه ۶۰ تا اواسط دهه ۷۰)، فمینیسم مطبوعاتی (اوایل تا اواخر دهه ۷۰)، فمینیسم تشکیلاتی (اواسط دهه ۷۰ تا اوایل دهه ۸۰) و فمینیسم شبکه‌ای (اواسط دهه ۸۰ تا کنون). آنها با نمادهایی مثل هشتم مارس (روز جهانی زن) و ۲۲ خرداد (که در سال ۱۳۸۴ مقابل دانشگاه تهران قانون ایران را قانونی تبعیض‌آمیز و زن‌ستیز معرفی کردند) و فعالیت‌هایی مثل راه‌اندازی انجمن‌ها و سازمان‌های غیردولتی زنانه، نشریات زنانه، حضور فعال در فضای مجازی و سایت‌ها و وبلاگ‌ها و برخی آثار سینمایی با طرح خواسته‌های جنسیتی برابری خواهانه و آزادی خواهانه در جامعه خواستار رفع تبعیض از قوانین جمهوری اسلامی ایران از جمله قانون اساسی بودند (ر.ک.، شمسی و نصیری، ۱۳۹۵).

بر مبنای گفتمان جامعه مدنی در ایران، مهم‌ترین ویژگی خانواده تجددگرا، برقراری روابط مبتنی بر برابری بین حقوق زن و مرد در خانواده برپایه تفاهم و گفت‌وگو، اما بر پایه اصالت فرد است. این الگو از نظریه دموکراسی عاطفی آنتونی گیدنز، نظریه‌های فمینیسم (به‌ویژه قائلان به نابرابری جنسیتی) متأثر است. از نظر گیدنز درباره خانواده امروزی فقط از یک چیز می‌توان سخن گفت و آن دموکراسی است. دموکراتیزه کردن خانواده به مفهوم برابری، احترام متقابل، استقلال، تصمیم‌گیری از طریق برقراری ارتباط و آزادی از خشونت است که بیشتر براساس بحث و گفتگو خواهد بود. به نظر گیدنز این فرآیند عمیق دموکراسی

است که می‌توان گفت در راستای فرایند عمومی‌تر دموکراسی در دولت و حکومت است (ر.ک.، لیبی، ۱۳۹۳).

همان‌طور که ملاحظه می‌شود به‌کار گرفتن برخی اصطلاحات و واژگان متعلق به نظریه‌های فمینیستی و گیدنز در مباحث متعلق به الگوی خانواده مدرن آشکار است. برای مثال، می‌توان به دو عبارت «برابری خواهی» و «روابط دموکراتیک» اشاره کرد که در بازنمایی و بازسازی الگوی خانواده تجدیدگرا آشکار استفاده می‌شوند. (جلابی پور، ۱۳۸۵، به نقل از صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۱). یافته‌های ریموند نشان می‌دهد که جوامع مدرن امروزی در حال گسترش مداوم به سوی فرهنگ گفت‌وگو در زندگی خانوادگی خود می‌باشند (به نقل از لیبی، ۱۳۹۳). با مقدمه‌ای که گذشت، در این بخش همواره باتمركز بر واژه‌ها و نوع کاربرد آن در متن، باید به دنبال تفسیر ساختار و روابط الگوی خانواده تجدیدگرا بود.

در خانواده‌های هسته‌ای، تقسیم کار جنسیتی به شکل بارزی مورد پذیرش قرار گرفته است. فمینیست‌ها از شیوه‌هایی که براساس آن ایدئولوژی سعی می‌کند تعاریف خاصی در مورد طبیعی بودن تفاوت‌های جنسیتی در زندگی خانواده ارائه نماید، نگرانند. آنها علیه ایدئولوژی حاکم که مردان را نان‌آور خانواده می‌داند و زنان را مادر و سرپرست تمام وقت بچه‌ها می‌شناسد، معترضند و می‌گویند که چنین فرضیاتی سبب می‌شود در جمع‌آوری داده‌های پژوهشی نوعی تعصب و سوگیری روی دهد و شناختی نادرست از مسائل خانوادگی به دست آید. از نظر آنها این باورها که اکثر مردم در خانواده‌های هسته‌ای زندگی می‌کنند، زنان به حمایت از شوهرانشان نیازمندند و مادر بودن و وظایف مادری از نقش‌های تحمیل شده به زنان است سبب مشروعیت بخشیدن به فروتری و زیردستی زنان شده است. این باور که انجام دادن کارهای خانه از وظایف زنان است باعث می‌شود نوعی تفکیک جنسیتی در مشاغل خارج از خانه نیز ایجاد شود و در واگذاری شغل‌ها، زنان مشاغل را به دست آورند که شبیه نقش زن بودن یا مادر بودن آنها باشد. حتی پذیرش خانواده هسته‌ای به عنوان یک الگوی برتر باعث می‌شود که زنان همیشه نیازمند حضور مردان در خانه دانسته شوند. بنابراین، ایدئولوژی حاکم بر اندیشه خانواده هسته‌ای بیانگر سلطه مردان بر زنان است. (لیبی، ۱۳۹۳)



در بازنمایی تفسیر و معنادهی تجددگرایان نسبت به کار خانگی می توان گفت که افراد در دیدگاه تجددگرا، با زنانه بودن کار خانگی مخالف و علاقه مند به کار بیرون از خانه اند؛ زیرا کار خانگی را به مثابه کلفتی و کنیزی کردن و آن را سبب سرخوردگی، افسردگی، عقب ماندن و دور ماندن زن از جامعه و از بین رفتن آزادی زن می دانند. آنها خواهان برابری حضور زن و مرد در جامعه و در کار خانگی هستند؛ زیرا مخالف تفکیک جنسیتی در اشتغال و تفکیک کار خانگی بر مبنای نقش های جنسیتی اند. این نوع تفسیر و برداشت از واقعیت با تأمل در واژه هایی که این گروه به کار می برند دور از ذهن نیست. واژه هایی مثل کلفتی، کنیزی، پیرشدن در خانه، سرخوردگی، عقب ماندن از جامعه، افسردگی و... حتی برخی کار خانگی را به مثابه زندانی بودن می دانند و می گویند که موجب عقب ماندگی است.

بتی فریدن از جمله فمنیست هایی بود که زن خانه دار را به یک زندانی محبوس در ندامتگاه سیاسی تشبیه کرده است. فمنیست ها با منطقی فردگرایانه با خانواده برخورد می کنند و معتقدند که دلیلی ندارد زنان، منافع شخصی خود را فدای نهاد خانواده کنند. (سمعی، ۱۳۹۳) فمینیست های منتقد، معتقدند که در بسیاری از خانواده های سنتی، همان تقسیم کار جنسیتی که برحسب فرض باید عامل وفاق و استحکام خانواده باشد به کانون مشاجره های زناشویی و عامل بی ثباتی خانواده تبدیل شده است. شمار زیادی از زنان خانه دار از اینکه بار اصلی کارهای خانگی بر دوش آنان سنگینی می کند و مردان مسئولیت کمتری را در این زمینه می پذیرند، شکایت دارند، ضمن آنکه الگوهای جدید و غیرجنسیتی تقسیم کار در بسیاری از موارد رضایت زناشویی را در پی داشته است. فمینیست ها نیز معتقدند که به طور کلی کارهای ضروری و یکنواخت با زنان است، در حالی که مردان کارهایی انجام می دهند که نیازمند نوآوری است و می توانند سر فرصت آنها را انجام دهند. این تقسیم کار، بیشتر وابسته به آن است که توان طبیعی زن و مرد چه دانسته شود. گفته می شود زنان به طور طبیعی می توانند به خوبی از عهده کارهایی مانند نظافت کردن، دوزندگی، ظرف شویی، خرید روزانه، شست و شو و بچه داری برآیند (آبوت و والاس، ۱۳۸۸). این واقعیت نشان از آن دارد که اگر این نقش ها دارای انتظارهای ناسازگار باشد، ناسازگاری نقش آشکار می شود و بدین سان زن و شوهر، خود را درگیر شرح وظایفی ناهمگون، نابرابر و ناسازگار می بینند.

با توضیحی که گذشت می‌توان در این الگو زنان را افرادی با محوریت کار بیرون از خانه، فردگرا، معتقد به نقش جنسیتی مساوات‌طلبانه و هویت جنسی مدرن، آزادی خواه، اقتدارطلب و زنان شهروند دانست. این تفکرات را می‌توان نتیجه تجددگرایی دانست. تجددگرایی سبب شده است که انسان‌ها از سلطه ارزش‌های سنتی که توسط سایر نظام‌های سنتی، دین و حکومت به آنان تحمیل می‌شود، آزاد شوند.

این تمرکز بر فردیت، نهاد خانواده را زیر فشار قرار داده است و خانواده مانند دیگر نهادهای سنتی، ثبات و استواری خود را از دست داده و به یک نهاد سیال تبدیل شده است. تقسیم کارهای خانواده که به‌طور سنتی، مبتنی بر تقسیم وظایف جنسیتی، بود دیگر جایگاهی ندارد و هم زن و هم مرد به دنبال پیشرفت فردی خود هستند. فرانسویس فوکویاما از دید دیگری به فردگرایی و تضعیف نهاد خانواده در غرب می‌نگرد. دغدغه او بیشتر از دست رفتن سرمایه اجتماعی است که توسط خانواده شکل می‌گیرد. (سمیعی، ۱۳۹۳)

۴-۲-۳. تحلیل گفتمان تفسیری-تبیینی الگوی خانواده درحال گذار درباره کار خانگی

در تقابل بین سنت و مدرنیسم، خانواده همواره در جایگاه نهادی پایا نقش کلید خود را ایفا کرده است. جامعه به مثابه سازه‌ای پویا در دوران گذار از سنت به مدرنیته به سر می‌برد که این گذار، بدون تنش نیست. به یقین، مواجهه و برخورد سنت و مدرنیته با مجموعه‌ای از اختلال‌ها، تنش‌ها و نابسامانی‌ها همراه است. (رک.، علی احمدی و پوررضا کریم‌سرا، ۱۳۹۲) نوگرایی و تجدد به دلیل واسطه‌هایی همچون تحصیلات، شهرنشینی، میزان مسافرت‌های خارجی و تکنولوژی‌های نوین ارتباطی، تحول را در نهاد خانواده پذیرا می‌کند و در یک تقابل دیالکتیکی بین سنت و تجدد، الزام اجتماعی کاهش می‌یابد. در نتیجه، هنجارهای سنتی نیز به شدت تضعیف می‌شوند (علی احمدی، ۱۳۸۸).

امروزه عناصر ساختی و کارکردهای خانواده از وضعیت سنتی به وضعیت مدرن درحال گذار است. ابعاد و سرعت این گذار با سرعت سایر تغییرات و جوه اجتماعی به سوی مدرنیسم و فرهنگ جهانی شدن، مرتبط است. هر گفتمانی برآمده از یک قدرت است. مهمترین منشأ قدرت در این الگو برآمده از قدرت توامان زن و مرد در جامعه است. نظریه پردازان فمینیستی تفاوت جنسیتی (همچون فمینیسم فرهنگی) که تا حدودی تعادل‌گرا و قائل به تفاوت‌های



زن و مرد هستند و آن را متأثر از ساختمان زیستی افراد می‌دانند، می‌توانند از منابع قدرت و حامیان این الگو باشند. پیرو این نظریه جایگاه و تجربه زنان در بیشتر موقعیت‌ها با جایگاه و تجربه مردان در همان موقعیت متفاوت است. (ریتزر، ۱۳۹۰)

با مقدمه‌ای که گذشت و در پی تفسیر گفتمان الگوی خانواده در حال گذار با تمرکز بر واژه‌ها و نوع کاربرد آن در متن، پژوهش حاضر به دنبال آن است تا مشخص نماید که مولد متن در این الگو، جهان اجتماعی و یا طبیعی را چگونه ترسیم می‌کند و بر چه تفسیری از جهان تکیه دارد؟ با برداشتی که افراد در الگوی در حال گذار از خانواده و ساختار و روابط درونی آن دارند، موافق زنانه بودن کار خانگی و معتقد به نان‌آور بودن مرد می‌باشند و ضمن اینکه اولویت را با همسر داری و فرزند داری می‌دانند، اما پس از رسیدگی به کار خانگی می‌توانند در محیطی زنانه کار کنند تا بتوانند به عنوان کمک خرج و کسب استقلال نسبی و همچنین دوری از افسردگی گامی بردارند. البته باید تعادل بین کار خانگی و بیرون ایجاد شود. تجربه و واقعیت‌های اجتماعی نشان داده است که این روند همواره با کشمکش و تضارب آراء زوجین مواجه بوده است؛ زیرا اغلب خانواده‌ها به دنبال روش تلفیقی بین سنت و تجددگرایی هستند و این گذار بدون تنش نبوده است. در این زمینه مقصودی و بستان در پژوهش خود دریافتند که بیشتر مادران شاغل، وظایف اصلی خود را در نگهداری، پرورش، پرستاری، رسیدگی به کارهای آموزشی و همچنین پر کردن اوقات فراغت و تفریح فرزندان خود می‌دانند.

۴-۲-۴. تحلیل گفتمان تفسیری-تبیینی الگوی خانواده سنتی درباره کار خانگی

پیروان خانواده‌گرایی نماینده الگوی خانواده سنتی می‌باشند. جریان خانواده‌گرایی بر نگاه سنتی به خانواده تأکید می‌کند و سعی دارد از تغییرات شدید خانواده جلوگیری کند. در تفسیر خانواده سنتی باید توجه داشت که درک عمومی از جهان در فضای سنتی، کیهان محور و مقدس است. در این نظام، زندگی از طرف اسطوره‌ها و نظام‌های تعریف شده پیشینی سامان مند می‌شود. (گیدنز، ۱۳۸۷) خانواده سنتی به غایت اقتدارگراست، به طوری که مهمترین فرد در خانواده سنتی پدر است. او در همه موارد تصمیم نهایی را گرفته و بقیه اعضای خانواده از او پیروی می‌کنند. ویژگی دیگر خانواده سنتی تقدیرگرایی

است. بدین معنا که فرد در مورد آینده و کنترل آنچه ممکن است برایش پیش بیاید احساس ناتوانی می‌کند. لویس معتقد است که علت گسترش تقدیرگرایی در جوامع سنتی، ساختار غیر دموکراتیک خانواده و بی‌اعتنایی به نظرات و عقاید جوان ترهاست که امکان رویارویی با حقیقت پیش رو را از آنها می‌گیرد و آنها را تابع شرایط بار می‌آورد.

احساسی که هر فرد از موقعیت و جایگاه خود در یک زندگی خانوادگی دارد از قواعد و آداب و رسوم جمعی متأثر است و انتظار از هر فرد متناسب با میزان توانایی او در ایفای نقش‌های خانوادگی است. براساس تفکر خانواده‌گرایی، مراقبت از فرزندان خردسال به طور طبیعی وظیفه زنان است. (لبی، ۱۳۹۳) سیاستمداران محافظه کار در سال‌های اخیر به دلیل علاقه‌شان به خانواده سنتی از دیدگاه «راست نو» حمایت می‌کنند. افکار راست نو، خانواده پدرسالار سنتی را طبیعی و بهنجار می‌داند. در خانواده‌های پدرسالار، تقسیمات کار در خانه اغلب مبتنی بر نقش‌های سنتی جنسی است یعنی، مردان در خارج از خانه کار می‌کنند و زنان در خانه نقش مراقبت‌کننده دارند (استیل و کید، ۱۳۸۸). از نظر این دیدگاه، کمال و سعادت زن متناسب با روحیه و توان زنانه در انجام کار خانگی و برای مردان در انجام کارهای بیرون خانه است و همواره از وظیفه و هنر همسررداری سخن می‌گویند. بنابراین، حضور کمتر زن در جامعه و اشتغال آنها در خانه را خواهانند؛ زیرا زن باید کانون گرم را برای خانواده ایجاد کند پس کار خانگی لازمه زن بودن است.

در غرب، از اوایل قرن نوزدهم خانواده در بین طبقه متوسط شهری از معنا عمیق نمادینی برخوردار شد. مفهوم نمادین خانواده که در اوسط این قرن توسط مردم پذیرفته شد معنایی متفاوتی داشت؛ خانه جایی بود که مردم در آن با هم بودن و شاد بودن را تجربه می‌کردند و این وظیفه‌ای بر دوش زنان بود که خانه را به مثابه مکانی مقدس برای زندگی خانوادگی مهیا کنند. زنان به کشیشان خانه‌داری تبدیل شدند و خانه را برای خانواده به محیطی مطلوب و مایه آسایش و آرامش تبدیل نمودند. زن، خانه و خانواده در مقابل جهان ناامن صنعتی قرار گرفت و در این تقسیم کار جدید، کار بیرون از خانه برای زنان امری ناپسند تلقی شد. پذیرش خانه به مثابه مکانی خصوصی به تعریف جدید از زن به عنوان کسی که محدود به حوزه خصوصی است، منجر گردید؛ تعریفی که در آن بر نقش

زن در جایگاه همسری خانه‌دار و مادری و وظیفه‌شناس تأکید می‌شد. (لبیبی، ۱۳۹۳)

بی‌تردید اسطوره نقش مادری که ریشه در زیست‌شناختی دارد و به اسطوره‌ای فرهنگی بدل شد که همه بار مسئولیت بچه‌دار شدن را بردوش مادر افکنده و مسئولیت پدر را نادیده گرفت؛ درحالی‌که اسطوره نقش پدر فقط به نان‌آور، سیاست‌گذار و تنبیه‌کننده کاهش یافت. از مردان و زنان انتظار می‌رود پس از ازدواج نقش‌های ویژه بپذیرند که وظایف مربوط به آن نقش‌ها بر پایه کلیشه‌های جنسیتی تعیین شده و جامعه نیز آن را حمایت می‌کند. در نقش‌های مبتنی بر جنسیت کارخانگی و وظیفه زنان دانسته می‌شود و خانه به جای اینکه جایگاه تولید کالا باشد به جایگاهی برای مصرف تبدیل می‌شود. به تدریج که کار واقعی فقط به معنی کاری که در قبال آن مزد دریافت می‌شود، تعریف شد کار خانگی نامرئی گردید (گیدنز، ۱۳۸۴).

در الگوی سنتی، مرد با مدیریت خانه و کار بیرون و زن با کار خانگی سبب استحکام خانواده می‌شود. در این الگوی زنان باید با محوریت کار خانگی و هویت جنسیتی زنانه زندگی کنند تا خانواده‌ای سازگار ایجاد شود. برخی جامعه‌شناسان کارکردگرا نیز بر این باورند که الگوی تقسیم کار جنسیتی که وظائف شغلی و رهبری خانواده را بر عهده مرد و وظایف خانه‌داری را بر عهده زن قرار می‌دهد، نقش مهمی در حفظ وحدت و انسجام خانواده هسته‌ای معاصر دارد و چنانچه زنی که ازدواج کرده است نقش نان‌آوری را برعهده بگیرد، خطر رقابت با شوهرش به میان می‌آید که این موضوع برای وحدت و هماهنگی خانواده بسیار زیان‌آور است. (بستان، ۱۳۹۰) پارسونز معتقد است: «ایفای نقش‌های تخصصی مردانه و زنانه به دوام خرده نظام خانواده در چارچوب نظام اجتماعی کمک می‌کند». پارسونز با نگاهی کارکردگرایانه موافق تقسیم نقش‌های جنسیتی در خانه است و بین نقش‌های زنانه و مردانه تمایز قائل است و آنها را به دو بخش تقسیم می‌کند: نقش‌های ابزاری که توسط مردان سرپرست خانواده انجام می‌شود و نقش‌های بیانی که توسط زنان اجرا می‌گردد. براساس نظر پارسونز، این نقش‌ها مبتنی بر طبیعت متفاوت زیستی زن و مرد است. بنابراین، برای سلامت و رفاه جامعه و خانواده کارکرد دارد و مفید است (استیل و کید، ۱۳۸۸).

۴-۲-۵. تحلیل گفتمان تفسیری-تبیینی الگوی خانواده مذهبی درباره کار خانگی

علاوه بر ارزش‌ها و ابعاد اخلاقی خاص و محلی جوامع درباره خانواده، دولت‌ها نیز نقش تعیین‌کننده‌ای در زمینه مدیریت و سیاست‌گذاری خانواده دارند. باتوجه به این واقعیت که نظام جمهوری اسلامی بنیان تمام سیاست‌گذاری خود بر جهان‌بینی دینی و حمایت از ارزش‌های مذهبی قرار داده است و خانواده از ارکان این جهان‌بینی است، امروزه سیاست خانواده در ایران دارای جهت‌گیری دینی مشخصی است. در این دیدگاه، تمام سیاست خانواده بر این اصل استوار است که باید از تمامیت خانواده در مقابل تغییرات دفاع کرد. به اعتقاد صاحب‌نظران، از عوامل مهم سقوط جایگاه خانواده در جهان غرب و جوامع غرب‌زده، فرایند عرفی شدن و تقدس‌زدایی است که افزون بر تأثیر بر دیگر حوزه‌های حیات اجتماعی بر نهاد خانواده نیز اثرگذار بوده است. بنابراین، می‌توان فرض کرد که معکوس شدن این فرایند یعنی، حرکت جامعه به سوی دینی شدن و حاکمیت معیارهای دینی بر نهادهای اجتماعی (که برخی جامعه‌شناسان دین، اصطلاح سکولارزدایی را در مورد آن به کار برده‌اند) تأثیر مثبتی بر تقویت جایگاه خانواده خواهد داشت (بستان، ۱۳۹۰). مروجین این الگو با اشاره به ضرورت شکل‌گیری رفع آسیب در بخش‌های مختلف نهادها و سازمان‌های نظام اجتماعی در ایران، معتقدند که باتوجه به وجود مشکلاتی که بخش زیادی از آن ناشی از هجمه‌های فرهنگی و رسانه‌ای تمدن غرب است و خطر نفوذ این هنجارها در لایه‌های فرهنگی و ارزشی جامعه وجود دارد، لازم است تا ضمن مقابله با ابعاد تهدیدکننده هنجارها و ارزش‌های موجود در گفتمان‌های غربی از جمله فردگرایی، انسان‌محوری، اصالت سود، مادی‌گرایی، اصالت لذت و... به بازسازی سبک زندگی ایرانی-اسلامی اقدام کرد. خانواده از برجسته‌ترین وجوه واقعیت اجتماعی یک جامعه اسلامی است (نصر، ۱۳۸۴). از این رو، لازم است سبک زندگی ایرانی-اسلامی (که خانواده در مرکز آن است) در لایه‌های مختلف خرده‌نظام اجتماعی شکل گیرد. این گروه با انتقاد از جامعه، همواره به دنبال آسیب‌شناسی جامعه و رسیدن به جامعه سالم و طبیعی می‌باشند و از ملاک قراردادن جامعه که ممکن است خودش نیز دچار بحران باشد؛ خودداری می‌کنند و ملاک رسیدن به یک جامعه مطلوب را دستورات دین می‌دانند نه نیازها، خواسته‌ها و اقتضائات کنونی جامعه بدون در نظر

گرفتن خواست و اراده الهی. از مهمترین راهبردها و استراتژی‌های این جریان برای مقابله با گفتمان‌های رایج غربی (از جمله لیبرالیسم، سوسیالیسم و گفتمان‌های التقاطی دیگر)، گفتمان‌سازی است (صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۱).

الگوی خانواده مذهبی، الگویی برآمده از ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و دینی با قالبی ملی است. این جریان معتقد است که باتوجه به جامعیت اسلام، تمامی مؤلفه‌های لازم برای زندگی اجتماعی در آموزه‌های این دین وجود دارد. (مطهری، ۱۳۸۵) بر مبنای این الگو، پویایی نهفته در اسلام که برگرفته از فقه پویاست دستورالعمل‌های مناسب برای رسیدن به یک خانواده سعادت‌مند را در تمامی زمان‌ها دارد. الگوی خانواده مذهبی متعلق به گفتمان سبک زندگی ایرانی - اسلامی (پیشرفت و تمدن اسلامی) است که به دنبال سبک پیشرفت با مؤلفه‌های هویتی سازگار با جامعه ایرانی می‌باشد و برخی معتقدند که تحقق خانواده ایرانی - اسلامی راهی به سوی ایجاد تمدن ایرانی - اسلامی است. این گفتمان از سوی نهاد سیاسی و با همکاری نخبگان دانشگاهی و حوزوی در ایران ترویج می‌شود و از طریق رسانه ملی به عرصه عمومی جامعه نفوذ کرده است به نحوی که در بسیاری از سازمان‌ها به دنبال سخنان مقام معظم رهبری (مدظله العالی) با مضمون الگوی پیشرفت و سبک زندگی ایرانی - اسلامی همایش‌هایی برگزار شده است (ر.ک.، صادقی فسایی و عرفان منش، ۱۳۹۱).

حضور مادری که مربی، تحصیل کرده و دین دار است از جمله ویژگی‌های مهم خانواده در الگوی مذهبی است. باتوجه به اینکه تداوم نسل از کارکردهای مهم خانواده است در الگویی که اسلام ارائه داده است، مراقبت خانوادگی بر مراقبت غیرخانوادگی و مراقبت مادرانه بر مراقبت توسط غیر مادر ترجیح داده شده است، هرچند این ترجیح‌ها به مقدار کافی نباشد. (بستان، ۱۳۹۰) عده‌ای مقصود از ازدواج را تولید نسل می‌دانند، درحالی که آنچه به ازدواج مشروعیت می‌بخشد اصول اعتقادی و اخلاقی و قوانین ناظر بر روابط جنسی است و در چارچوب حقوقی و شرعی، ازدواج ریشه در مفاهیم بسیار متنوع اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی دارد. از دیدگاه اسلام، الگوی تقسیم کار جنسیتی در خانواده به دلیل هماهنگی با ویژگی‌های طبیعی زن و مرد و کارکردهای مثبت جسمی و روحی آن برای همسران سبب استحکام پیوند خانوادگی می‌شود. با وجود این، دخالت عوامل فرهنگی می‌تواند اثربخشی

این عامل را تضعیف کند و شاهدهی که منتقدان به آن استناد می‌کنند بر پایه همین نکته قابل توضیح است؛ یعنی مشاجره‌های زناشویی ناشی از تقسیم کار جنسیتی در خانواده، وضعیتی عارضی است که علت آن را باید در تغییرات ارزشی جوامع جدید و نه در ذات این نوع تقسیم کار، جستجو کرد (بستان، ۱۳۹۰).

زن در الگوی مذهبی، انسان‌ساز دانسته شده و نقش مهم تربیت فرزند به وی سپرده شده است. براین اساس، مادران تربیت‌کنندگان نسل‌ها و فرهنگ‌ها می‌باشند. در تبیین نهاد خانواده در ایران باید گفت که نهاد خانواده در کنار نهاد دین و دولت همواره سازنده جامعه ایرانی بوده است. با وجود شروع توسعه نهادی از آغاز قرن بیستم، این سه نهاد همچنان شکل دهنده ساختار و روابط اجتماعی جامعه ایران است. نهاد خانواده از گذشته تا عصر حاضر از نظر ساختاری و کارکردی اعتبار داشته و دارد. در این نهاد، افراد ضمن حفظ نسل، وظیفه تربیت فرزندان و مراقبت و حمایت از بزرگسالان و حفظ میراث فرهنگی و دینی را نیز بر عهده دارند. به عبارتی، هر نوع تغییری در جامعه ایرانی ریشه در خانواده دارد. اصلی‌ترین تغییرات در نظام اجتماعی ایران، یا به واسطه خانواده محقق شده است یا جهت‌گیری آن معطوف به خانواده می‌باشد. (لبیبی، ۱۳۹۳)

در مورد اشتغال زنان که بر کارکرد مراقبتی خانواده تأثیرهایی برجای گذاشته است، این نکته قابل توجه است که اسلام با چشم‌پوشی از برخی محدودیت‌های شغلی که به دلیل تفاوت‌های طبیعی زن و مرد و حفظ عفت عمومی است، با اصل اشتغال زنان مخالفتی ندارد بلکه اگر شرایطی پیش آید که زن ناگزیر شود از بین اشتغال و خانه‌نشینی بی‌ثمر یکی را برگزیند، اشتغال وی ارجحیت خواهد داشت. همچنین اسلام به دلیل اهمیت ویژه‌ای که برای پرورش نسل قائل است، اشتغال مادران را در صورت تعارض با ایفای نقش مادری تأیید نمی‌کند و تأکید صاحب‌نظران مسلمان بر اهمیت نقش مادری و اولویت آن نسبت به اشتغال از این دیدگاه برخاسته است. نکته مهم دیگر اینکه درحالی‌که اسلام انگیزه‌های مانند زیاده‌خواهی، رفاه‌طلبی بی‌حد و مرز، دست‌یابی به تشابه کامل با مردان و رقابت با شوهران را در اشتغال زنان مردود می‌شمارد به انگیزه‌های مشروعی مانند رفع نیازهای اقتصادی خانواده، کسب عزت نفس، کمک به نیازهای جامعه و تضمین ایمنی برای آینده

خود و خانواده با احترام می‌نگرد.

اسلام به تقسیم کار جنسیتی نگاهی هنجاری دارد. درباره نگاه هنجاری اسلام به الگوی تقسیم کار جنسیتی می‌توان گفت که اسلام، اصل این الگو را با قطع نظر از حدود، شرایط و میزان مطلوبیت آن تأیید کرده است. برای نمونه، در روایتی آمده است: حضرت علی علیه السلام و حضرت فاطمه علیها السلام در مورد تقسیم وظائف خانه میان خود از رسول خدا صلی الله علیه و آله درخواست داوری کردند. رسول خدا صلی الله علیه و آله وظایف داخل خانه را به فاطمه علیها السلام و وظائف خارج خانه را به علی علیه السلام واگذار کرد. همچنین این نکته که زنان در سازمان اجتماعی جامعه اسلامی دچار برخی محدودیت‌ها در ناحیه کسب و کار در خارج از منزل هستند، در برخی روایات یک واقعیت اجتماعی در نظر گرفته شده است، بدون آنکه موضعی منفی نسبت به آن اتخاذ شود (ر.ک.، حر العاملی، بی تا ۲۰/۱۲۳).

جدول ۴

تفسیر ثانویه گفتمان الگوی پنج‌گانه خانواده در معنادهی به کار خانگی

مؤلفه‌های تحلیل	خانواده پست مدرن	خانواده تجددگرا	خانواده در حال گذار	خانواده سنتی	خانواده مذهبی
مفصل بندی	حول مفاهیم: اصالت فرد و و زن سلاری است.	حول مفاهیم: اصالت فرد و روابط دموکراتیک و برابری خواهانه است.	حول مفاهیم: پرانکندگی و کشاکش اصالت فرد و جامعه و پرانکندگی و کشاکش نقش‌ها و پرانکندگی و کشاکش بین سنت و تجددگرایی است.	حول مفاهیم: اصالت جمع و فرد، عدالت محوری و محوریت و تعیین‌کنندگی دین است.	حول مفاهیم: اصالت جمع در عین اصالت فرد، عدالت محوری و محوریت و تعیین‌کنندگی دین است.
دال مرکزی	تشابه نقش‌ها	زنانه و مردانه بودن نقش‌ها	کشاکش نقش‌ها	تفکیک نقش‌های جنسیتی	تناسب وظایف و حقوق
ابعاد (دال‌های شناور تثبیت شده)	استقلال زن/ حضور در اجتماع/ مخالف کار خانگی/ پیشرفت فردی/ تفریح و ورزش/ تشابه در وظایف و حقوق	سرخوردگی/ افسردگی/ عقب مانده از جامعه/ برابری زن و مرد/ کلفتی و کنیزی/ مانع آزادی و پیشرفت زن/ شیربها/ پیرشدن در خانه/ رشد فردی/ لذت بردن	مرد نان آور و زن با اولویت خانه‌داری/ تعادل بین کار خانگی و بیرون/ پذیرش کار خانگی در عین احساس دشواری آن/ حضور در جامعه در کنار کار خانه/ شغل پاره وقت در کنار کار خانگی برای استقلال نسبی/ کارساده و زنانه	مرد نان آور و زن خانه‌دار/ سبب سعادت خانواده/ حضور کم زن در جامعه/ همسر داری و تربیت فرزند توسط زن/ کانون گرم خانواده/ هنر شوهر داری	طبق روایات/ همسر داری/ مادری که مربی و در عین حال تحصیل کرده است/ تربیت فرزند در عین توجه به رشد فردی/ کار خانگی/ جهاد زن است/ وظیفه اخلاقی زن/ همکاری/ تعادل بین حق و وظیفه/ ارتقا فکری زن در خانه

اسم‌سازی	تشابه نقش‌های زن و مرد	تساوی نقش‌های زن و مرد	کشاکش نقش‌ها	نقش‌های جنسیتی	تناسب نقش و وظیفه
برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی	برجسته‌سازی حق آزادی نامحدود انسان و اصالت فرد و تشابه جنسیتی/ به حاشیه‌راندن اصالت جمع و عرف‌گرایی	برجسته‌سازی اصالت فرد و برابری/ به حاشیه‌راندن اصالت جمع و پدرسالاری و نابرابری جنسیتی	برجسته‌سازی همدلی و مشارکت و تفاهم/ به حاشیه‌راندن زن سالاری یا مردسالاری	برجسته‌سازی عدالت جنسیتی دین‌مدارانه و اصالت توأمان فرد و جامعه/ به حاشیه‌راندن اصالت فرد و جامعه به‌تنهایی و نگرش‌ها و عملکردهای ضد ارزشی	برجسته‌سازی عدالت جنسیتی دین‌مدارانه و اصالت توأمان فرد و جامعه/ به حاشیه‌راندن اصالت فرد و جامعه به‌تنهایی و نگرش‌ها و عملکردهای ضد ارزشی

۴. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بازنمایی و تفسیر گفتمانی الگوهای خانواده ایرانی از نظر نوع نگرش نسبت به کار خانگی در تجربه زیسته دختران مجرد، به روش کیفی از نوع تحلیل گفتمان مبتنی بر پارادایم تفسیرگرایی انجام شد. بدین منظور با بهره‌گیری از چارچوب نظری جامعه‌شناسی تفسیر و نظریه‌سازه اجتماعی دیوید چیل، پنج الگوی خانواده ایرانی یعنی، خانواده پست‌مدرن، خانواده تجددگرا، خانواده درحال‌گذار، خانواده سنتی و خانواده مذهبی بازنمایی شد. برای بررسی و مقایسه الگوهای خانواده از عناصر تحلیلی مفصل‌بندی، دال مرکزی، دال‌های شناور، اسم‌سازی، برجسته‌سازی و حاشیه‌رانی استفاده شد. در مقایسه پنج الگوی مذکور بر مبنای نوع نگرش به نقش‌های جنسیتی می‌توان گفت که الگوی خانواده پست‌مدرن در حوزه مؤلفه فوق‌عرف و قانون‌گریز است و با تأثیر از تفکرات فمینیستی (طرفداران ستمگری جنسیتی) نسبت به وضعیت زنان در جامعه معترض بوده و فردگرا، لذت‌گرا، زن‌سالار است و سعی در ارائه نگرش و عملکردی برخلاف وضعیت و عرف و هنجار موجود در عرصه کار خانگی دارد. همچنین با ارائه الگویی متفاوت، متنوع، سیال و متغیر از کار خانگی و نقش خانه‌داری، همواره در تعارض با قدرت حاکم در جامعه است، اما در لایه پنهان جامعه نهفته شده و قدرت بروز و ظهور رسمی و علنی ندارد. الگوی خانواده تجددگرا که مبتنی بر ویژگی‌هایی همچون تساوی و تشابه زن و مرد، برابری خواهی، آزادی، رفاه‌طلبی، فردگرایی، مصرف‌گرایی و خردگرایی است برخلاف داشتن مؤلفه‌های به‌ظاهر مثبت، نقاط ضعفی را دارد. در این نوع خانواده‌ها، تقدم جامعه بر



خانواده مفروض است و روابط دموکراتیک در جامعه بر روابط خصوصی و صمیمانه خانواده اثرگذار است. این خانواده‌ها مهمترین هدف خود را پرورش فرزندان با ارزش‌های مدنی جامعه می‌داند (جلایی‌پور، ۱۳۸۲) و علاوه بر آن فرد بر جامعه و خانواده تقدم دارد. به نظر می‌رسد در چنین شرایطی خانواده حیاتی مستقل از جامعه ندارد و تابعی از شرایط و اوضاع جامعه و عرصه عمومی است. همچنین این الگو با زمینه هویت فرهنگی ایران انطباق کامل ندارد و به جای خانواده به اصالت فرد تأکید دارد.

الگوی خانواده در حال گذار که مبتنی بر قدرت توأمان زن و مرد، و فرد و جمع در جامعه است قائل به تفاوت‌های بین زن و مرد است و این تفاوت را متأثر از ساختمان زیستی افراد می‌داند؛ همچون نظریه‌های تفاوت جنسیتی. (ریترز، ۱۳۹۰) در این بین، جامعه و خانواده به مثابه یک سازه پویا در دوران گذار از سنت به مدرنیته به سر می‌برد. این گذار، بدون تنش و با روالی نرم نیست و به یقین مواجهه و برخورد سنت و مدرنیته با مجموعه‌ای از اختلال‌ها، تنش‌ها و نابسامانی‌ها همراه است. در این بین، فرد در مورد مسئله کار خانگی دنبال یافتن و خلق الگویی بینابینی از سنت و تجددگرایی است به طوری که گاهی به روش سنتی و گاه به روش تجددگرایی عمل می‌کند که این موضوع سبب ایجاد سردرگمی در فرد می‌شود؛ زیرا در کشمکش و تعارض برای یافتن راه حلی بینابینی قرار دارد.

الگوی خانواده سنتی قدرت خود را از پدرسالاری گرفته است و نقش‌های جنسیتی از الگوی مشخص سنتی تبعیت می‌کند. در این الگو، فرد نقش حداقلی دارد و عرف اجتماعی تعیین‌کننده نقش اوست. در این الگو، اغلب کار خانه را زن انجام می‌دهد و نوعی تفکیک نقش‌های جنسیتی وجود دارد که البته این الگو در حال اضمحلال است.

در الگوی مذهبی که الگویی پیدا و همسو با نظام قدرت است و رسانه نیز سعی در ترویج آن دارد. مؤسسات و نهادهای دولتی و خصوص سعی دارند با این الگو که از دین و سبک زندگی اسلامی نشئت می‌گیرد، همراهی کنند. این الگو دارای نکات مثبت بالقوه‌ای است که باید در جامعه جاری و ساری شود. ویژگی‌هایی اصلی این الگو عبارتند از: عدالت‌محوری، اصالت جمع در عین اصالت فرد، معرفی الگوهای دینی، پویایی، امکان تطابق با شرایط، مورد حمایت و هم‌نو با ساختارهای اجتماعی بودن، توجه به خواسته‌های فردی با در نظر

گرفتن سعادت دنیوی و اخروی، خانواده‌گرایی، تأکید بر مشورت و اخلاق محوری. بی‌تردید اگر زمینه تحقق چنین الگویی فراهم شود از رخداد بسیاری از تنش‌های خانوادگی می‌توان پیشگیری کرد؛ زیرا عدالت و تناسب جنسیتی در حقوق و وظایف افراد در این الگو در نظر گرفته می‌شود.

در نهایت می‌توان اذعان داشت که هریک از الگوهای گفتمانی خانواده متأثر از خاستگاه‌های متنوع و گفتمان‌های پیدا (همسو با قدرت سیاسی) و پنهان (متعارض با قدرت سیاسی) است که متناسب با تحولات اجتماعی و فرهنگی جامعه ظهور یافته‌اند و برخلاف پاره‌ای از ویژگی‌های مثبتی که دارند هر کدام با آسیب‌هایی مواجه است، اما الگوی مذهبی را می‌توان الگویی مناسب از گفتمان خانواده معرفی کرد. با این حال، لزوم آسیب‌شناسی شیوه فعلیت یافتن این الگو در جامعه کنونی ضروری به نظر می‌رسد؛ زیرا عدم تحقق کامل آن در جامعه به دلیل معرفی نادرست آن با روش‌هایی غیر علمی نتوانسته است جوانان به‌ویژه طرفداران سایر الگوهای گفتمانی خانواده را با خود همسو نماید.

فهرست منابع

- استیل، لیز، و کید، واردن (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی مهارتی خانواده. مترجم: سیدی، فریبا، و کمالی، افسانه. تهران: انتشارات دانشگاه الزهرا.
- آبوت، پاملا، و والاس، کلر (۱۳۸۸). جامعه‌شناسی زنان. مترجم: نجم عراقی، منیژه. تهران: نشر نی.
- برناردز، جان (۱۳۸۴). درآمدی به مطالعات خانواده. مترجم: قاضیان، حسین. تهران: نشر نی.
- بستان (نجفی)، حسین (۱۳۹۰). خانواده در اسلام. قم: انتشارات پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- جلایی پور، محمدرضا (۱۳۸۲). چشم‌انداز خانواده. نشریه بازتاب/اندیشه، ۴۴ (-)، ۲۱-۳۳.
- جمشیدی هاف غلامرضا (۱۳۹۲). نگرش جامعه‌شناختی بر تأثیر فرهنگ مدرن از منظر جنسیتی بر تحولات خانواده در تهران. نشریه زن در فرهنگ و هنر، ۲ (۵)، ۱۸۳-۱۹۸.
- چیل، دیوید (۱۳۸۸). خانواده‌ها در دنیای امروز. مترجم: لیبی، محمد مهدی. تهران: نشر افکار.
- حاتمی ورزنده، ابوالفضل (۱۳۹۴). تدوین الگوی پایدار رضایتمند و بررسی اثربخشی برنامه مداخله‌ای مبتنی بر آن. رساله دکتری مشاوره. دانشگاه عالمه طباطبایی. تهران.
- حزاعلی، محمدبن الحسن (بی‌تا). وسائل الشیعه. تهران: المکتبه الاسلامیه.
- حسین‌زاده، کاظم (۱۳۹۶). لزوم بازنگری در مفهوم سلامت و ابعاد آن از منظر دین اسلام. نشریه پژوهش در دین و سلامت، ۲ (۳)، ۱-۷.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه‌شناسی در دوران معاصر. مترجم: ثلاثی، محسن. تهران: نشر علمی.
- ریتزر، جرج (۱۳۹۰). نظریه‌های جامعه‌شناسی مدرن. تهران: نشر علمی.
- سمیعی، محمد (۱۳۹۳). خانواده در بحران. تهران: انتشارات اطلاعات.
- شمسی، عبدالله، و نصیری، علی اصغر (۱۳۹۵). جریان‌شناسی فکری و فرهنگی فمینیسم در ایران معاصر. قم: مزمز هدایت.
- صادقی فسایی، سهیلا، و عرفان منش، ایمان (۱۳۹۱). وضع‌شناسی و تحلیل گفتمان نظریه‌پردازی‌های

- اجتماعی از الگوی خانواده مطلوب در ایران. نشریه مطالعات راهبردی زنان، ۵۸(-)، ۲۷-۴۸.
۱۶. علی احمدی، امید (۱۳۸۹). تحولات معاصر خانواده در شهر تهران. تهران: نشر شهر.
۱۷. علی احمدی، امید (۱۳۸۸). تحولات خانواده در صد سال اخیر. تهران: نشر شهر.
۱۸. علی احمدی، امید... و ناصرپور کریم سرا، رضا (۱۳۹۲). تهدیدهای خانواده و تقابل سنت و مدرنیسم. کتاب ماه علوم/ اجتماعی، ۶۴(-)، ۱۲-۲۱.
۱۹. فان دایک، تون آدریانوس (۱۳۸۲). مطالعاتی در تحلیل گفتمان. مترجم: ایزدی، پیروز. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۲۰. فرکلاف، نورمن (۱۳۸۷). تحلیل انتقادی گفتمان. مترجم: شایسته پیران، فاطمه. تهران: دفتر مطالعات و توسعه رسانه.
۲۱. کریمی ثانی، پرویز.، احمایی، کبری.، اسماعیلی، معصومه.، و فلسفی نژاد، محمدرضا (۱۳۹۱). عوامل تعیین کننده موفقیت ازدواج: یک مطالعه کیفی. نشریه پژوهش های مشاوره، ۴۵(۱۲)، ۷۵-۹۳.
۲۲. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). پیامدهای مدرنیته. مترجم: ثلاثی، محسن. تهران: نشر مرکز.
۲۳. گیدنز، آنتونی (۱۳۸۷). تجدد و تشخیص. مترجم: موفقیان، ناصر. تهران: نشر نی.
۲۴. لیببی، محمد مهدی (۱۳۹۳). خانواده در قرن بیست و یکم. تهران: نشر علم.
۲۵. مجلسی، محمدباقر (۱۹۸۳ ه.ق). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الوفاء.
۲۶. مددیپور، محمد (۱۳۸۲). صورت های نوعی گسست نسلی و فرهنگی: نگاهی به پدیده گسست نسلی ها. تهران: پژوهشکده علوم انسانی و اجتماعی.
۲۷. مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). نظام حقوق زن در اسلام. تهران: انتشارات صدرا.
۲۸. نصر، سیدحسین (۱۳۸۴). جوان مسلمان و دنیای متجدد. مترجم: اسعدی، مرتضی. تهران: طرح نو.
۲۹. هراتیان، عباسعلی.، جان بزرگی، مسعود.، سالاری فر، محمدرضا.، و رسول زاده طباطبایی، سیدکاظم (۱۳۹۹). شناسایی عوامل ثبات زناشویی در جامعه ایرانی- اسلامی با رویکرد فرا ترکیب. نشریه پژوهش نامه اسلامی زنان و خانواده، ۲۰(۸)، ۷۵-۹۴.
۳۰. یورگنس، ماریان.، فیلیپس، لوئیز (۱۳۸۹). نظریه و روش در تحلیل گفتمان. مترجم: جلیلی، هادی. تهران: نشر نی.
31. Cheal, D. (1993). Unity and difference in postmodern families. *Journal of family Issues*, 14, 5- 19.
32. Hakim, C. (2018). *Models of the Family in Modern Societies Ideals and Realities*. London: Routledge
33. Nobel, T. (1998). post modernity and family theory. *International Journal of comparative sociology*, 39, 257- 276.

The Islamic Journal of Women and the Family Quarterly Journal

10st Year / no.29 / Winter 2023

ISSN: 2538-4085

EISSN: 2717-6190

Proprietor: Al-Mustafa International University
Published: BintulHoda Higher Education Complex
Chief Director: Seyed Mahmod Kaveyani
Editor-in-Chief: Ali NaqiFaqihi

Members of the Editorial Board (in alphabetical order)

Hamid Parsania / Associate Professor of Philosophy, Faculty Member of University of Qom
Masoud Janbozorgi, Professor of Psychology, Faculty Member of Research Institute of Hawzah and University
Farah Ramin / Professor of Philosophy and Islamic Theology, Faculty Member of University of Qom
Adel Sarikhani, Professor of Criminal Law and Criminology, Faculty Member of University of Qom
Mohammad Mahdi Safouraei Parizi, Associate Professor of Educational Psychology, Faculty Member of Al-Mustafa
International University
Jamileh Alamolhoda, Associate Professor of Educational Sciences and Psychology, Faculty Member of Shahid
Beheshti University
Mohammad Faker Meibodi, Professor of Quranic Interpretation and Sciences, Faculty Member of Al-Mustafa
International University
Ali Naghi Faghihi, Associate Professor of Educational Psychology, Faculty Member of University of Qom
Hussein Ghamari Givi, Professor of Counseling, Faculty Member of University of Mohaghegh Ardabili
Mohammad Mahdi Gorjian Arabi, Professor of Islamic Mysticism and Quranic Sciences, Faculty Member of Baqir
al-Olum University
Mohsen Malek Afzali, Professor of Jurisprudence and Principles of Law, Faculty Member of Al-Mustafa International
University
Mohammad Narimani, Professor of Psychology, Faculty Member of University of Mohaghegh Ardabili

Director Editor: Sara Shafe'i

Editor: Zahra Shafe'i

Translators of Abstracts: Kamal BarzegarBafroie

Technical Advisor & Layout: Sahar Printing & Graphic House

"The Islamic Journal of Women and the Family" is accessible online on the following
websites:

- | | |
|---|---|
| 1. Islamic World Science Citation Center(ISC) | www.isc.gov.ir |
| 2. Noor Journals Website | www.noormags.ir |
| 3. Iran Magazine Data Bank | www.magiran.com |
| 4. Scintific Information Database | www.SID.ir |
| The Journal Webpage | http://pzk.journals.miu.ac.ir |
| Email: iswf.mags@miu.ac.ir | |

Address: Bent al-Hoda University, The Beginning of Imamat Boulevard, Pardisan,
Qom

Office Telephone: 00982537183300 Postal code: 37166-64462